www.noorfatemah.org

آثار و پیامدهای

حجاب

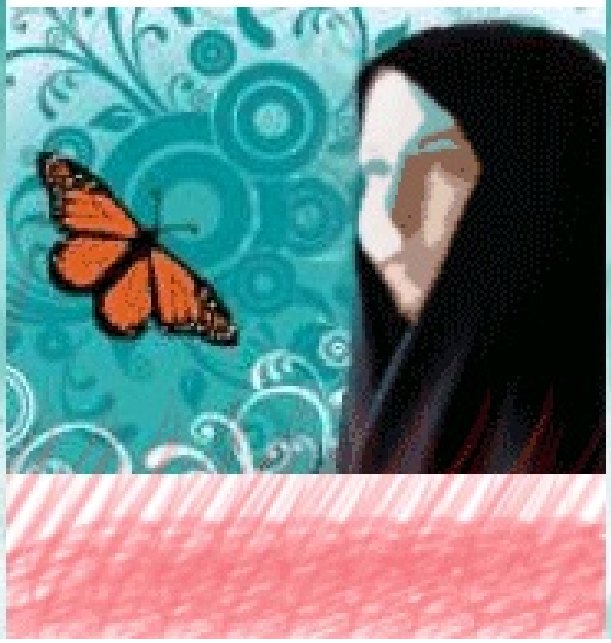

www.noorfatemah.org

بسم الله الرحمن الرحیم

www.noorfatemah.org

آثار و پیامدهای حجاب

نویسنده:

محمدحسین درافشان

ناشر چاپی:

پیام زن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

www.noorfatemah.org

فهرست

فهرست ----- ۵
آثار و پیامدهای حجاب ----- ۷
مشخصات کتاب ----- ۷
حجاب به زن حرمت می بخشد ----- ۷
حجاب، رسانه‌های جمعی و هویت ما ----- ۱۰
حجاب و امنیت اجتماعی ----- ۱۴
حجاب و امنیّت اجتماعی ----- ۱۸
عفاف در پرتو حجاب ----- ۲۱
چرا مسأله حجاب بیشتر روی زنان تکیه شده است؟ ----- ۲۴
آثار و فواید حجاب ----- ۲۶
حفظ حجاب وسلامت روانی جامعه ----- ۲۸
کارکردهای مختلف حجاب ----- ۲۸
حجاب قرآنی و نقش آن در نهاد خانواده ----- ۲۹
پوشش درمیان اعضای یک خانواده اسلامی ----- ۳۴
آثار حجاب ----- ۳۵
حجاب زنان ، طرحی برای پایداری عفاف آنان ----- ۴۰
حیا و عفاف عامل زندگی زیبا ----- ۴۶
حجاب و استحکام خانواده ----- ۴۷
امنیت در سایه حجاب ----- ۵۴
حجاب پیام عاشورا ----- ۵۹
آثار و فواید حجاب و پوشش ----- ۵۹
حجاب، هویت مذهبی من است ----- ۶۱
چه لذتی دارد این حجاب ----- ۶۵

حجاب و حفظ نشاط جنسی ---------- ۶۵
حجاب دژ عفت وکرامت ---------- ۶۷
حجاب و امنیت اجتماعی ---------- ۶۹
آثار اجتماعی حجاب در جامعه ---------- ۷۳
آثار حجاب ---------- ۷۸
حجاب مختص زنان !!! ---------- ۸۱
حجاب؛ خاموش کننده عطش غرایز ---------- ۸۳
حجاب ، عامل افزایش اعتماد به نفس ---------- ۸۵
حجاب، چتر امنیت ---------- ۸۶

آثار و پیامدهای حجاب

مشخصات کتاب

سرشناسه : درافشان، محمدحسین عنوان و نام پدیدآور : آثار و پیامدهای حجاب/محمدحسین درافشان منشا مقاله : پیام زن ،ش ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، تیر و مرداد ۱۳۸۶ : ص ۱۳۴ - ۱۴۳ توصیفگر : حجاب توصیفگر : فرهنگ اسلامی توصیفگر : تهاجم فرهنگی توصیفگر : افت آموزشی توصیفگر : زنان توصیفگر : رذایل اخلاقی ۱] توصیفگر : جامعه شناسی

حجاب به زن حرمت می بخشد

پوشیدگی بدن انسان ها در برابر یکدیگر از مباحث بسیار مهم و اساسی است که از دیرباز مورد توجه بوده است. پاسخ به این پرسش که برهنگی خلاف طبیعت و فطرت انسان است یا خیر، از مسائل مهم و تعیین کننده در حوزه تنظیم روابط اجتماعی زن و مرد است. قرآن کریم در این زمینه آن گاه که داستان آفرینش حضرت آدم و همسرش حوا را به تصویر می کشد، به موضوع نیاز درونی آدم و حوا نسبت به پوشیدگی اشاره کرده است که نشان می دهد قرآن تمایل به پوشیدگی را ناشی از عمق جان انسان می داند. قرآن کریم پس از بیان مسئله جای گرفتن حضرت آدم و همسرش در بهشت (اعراف، ۱۹) و تأکید خداوند بر خودداری آن دو از نزدیک شدن به درخت ممنوعه، ماجرای وسوسه و فریب شیطان را چنین شرح می دهد: شیطان آن دو را وسوسه کرد تا زشتی هایشان آشکار شود و آن دو نیز به سبب این فریب از میوه درخت ممنوعه چشیدند و در این هنگام اندام هایشان (عورت هایشان) بر آنها آشکار شد و آنان بر آن شدند تا با برگ های (درختان) بهشت خود را بپوشانند. (اعراف- ۲۲) در ادامه، خداوند خطاب به همه انسان ها می گوید: «ای فرزندان آدم به راستی برای شما لباس فرو فرستادیم که زشتی های شما را می پوشاند و زینت شماست، اما لباس پرهیزگاری بهتر است. »(اعراف ۲۶) «عفاف» یا «عفت» یکی دیگر از فضایل اخلاقی است که همواره در تعالیم اسلامی جایگاه والایی داشته و توجه خاصی بدان شده است. در روایات متعددی عفاف بهترین عبادت شمرده شده است. امیرالمومنین علی(ع) آن را بهترین خوی و خصلت و سرمنشاء هر خیر و نیکی خوانده و مقام و منزلت عفیف را با مقام شهید در راه خدا مقایسه کرده است. تمایز مفهومی «عفاف و حجاب» «حجاب» یک امر ظاهر و بیرونی است؛ یعنی درحقیقت پوشش ظاهری افراد، به ویژه زنان راحجاب می گویند. اما «عفاف» یک حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام بازمی دارد و آثار آن در گفتار و کردار انسان نمود پیدا می کند. از مقایسه معنای حجاب و عفاف به این نتیجه می رسیم که عفاف یک حالت نفسانی و درونی است که نمودهای گوناگون دارد ازجمله عفت در نگاه، عفت در گفتار، عفت در راه رفتن، عفت در زینت، عفت در پوشش، عفت در خوردن، عفت در بعد مادی و... حجاب در حقیقت همان نمود «عفاف» در نوع پوشش است عفاف در آموزه های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و همواره از آن به عنوان قوی ترین نیروی تعدیل غرایز و شهوات انسانی یاد می شود آنچه که تاکنون از مفهوم واژه «عفاف» به ذهن متبادر می شده و براساس تعالیم اخلاق مذهبی شکل گرفته است. استعمال این واژه در معنای خاص «حجاب» می باشد که این طریق استعمال از قبیل استعمال کل در جزء است. باید دانست معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است، عفاف حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام بازمی دارد اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگونی دارد؛ درحالی که حجاب امری ظاهری و بیرونی است. در هر حال باید دانست که رعایت عفاف می تواند تعیین کننده ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نایل گرداند. مهمترین اثرات فردی و اجتماعی حجاب و عفاف ¤ حرمت بخشیدن به زن: زن مسلمان، تجسم حرمت و عفت در جامعه است، حفظ پوشش به نوعی احترام گذاردن به زن و محفوظ نگه داشتن وی از نگاه های شهوانی و

حیوانی است چنانچه زن، حدود را رعایت ننماید هر بیماردلی به او طمع نموده و با نگاه آلوده اش حریم زن را می شکند، آن شخصیتی که باید سالم بماند و نسل سالم تربیت کند، تحت تأثیر دیدهای آلوده به گناه به طرف شهوات سوق داده شده و درنتیجه هویت واقعی اش را فراموش کرده در چنگال بیماردلان و هوسبازان، گرفتار می آید و از منش انسانیش سقوط کرده و به غرقاب حیوانیت می رود. کلام گوهربار فاطمه زهرا(س) نشانگر لزوم تحفظ بر جایگاه والای زن است که فرمود: بهترین زنان، زنی است که مردی را نبیند و مردی هم او را نبیند ¤. ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه: نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب داروی درمان کننده و موجد امنیت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: در سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد ¤. حفظ و استیفای نیروی کار: اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می خواهد که محیط اجتماع از لذت های ناهنجار جنسی، پاک شده و راه جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت های جنسی از محیط کار و خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امنیت اجتماعی آنان می گردد. قرآن کریم التزام زنان مؤمن به پوشش اسلامی را موجب سعادت و خیر آنان بیان کرده است چنانکه چنین التزامی را موجب پاکیزه شدن نفس فلاح و رستگاری مسلمانان، خیر و سعادت و طهارت و پاکیزگی قلب ها می داند. بنابراین ضدحجاب و پوشش اسلامی، یعنی بدحجابی، مفسد این خیر، فلاح و صلاح است بی حجابی، جامعه و زن مسلمان را از خیر صلاح و رستگاری دور می سازد و به ورطه نیستی و محرومیت سوق می دهد. هر یک از جوامع بشری در طول تاریخ حیات خود به شکل های مختلف، فتنه انگیزی و فسادگری پدیده بی حجابی را تجربه کرده و کم و بیش حقانیت توصیه ادیان ابراهیمی را درک کرده است. وضوح این تجربه به حدی است که جایی برای پرسش از حقانیت توصیه های قرآنی و سایر کتب آسمانی مبنی بر مفسده انگیزی بی حجاب باقی نمی گذارد. به ویژه در دنیای مدرن سوداگری که فقط در فکر انباشت ثروت و قدرت و ترویج فرهنگ اباحه گری و اصالت لذت است، کاملاً بر کارکردها و آثار تخریبی و انحرافی بی حجابی و بدحجابی آشناست. رواج فرهنگ برهنگی برنده ترین تیغ در دست هر فرد یا گروه مفسده جو است. هرگز کسی یافت نمی شود که علیرغم اخلال گرایی نیست که فتنه انگیزی و فسادآوری بی حجابی را انکار کند. در مجموع خیربودن حجاب به نوعی فلسفه حجاب است. حجاب فرد و جامعه را از لبه پرتگاه تباهی و انحطاط، از افتادن در گردونه نیستی دور ساخته و نجات می دهد ¤. کاهش تقاضای مدپرستی بانوان: استفاده از حجاب و پوشش به ویژه در شکل چادر مشکی به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می تواند در بعد اقتصادی نیز تاثیر مثبت در کاهش تقاضای مدپرستی بانوان داشته باشد البته به شرط اینکه خود چادر مشکی دست خوش این تقاضاها نگردد. متاسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می گردد. به گونه ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار به چادرهای مشکی، توری، نازک و دارای طرح های جلف و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارد روی می آورند ¤. مبارزه با نفس: میل به خودنمایی و جلوه گری به مصالحی در سرشت زن، نهفته است که باید در مسیر درست و هدف والا به کار گرفته شود. بی گمان این گرایش در وجود زن اگر همچون میل ها به درستی به کار گرفته شود، ثمرات زندگیش، سودمند خواهد شد. چرا که هیچ گرایش درونی بدون جهت در جان انسان به ودیعت نهاده نشده است. اما اگر این گرایش، مرزی نداشته باشد و خودنمائی و جلوه گری همواره و در همه جا نمود داشته باشد، قطعاً فسادآفرین خواهد بود و در ایجاد زمینه های ناهنجاری در جامعه تاثیر خواهد کرد، پوشش را می توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. اشاره لطیفی به این مطلب در کلام علی(ع) است «زکات الجمال، العفاف» زکات زیبایی، عفاف است. ۶ زیبایی برای زن، سرمایه است اما باید به

جا مصرف شود و زکات جمال زن، حفظ عفاف و پوشش است. جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر این غریزه را جهت می دهد که خودآرائی زن مختص به شوهر باشد و منع آن در برابر نامحرم، این گامی در جهت مبارزه با سایر خواهشهای نفسانی باشد. وقتی زن در جهت کنترل این خواهش، اقدام نمود آمادگی غلبه بر سایر خواهشها را تحصیل کرده و در جهت رشد و تعالی خود حرکت می کند و به انسانی وارسته تبدیل می شود که می تواند جامعه خود را بسازد ¤. حفظ امنیت اجتماعی: فریضه حجاب در اسلام بر این نکته دلالت دارد که عرض و ناموس جزئی از حریم شخصی است و همواره باید دغدغه حفظ و حراست آن راداشته باشیم و چنین نگرانی برای دینداران جا دارد. وقتی یک مؤمن مالی را از دست بدهد یا ورشکسته شود احساس تحقیر و تعرض شخصیتی نمی کند اما هنگامی که تهدیدی علیه عرض و آبروی او پیش آید به شدت احساس تحقیر شخصیتی می کند. از این رو حجاب سپری در برابر هرگونه تعرض و تجاوز به حریم ناموسی شخص مسلمان است. حجاب اسلامی به زن مسلمان احساس امنیت و آرامش می بخشد زیرا مانع از دست دادن عرض و ناموس او می شود. به همین خاطر است که نباید حجاب اسلامی را محدودیت تلقی کرد، بلکه مصونیت دانست؛ صیانت در حریم شخصیتی که با هیچ چیز نمی توان آن را معامله کرد ¤. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب: مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است به عنوان نمونه فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده اند، گفت: «می ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!». حفظ حجاب و امنیت اجتماعی و درک روابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند: باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردند. جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل به شرکت در فعالیتهای هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می کنند. حفظ حجاب نه تنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی مسئولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می کند ¤. حفظ استحکام نظام خانواده: یکی از فواید مهم حجاب در بعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه استحکام بیش تر کانون خانواده می گردد و برعکس فقدان حجاب باعث انهدام خانواده است. غلامعلی حداد عادل تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده را این گونه بیان کرده است: در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند، زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد، در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوانتری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه با پوشش نامناسب خود به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است؛ و همه خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میانسالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند. از دیگر آثار فردی و اجتماعی حجاب و عفاف به موارد دیگری چون: - جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذایذ نفسانی - حضور معنوی گرایانه زن و مردان در جامعه - مصونیت زنان در همه زمان ها و مکان ها - هدایت کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی - از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار، نیز میتوان اشاره نمود. رعایت حجاب و پوشش اسلامی عفاف برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان تکلیف الهی است. رعایت آن علاوه بر این که

موجب عمل به دستورات الهی می شود شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محبوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده ها و صفا، نورانیت و امنیت در جامعه نقش به سزایی ایفا می کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمامی آلودگی ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در اجتماعات فراهم شود.

حجاب، رسانه‌های جمعی و هویت ما

بازیگری فعال در عرصه انتقال اخبار و اطلاعات، تعامل و تضارب افکار و اندیشه‌ها، آموزش، پرکردن اوقات فراغت مخاطبان و... از وظایف رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری هر کشوری است؛ با این تفاوت که این رسانه‌ها باید وظایف خود را در آیینه باورهای دینی و ملی بنگرند. از آن‌جا که رسانه‌ها سنت‌های دینی و ملی هر قومی را احیا می‌کنند و حافظه تاریخی و جمعی مردم را با تکرار سنت‌های اجتماعی حفظ می‌نمایند، باید رسانه‌های جمعی هر کشوری نگهبان هویت دینی و ملی آن کشور خوانده شوند. از این‌رو اگر رسانه‌های جمعی، بدون در نظر گرفتن باورهای دینی و ملی نقش آفرینی کنند، دیگر رسانه آن قوم و تمدن خوانده نمی‌شوند. تبلیغ و ترویج هویت دینی و ملی و تلاش برای تثبیت آن، از وظایف انکارناپذیر رسانه‌های جمعی است. اما وقتی سخن از هجوم فرهنگی بر ارزش‌ها و هنجارهای دینی و ملی به میان می‌آید، دفاع از هویت دینی و ملی نیز اهمیت می‌یابد و رسالت رسانه‌ها دو چندان می‌شود. تثبیت هویت شخصی از وظایف و نیز عوامل روی‌کرد افراد جامعه به سوی رسانه‌های جمعی کشور است و افراد منتظرند که در برخورد با کتاب، روزنامه، سینما، رادیو و تلویزیون، شاهد پیام‌هایی باشند که آنان را در پای‌بندی به سنت‌ها و باورهای دینی و ملی خود مستحکم‌تر بدارد. همدم شدن با افراد جامعه نیز از وظایف رسانه‌های جمعی به شمار می‌آید و این مهم زمانی صورت می‌گیرد که مردم، رسانه‌های جمعی را همدمی صادق بدانند که آئینه باورها و سنت‌های پذیرفته شده آنان شمرده شود. بی‌شک حجاب برای مردم این سرزمین، تنها یک واژه نیست؛ فرهنگی است که طی قرن‌ها حتی قبل از پذیرفتن مکتب حیات‌بخش اسلام، با آن زندگی کرده‌اند و امروزه هویت دینی و ملی و انقلابی آنان با دیگر تمدن‌ها و اقوام به شمار می‌رود و رسانه‌های جمعی باید از این هویت نگهبانی کنند و در تثبیت هویت شخصی مردم بکوشند و در مقابل هجوم فرهنگ بیگانه، همدم و همراه مردم باشند. آیا حجاب هویت دینی، ملی و انقلابی ماست؟ آیا این هویت امروز مورد هجوم فرهنگی و تمدنی قرار گرفته است؟ آیا رسانه‌های جمعی، گذشته از تلاش برای تبلیغ و ترویج فرهنگ حجاب در جامعه، رسالت خود را در برابر فرهنگ مهاجم به نحو احسن انجام داده‌اند؟ حجاب از جنبه هویت، ابعاد گوناگونی دارد که عبارتند از: الف) حجاب هویتی دینی حجاب و پوشش در بینش توحیدی مردم این سرزمین قبل از آن‌که نیازی طبیعی باشد، امری فطری به شمار می‌آید و حتی خداوند نیز دارای حجاب است. در این جهان بینی، هشدار خداوند به بشر در پیروی نکردن از شیطان، مؤید این واقعیت است که شیطان انسان را به برهنگی و مخالفت با طبیعت و فطرت خود می‌خواند: «یا بنی آدم لا یفتنّکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنهٔ ینزع عنهما لباسهما لیریهما سؤالتهما» حجاب در جهان بینی ما آیه و فرمانی از سوی خداوند سبحان است: «قل للموءمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن الاما ظهر منها». حجاب حدودی دارد که هم فقهای شیعه آن را مشخص کرده‌اند و هم مفسران قرآن تبیین نموده‌اند و بهترین پوشش و حجاب برای زن مسلمان، همان پوشش حضرت زهرا (س) است. در بینش مردم ما، مخالفت با حجاب، مخالفت با آیه حجاب به شمار می‌آید و مخالفت با یک آیه قرآن، مساوی با مخالفت با کل قرآن است. امروزه حجاب، مشخصه مسلمانی زن ایرانی است و به تعبیر فرانتس فانون، شاید فردی تا مدت‌های زیادی با زندگی کردن با فرد مسلمان، نفهمد که مسلمان گوشت خوک نمی‌خورد و یا در روزهای ماه مبارک رمضان، روابط جنسی ندارد، اما به مرور زمان می‌تواند به مسلمان بودن او پی ببرد؛ ولی با دیدن چادر در همان لحظه نخست، می‌توان به مسلمان بودن جامعه پی برد و به تعبیر او «از روی طرز لباس

پوشیدن جامعه که به وسیله عکس‌ها و یا فیلم‌های مستند ارائه می‌شود، می‌توان در بدو امر نوع جامعه‌ای را شناخت.» ب) حجاب هویتی ملی در میان اقوام و تمدن‌های عهد کهن، پوشش زن ایرانی در مقایسه با پوشش تمدن‌های دیگر، کامل‌تر بوده است. از این‌رو، در هیچ کتیبه و نقش برجسته‌ای نمی‌توان زن ایرانی را حتی با سر برهنه مشاهده کرد. روت ترنر در کتاب تاریخ لباس، به پرده‌نشین بودن زن ایرانی در عهد باستان چنین اشاره می‌کند: از زنان (ایرانیان باستان) شما اندکی تندیس به جای مانده است؛ زیرا زنان در زندگی اجتماعی شرکت چندانی نداشتند. ماریا برسیوس نیز به پوشش کامل زن ایرانی در نقش‌های برجسته دوران هخامنشی چنین اشاره می‌کند: یک سوزن دوزی کشف شده در پهنه هخامنشی که چهار زن را در دو طرف عودسوزی نشان می‌دهد، بسیار چشم‌گیر است. این دیوار آویز که در گوری مدفون در زیر یخ در پازیریک پیدا شده، متعلق به دوره هخامنشی شناخته شده و تاریخ آن قرن چهارم قبل از میلاد است (رودنکو ۱۹۷۰: ۲۹۶ و ۱۹۷۷ P.I و منیر ۱۹۶۰) همین، در هر یک از چهار گوشه تصویر شده است. زنان لباس بلند و تزیین شده به تن دارند. هر چهار زن توری به سر دارند که از پشت سر آویزان است. دو زنی که نزدیک‌تر به عودسوز ایستاده‌اند، تاج بر سر دارند. در کتاب تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول به استفاده زن ایرانی از پوششی در دوره اشکانیان و ساسانیان اشاره شده است: لباس زنان در دوران ساسانی را عموماً پیراهنی یک‌دست و بلند و پرچین تشکیل می‌داد که گاهی آن را با نواری در زیر سینه یا کمی پایین‌تر جمع می‌کردند و می‌بستند. گاهی نیز قسمت انتهای دامن را به وسیله پارچه‌ای اضافی و پرچین پرچین‌تر می‌دوختند. هر دو این پیراهن‌ها آستین‌های بلند تا مچ دست‌ها و یقه‌ای گرد و ساده داشتند... هم‌چنین زنان ساسانی از نوعی چادر استفاده می‌کردند که در دوران قبل از آن نیز استفاده می‌شد. متون کهن و اشعار راویان ایرانیان باستان هم از پرده‌نشینی و پوشش کامل زن ایرانی حکایت دارند تا آن‌جا که فردوستی در خصوص زنان دربار پادشاهی می‌گوید: همه دخت شاهان پوشیده روی کسی کو نیامد ز پرده به کوی پسر هست و پوشیده رویان بسی چنین خسته و بسته هر کسی با روی آوری ایرانیان به اسلام، پوشش زن ایرانی کامل‌تر شد و چادر نیز بر پوشش‌های دیگر افزوده گشت. این روند تا بدان‌جا پیش رفت تا در دوره حکم‌رانان آل بویه، پوشیه هم افزوده شد: لباس زنان دیلمی تفاوتی با لباس زنان ایرانی همان دوره در نواحی خراسان و سیستان، با عراق و بغداد نداشت. چادر زنان دیلمی سیاه بود و با پارچه نازک ابریشمی (قعب) روی چهره خود را می‌پوشاندند. برادران شرلی در سفرنامه خود، حجاب زن ایرانی را در عصر صفویه چنین به تصویر می‌کشند: چادر و روبند بر سر دارند، به طوری که آفتاب هیچ‌وقت بر صورت آنها نمی‌تابد. زن‌ها هم مانند مردها شلوار و جوراب‌های مخملی گلی می‌پوشند. یوشیدا مساهارو، سفیر ژاپن در دربار ناصرالدین شاه، در مورد حجاب زن در دوره قاجار می‌نویسد: زن‌ها چادر بر سر می‌کردند که از سر تا به پایشان را می‌پوشاند و فقط چشم‌ها از پشت روبند توری که زیر چادر به صورت انداخته بودند، پنجره‌ای به بیرون داشت. در خیابان که به زن‌های ایرانی می‌رسیدیم، آنها چشم از ما برمی‌گردانند و رویشان را سخت می‌گرفتند. در چند ماهی که ما اینجا بودیم، هرگز زنی رویش را به ما ننمود و نتوانستیم صورت زنان را بی‌حجاب و چادر ببینیم. در این وضع، زشت و زیبا، جوان یا پیربودن زن‌ها را از روی رنگ و حالت دست‌هایشان که شاداب یا چروکیده است، قیاس و ارزیابی می‌کردیم. به اعتراف تمام جهان‌گردانی که در ادوار گوناگون به ایران سفر کرده‌اند، تا قبل از مسئله کشف حجاب رضاخانی، حتی بی‌حجابی در بین زنان اقلیت‌های دینی ایران اعم از مسیحی، یهودی و زرتشتی هم مشاهده نشده و فرهنگ حجاب و عفاف، بر جامعه ایران حاکم بوده است. ج) حجاب هویتی انقلابی نقش محوری زنان محجبه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست تا بدان جا که امام خمینی خطاب به زنان باحجاب فرمودند: آن که در این نهضت خدمت کرد، شماها بودید. شما بودید که با همین وضعی که الان این‌جا حضور دارید، با همین وضع در خیابان‌ها ریختید و به نهضت ما کمک کردید. آنهایی که تربیت شده بودند، آنها بودند (بی حجاب‌ها و بدحجاب‌ها (که اگر هم دخالت، باز یک قشری‌شان بود که نزدیک بودند به آن طوری که شماها هستید، آنهایی که تربیتشان آن طور بود (بی‌حجاب‌ها) آنها کاری به این مسائل نداشتند. ایشان در مصاحبه با اوریانا فلانچی، روزنامه‌نگار

فرانسوی، به صراحت به جایگاه زن باحجاب در شکل‌گیری بزرگ‌ترین انقلاب قرن اشاره کردند. اوریانا فلانچی گفت: خواهش می‌کنم امام! باید هنوز از شما سوءالات زیادی بکنم. مثلاً از این چادر که بر من پوشانده‌اند تا به خدمت شما برسم و شما به زور به زنان می‌پوشانید. به من بگویید چرا زنان را مجبور می‌کنید که خود را مخفی کنند؟ در زیر پوششی که پوشیدن آن مشکل و بیهوده است که با آنان نمی‌شود حرکت کرد؛ در حالی که همان زنان نشان دادند که مثل مردانند؛ مثل مردان مبارزه کردند؛ زندان کشیدند؛ شکنجه دیدند و مثل مردان انقلاب کردند؟ امام راحل در جواب فرمودند: زنانی که انقلاب کرده‌اند، زنانی هستند که پوشش اسلامی داشته‌اند و یا دارند، نه زنان شیک‌پوش بزک کرده مثل شما این ور و آن‌ور می‌روند بدون پوشش و یک دوجین مرد را دنبال خود می‌کشند؛ عروسکانی که بزک می‌کنند و به خیابان‌ها می‌آیند و سر و سینه و موی و فرم بدن خود را نشان می‌دهند، بر ضد شاه قیام نکردند؛ هیچ کار مفیدی انجام ندادند؛ نمی‌دانند خود را چگونه مفید قرار دهند! نه به صورت اجتماعی، نه به صورت سیاسی و نه حتی به صورت حرفه‌ای و تخصصی و این بدین دلیل است که خود را به نمایش می‌گذراند برای مردان و حواس‌پرتی می‌آورند و آزارشان می‌دهد. هم‌چنین باعث حواس‌پرتی سایر زنان و آزار و حسرت آنان می‌شود. صحنه‌های نهضت اسلامی از پانزدهم خرداد ۴۲ تا امروز، در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون، بر این واقعیت تاریخی گواهی می‌دهد که حجاب کامل، خصوصاً حجاب برتر (چادر) شناسنامه زن انقلابی ایران بوده است و امروز در جهان، انقلاب با چادر و چادر با انقلاب شناخته می‌شود. رسانه غربی، هویت بخشی غربی تصویب طرح ممنوعیت حجاب در فرانسه و به تبع آن تصمیم برخی از کشورهای دیگر اروپایی و حتی آسیایی چون ترکیه در دایره‌ای کوچک‌تر، نشان از عمق وحشت جهان غرب از روند رو به رشد حجاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارد. حضور سبز این فرهنگ اسلامی از آن‌جا برای غرب ناقوس مرگ فرهنگ آن را به صدا در آورد که بی‌حجابی هم برای غرب چون حجاب برای مسلمانان مؤلفه محوری تمدن و فرهنگ آن به شمار می‌رود. فرهنگ و تمدن غرب بر پایه فلسفه لذت بنیان نهاده شد و بخش عظیم اقتصاد خود را مدیون همین مؤلفه است. از این‌رو، رسانه‌های جمعی تمدن غرب که مولود همین بسترند و جذابیت و بهره‌وری و موجودیت خود را با این موءلفه گره زده می‌بینند، برای القای فرهنگ خود و مبارزه با فرهنگ متعالی حجاب تلاش دوچندانی نمودند. این که «صنعت سکس اولین بار توسط بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و آژانس توسعه بین‌المللی امریکا برنامه‌ریزی و حمایت شد»، این واقعیت را می‌رساند که حتی سیاست غرب هم چون اقتصاد و فرهنگ آن به برهنگی و پرده‌دری‌هایی وابسته است که بیش از همه، موجودیت رسانه‌های جمعی فرهنگ مهاجم غرب بدان نیاز دارد تا جایی که اریک فروم می‌گوید: سرمایه‌داری امروز احتیاج به کسانی دارد که بتوانند به‌طور گروهی و یا مسالمت‌آمیز، هم‌کاری کنند که بتوانند بیشتر و بیشتر مصرف کنند. کسانی که سلیقه‌های متحدالشکل آنان به کسانی تحت تأثیر قرار گیرد و پیش‌بینی شود و نیز احتیاج به کسانی دارد که احساس آزادی و استقلال بکنند و گمان نبرند که از قدرت یا اصل و یا وجدانی فرمان می‌برند و با این همه مایل باشند که به آنان فرمان داده شود. آن‌چه را از آنها انتظار می‌رود، انجام دهند و چون مهره‌ای بدون ایجاد تصادم و مزاحمت، به ماشین اجتماع بخورند. مردانی که بدون اشکال، راه‌نمایی شوند و بدون رهبری رهبر، بدون هدف به جلو رانده شوند و تنها هدفشان بهبود وضع خود، جنبش، کار و پیشرفت باشد. نتیجه چیست؟ انسان امروز با خودش، با هم‌نوعانش و با طبیعت بیگانه شده است، او به کالا مبدل گشته است نیروی زندگی خود را به نوعی سرمایه‌گذاری می‌داند که باید تحت شرایط بازار حداکثر سود را برایش تحصیل کند. روابط انسان‌ها اساساً همانند روابط آدمک‌های مصنوعی از خود بیگانه است. وظیفه این خودبیگانگی و رهبری راداری در غرب، بر عهده رسانه‌های جمعی است و در این زمینه، مبلغ و مروج برهنگی هستند. بیان برخورد فرهنگ غرب با زن و تصویر زن در رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا آنان برهنگی را مؤلفه‌ای محوری در پیشبرد فرهنگ شیطانی خود می‌دانند و فرهنگ، اقتصاد و حتی سیاست خود را با آن گره می‌زنند، از این‌رو نه تنها با بهره‌گیری از همه تاکتیک‌ها و تکنیک‌ها و استخدام فن‌آوری و هنر، در تبلیغ و ترویج آن می‌کوشند، بلکه در راه‌برد خود،

شکستن هر گونه مقاوت در برابر این موءلفه را در برنامه دارند. بی‌شک به همان اندازه که فرهنگ بی‌حجابی برای غرب اهمیت دارد، به همان اندازه نیز فرهنگ حجاب با اجتماع، سیاست، فرهنگ و اقتصاد ما گره خورده و شکستن سد حجاب، مساوی با فروپاشی هویت دینی، ملی و انقلابی ماست. حال، آیا رسانه‌های جمعی ما نیز به اندازه رسانه‌های جمعی غرب، در برابر این مهم از خود واکنش نشان می‌دهند و از تمامی سرمایه‌های معنوی و مادی خود در پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده، همت می‌گمارند یا خیر؟ سکوت و سکون رسانه‌ای اگر بپذیریم که جهان در آستانه سال ۲۰۲۰ میلادی، دو کدخدا پیدا خواهد کرد و این دهکده جهانی یا باید فرهنگ و تمدن اسلامی با محوریت ایران باشد و یا باید فرهنگ غرب با محوریت امریکا را برتابد و لی‌لی‌پوت جهان از میان دوگالیور ایران و امریکا، یکی را انتخاب کند، باید پذیرفت، آن‌چه در اطراف ما می‌گذرد، اعم از نقشه راه خاورمیانه تا لشکرکشی به عراق و افغانستان و محدویت‌های بین‌المللی برای جلوگیری از تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای، تنها و تنها برای مهار انقلاب اسلامی، تنها رقیب لیبرال ـ دمکراسی، در چند دهه دیگر است. از این‌رو، به همان اندازه که باید از فرهنگ شهادت‌طلبی پاس‌داری کرد، باید از حجاب نیز به دفاع برخاست؛ زیرا این دو به منزله دوبال و دو شاخصه مکتب اسلام ناب محمدی(س) به شمار می‌آیند و امروز حجاب، به منزله پرچم تمدن اسلامی است. بنابراین، رسالت رسانه‌های جمعی به ویژه رسانه ملی صدا و سیما، چیزی جز تبلیغ و ترویج این فرهنگ و مبارزه بی‌امان با ترفندهای فرهنگ مهاجم نیست. بلکه موظف است از وظایفی که قانون اساسی و نیز سند چشم‌انداز بیست ساله رهبر معظم انقلاب، برای حرکت دستگاه‌های نظام ترسیم ساخته تخطی نکند؛ وظایف و چشم‌اندازی که در آن بر حرکت حول محور بینش توحیدی و شریعت‌مداری یعنی همان هویت دینی، تأکید شده است. امروزه در حساس‌ترین مقطع تاریخی، اسلام و ایران، در هجمه بی‌امان رسانه‌های غربی قرار گرفته‌اند که با تبلیغ فرهنگ لذت و ایجاد فضایی انتزاعی و تخیلی و ایجاد نیازهای کاذب در نهاد انسان امروزی، مبلغ فرهنگ برهنگی و شیطانی خود هستند؛ در حالی‌که رسانه‌های نوشتاری به لحاظ حاکمیت بینش تجاری و کارکرد حزبی و گروهی و رسانه‌های دیداری چون سینما، به دلیل رویکرد گیشه‌پسند، دفاع از این پرچم انقلاب اسلامی ایران را نادیده گرفته و بعضاً به بوته فراموشی سپرده‌اند. در این مقطع، بیشترین امید به صدا و سیمای جمهوری اسلامی است که بیشترین تأثیر را دارد که متأسفانه به دلیل برخورد سطحی و الینه شدن بعضی تهیه کنندگان و کارگردانان و به کارنگرفتن کارشناسان زبده و دین‌شناس و باسواد، هنوز زن با حجاب را خرافی، هرهری مذهب، بی‌سواد و... ارائه می‌کنند. در حالی‌که هیچ کس منکر این واقعیت نیست که رسانه ملی، برای الگوسازی و حتی نهادینه‌کردن پوششی مناسب در قالب شخصیت‌های داستانی و هنرپیشگان توان کافی را دارد، اما هنوز حتی در زمینه پوشش ملی که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید داشته‌اند، گام لازم را بر نداشته است. به نظر می‌رسد اراده‌ای برای درک اهمیت حجاب به منزله شناسنامه زن ایرانی و نماد هویت دینی، ملی و انقلابی، به چشم نمی‌خورد و غمض عین‌های درون گروهی و خودشیفتگی‌ها و خود تشویقی‌های رسانه‌ها، این مسئله را در حساس‌ترین مقطع تاریخی اسلام و ایران با مخاطره جدی روبه‌رو ساخته است. اگر این مسئله را بپذیریم که واژه حجاب، عصاره و تعریف انقلاب اسلامی ایران است که اسلامیت، ایرانیت، انقلابی بودن را تصویر می‌کند و غرب با تمام توان رسانه‌ای خود درصدد شکستن این نماد است، باید قبول کنیم که نه اسلام، نه ایران و نه انقلاب با هیچ کس عقد اخوت نبسته و بیش از این نباید اجازه داد مبانی اسلام، مصالح کشور و آرمان‌های انقلاب، فدای ندانم‌کارهای بعضی از متولیان فرهنگی و سیاسی شود. امروز باید به دنبال مجاری‌های دیگری برای دفاع از حجاب و ترویج و تبلیغ آن در عصر ارتباطات گشت، زیرا اهمیت محدوده، جایگاه و نقش محوری حجاب در عرصه سیاست، اقتصاد و فرهنگ، دیگر بر کسی پوشیده نیست. وقت آن رسیده که عالمانه و آگاهانه و بدون هیچ خوف و وحشتی، از موضع‌گیری‌های بین‌المللی و عناصر وابسته به آنان در داخل، به وظیفه اسلامی، ملی و انقلابی خود عمل کنیم و در گام نخست، به سراغ رسانه‌های جمعی برویم و با بازخوانی عملکرد آنان و ارزیابی بودجه‌های در نظر گرفته شده از سوی نظام مقدس اسلامی با بازده عینی و ملموس، به پاک‌سازی موانع و در برخی از موارد، به افشای نقش برخی افراد در

به‌وجود آمدن وضعیت کنونی بپردازیم. کتاب‌نامه ۱. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی(قده)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۶۱. ۱. الجزایر و مسئله حجاب، فرانتس فانون، ترجمه دکتر خدابنده (کتاب شناسنامه ندارد). ۳. تاریخ پوشاک ایرانیان از ابتدای اسلام تا حمله مغول، دکتر محمدرضا چیت ساز، چاپ اول، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما، تهران، زمستان تهران ۱۳۷۹. ۴. تاریخ لباس ۵۰۰۰ سال پوشاک زنان و مردان جهان، روت ترنر ویل کاکس، ترجمه شیرین بزرگمهر، چاپ دوم، توس، تهران ۱۳۸۰. ۵. ترجمه تفسیر المیزان علامه طباطبایی سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پانزدهم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۷. جنگ علیه زنان، مارلین فرنج، ترجمه توراندخت تمدن (مالکی)، چاپ اول، انتشارات علمی ۱۳۷۳. ۷. زنان هخامنشی، ماریا برسیوس، ترجمه هایده مشایخ، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران ۱۳۸۱. ۸. زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، میترا مهرآبادی، چاپ اول، انتشارات آفرینش، نشر روزگار، بهار۷۹ . ۹. طلیعه انقلاب اسلامی و مصاحبه‌های امام خمینی در نجف پاریس و قم، ستاد انقلاب فرهنگی مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۶۷. ۱۰. علل الشرایع، شیخ صدوق، منشورات المکتبة الحیدریه، مطبعها فی النجف، ۱۳۸۵ قمری ـ ۱۹۶۶ میلادی. ۱۰. عروه الوثقی، سیدمحمدکاظم یزدی، ص ۷۱۲، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان. ۱۰. لغت‌نامه، علی‌اکبر دهخدا، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۷۷. ۱۱. مصباح المنیر، احمدبن محمدبن علی المقری الفیومی، صححه محمد محی‌الدین عبدالحمید مصر (۱۳۴۷ قمری ۱۹۲۹ میلادی). ۱۲. هنر عشق ورزیدن، اریک فروم، ترجمه پوری سلطانی، با گفتاری از مجید رهنما، چاپ نوزدهم، انتشارات مروارید، تهران ۱۳۷۸.

حجاب و امنیت اجتماعی

مقوله «پوشش و استتار بدن» به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصوّر است: الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خوداستتاری» و تأمین امنیّت در برابر گرما و سرما. ب. کارکردهای اجتماعی: هویّت بخشی و ایجاد امنیّت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چراکه نوع پوشش و حجاب، نشان دهنده سنّت ها، ارزش ها و باورهای یک جامعه است. اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امنیّت اجتماعی در جامعه معرّفی کرده است و چالش ها، زمینه ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امنیّت اجتماعی، ما برآنیم که در این نوشتار جنبه های مختلف این موضوع و اهمّیّت آن راتوضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش های دینی بیان کنیم. به طور کلّی در این مقاله موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: ۱. امنیّت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب. ۲. امنیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب. ۳. پایه های تحقق امنیّت اجتماعی در سایه حجاب بانوان. ۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امنیّت اجتماعی. ۵. آثار سوء بد حجابی و انهدام امنیّت اجتماعی. ۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امنیّت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی. گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده اند. این آموزه های هستمندانه و بایستی از خالق حکیمی تجلّی می یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریّت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبّرانه صادر گردیده است. زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیّت اجتماعی و ایجاد زمینه ای جهت رشد معنوی مردان می گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا

چشمان خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱)». همچنین می فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشتن را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفّت شناخته شوند تا از تعرّض و جسارت، آزار نکشند (در امنیّت کامل باشند) ؛ خداوند در حقّ خلق، آمرزنده و مهربان است(۲)». همان گونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلقیّات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز، التهاب های جسمی و معاشرت های بی بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امنیّت اجتماعی را فراهم می سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه شناختی و روان شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امنیّت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندانه، زندگی می کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه هایشان دست به گزینش می زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند. از این رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش های اجتماعی، تأمین کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می نگرند. بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهمّ تر امنیّت اجتماعی را فراهم می سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیّت می کند(۳). در سال های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امنیّت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتّخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش های نامناسب در مقابل نامحرمان است؛ لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوّق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهمّ اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امنیّت اجتماعی از جنبه های مختلف می پردازیم. امید است که راهکارهای بیان شده در این زمینه ها برای همه اقشار جامعه اسلامی به ویژه نسل جوان و اندیشمند، مفید باشد و عزمشان را برای عمل و گسترش آن، به نحو مطلوب و احسن، جزم نمایند تا امنیّت اجتماعی، تأمین شود. ثانیا نماد فرهنگی و ملّی بشریّت، درخشش روزافزون خود را حفظ نماید. امنیّت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معیّن می گردد که هدف از تشریع وجوب حکم حجاب اسلامی دست یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفّت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امنیّت اجتماعی است. «و اذا سَأَلْتُموهُنَّ مَتاعا فَسْئلوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِکُم أطْهَرُ لِقلوبِکُم و قُلُوبِهِنَّ(۴)». چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه کن نمودن امنیّت اجتماعی می شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حرّم النَّظَر الی شُعورِ النّساء المَحْجوبات بالاَزْواج و غَیْرهِنَّ مِنَ النّساء لما فیه مِنْ تَهْییجِ الرّجال و ما یَدْعوا التَّهْییج الی الفَساد و الدُّخول فیما لا یحلّ و لا یجمل(۵)». «نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرامی خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته». از مجموع گفتار فوق روشن می گردد که هدف از وجوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امنیّت اجتماعی است. امنیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب یکی از فلسفه های حقیقی وجوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیّت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیّت اجتماعی با توسعه آن می باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی موّاج از تمایلات و خواسته های اوست که

مهم ترین آنها به خوراکی ها، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. در سخنان عرفا آمده است: «أعْظَمُ الشَّهْوَة، شَهْوَةُ النّساء(۶)»: «بزرگ ترین خواسته های مرد، رغبت به زنان است». ارائه زیبایی ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان، دامن می زند و آنها را به یک کانون جدّی خطر، مبدّل می سازد که به سلب آرامش زن و امنیّت اجتماعی منتهی می گردد. آنچه می تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی، عملی خواهد شد. پوشش دینی، پیام عفت، شخصیّت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسعت بخشیدن امنیّت اجتماعی دانسته و نجابتش را می ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر حجاب خود، از تیر نگاه های زهرآلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امنیّت و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است: «ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبادی است که هر نقطه آن به مین های شیطان و نگاه های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیّتی بی نظیر به سر می برند که دیگران از طعم آن بی خبرند(۷)». شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها پایه های تحقق امنیّت اجتماعی در سایه های حجاب بانوان پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده است، یک عمل ظاهری و گسسته از عوامل و پایه ها نیست، بلکه حجاب، خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه های خود استوار نموده و باعث ترویج ارزش امنیّت اجتماعی می گردند و به تحقق آن در جامعه اسلامی، کمک می نمایند. اکنون شایان ذکر است که این پایه های اساسی بیان گردد: ۱. ایمان به خدا و جهان آخرت از مهم ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امنیّت اجتماعی جامعه را فراهم می نمایند، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای بشریّت تشریع کرده، بودن نقص و دارای آثار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امنیّت اجتماعی جامعه را تضمین می کند. ۲. تقوا پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امنیّت اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شکل نگیرد، حجاب را نوعی محدودیّت برای خود قلمداد نموده و امنیّت اجتماعی انسان ها را تهدید می نماید. خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل هاست که حجاب های تاریک جان را غرق می کند و لانه های هوس را برمی اندازد، آن را به کام جان خود می ریزد تا عالم جانش، گلستان گل های سلم، طاعت و تسلیم گردد و خیمه حجابش را برمی افروزد تا حافظ بوستان ارزش های خویشتن و آرامش درونی اجتماع خود شود. ۳. آگاهی شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه های مستحکم پوشش دینی و تبلور امنیّت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشم نایل شود، پایه های حجاب دینی در او شکل گرفته و با آگاهی کامل به امنیّت اجتماعی ارزش می بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلّی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهم تر از آنها مسأله امنیّت اجتماعی باعث می شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه های شیطانی را هیچ انگاشته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت می بخشد. همچنین این پیام اصیل و عرفانی را همیشه آویزه گوش های خود می گرداند: «خواهرم! سرزمین جانت را با خورشید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آن چنان که هستی خود را بشناسی، آنگاه دریابی که حجاب باله های شنا به سوی سرچشمه هستی امنیّت فردی و اجتماعی کامل است و پوشش های مهیّج وزنه های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امنیّت خود و جامعه خویش را برهم می زند». آثار و فواید حجاب اسلامی بر تحقق امنیّت اجتماعی آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امنیّت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از: ۱. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه. ۲. جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذایذ نفسانی. ۳. کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی. ۴. حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی. ۵. حضور

معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی. ۶. کاهش تقاضای مدپرستی بانوان. ۷. حفظ ارزش های انسانی، مانند عفت، حیا و متانت در جامعه. ۸. مصونیّت زنـان در همه زمانها و مکانها. ۹. سـلامت و زیبـایی موقعیّت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی. ۱۰. هـدایت، کنترل و بهره منـدی صـحیح از امیـال و غرایز انسـانی. ۱۱. مبـارزه بـا تهاجم فرهنگی غرب. ۱۲. از بیـن بردن فشارهـای اجتماعی نامشـروع و نابهنجار(۸). اکنون به توضـیح برخی از فوایـد مـذکور می پردازیم تـا اثبـات گردد حجـاب از لوازم جـدایی ناپـذیر و ابزارهـای اولیه و پـایه ای جهت برقراری مـداوم امنیّت اجتمـاعی است. ایجـاد آرامش روانی در افراد جـامعه نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مـد این دریا، رسـیدن او به خواسـته خویش است. لـذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امنیّت و صـفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسـلمان آمریکایی می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشـش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد(۹)». حفظ و استیفای نیروی کار اسلام با التفات ویژه به مسأله حجاب و پوشـش زنان در محیط کار می خواهـد که محیط اجتماع از لـذت های ناهنجار جنسـی، پاک شده و راه را جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار، بگشاید. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لـذت های جنسـی از محیط کار و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضـعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امنیّت اجتماعی آنـان می گردد(۱۰). مبـارزه بـا تهاجم فرهنگی غرب مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیـده جدیـدی نیست. در طول تاریـخ بشـر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشـته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسـی علیه السـلام به جنـگ فرهنگی متوسـل شـده گفت: »می ترسم آیین شـما را دگرگون سـازد، و یـا در این سـرزمین فساد برپا نمایـد!»(۱۱). یکی از جنبـه هـای مهم تهـاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امنیّت اجتماعی بوده و هست و این امر، مشخصا از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحدالشـکل شـدن، بـا حجاب به مبارزه برخاسـتند و پوشـیدن لباس روحانیّت را قـدغن، و مجالس عزاداری امام حسـین علیه السلام را نیز ممنوع کردند(۱۲). آنها همچنین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتـذال را ترویـج دادنـد و حجاب را مانع اصـلی این آزادی حقیقی معرفی کردنـد و امنیّت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختنـد. حفظ حجاب و امنیّت اجتماعی و درک رابطه مسـتقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فوایـد بسـیار ارزشـمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند: ۱. بـاعث تبلیغ فرهنگ ناب اسـلامی و تشویق جوانان به ازدواجِ موفقِ اسـلامی می گردنـد. ۲. جوانـان را جهت تقـویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جـای سوق دادن به محیـط فحشـا و اعمال مبتـذل، به شـرکت در فعالیت های هنری، ورزشـی، فرهنگی و مـذهبی رهنمون می شونـد. ۳. حفـظ حجـاب، نه تنهـا بـاعث ایجـاد امنیّت اجتمـاعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبـارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهـداشتی و آرایشـی مبتـذل نهی می نماید(۱۳). آثـار سوء بی حجابی و زوال امنیّت اجتماعی بی حجابی یا حضور تحریک کننده زنان در جامعه، از آثار زیانبار اخلاقی، سیاسـی، آخرتی و اجتماعی مختلفی برخوردار است که یکی از مهم ترین آن هـا زوال امنیّت اجتمـاعی است. بی حجـابی بـا اثرات مهلک خود که در ذیل آمـده و شـرح داده می شود، باعث از بین رفتن بنیه اعتقادی و امنیّت اجتماعی بشریّت می گردد. ۱. سقوط شخصیّت حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می سازد و خروج از هویت انسانی همان و سـقوط از جایگاه بلند ارزشی شخصیتی همان. بـا افول شخصـیّت زن، بی بنـدوباری در جـامعه رایـج و نظـام خانوادگی مختل می گردد و در نتیجه امنیّت اجتماعی از افراد جامعه، سلب می شود(۱۴). سقوط شخصیت زن به دلایل زیر باعث اضمحلال امنیّت اجتماعی می شود: الف. زن با از دست دادن شخصیت خویش، ارزشـهایش منهدم شده و هوسـرانی را در جامعه رواج می دهد، در نتیجه سلامت اخلاقی و به دنبال آن امنیت اجتماعی نیز کاهش می یابد. ب. زنان، با غفلت از اصول اخلاقی اسـلام، مسایل جنسـی را به محیط جامعه کشانده و زمینه گسترش گناه و از هم پاشـیدگی نظم اجتمـاع را به وجود می آورنـد. ج. زنـان، با بی حجابی به معصـیت کبیره خودنمایی گرفتار آمـده و بی حیایی را در

جامعه ترویج می دهند، در نتیجه امنیّت اجتماعی، نابسامان گشته، از بین می رود. ۲. تزلزل خانواده ها یکی از آثار زیانبار بی حجابی بانوان، تزلزل خانواده هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسایل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می گردند و روابط زناشویی در خانواده ها را متزلزل می کنند، در نتیجه امنیّت خانوادگی با خطرات جدی از قبیل از هم پاشیدگی بنیان خانواده و عقده مند شدن مردان، روبرو می شود و این مشکلات زیانبار به محیط جامعه کشیده شده، امنیّت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشفتگی جدی مواجه می سازد. از دیگر آثار سوء بی حجابی و تأثیر آن در زوال امنیّت اجتماعی می توان به فقدان تعادل فکری، روانی و اجتماعی افراد جامعه، ایجاد احساس بی مسؤولیتی در نسل جوان جامعه، از بین بردن انگیزه های ازدواج مشروع در جوانان و تقویت احساس بی ارزشی و پوچی انسان ها اشاره نمود، که به دلیل گستردگی بحث، از توضیح آنها خودداری می شود (ر.ک: مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری، ص ۸۰ - ۹۵. حجاب و جامعه، زهرا حسینی موسوی، ص ۹ - ۷۰ و حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، حسین مهدی زاده، بخش شبهه های وارده در حجاب و پاسخ های نغز آن از سوی دانشمندان اسلامی). نتیجه از مباحث بیان شده در این مقاله، به خوبی رابطه حجاب و امنیّت اجتماعی، آشکار می گردد و نمایان می شود که اسلام، جهت حفظ امنیت اجتماعی، طرفدار حجاب بیشتر و حداکثر بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است. از دیرباز، بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس های بلند، مقنعه و چادر مشکی، ضامن امنیت بوده و دارای اصل و ریشه قرآنی می باشند. از این مقاله به خوبی این نکته فهمیده می شود و به دست می آید که مسأله حجاب، یکی از مهم ترین چارچوب های احکام الهی جهت تضمین سعادت فردی و اجتماعی بشریّت است و اینکه عده ای با استفاده از شبهات و روش های القایی تبلیغ منفی، به جای ارائه دادن طرح مشخص و جالبی برای ترویج الگوهای مطلوب از حجاب اصیل و برتر، به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدیّن و عفیف جامعه و اضمحلال امنیت اجتماعی اقدام می نمایند، به سختی در اشتباه و گمراهی آشکارند و باید بدانند که از اقدامات نابهنجار خویش سودی جز تخریب شخصیت درونی خود نخواهند برد. با توجه به واقعیّتهای موجود از حجاب در جامعه، باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما به سوی ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد را به مهم ترین وجهی رهنمون گردند. پی نوشت: ۱. نور، ۳۰. ۲. احزاب، ۵۹. ۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰. ۴. احزاب، ۵۳. ۵. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴. ۶. محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷. ۷. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ - ۱۶. ۸. برای آگاهی بیشتر درباره آثار و فواید پوشش و حجاب و امنیّت اجتماعی، ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخیص منزلت زن در نظام اسلامی. ۹. ر.ک: آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۱۹. ۱۰. مسأله حجاب: استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۹۴ - ۸۴. ۱۱. «..انّی أَخافُ أنْ یُبَدِّلَ دِینَکُم أو أن یُظْهِر فی الارض الفساد»، سوره مؤمن، آیه ۲۶. ۱۲. ر.ک: انقلاب یا بعثت جدید، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، ص ۱۷. ۱۳. ر.ک: پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، ص ۱۸۲ - ۱۸۰. ۱۴. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۹۰ - ۱۹۳.

حجاب و امنیّت اجتماعی

اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امنیّت اجتماعی در جامعه معرّفی کرده است و چالش‌ها، زمینه‌ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. مقوله «پوشش و استتار بدن» به عنوان جزء جدایی‌ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی‌نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصوّر است: الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خوداستتاری» و تأمین امنیّت در برابر گرما و

سرما. ب. کارکردهای اجتماعی: هویّت‌بخشی و ایجاد امنیّت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چراکه نوع پوشش و حجاب، نشان‌دهنده سنّت‌ها، ارزش‌ها و باورهای یک جامعه است. اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امنیّت اجتماعی در جامعه معرّفی کرده است و چالش‌ها، زمینه‌ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امنیّت اجتماعی، ما برآنیم که در این نوشتار جنبه‌های مختلف این موضوع و اهمّیّت آن راتوضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش‌های دینی بیان کنیم. به طور کلّی در این مقاله موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: ۱. امنیّت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب. ۲. امنیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب. ۳. پایه‌های تحقق امنیّت اجتماعی در سایه حجاب بانوان. ۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امنیّت اجتماعی. ۵. آثار سوء بد حجابی و انهدام امنیّت اجتماعی. ۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امنیّت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی. گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده‌اند. این آموزه‌های هستمندانه و بایستی از خالق حکیمی تجلّی می‌یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریّت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبّرانه صادر گردیده است. زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می‌سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیّت اجتماعی و ایجاد زمینه‌ای جهت رشد معنوی مردان می‌گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم‌صلی الله علیه وآله می‌فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشمان خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱)». همچنین می‌فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشتن را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفّت شناخته شوند تا از تعرّض و جسارت، آزار نکشند (در امنیّت کامل باشند) ؛ خداوند در حقّ خلق، آمرزنده و مهربان است(۲)». همان‌گونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان‌دهی خلقیّات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی‌باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز، التهاب‌های جسمی و معاشرت‌های بی‌بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می‌افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امنیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه‌شناختی و روان‌شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امنیّت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندانه، زندگی می‌کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه‌هایشان دست به گزینش می‌زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند. از این‌رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش‌های اجتماعی، تأمین‌کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می‌نگرند. بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می‌شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهمّ‌تر امنیّت اجتماعی را فراهم می‌سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می‌دارد که از کدام فرهنگ تبعیّت می‌کند(۳). در سال‌های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امنیّت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتّخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش‌های نامناسب در مقابل نامحرمان است؛ لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوّق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهمّ اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امنیّت اجتماعی از جنبه‌های مختلف می‌پردازیم. امید است که راهکارهای بیان شده در این زمینه‌ها برای همه اقشار جامعه اسلامی به ویژه نسل جوان و

اندیشمند، مفید باشد و عزمشان را برای عمل و گسترش آن، به نحو مطلوب و احسن، جزم نمایند تا امنیّت اجتماعی، تأمین شود. ثانیاً نماد فرهنگی و ملّی بشریّت، درخشش روزافزون خود را حفظ نماید. امنیّت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معیّن می‌گردد که هدف از تشریع وجوب حکم حجاب اسلامی دست‌یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفّت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امنیّت اجتماعی است. «و اذا سَأَلْتُموهُنَّ مَتاعاً فَسْئلوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِکُم أطْهَرُ لِقلوبِکُم و قُلُوبِهِنَّ(۴)». چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه‌کن نمودن امنیّت اجتماعی می‌شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این‌باره از امام رضاعلیه السلام نقل شده است: «حرّم النَّظَر الی شُعورِ النّساء المَحْجوبات بالاَزْواج و غَیْرِهِنَّ مِنَ النّساء لما فیه مِنْ تَهْییجِ الرّجال و ما یَدْعوا التَّهْییج الی الفَساد و الدُّخول فیما لا یحلّ و لا یجمل(۵)». «نگاه به موهای زنان باحجاب ازدواج‌کرده و بانوان دیگر، از آن جهت حرام شده است که نگاه، مردان را برمی‌انگیزد و آنان را به فساد فرامی‌خواند در آنچه که ورود در آن نه حلال است و نه شایسته». از مجموع گفتار فوق روشن می‌گردد که هدف از وجوب حجاب اسلامی علاوه بر موارد مذکور، ایجاد صلاح و پیشگیری از فساد، جهت تأمین و گسترش امنیّت اجتماعی است. امنیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب یکی از فلسفه‌های حقیقی وجوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیّت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیّت اجتماعی با توسعه آن می‌باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی موّاج از تمایلات و خواسته‌های اوست که مهم‌ترین آنها به خوراکی‌ها، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می‌شود و بدون شک بالاترین خواسته‌های مردان، تمایل به جنس زن است. در سخنان عرفا آمده است: «أعْظَمُ الشَّهْوَة، شَهْوَة النّساء(۶)»: «بزرگ‌ترین خواسته‌های مرد، رغبت به زنان است». ارائه زیبایی‌ها و مواضع بدن زن، به شهوت و طمع مردان، دامن می‌زند و آنها را به یک کانون جدّی خطر، مبدّل می‌سازد که به سلب آرامش زن و امنیّت اجتماعی منتهی می‌گردد. آنچه می‌تواند از این ناامنی پیشگیری کند، پوشش زن از چشمان گرسنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسلامی، عملی خواهد شد. پوشش دینی، پیام عفت، شخصیّت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جامعه نه تنها به چنین بانویی چشم طمع نخواهند داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسعت بخشیدن امنیّت اجتماعی دانسته و نجابتش را می‌ستایند. در این صورت است که زن نه تنها در سنگر حجاب خود، از تیر نگاه‌های زهرآلود، سخنان آزاردهنده و برخوردهای اراذل جامعه در امان خواهد بود، بلکه امنیّت و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریدگار هستی، خطاب به زنان است: «ای زن! آگاه باش، دنیا خراب‌آبادی است که هر نقطه آن به مین‌های شیطان و نگاه‌های آلوده، ناامن گشته است. اما فرشته‌های حجاب در محفل انس و یاد خدا در امنیّتی بی‌نظیر به سر می‌برند که دیگران از طعم آن بی‌خبرند(۷)». شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها پایه‌های تحقق امنیّت اجتماعی در سایه‌های حجاب بانوان پوششی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شرعی اعلام کرده است، یک عمل ظاهری و گسسته از عوامل و پایه‌ها نیست، بلکه حجاب، خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه‌های خود استوار نموده و باعث ترویج ارزش امنیّت اجتماعی می‌گردند و به تحقق آن در جامعه اسلامی، کمک می‌نمایند. اکنون شایان ذکر است که این پایه‌های اساسی بیان گردد: ۱. ایمان به خدا و جهان آخرت از مهم‌ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امنیّت اجتماعی جامعه را فراهم می‌نمایند، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمان آورد و معتقد گردد احکامی که برای بشریّت تشریع کرده، بودن نقص و دارای آثار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امنیّت اجتماعی جامعه را تضمین می‌کند. ۲. تقوا پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امنیّت اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شکل نگیرد، حجاب را نوعی محدودیّت برای خود قلمداد نموده و امنیّت اجتماعی انسان‌ها را تهدید می‌نماید. خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل‌هاست که حجاب‌های تاریک جان را غرق می‌کند و لانه‌های هوس

را برمی‌اندازد، آن را به کام جان خود می‌ریزد تا عالم جانش، گلستان گل‌های سلم، طاعت و تسلیم گردد و خیمه حجابش را برمی‌افروزد تا حافظ بوستان ارزش‌های خویشتن و آرامش درونی اجتماع خود شود. ۳. آگاهی شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه‌های مستحکم پوشش دینی و تبلور امنیّت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا باید پوشیده باشم نایل شود، پایه‌های حجاب دینی در او شکل گرفته و با آگاهی کامل به امنیّت اجتماعی ارزش می‌بخشد و دوام آن را تضمین خواهد کرد. به طور کلّی، آگاهی زن نسبت به آثار مطلوب حجاب و مهم‌تر از آنها مسأله امنیّت اجتماعی باعث می‌شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه‌های شیطانی را هیچ انگاشته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسعت می‌بخشد. همچنین این پیام اصیل و عرفانی را همیشه آویزه گوش‌های خود می‌گرداند: «خواهرم! سرزمین جانت را با خورشید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابد و آن‌چنان که هستی خود را بشناسی، آنگاه دریابی که حجاب باله‌های شنا به سوی سرچشمه هستی امنیّت فردی و اجتماعی کامل است و پوشش‌های مهیّج وزنه‌های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امنیّت خود و جامعه خویش را برهم می‌زند». پی‌نوشت‌ها ۱) نور، ۳۰. ۲) احزاب، ۵۹. ۳) فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰. ۴) احزاب، ۵۳. ۵) بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴. ۶) محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷. ۷) تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ – ۱۶.

عفاف در پرتو حجاب

زن مظهر جمال و زیبایی و عفاف است و مرد مظهر شیفتگی و مجذوب شدن از آن جهت فرهنگ غنی و ارزشمند اسلام پوشش و حجاب را برای بانوان لازم دانسته است و حجاب را حافظ ارزش‌های والای معنوی زنان در برابر مردان قرار داده و در طول تاریخ او را از فساد و تباهی و افتادن در دام شهوت‌پرستان خودپرست نگهداری نموده است. نگاه شهوت‌آمیز مردان به زنان و بالعکس از جمله امور نکوهیده‌ای است که پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به شدت منع می‌کرد و آن را حرام می‌دانست همان طوری که فرمود: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس فمن ترکها خوفا من الله اعطاه الله ایمانا یجد حلاوته فی قلبه . (۱) نگاه شهوت‌آمیز (همراه با لذت جنسی) تیر زهراگینی است که از سوی شیطان به سوی طعمه خویش رها می‌گردد، پس هر کس به خاطر ترس از خدا نگاه با شهوت را ترک کند خداوند ایمانی به او خواهد بخشید که شیرینی و اثرش را در دلش خواهد دید. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در حجة الوداع هنگامی که آن زن جوان خثعمی به حضورش آمد تا چند پرسش داشته باشد در آن هنگام فضل بن‌عباس همراه بود زن وقتی سؤال‌هایش را مطرح نمود پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به هنگام پاسخ دادن متوجه شد بین آن زن و فضل نگاهی رد و بدل گردید و زن عوض اینکه مطالب آن حضرت را گوش کند به فضل که جوان زیبا و نورسی بود متوجه شده در آن وقت رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) دست‌خود را به طرف فضل بن‌عباس دراز کرد و صورت او را به طرف دیگر برگرداند و فرمود فخشیت ان یدخل بینهما الشیطان... (۲ ;) در نگاه زن جوان و مرد جوان می‌ترسم شیطان قدم نهد و سبب انحراف آنان گردد. دانشمندان و علمای بزرگ برای لزوم حجاب به قرآن و احادیث و اجماع و عقل استدلال کرده‌اند و حدود پوشش را برای مردان و زنان به صورت روشن بیان داشته‌اند، ما در این نوشتار کوتاه از آن جهت که زن را عنصر اولیه صلاح و رستگاری جامعه می‌دانیم و بر آن اعتقادیم که اگر رستگاری و فلاح در این قشر عظیم حاکم شود رستگاری و عاقبت‌بخیری مردان را بدنبال دارد و بعکس خدای ناکرده چنانچه زنان جامعه فاسد و تباه شدند مجالی برای اصلاح مردان باقی نخواهد ماند. حال به بخشی کوتاه در باره حجاب و پوشش زن می‌پردازیم. قرآن و مساله حجاب قرآن درباره حجاب می‌فرماید: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن الا لبعولتهن او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخوانهن او بنی اخوانهن او بنی اخواتهن او نسائهن ... و توبوا الی الله جمیعا

ایها المؤمنون لعلکم تفلحون (۳ ;) به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس‌آلود)فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت‌خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت‌خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان و با پدرشوهرانشان و یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان و .... همگی به سوی خداوند باز گردید ای مؤمنان تا رستگار شوید. و در جای دیگر آمده است: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما» (۴ ;) ای پیامبر به همسران و دختران خویش و دیگر زنان مؤمنان بگو که جلبابها (روسریها)ی خویش را بر خود فرو افکنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند به (احتیاط) نزدیکتر و خداوند آمرزنده و مهربان است. فقهاء اسلام گفته‌اند: دو آیه فوق بر وجوب پوشش و حجاب برای زنان دلالت دارد. آنان نیز به آیات (۶۰ تا ۶۱) سوره نور تمسک کرده‌اند و آن آیات را دلیل پوشش برای زنان دانسته‌اند همان طوری که روایاتی را مستند خویش قرار داده‌اند، در اینجا به یک حدیث اکتفا می‌کنیم. پوشش حضرت فاطمه(سلام الله علیها) در محوطه منزل در برابر بیگانه جابربن‌عبدالله انصاری می‌گوید: به همراه رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) بودم آن حضرت اراده کرد به خانه دخترش فاطمه(سلام الله علیها) برود چون به درب خانه فاطمه(سلام الله علیها) رسید با دست مبارکش درب را فشار داد و فریاد برآورد: السلام علیکم. دختر گرامی پیامبر جواب داد: علیک السلام یا رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم) آنگاه پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه ورود به منزل گرفت و فرمود: ادخل انا و من معی (آیا من و کسی که همراه من است داخل منزل شویم). در آن وقت فاطمه(سلام الله علیها) فرمود: پدر جان چیزی بر سر ندارم، رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: یا فاطمهٔ خذی فضل ملحفتک فقنعنی بها راسک ;فاطمه جان با قسمتهای اضافی روپوش خودت سرت را بپوشان. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره اجازه گرفت فاطمه(سلام الله علیها) پرسید: چه کسی با شماست، پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جابر، آنگاه من به همراه پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) داخل خانه زهرا(سلام الله علیها) شدم. جابر می‌گوید: چهره زهرا(سلام الله علیها) همانند شکم ملخ زرد شده بود، پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: دخترم چرا چنین هستی، جواب داد: از گرسنگی است. پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) دعا فرمود: اللهم مشبع الجوعهٔ و دافع الضیعهٔ، اشبع فاطمهٔ بنت محمد ;ای خدایی که سیرکننده گرسنه و بوجود آورنده محصولات هستی فاطمه دختر محمد(صلی الله علیها) را سیر گردان. جابر ادامه می‌دهد سوگند به خدا دعای پیامبر خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) مستجاب گردید. پس از دعای آن حضرت چهره زهرا(سلام الله علیها) گلگون گردید مثل اینکه خون را در حال حرکت در زیر پوست صورت می‌دیدم و زهرا(سلام الله علیها) از آن پس گرسنه نماند. (۵) پس از عموم آیه شریفه (۳۱ نور) و دیگر آیات استفاده می‌شود که پوشش برای زنان امری مسلم است و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند، از سوی دیگر سیره فاطمه اطهر(سلام الله علیها) در برخورد با جابر بن‌عبدالله انصاری(ره) بالاترین شیوه تبیین حکم الهی است که حضرت بدان عمل می‌کند و وظیفه دیگر زنان را در برابر مردان غیر محرم و بیگانه نشان می‌دهد. برخورد فاطمه(سلام الله علیها) با جابر که شخص مؤمن و مورد اعتماد رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) است در محیط خانه خویش چنین است مسلم زنان متعهد در حفظ خود در داشتن پوشش صحیح در جامعه (کوچه و بازار و ادارات و ...) وظیفه‌ای سنگین‌تر دارند. پوشش زنان در برابر خویشاوندان احمد بن‌ابی‌نصر بزنطی از یاران عالیقدر امام علی بن‌موسی الرضا(ع) است می‌گوید از آن حضرت پرسیدم: آیا برای مرد جایز است که به موهای خواهر زنش نگاه کند؟ حضرت فرمود: نه مگر اینکه سالخورده و پیر و از کار افتاده باشد. عرض کردم: پس خواهر زن با بیگانه چه فرق می‌کند یعنی هر دوی اینها یکی هستند؟! حضرت فرمود: بلی یکی هستند. پرسیدم: (در مورد سالخورده) چقدر برای من جایز است نگاه کنم؟ فرمود: به موی او و ذراع (از انگشت تا آرنج) او می‌توانی نگاه کنی. (۶) قسمت آخر روایت مربوط به سالخورده و پیرزن از کار افتاده است همان طوری که صاحب وسائل مرحوم شیخ حر عاملی بر آن

تصریح نموده‌است. نقش «حجاب در سلامت عمومی در جامعه‌ای که زن و مرد هر کدام کار متعلق به خویش را انجام دهد و اختلاط و معاشرت بی‌مرز در آن وجود نداشته باشد زنان غیر متعهد خودنمایی ننمایند و مردان شهوتران هم با چشمان صیاد خویش به دنبال طعمه نگردند، در آن جامعه آرامش روحی و روانی بر زن و مرد حاکم خواهد شد، و ثبات و استحکام ویژه‌ای بر خانواده آن سایه خواهد افکند، و روز بروز بر تعداد پیوند ازدواج‌ها و زناشوییهای مشروع و قانونی افزوده خواهد گردید که نتیجه آرامش اجتماعات کوچک، آرامش و سعادت جوامع بزرگ انسانی خواهد شد. پس پوشش صحیح بالاترین نعمت الهی است که خداوند بر زنان ارزانی داشته و بر آنان لازم شمرده است. رسول گرامی اسلام روزی در جمع یاران خویش که در مسجد نشسته بودند، پرسید: بهترین چیز برای زنان چیست؟ کسی نتوانست پاسخ آن حضرت را بدهد. علی(ع) به خانه آمد پرسش پیامبر و ناتوانی یارانش را در پاسخ به آن حضرت بازگو کرد. فاطمه زهرا(سلام الله علیها) فرمود: خیر لهن ان لا یرین الرجال و لایرونهن، فاخبره بذلک فقال(صلی الله علیه و آله و سلم) له: من علمک هذا؟ قال(ع): فاطمهٔ. قال(ص):انها بضعهٔ منی (۷) بهترین چیز برای زنان این است که به مردان نگاه نیندازند و مردان نیز به آنها نظر نکنند. امیرمؤمنان(ع) به مسجد برگشت و آن را برای پیامبر و مردم بازگو کرد. رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) پرسید: از کجا آموختی؟ علی(ع) گفت: این پاسخ فاطمه است. در آن هنگام پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فاطمه پاره تن من است. حدود پوشش بانوان از دیدگاه فقهاء اسلام بسیاری از فقهاء شیعه و اهل سنت‌بعد از اعتماد بر ظهور آیات گذشته و تصریح روایات در مورد وجوب پوشش ادعای اجماع و اتفاق نموده‌اند و ذیل تفسیر آیات سوره نور و احزاب حدود و مقدار پوشش را برای زنان مشخص نموده‌اند. در اینجا به بیان برخی از نظریات فقهاء می‌پردازیم: ابن رشد فقیه و فیلسوف معروف اندلسی می‌نویسد: عقیده اکثر علماء بر این است که بدن زن جز چهره و دو دست تا مچ عورت (×) است، ابوحنیفه معتقد است: قدمین نیز عورت شمرده نمی‌شود لکن ابوبکر بن‌عبدالرحمان بن‌هشام بر این باور است که تمام بدن زن بلا استثناء عورت است. (۸) در الفقه علی مذاهب الخمسه آمده است: علماء اسلام اتفاق نظر دارند که بر هر یک از زن و مرد لازم است آنچه را در خارج نماز باید بپوشد در حال نماز هم باید بپوشد سپس می‌گوید: به عقیده علماء شیعه امامیه بر زن در حال نماز همان قدر از بدن را واجب است‌بپوشاند که در غیر نماز باید از نامحرم بپوشد. (۹) فقهاء اسلامی در دو موضع از کتاب‌های فقهی خود وجوب حجاب و حدود پوشش را برای بانوان مطرح نموده‌اند. الف – در بحث پوشش در حالت نماز (بحث‌ساتر) ب – در بحث نگاه کردن مرد به زن نامحرم و یا عکس‌آن علامه حلی(ره) می‌فرماید: جمیع بدن زن عورت است جز چهره او به اجماع همه علماء، در همه شهرها جز ابوبکر بن‌عبدالرحمان بن‌هشام که تمام بدن زن را عورت دانسته است. سخن او به اجماع فقهاء مردود است. زیرا از نظر علماء ما (شیعه) دو دست تا مچ نیز مانند چهره است و عورت نخواهد بود. مالک بن‌انس و شافعی و اوزاعی و سفیان ثوری در این جهت‌با علماء شیعه هم عقیده‌اند، ابن‌عباس در تفسیر کلام خدا: «و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها» وجه و کفین را با هم استثنا نموده است. (۱۰) در پایان باید گفت: فقهاء اسلامی در دو موضع از کتاب‌های فقهی خود وجوب حجاب و حدود پوشش را برای بانوان مطرح نموده‌اند. الف – در بحث پوشش در حالت نماز (بحث‌ساتر) ب – در بحث نگاه کردن مرد به زن نامحرم و یا عکس آن امام خمینی(ره) در این دو باب فرموده‌اند: ۱ – عورت زن در نماز همه بدن اوست که شامل سر و موی‌ها می‌گردد و فقط صورت (به مقداری که باید در وضو باید شسته شود) و دست‌ها تا مچ و پاها تا ابتداء ساق مستثنی شده سپس فرموده‌اند: از آن مقداری که استثناء شده واجب است مقدار بیشتری را پوشاند تا یقین به پوشش مقدار واجب پیدا شود. (۱۱) ۲ – نگاه کردن مرد به زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر با قصد لذت باشد حرام است و اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد. (۱۲) پی نوشت : ۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۳۸، ح ۳۴، ب۳۳. ۲- فتح الباری، ج ۴، ص۴۳۹ تا ۴۴۲. حدیث ایام حج صادر گردیده و احکام دیگری در مورد محرم استفاده می‌شود و لکن قدر مسلم حرمت نگاه با شهوت از سوی مرد به زن و بعکس می‌باشد، و جواز نگاه به صورت زن بدون ریبه همان طوری که

پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نگاه کرد و عمل پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت‌به فضل بن‌عباس نشانگر حرمت نظر به زن با لذت می‌باشد ;باید توجه داشت این روایت را کتب اهل سنت نقل کرده‌اند و اصل حدیث هم مرفوعه می‌باشد. ۳- نور: ۳۱. ۴- احزاب:۵۹. ۵- فروع کافی، ج ۵، ص ۵۲۸، ح ۵ ;وسائل الشیعه، ج ۲۰، ب ۱۲۰، ص۲۱۶، ح۲۵۴۶۳. (چاپ آل البیت ;)مسالک الافهام، فاضل جواد کاظمی، ج۳، ص ۲۷۵. ۶- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب۱۰۷، ص۱۹۹، ح ۲۵۴۲۰ (چاپ آل البیت ;)سالته عن الرجل یحل له ان ینظر الی شعر اخت امراته؟ فقال(ع) لا ـ الا ان تکون من القواعد... ۷- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۶۷، ح ۲۵۰۵۴ (چاپ آل البیت ;)بحارالانوار، ج۴۳، ص ۵۴، ح ۴۸ ;احقاق الحق، ج ۱۰، ص۲۵۷. × - منظور از واژه عورت «آسیب‌پذیر» و یک اصطلاح در فقه است. ۸- بدایة المجتهد، ابن‌رشد، ج ۱، ص ۱۱۱. ۹- الفقه علی مذاهب الخمسة، محمد جواد مغنیه، ص۱۱۳. ۱۰- تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص۴۴۶، م ۱۰۸. ۱۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص۱۲۹، م۳. ۱۲- رساله توضیح المسائل، احکام نگاه کردن، م۲۴۳۳. منبع: ماهنامه کوثر

چرا مسأله حجاب بیشتر روی زنان تکیه شده است؟

برای روشن شدن فلسفه حجاب زن و راز تفاوت آن با پوشش مردان، توجه به مطالب ذیل لازم است: الف- توجه به رابطه پوشش با فرهنگ دینی بر اساس فرهنگ اسلامی، انسان موجودی است که برای رسیدن به کمال و معنویّت خلق گردیده است. اسلام با تنظیم و تعدیل غرایز به ویژه غریزه جنسی و توجه به هر یک از آن‌ها در حدّ نیاز طبیعی، سبب شکوفایی همه استعدادهای انسان شده و او را به سوی کمال سوق داده است. پوشش مناسب برای زن و مرد عامل مهمی در تعدیل و تنظیم این غریزه است. ب- توجه به ساختار فیزیولوژی انسان نوع پوشش زن و تفاوت آن با لباس مرد رابطه‌ای مستقیم با تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد دارد. در تحقیقات علمی در مورد فیزیولوژی و نیز روان‌شناسی زن و مرد ثابت شده که مردان نسبت به محرّک‌های چشمیِ شهوت‌انگیز حساس ترند و چون تأثیر حس بینایی زیادتر است و چشم از فاصله دور و میدان وسیعی قادر به دیدن است، از سوی دیگر ترشّح هورمون‌ها در مرد صورتی یکنواخت و بدون انقطاع دارد، مردان به صورتی گسترده تحت تأثیر محرّک‌های شهوانی قرار می‌گیرند اما زنان نسبت به حس لمس و درد حساس ترند و به محرّک‌های حسی پاسخ می‌دهند. حس لامسه بروز زیادی ندارد و فعالیتش محدود به تماس نزدیک است. از این گذشته چون هورمون‌های جنسی زن به صورت دوره‌ای ترشح می‌شوند و به طور متفاوت عمل می‌کنند، تأثیر محرّک‌های شهوانی بر زن صورتی بسیار محدود دارد و نسبت به مردان بسیار کمتر است. با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت: حجاب در اسلام از یک مسئله کلّی و اساسی ریشه گرفته است. اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی (چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر) به محیط خانواده و در چهارچوب شرع و قانون اختصاص یابد و اجتماع تنها برای کار و فعالیت باشد، بر خلاف سیستم غربی که حضور در جامعه را با لذت جویی جنسی به هم می‌آمیزد و تعدیل و تنظیم امور جنسی را به هم می‌ریزد. اسلام قائل به تفکیک میان این دو محیط است و برای تأمین این هدف، پوشش و حجاب را توصیه نموده است، زیرا بی بند و باری در پوشش به معنای عدم ضابطه در تحریک غریزه و عدم محدودیت در رابطه جنسی است که آثار شوم آن بر کسی پوشیده نیست. پوشش زن در اسلام به این معنا است که زن در معاشرت با مردان بدن خود را بپوشاند و از جلوه‌گری و خودنمایی خودداری کند. بنابراین لزوم حجاب از سوی اسلام در حقیقت برای حفظ کرامت زن است تا مورد بهره‌برداری هوسبازان قرار نگیرد. درست است که حجاب در ظاهر محدودیت زن را نشان می‌دهد ;اما واقع و روح مسئله حکایت از محدودیت کامیابیها به محیط خانوادگی و همسران مشروع و همچنین سلامت جامعه و حفظ آن از لجنزار فساد است. ج- آثار و فواید رعایت حجاب و پوشش دینی ۱- بهداشت روانی اجتماع و کاهش هیجان‌ها و التهاب جنسی که سبب کاهش عطش سیری ناپذیری شهوت است. زیرا آزادی معاشرتهای بی‌بند و بار، هیجانها و التهابهای جنسی را زیاد می‌کند. از سوی دیگر، غریزه جنسی نیز غریزه‌ای نیرومند

است که هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می‌شود. افزون بر این تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام نشدنی است و دست نیافتن به آنها منجر به اختلالات روحی و روانی می‌شود. لذا اسلام راه فساد جامعه را از سرچشمه می‌بندد. یعنی نگاه که اولین واسطهٔ ارتباط زن و مرد است باید کنترل شود. به مرد می‌گوید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ...»(۱)به زن هم می‌گوید: «قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهنّ و یحفظن فروجهنّ ... »(۲) یعنی زن و مرد نباید چشم چرانی کنند و نباید به قصد لذت به هم نگاه کنند، و یک وظیفه خاص نیز برای زن دارد ;و آن این که خود را از مردان بیگانه بپوشاند. ۲- تحکیم روابط خانوادگی و برقراری صمیمیت کامل زوجین. اختصاص یافتن استمتاعات و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع پیوند زن و شوهر را محکم می‌سازد و به هر یک از طرفین این اعتماد را می‌دهد که او تنها کسی است که مورد عنایت و علاقه شریک زندگی خود قرار دارد. در حالی که در جوامع غربی و سیستم‌های آزاد ;رقیب و مزاحم امنیت خاطر زوجین را از بین می‌برد. با رواج بی حجابی و جلوه گری زن، جوانان مجرد، ازدواج را نوعی محدودیت و پایان آزادی‌های جنسی خود تلقّی می‌کنند وافراد متأهل هر روز در مقایسه‌ای خطرناک میان آن چه دارند و ندارند، قرار می‌گیرند. این مقایسه‌ها، هوس را دامن زده و ریشه زندگی را می‌سوزاند. ۳- استواری اجتماعی و استیفای نیروی کار و فعالیّت ارتباط حساب نشده و بی‌بند و باری‌ها، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می‌کند. اسلام با فعالیتهای فرهنگی اقتصادی اجتماعی زن و تحصیل او مخالف نیست ولی با آلوده کردن محیط کار و فساد مخالف است لذا در اجتماعی که حریم بین زن و مرد رعایت نشود، رکود فعالیتهای اجتماعی و انحطاط اخلاقی خواهد بود. دختر و پسری که در محیط کار و دانشگاه تحریک شهوانی شوند، از تمرکز و کارآیی آن‌ها کاسته می‌شود و حکومت شهوت بر اجتماع سبب هدر رفتن نیروی فکری و کاری است. ۴- بالارفتن ارزش واقعی زن و جبران ضعف جسمانی او زن از نظر عاطفی و تأثیر پذیری همیشه بر مرد تفوق دارد. لذا با رعایت حریم بین خود و مرد باعث حفظ ارزش و موقعیت خویش می‌شود. اسلام تأکید دارد که هر اندازه زن متین‌تر و با وقارتر باشد، احترامش افزوده می‌شود. حیا، عفاف و حجاب زن می‌تواند در نقش عاطفی او و تأثیرگذاری بر مرد مؤثر باشد. لباس زن سبب تقویت تخیّل و عشق در مرد است و حریم نگه داشتن یکی از وسائل مرموز برای حفظ مقام و موقعیّت زن در برابر مرد است. اسلام حجاب را برای محدودیّت و حبس زن نیاورده، بلکه برای مصونیّت او توصیه کرده است، زیرا اسلام راضی به حبس، رکود و سرکوبی استعدادهای زن نیست، بلکه با رعایت عفاف و حفظ حریم، اجازه حضور زن را در اجتماع داده امّا از سوء استفاده شهوانی و تجاری منع کرده است. در واقع حجاب موجب محدودیت، مردان هرزه می‌باشد که در صدد کام جویی‌های آزاد و بی حد و حصر هستند و مصونیت زنان از دست این گروه از مردان منظور است. علاوه بر مطالب فوق استاد مطهری در بیان این که چرا حجاب به زنان اختصاص یافته می گوید: اما علت این که در اسلام دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته، این است که میل به خود نمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خود آرایی از حس شکارچی گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دل باخته و در دام علاقه خود اسیر سازد. بنابراین انحراف تبرّج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است.("۱) به عبارت دیگر: جاذبه و کشش جنسی و زیبایی خاص زنانه و تحریک پذیری جنس مردانه، یکی از علت‌های این حکم است. توصیه و دستور الهی به پوشش و حجاب برای زنان، به منظور ایجاد محدودیت و محرومیت و چیزهایی از این قبیل که تنها فریب شیطانی‌اند نمی‌باشد، بلکه در واقع برای آگاهی دادن به گوهر ارزشمند در وجود زنان است که باید از آن مراقبت و شده و حفظ شود و به تاراج نرود. این کاملاً معقول است که هر چیزی ارزشمندتر باشد، مراقبت و محافظت بیشتری را می‌طلبد تا از دست راهزنان در امان باشد و به شکل یک ابزار برای مطامع سودپرستان در نیاید. به یاد داشته باشیم که غریزه جنسی، نیرومند و عمیق

است. هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش‌تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر هیزم بدهند، شعله ورتر می‌شود، و شهوت خود را به صورت یک عطش روحی و خواست اشباع نشدنی در می‌آورد.(۲) و وضعیت جهان معاصر و کشانده شدن عده‌ای به همجنس بازی نشانه آشکاری از این حالت است. بنابراین رعایت نکردن پوشش اسلامی توسط زنان نه تنها از بین رفتن حساسیت مردان را به دنبال ندارد، بلکه موجب طغیان غریزه جنسی آنان نیز می گردد و پس از مدتی باعث دلزدگی و بی معنایی آن خواهد شد. گاهی نیز لذت غریزهٔ جنسی را به واسطهٔ زیاده روی و افراط از بین می برد و انسان را به امور دیگر می کشاند. در مورد مردان نیز این گونه نیست که بتوانند با هر نوع لباسی از خانه بیرون آیند و نوع پوشش آنها می تواند به هر صورتی باشد بلکه مردان نیز در این جهت با محدودیت های خاص خود نسبت به پوشش مواجه هستند اما محدوده پوشش آنان به جهت حضور بیشتر در اجتماع و کارهای سخت و به جهاتی که در بالا ذکر شد با زنان متفاوت است. پی نوشت ها : ۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۶، با تلخیص ۲. همان، ص ۴۳۴

آثار و فواید حجاب

نویسنده: ۱. امنیت امنیت ،یکی ازطبیعی ترین و ضروری ترین نیازهای بشری است . به نظر مزلو(۱) ، پدر معنوی جنبش انسان گرایی در روان شناسی ، نیاز به امنیت ، از نیازهای زیربنایی برای رشد و شکوفایی شخصیت انسان است که در صورت ارضا نشدن ،رشد شخصیت مختل می شود. بر این اساس ،اگرانسان ها در زندگی روزمره خود ، در کوچه و خیابان و محل کار و تحصیل و حتی داخل منزل ، احساس امنیت نکنند، به تدریج دچار اضطراب می شوندو در این میان ، زنان به دلیل ویژگی های خاص شخصیتی و موقعیت اجتماعی شان ، آسیب پذیرترند و بیشتر احساس نیاز به امنیت می کنند؛زیرا در همه جوامع بشری ، همواره مردانی وجود دارند که به دلیل نداشتن تربیت صحیح انسانی ، دوست دارند فضایی ناامن برای بانوان ایجاد کنند ، و با نگاه های هوس آلود و رفتارهای نابهنجارشان ، نعمت امنیت را از زنان بربایند. البته در این شرایط ، زنانی که در انظار عمومی اندام خودرا به نمایش می گذارند و باعث تحریک مردان می شوند ، ناگزیر باید منتظر آزار واذیت افراد لاابالی و فرصت طلب نیز باشند . این آزارها که گاه به آدم ربایی و قتل نیزمی انجامد ، زندگی زنان بدحجاب و آرامش و سلامت روانی آنها را به شدت به خطر می اندازد . این در حالی است که حجاب و پوشش ، گرچه برای زن تا حدی محدودیت می آورد ،او را در برابر بسیاری از خطرها ،مصون می سازدو امنیت جانی و روانی اش را تأمین می کند.بهترین شاهد این مدعا ، وضعیت اسف بار زنان در جوامع غربی است ؛ از یک سو ، فرهنگ غربی تا جایی پیش رفته است که کلمه شرم و حیا را واژه های قبیح در فرهنگ نامه زنان و دختران می داند و می کوشد این ویژگی فطری را از آنان بزداید . از سوی دیگر،می بینیم که برهنگی، وجود روابط آزاد ،رعایت نکردن حریم بین زن و مرد ، چه مشکلات بزرگی برایشان پدید آورده و چگونه امنیت و آسایش آنها را مختل کرده است . یکی از نویسندگان معاصر ، درباره امنیت زنان جامعه انگلیسی ، چنین می نویسد: داشتن روابط آزاد و بی حجابی ، توأم با آرایش های هوس انگیز زنان در غرب ، میل جنسی مردان را چنان برانگیخته است که اکثر نسل جوان ، به بیماری های جنون جنسی مبتلا شده اند. در انگلستان رسانه ها هر روز اخبار وحشتناک حمله های وحشیانه این افراد به زنان را منتشر می کنند. آمارها حاکی از آن است که زنان این کشورها ، به خاطر توصیه رادیو و تلویزیون برای حفظ جان خود ،از وسایل دفاعی از قبیل اسپری های بی هوش کننده و سلاح های سرد و غیره استفاده می کنند. این در حالی است که معمولاً در حمله وحشیانه مردان به آنها ، این سلاح ها علیه خودشان به کار گرفته می شود .حتی مجازات های شدید برای جنایت کاران حملات جنسی ، باعث شده تا جانیان ، قربانیان خود را که تنها شاهد جنایت است ، به قتل برسانند،(۲) بنابراین یکی از ثمرات مهم حجاب ، ایجاد امنیت برای زنان است که در صورت نبود آن ، زنان آرامش خود را از دست می دهند و دچار ترس و اضطراب روانی می شوند. خداوند در قرآن نیز می فرماید: یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ

لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنینَ یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلابیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ وَ کانَ اللّهُ غَفُورًا رَحیمًا (احزاب:۵۹) ای پیامبر ،به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو:«پوشش های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرارنگیرنـد(به احتیاط) نزدیک تر است ،وخـدا آمرزنده مهربان است. ۲. ارزش منـدی زن یکی دیگرازآثار حجاب برای زن ، بالا رفتن ارزش او در نزد مرد و در نتیجه ، پیدایش عشق است که از لذت بخش ترین عواطف انسانی است . نیاز به دوست داشتن و محبوب دیگران قرار گرفتن، از نیازهای مهم هرانسانی است . میزان این نیاز در زنان بیش از مردان است.(۳) به گفته شهید مطهری ، «آفرینش ، مرد را مظهرطلب و عشق و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است. احساسـات مرد ، نیـاز آمیز و احساسات زن ،نـازخیزاست .احساسـات مرد ، طالبـانه و احساسـات زن ،مطلوبانه است»(۴) در واقـع ، نقش مهـم حجـاب برای زن ، حفـظ جایگـاه معشوقیت اوست . اسـلام نیز تأکیـد کرده است که زن هر انـدازه متین تر ، باوقارتر و عفیف تر باشد و خود را در معرض دید مردان قرار ندهـد ، بر احـترامش افزوده می شـود. حجـب برای دخـتر ،همچـون وسـیله ای دفـاعی اسـت کـه به او امکـان می دهـد از میـان خواسـتگارانش ، شایسـته ترین آنان را برگزیند، یا خواسـتگار خویش را ناچار سازد که پیش از دست یافتن به وی ، به تهذیب خود بپردازد . موانعی که حجب و عفت زنـان در برابر شـهوت مردان ایجاد می کنـد، عاملی است که عاطفه و عشق شاعرانه را پدیـد می آورد و ارزش زن را در چشم مرد بالا می برد.(۵) راسل در این باره می گوید: تصور من براین امراست که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیابـد ،احسـاس آن مرد نسبت به آن زن ، یک نوع احساس عاشـقانه عمیق نمی توانـد باشـد .(۶) بنـابراین هر چه زن در روابـط خود بـا مرد آزادتر باشـد و حریم حجـاب را کمـتر رعـایت کنـد ، ارزش انسـانی خود را از دست می دهـد و به ابزاری برای اطفـای شـهوت های مرد تبـدیل می شود؛ بـدون اینکه جایگاهی در قلب او به دست آورد ،درنتیجه ،با دست نیافتن به این جایگاه و ارضا نشدن نیازش به عشق و محبت ، دچار مشـکلات و اختلال های روانی می شود و اندک اندک سلامت روانی خود را از دست می دهد. ۳. تعدیل غریزه خود نمایی و تبرج پوشـش و حجاب نقش اساسی در متعادل کردن غریزه خودنمایی وتبرج زن دارد؛ زیرا آزادی در خود آرایی و نمـایش جلوه هـای زنـانه در جامعه ، باعث افراط در تجمل و توجه به زیبایی های ظاهری می شود .که این توجه افراطی ، بروز اختلالـ هـای روانی را نیز برای زن در پی دارد. وقتی زن ،بی حجـاب و آراسـته در میـان مردان ظاهر می شود ، برای عـده ای خوشاینـد خواهد بود و او را تحسـین و تکریم ظاهری می کنند. به همین دلیل ، زن همواره می کوشد ظاهر خود را به گونه ای بیارایـد که بیشتر مورد پسـند آنهـا قرار گیرد. معمولاً این گونه زنان و دختران ، برای اینکه محبوب تر شونـد، هر روز وقت زیادی را صـرف آرایش خود و تقلیـد از مـدهای جدیـد می کنند. این روند ، و نگرانی از اینکه کارها به دل خواه آنها پیش نرود ، مشـکلات و ناراحتی های روانی زیادی برایشان ایجاد می کنـد.درحقیقت این دغـدغه همواره ذهن آنها را به خود مشـغول می کند که با صـرف این همه وقت و هزینه ، آیا توانسـته انـد نظر دیگران را به خود جلب کننـد و موردپسـند آنان قرار گیرند یا به عکس ، مورد تمسـخر و تحقیر قرار خواهنـد گرفت . به این ترتیب به موجوداتی همیشه نگران تبـدیل می شوند. عامل دیگرنگرانی آنها ،این تصور است که هر لحظه رقیبی زیباتر از راه برسـد و شـکار آنها را برباید . دلیل دیگری که به ناراحتی آنها می افزاید ، این است که می بیننـد به مرور زمان ، از زیبایی شان کاسـته می شود و زنان جوان تر وزیباتر جای آنها را می گیرنـد و دلربایی آنها را، کمتر می کننـد.بنابراین برای جبران ضـعف خود در این رقابت ، به تنوع طلبی بیشتر در لباس ، آرایش ،جلوه گری و خودآرایی رو می آورند که البته نتیجه چنـدانی برایشان ندارد. زنی که در خود آرایی و جلوه گری آزادانه عمل می کند ،وقتی به این نتیجه رسـید که دیگر توان رقابت با زنان زیباتر و جوان تر را نـدارد؛ با گـذشت زمان و افزایش سن ، ناکامی اش بیشتر می شود ؛ زیرا می بیند مردانی که چندی پیش خریدار نازها و کرشـمه های او بودند ، دیگر حاضر نیستند با او رفت و آمد کنند و ارزش و اهمیت چندانی به وی نمی دهند . این جاست که دچار افسـردگی و اضـطراب می شود و چه بسا خودکشـی می کند. نویسـنده کتاب چهره عریان زن عرب می نویسد: زیبایی ،به نمایش اندام و آرایش صورت که اضطراب درونی و فقدان اعتماد به نفس را پنهان می کند، نیست؛ بلکه پیش از

هر چیز ،مدیون قدرت تفکر، سلامت جسم و کمال نفس است. چه بسیار دخترانی که به سبب شوق دست یابی به نشانه های مقبول زیبایی و زنانگی به اختلالات روانی و اضطرابات گوناگون دچار گردیده اند. گمان و تصور یک دختر،این است که زندگی و آینده اش، به اندازه بینی یا خمیدگی مژه هایش بستگی دارد؛تا آنجا که حتی یک میلی متر کوتاهی طول مژه نیز می تواند به مسئله ای جدی و بحرانی واقعی در زندگی او تبدیل شود.(۷) آنچه این مشکل حادتر می کند، این است که زنان بدحجاب ، خیلی زودتر از زنان دیگر ، زیبایی خود را از دست می دهند، زیرا در علم پزشکی اثبات شده است که برهنگی اعضای زن در محیط گرم یا سرد ،سبب به هم خوردن تعادل چربی های زیر پوست شده ، لطافت ،ظرافت و صافی عضلات را به ناهمواری و مردانه شدن آنها مبدل می کند.(۸) افزون براین ،وقتی زن تمام زیبایی های خود را در معرض تماشای عموم قرار داد، دیگر چیزی برای جلب توجه ندارد و براساس قانون عرضه و تقاضا ،ارزش خود را از دست خواهد داد. بنابراین ، بدحجابی ، هم از نظر جسمی و هم از نظر روانی ، به زن آسیب می رساند و عامل تشدید سرخوردگی و ناراحتی وی است. پی نوشت ها : ۱.آبراهام مزلو ، انگیزش و هیجان ، ترجمه : احمد رضوانی. ۲.احمدصبوراردوباری ، آیین بهزیستی ، ج۳ ، ص ۲۹۸. ۳. ویل دورانت ، لذات فلسفه ، ترجمه : عباس زریاب ، ص ۱۳۵. ۴. مرتضی مطهری ، مجموعه آثار(حقوق زن دراسلام) ، ص ۱۳۵. ۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن ، ترجمه : احمد آرام و همکاران ، ج۱ ، ص۶۰. ۶. برتراند راسل ،زناشویی و اخلاق ، ترجمه : مهدی افشار ، ص ۷۹. ۷.نوال اسعداوی ،چهره عریان زن عرب ، ترجمه : حمید فروتن ، ص ۱۶۷. ۸. سید رضا پاک نژاد ،اولین دانشگاه و آخرین پیامبر ، ج۱۹ ، ص ۶.

حفظ حجاب وسلامت روانی جامعه

هیچ فردی حق ندارد از خود، تصویری به نمایش بگذارد که موجب آسیب های روحی وروانی جامعه وآزار دیگران باشد.اگر چه حجاب زنان و پوشش مردان تا حدودی امری شخصی و سلیقه ای وانتخابی است، ولی اصل مسئله پوشش با تفاوت های خاص مربوط به زن و مرد،امری اجتماعی و تکلیف است ، نه حق . هر انسانی که در جامعه زندگی می کند، مکلف است به حقوق دیگران احترام بگذارد وکاری نکند که باعث آزار دیگران شود وچه آسیبی بالاتر از تحریک شهوت در نیروی جوان کشور و برهم زدن آرامش روانی جامعه. اسلام ،تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه، اندیشیده و در این زمینه، هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است.وظیفه ای مشترک که آموزه های اسلامی هم برای مرد وهم برای زن مقرر کرده، مربوط به نگاه کردن است.زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند.همچنین وظیفه ای که برای زنان مقرر کرده، آن است که بدن خود را از مردان بیگانه بپوشانند ودر اجتماع، به جلوه گری ودلربایی نپردازند و به هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ وبها نه ای ، کاری نکنند که موجب تحریک مردان بیگانه شوند. با عفاف و حجاب وخویشتن داری ، می توان از هرز رفتن استعدادها، توان ها و امکانات جلوگیری کرد و به بالندگی هنجارها و ارزش ها پرداخت. پایبند نبودن به حجاب ، آرامش خانواده و جامعه را بر هم و به التهاب دامن می زند. دلیل رواج بیماری های روانی در دنیای غرب، آزادی جنسی وتحریکات فراوان است که در جراید، مجله ها ، سینماها وتئاترها ومحافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابان ها و کوچه ها دیده می شود. درهر جامعه ای که روابط زن و مرد بر اساس عفاف بوده است؛ یعنی زنان در خارج از محدوده ازدواج ، خود آرا و خودنما نبودند و وسیله تهییج مردان را فراهم نکردند و مردان هم در خارج از دایره ازدواج دنبال لذت طلبی وکام جویی نبودند، قلب ها و روح ها ، آرام وسالم و درنتیجه ، جامعه از نظر روانی در آرامش و سلامت بوده است. (۱) پی نوشت: ۱-یوسف علیپور باغبان نژاد و اصغر رضایی، حجاب؛ آزادی یا اسارت،صص ۱۵۹-۱۶۳(با تلخیص).

کارکردهای مختلف حجاب

نویسنده:ابراهیم شفیعی سروستانی چرا حجاب؟ در مورد فلسفه و چرایی حجاب و پوشش اسلامی بانوان بسیار سخن گفته اند و بسیاری از صاحب نظران با بهره گیری از آیات و روایت یا با استفاده از دستاوردهای علوم مختلف به بررسی این موضوع پرداخته اند. با توجه به اهمیت موضوع یاد شده،در اینجا به اختصار سه کارکرد حجاب را بررسی می کنیم تا از ره گذر شناخت کارکردهای مختلف حجاب، به درک روشن تری از فلسفه و چرایی آن برسیم. ۱. حجاب و حضور اجتماعی زنان اسلام حضور اجتماعی زنان را به رسمیت شناخته و با پرده نشینی و انزوا گزینی آنان مخالفت کرده است. لازمه حضور زنان در اجتماع، فراهم آوردن زمینه ای است که در آن شخصیت انسانی و ویژگی های متعالی زنان تحت تاثیر جمال ظاهری و ویژگی های زنان آنان قرار نگیرد و همواره به عنوان بخش جدایی ناپذیر جامعه که در همه ویژگی های انسانی با مردان مشترکند، پذیرفته شوند. اسلام با واجب کردن پوشش خاص بر زنان و الزام آنان به پوشاندن جمال خود در برابر مردان نامحرم، این زمینه را فراهم آورده است که زنان به راحتی و بدون هیچ نگرانی از اینکه ویژگی های انسانی وتوانمندی های فردی آنها تحت الشعاع ویژگی های ظاهری و جذابیت های جنسی آنها قرار گیرد، به عرصه فعالیت های اجتماعی روی آورند و از تبدیل شدن به کالای جنسی درامان مانند. ۲. حجاب و ارضای درست قوای شهوانی مکتب اسلام با پرهیز از هر گونه افراط وتفریط ونگاهی کاملا متعادل به انسان و ویژگی های طبیعی او، امکان بروز و ظهور همه قوای طبیعی انسان ها را فراهم آورده و بر خلاف برخی ادیان و مذاهب خواستار سرکوب کردن برخی قوا، از جمله قوه شهوت نشده است . این مکتب انسان ساز، برای آنکه همه قوای طبیعی انسان در مسیر درست و متعادل امکان بروز و ظهور بیابند وگرفتار طغیان و سرکشی نشوند، شرایط و چارچوب هایی را برای به فعلیت رسیدن هر یک از قوا و ارضای آنها پیش بینی کرده است. از جمله، این مکتب ضمن به رسمیت شناختن قوه شهوت ومیل به جنس مخالف، ارضای این قوه را تنها در چارچوب ازدواج شرعی پذیرفته و انسان ها را از اینکه قوای شهوانی خود را رها سازند وجامعه را به محلی برای ارضای این قوا تبدیل کنند، بر حذر داشته است. یکی از عوامل و زمینه هایی که موجب، مهار قوای شهوانی انسان ومحدود ماندن آن در فضای خانواده و ازدواج شرعی می شود، رعایت پوشش و حجاب اسلامی از یک سو و نگاه داشتن چشم از نگاه های حرام از سوی دیگر است. به بیان دیگر ، مکتب اسلام از یک سو، با موظف کردن زنان به پوشش وعفاف و پرهیز از خودنمایی و جلوه گری در جامعه و از سوی دیگر با مکلف کردن مردان به حفظ چشم های خود از نگاه های حرام، زمینه های تحریک جنسی در جامعه را به حداقل رسانده و شرایط را برای محدود ماندن راه ارضای جنسی به فضای خانواده و ازدواج شرعی ، فراهم آورده است. ۳. حجاب و تحکیم بنیاد خانواده خانواده از منظر اسلام ، اساسی ترین نهاد اجتماعی و هسته اولیه جامعه است. بر همین اساس، درمکتب اسلام، از خانواده به عنوان کانون مقدسی یاد شده است که باید از هرگونه آسیب وآفت در امان باشد. به بیان دیگر، از منظر اسلام نباید هیچ عاملی اساس این کانون را متزلزل کند ومودت و رحمتی را که در پی ازدواج میان زن وشوهر ایجاد شده است، خدشه دار سازد. برهمین اساس، مکتب حیات بخش اسلام، از زنان و مردان خواسته است که تمام مهر و محبت و عواطف و احساسات خود را تنها در کانون خانوده بروز دهند و با هر عاملی که موجب کم رنگ شدن مهر و محبت آنان نسبت به یکدیگر می شود، مقابله کنند. حجاب وعفاف زنان در جامعه و پرهیز آنها از هر گونه گفتار وکردار تحریک آمیز، درگفتار و رفتار عفیفانه مردان و خودداری آنان از چشم چرانی ونگاه به نامحرم، موجب مصونیت بخشیدن به کانون خانواده و پایداری مهر و محبت همسران نسبت به یکدیگر می شود. بی تردید مردی که در سرتاسر روز درمعرض تحریکات مختلف جنسی قرار می گیرد وچشم وگوش او از دیدن چهره زنان نامحرم یا شنیدن صدای آنان پر می شود، به هنگام بازگشت به خانه هیچ میل و انگیزه ای نسبت به همسر خود نخواهد داشت. این موضوع مهم ترین زمینه ساز کم رنگ شدن روابط زناشویی و سست شدن بنیاد خانواده است.

حجاب قرآنی و نقش آن در نهاد خانواده

نویسنده: مرضیه قاسمی /حجة الاسلام سید محمد رضا علاءالدین) بسمه تعالی چکیده: پوشش و حجاب پرتوئی از آفرینش الهی است که فلسفه وجودی آن حفظ مقام و ساحت مادی و معنوی زن و مرد و زمینه ساز رشد و کمال آن ها تا مراتب عالی انسانیت است. یکی از قوانین ربانی در شرایع الهی مسأله حجاب و پوشش بوده است و خالق بشر که بر تمای اسرار و رموز آفرینش، عالم خبیر است، زیبایی، امنیت، رشد و تعالی انسان ها به خصوص زن را در پوشش و عفاف و حجاب دانسته است، آیات نورانی قرآن کریم این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین و سیره ی قرآنی معصومین (علیهم السلام) به ویژه سیره معصومه کبری فاطمه زهرا (س) آن را به بهترین شکل به منصه ظهور و اجراء در صحنه زندگی رسانده اند. در این مقاله، پوشش به عنوان یک خواسته فطری و عقلانی انسان مورد توجه قرار گرفته و بر همین اساس این حکم امضائی اسلام در شرایع و ادیان آسمانی قبل از اسلام نیز مورد جستجو و بیان، واقع گردیده و آن گاه معنای لغوی و اصطلاحی حجاب در قرآن کریم مشخص و آثار و برکات حجاب از جمله رشد و حفظ عفاف و حیا مورد توجه و نقش آن در پایداری نهاد مقدس خانواده بیان گردیده است و در پایان آثار زیانبار بی حجابی و بد حجابی ارائه شده است. از آن جا که این موضوع قرآنی نقش بارز و آشکاری در نهاد خانواده (از حیث آبادانی و رشد یا تخریب آن) دارد سعی شده همه این موضوعات با رویکرد به جایگاه نهاد خانواده از منظر قرآن ارائه گردد. کلید واژگان: حجاب و پوشش، حیا جایگاه خداوند در قرآن و روایات مقدمه: وضع و جعل احکام دین از طرف شارع مقدس حضرت حق تبارک و تعالی منطبق با فطرت، عقل و حکمت بوده و هر کدام از آن ها از هدفمندی خاصی برای رشد و تعالی انسان برخوردار بوده اند حجاب و پوشش قرآنی یک حکم از مجموعه احکام واجب الاجراء الهی است که از اهداف، آثار، برکات و نقش آفرینی های خاصی برخوردار است و اگر حقیقت این حکم برای انسان ها روشن و آشکار گردد بعید است که فطرت های سالم و خداخواه تسلیم آن نشوند و آن را اطاعت ننمایند. قرآن کریم دین را فطری می داند یعنی دین بنیان کننده ی طبیعی ترین قوانین وجود بشری است و به عبارت دیگر دستورات اسلامی منطبق بر مسیر شکوفائی فطرت بشری است و با کمی دقت بر این دستورات و احکام فطری، اهداف، آثار و نتایج عقلانی و حکمیانه آن ها نیز آشکار می گردد. بر همین اساس حجاب و پوشش اسلامی که یکی از اوامر انسان ساز الهی و یکی از احکام حیات بخش اسلام در زندگی طیبه است و منطبق بر فطرت بشر و مبتنی بر نیازها و شرایط روانی او و زمینه ساز پویائی و کمال انسانی خواهد بود و اصولاً عمل به قوانین اسلام یک عمل اعتباری و قراردادی نیست بلکه عمل به قوانین اسلام یعنی پاسخ گوئی به نیاز فطرت است. جنس زن از دیدگاه اسلامی دارای شخصیت شایسته و موقعیتی الهی است که می تواند مدارج کمال را طی کرده و به مراتب عالی انسانیت راه یابد. دامن زن مدرسه انسان کمال جو است و جایگاه الهی و والای این گوهر آفرینش اقتضاء دارد که در قلعه مستحکم حجاب و پوشش قرار گیرد تا ارزش های او مصون و محفوظ بمانند. طرح یک سؤال اگر میل به پوشیدگی و حجاب ریشه در فطرت آدمی دارد پس چرا میلیون ها انسان در سراسر جهان نیم برهنه و بی حجاب هستند؟ پاسخ به این سؤال جواب های متنوع و متعددی را می طلبد که به ترتیب به طرح آن های می پردازیم: *ج۱) میله به پوشیدگی ریشه در فطرت انسان دارد و تمایل به پوشش و حجاب کامل بازگشتی به فطرت اصیل انسانی است. قرآن کریم انسان را صاحب فطرتی می داند که نیازهای او و پاسخ گوئی به آن ها را براساس آن (فطرت) و در امر به پوشش و حجاب به عنوان یک امر و نیاز فطری و وجودی انسان آن را سبب ساز برمی شمرد. سلامت جسمی، روحی و روانی و فکری و زمینه ساز پویائی و کمال انسانی قلمداد می کند کسانی که این فطرت الهی را در ساختار وجودی خود نادیده گرفته و به آن پشت پا زده و به انکار آن پرداخته اند به سمت برهنگی و نیمه عریانی روی آورده و انحراف آنان ربطی به واقعیت وجدان طبیعی و ساختمان فطری ایمان و اخلاق بشر ندارد. *۲) غفلت از نیازهای فطری و یا تغییر دادن نحوه پاسخگوئی به آن نیازها ناشی از ناآگاهی و دوری از آموزش ها و هدایت های الهی است که موجب گردیده ناخواسته در مسیری بر خلاف فطرت الهی خود گام بردارند. *۳) دین زدائی و تبلیغات علیه دین و ارزش های دینی که منطبق با فطرت است از یک سو و تمایلات نفسانی و شیطانی

انسان و گرایش او به هوس رانی و تنوع طلبی بی حد و حصر و تلقین های رنگارنگ در قالب آموزش های اجتماعی از سوی دیگر موجب دوری انسان از فطرت و سقوط در برهنگی و عریانی و بی حجابی عصر حاضر شده است. حجاب و پوشش حکم امضائی اسلام: لباس پوشیدن و پوشش اندام، شأنی از شئون انسانی و پدیده ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر سابقه و به قدر پهنه ی جغرافیای امروزین زمین گسترش داشته و دارد و این موضوع رابطه مستقیمی با سلامت خانواده و تحکیم و استمرار او دارد. و اما پرداختن به این موضوع مستلزم نگرشی به تاریخ مستند حجاب و پوشش در ادیان الهی است. با بررسی متون دینی اعم از تورات، انجیل و قرآن کریم و بررسی قوانین مدنی در جوامع قبل از اسلام مانند هند، یونان و ایران که تابع ادیان الهی و متون مقدس بوده اند در خواهیم یافت که حجاب و پوشش زنان و مردان یک فضیلت اخلاقی و انسانی در تمدن های بشری به حساب می آمده و مردم خود را مُقید به آن می دانسته و انحراف از آن به نوعی بداخلاقی و مقابله با ارزشهای تثبیت شده تمدن های بشری بوده که مؤاخذه و مجازات به همراه داشته است. قرآن کریم حجاب و پوشش را در خصوص اولین رسول الهی و خانواده او مطرح می سازد و حضرت آدم (ع) و همسر گرانقدر او (حضرت حوا) را دارای حجاب و پوشش مناسب دانسته که با امکانات زمانه مظاهر شرم و حیا و عفت را به خوبی پوشش داده و خود را با آن پوشش و حجاب محفوظ داشته اند. همچنین قرآن کریم در آیه ۳۱ نور تاریخ حجاب را در جزیرهٔ العرب قبل از تشریع حکم حجاب را مطرح ساخته که زنان عرب با استفاده از روسری بلند خود را می پوشانده اند. (و قل للمومنات ... و لیضربن بخمر هن علی جیوبهن) (نور – ۳۱) از این که زنان مومن به قرار دادن روسری های خود بر گریبان ها (سینه ها) امر شده اند معلوم می شود این نحوه پوشش متعارف بوده است (خُمُر) جمع خمار به معنای مقنعه است که پوششی برای سر زنان و دو طرف آن در جلوی سینه رها بوده است (مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۲۱۷) همچنین آیه ۵۹ سوره احزاب اشاره بر این موضوع دارد زنان در جاهلیت و صدر اسلام برای پوشاندن بدن خود از روپوش های بلند استفاده می نمودند. اسلام عزیز با قوانین و احکام وحیانی اش به جنس زن احترام بخشید و او را به مقام واقعی اش رساند و برای حفاظت و حراست از او و ارزش های او حکم حجاب را امضاء و آن را به کمال رساند. زن مسلمان آن گاه که پیکر خویش را در حصار امین حجاب قرار می دهد ارزشمندی و جایگاه رفیع خود را می یابد و احساس می کند. حجاب در قرآن کریم: حجاب در لغت به معنای پرده، پوشش و حایل بین دو شیء است. زن محجوب، زنی است که با پوششی مناسب خود را به طور پوشانده باشد، مقصود از حجاب در این جا پوشاندن در طبق موازین شرع در برابر نامحرم است. ما در بررسی قرآنی حجاب ابتداء فلسفه حجاب، اهمیت حجاب و آثار حجاب و نقش آن در نهاد خانواده و احکام حجاب خواهیم پرداخت: فلسفه حجاب: در سوره احزاب آیه ی ۵۹ آمده است:(یا ایها النبی قل لَازواجک و بناتک و نساء المومنینَ یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یُوذَین) ای پیامبر به زنان و دختران بگو که فلسفه حجاب و پوشش کامل، امنیت، مصونیت و سلامت شما از آزار و اذیت دیگران است و موجب پاکی و عفت شما می شود و ای پیامبر تو موظف به آموزش و تعلیم کیفیت و کمیّت حجاب و پوشش هستی و بایستی فرمان خدا را به آنان ابلاغ نمائی. آیات ۶ سوره نور، ۵۳ و ۵۵ و ۵۹ سوره احزاب بر این مفاهیم دلالت دارند. اهمیت حجاب: قرآن کریم پوشش زن را نشانه عفت و پاکدامنی او دانسته و برآن تأکید دارد. (و القواعد من النساء الّاتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهن جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرّجات بزینه ...) (سوره نور – ۶۰) همچنین قرآن رعایت حجاب از سوی زنان و دختران را نشانه پرهیزگار و تقوا پیشگی آن ها می داند (لا جناح علیهن فی آبائهن و لا ابنائهن و لا ... و اتقین الله ان الله کان علی کل شیء شهیدا) (احزاب – ۵۵) در آیه ۶۰ سوره نور حجاب و پوشش حتی برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشوئی مایه ی خیر و صلاح شمرده شده است. (والقواعد من النساء الاتی لا یرجون نکاحاً ... و ان یستعفِفن خیر لهن) (سوره نور – ۶۰) آثار حجاب: قرآن کریم در مجموعه آیاتش پنج اثر را از آثار بارز و ظاهر رعایت حجاب از سوی زنان و دختران می داند. رعایت عفت و حجاب، مایه ی بهره مندی زنان از آمرزش الهی می گردد. (یا ایها النبی قل لازواجک بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن من جلا بیبهن ... و کان الله غفوراً رحیماً) (سوره احزاب–

۵۹) رعایت حجاب و پوشش برای زنان و دختران حتی زنان سالمند در جهت خیر و صلاح و سلامت آن هاست. (و القواعد من النساء الاتی لا یرجون نکاحاً ... و ان یَستعفِفن خیر لهن) (سوره نور – ۶۰) رعایت حجاب و پوشش مناسب، راهی برای شناخته شدن زنان آزاده و با شخصیت است. (یا ایها النبی قل لازواجک بناتک و نساء المومنین ... ذلک ادنی ان یعرفن) (احزاب – ۵۹) رعایت حجاب و پوشش مناسب زنان و دختران، مایه ی حفظ طهارت و پاکی مردان و زنان است. (و اذا سألتموهن متاعا فسئلوهُن من وراء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن) (احزاب – ۵۳) رعایت حجاب و پوشش زنان مایه ی مصونیت آنان از تعرض هوسرانان و سلامت یابی آن ها می شود. (یا ایها النبی قل لازواجک بناتک و نساء المومنین یدنین علیهن ... ادنی ان یعرفن فلایوذین) (احزاب – ۵۹) صاحب مجمع البیان در ذیل آیه نوشته است احتمالاً مقصود از (یعرفن) شناخته شدن به عفاف و پاکی است که در نتیجه، اهل هوس مزاحم آنان نشوند و مقصود از جلابیت روسری و مقنعه بوده که سر و صورت خود را با آن می پوشاندند. احکام حجاب: در قرآن کریم پانزده حکم کلی پیرامون حجاب و پوشش و نحوه ی آن در موقعیت ها و در نزد اشخاص و حالات ارائه نموده است. واجب نبودن حجاب برای سالخورده و ناامید از زناشوئی، در صورت اجتناب از خودآرائی و آرایش (نور – ۶۰) حرمت آشکار ساختن زینت ها و محلهای آن ها در بدن بر زنان و دختران (نور – ۳۱) واجب نبودن پوشش صورت و دستها در زنان (نور – ۳۱) وجوب حجاب برای همسران و دختران پیامبر (ص) به عنوان الگوی زنان دیگر (احزاب – ۵۹) وجوب پوشش زیورآلات و مواضع آن از سوی زنان مسلمان به هنگام رویاروئی با زنان غیر مسلمان (نور – ۳۱) واجب نبودن حجاب بر زنان برای شوهر، پدر، پدرشوهر، پسران و ... (نور – ۳۱) عدم وجوب پوشش زیورآلات و مواضع آن بر زنان مومنه هنگام رویاروئی با زنان مومنه دیگر (نور – ۳۱) واجب نبودن پوشش زیورآلات و مواضع آن برای زنان به هنگام برخورد با غلامان مملوک خود (نور – ۳۱) واجب نبودن پوشش زیورآلات و مواضع به هنگام مواجهه با خدمتگزاران بی رغبت به امور زناشوئی (نور –۳۱) واجب نبودن پوشش زیور آلات ومواضع آن برزنان در رویاروئی با کودکان غیر ممیز (نور-۳۱) اولویت رعایت حجاب بر زنان و دختران پیامبر (ص) (احزاب – ۵۹) زنان مؤمنه موظف به پوشاندن سر و گلو و سینه خود از نگاه نامحرمان هستند (نور– ۳۱) زنان مؤمنه موظف به پوشاندن پاها و زینت های آن هستند (نور – ۳۱) زنان مؤمنه موظف به رعایت پوشش و حفظ خود از نامحرم هستند (احزاب – ۵۳ و ۵۴) واجب نبودن حجاب برای زنان مومنه در مواجهه با محارم خود (پدران، پسران، پسران برادر، خواهر و زنان مومنه دیگر (احزاب – ۵۵) حجاب و پیوند با آن حیا: برآیند تفسیری قرآن دلالت بر پیوستگی حجاب با حیا مثبت دارد. از این رو این بخش از پژوهش به مفهوم حیا و حیا در قرآن و ضرورت حیا در بانوان پرداخته شده است. مفهوم حیا: معادل فارسی حیا شرم و آزرم است علامه مجلسی درباره حقیقت حیا می نویسد حیا است که موجب گرفتگی نفس از ارتکاب کار زشت می شود و باعث خودداری نفس از انجام کاری بر خلاف آداب، از ترس سرزنش می گردد. حیا مانع از آن می شود که انسان هر چیزی را که از قلبش می گذرد بر زبان آورد، حیا برای هر انسانی نیکوست اما در بانوان نیکوتر و زیبنده تر می باشد، لذا در روایاتی حیا به ده قسمت تقسیم شده است که نه قسمت آن، از آن زنان و یک قسمت از آن مردان شمرده شده است. حیا در قرآن (فَجاءتْهُ إحْدَا هُما تمشیَ عَلی اسْتِحْیاء قالَتْ أنَّ أبی یَدْعُوکَ) (قصص – ۲۵) ناگهان یکی از دو زن، به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت گفت: پدرم از تو دعوت می کند...» ضرورت حیا در بانوان حیای زن همانند دژی است که زن به خودی خود در روابطش با مردان برای خویش در نظر می گیرد. یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان حفظ عفت و کنترل شهوت است. امام علی (ع) می فرماید: علت پاکدامنی حیاست. حیا یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. پوشش و حیا دو مقوله ی جدایی ناپذیرند زیرا تا جلوه ای از حیا در زنی وجود نداشته باشد، پوشش را هم به طور کامل رعایت نخواهد کرد. زنان با حیا کسانی هستند که با پوشش کامل از نمایش دادن موی سر و زینت های خود شرم دارند. *نقش حجاب و پوشش مناسب درحفظ نهاد خانواده: زن و مرد به عنوان دو رکن خانواده، لباس هم و آبروی هم هستند و حجاب زن آسودگی فکر مرد و

سلامت خانواده را به همراه دارد واین موضوع درآیات وروایات مورد تاکید قرار گرفته است. ۱- آرامش روحی: خانواده (زن و شوهر) در قرآن کریم آیاتی از آیات خدا و مایه آرامش روحی شمرده شده است. چنان که خداوند فرموده است: (وَ مِنْ آیاتِهِ أنْ خلق لکم مِنْ أنْفُسِکُمْ أزْوَاجاً لِتَسْکُنُوا إلَیْهَا وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَّوَدَّةً وَ رَحْمَةً إنَّ فی ذَلکَ لَآیاتٍ لِّقَومٍ یَتَفَکَّرُون) (روم – آیه ۲۱) و ازنشانه های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد در این امر نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند. ۲- زینت بخشی یکدیگر: (هُنَّ لِباسٌ لَّکُمْ وَ أنْتُمْ لِباسٌ لَّهُنَّ) (بقره –آیه ۱۸۷) آن ها لباس شما هستند، و شما لباس آن ها؛ هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرند. لباس وسیله پوشش و حفاظت بدن است. و به قول علامه طباطبائی در این آیه استعاره بسی لطیف به کار برده شده است. زن برای مرد و مرد برای زن به عنوان لباس و پوشش می باشد که همدیگر را از آلودگی و فجور محافظت می کند و نیز همان طوری که لباس مایه زینت و زیبایی برای انسان است، زن و مرد نیز مایه زینت و زیبایی برای یکدیگرند. ۳- محبوبیت و عزت بخشی: نظام خانواده نظام ارزشمند و محبوبی است که در اسلام هیچ بنایی محبوب تر از او پایه ریزی نشده است. پیامبر اسلام (ص) می فرماید: (در اسلام هیچ نهادی محبوب تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نظر خداوند بنا نشده است). نظام خانواده از چنان جایگاه و مقام شایسته در اسلام برخوردار است که حتی تأثیری روی ثواب عبادت و بندگی می گذارد، تا جایی که دو رکعت نماز کسانی که تشکیل خانواده داده اند برتر از عبادت فرد مجردی است که شب و روز نماز بخواند. امام باقر (علیه السلام) فرموده است: (دو رکعت نماز مرد متأهل افضل و بهتر از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند). این روایات و نیز روایاتی قریب به این مضمون که در متون اسلامی، وارد شده به خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده و تشکیل آن را تعیین می کند. *نتایج حجاب در استحکام و سلامت بخشی خانواده: بدون شک جامعه ای از سلامت کامل برخوردار است که خانواده به عنوان جزء کوچک آن جامعه از سلامت و استحکام کامل و کافی برخوردار باشد، از این رو، اگر خواهان سلامت و تقویت بنیان جامعه هستیم، باید همه نیروهای خود را در جهت استحکام و تقویت پیوندهای خانوادگی بسیج کنیم. در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد؛ و آنچه ریشه ی خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوی و هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که با بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و درغم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شگفتی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد؛ و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امید زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است. آری با بی حجابی روابط آزاد و نامشروع جنسی جامعه را فرا می گیرد و به همان نسبت کانون خانواده ها سست شده و آمار ازدواج کاهش می یابد و ازدواج های گذشته هم به کاهش می یابد و ازدواج های گذشته هم به جدایی و طلاق منجر می شود. بنابراین وجود خانواده سالم و مستحکم در گرو گسترش فرهنگ حجاب خواهد بود. پی نوشت: ۱-مکارم شیرازی – ناصر– تفسیر نمونه، ج ۱۶(جمعی از نویسندگان)، تهران، داراکتب الاسلامیه، ۳۰ شعبان ۱۳۹۹ ق. (مصادف با ۱۳۵۸ ش)، ص ۲۳و ۲-احمدی، علی اصغر، فطرت بنیان روان شناسی اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲. ۳-همان. ۴-فلسفی، محمد تقی، گفتار فلسفی کودک از نظر وراثت و تربیت (مجموعه ای از سخنرانی دانشمند معزز آقای فلسفی)، تهران، هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۸۱ ق، ص ۲۹. ۵-استاد ملک، فاطمه، حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران، عطایی ۱۳۶۷، ص ۱۵ – ۱۳. ۶-همان. ۷- حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش ۱۳۶۳ ش، ص ۵۳. ۸-حر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه ج ۱۴، بیروت، داراحیاءالتراث العربی ۱۴۰۳ ش، ص ۱۳۹ – ۱۳۸ ۹-ضیاء پور، جلیل، پوشاک زنان ایران از کهن

ترین زمـان، تهران، انتشـارات وزارت فرهنـگ و هنر ۱۳۴۷ . ش، ص ۱۶۵. ۱۰-شـرتونی، سـعید، اقرب الموارد فی فصح العربیهٔ و الشوارد، تهران، دارالاسوه للطباعه و النشـر ۱۳۷۴. ۱۱-مجلسـی، محمد باقر، مرآت العقول، ج ۸، ص ۱۸۷. ۱۲-محمدی ری شهری، محمـد، میزان الحکمه، ترجمه حمیـدرضا شـیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۳۶۰. ۱۳-همان. ۱۴-وشـنوه ای، قوام الدین، حجـاب در اسـلام، ترجمه و اضافـات از احمـد محسـنی گرگانی، قم، بی نا، ۱۳۵۲، ص ۱۴. ۱۵-اشـتهاردی، محمد، پوشش زن در اسـلام، قم، انتشـارات ناصـر، بی نـا ۷۰. ۱۶-مکـارم شـیرازی، ناصـر، تفسـیر نمونه، تهران دارالکتب الاسـلامیه ۱۳۷۲ . ش. ۱۷-طباطبایی، محمد حسـین، تفسـیر المیزان، ج ۲، قم، مؤسـسه نشر اسلامی، ۱۴۰۲ . ش. ۱۸-صـدوق، محمد بن علی، الهدایهٔ، چاپ اول، قم ناشـر مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، ۱۴۱۸ . ق، ص ۲۵۷. ۱۹-حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، چاپ دوم، قم آل بیت، ۱۴۱۴ . ق، ص ۷.

پوشش درمیان اعضای یک خانواده اسلامی

نویسـنده: طاهره جعفری مسـئله پوشـش از بدو خلقت آدم وحوا(ع) وجود داشـته وامری فطری است. هنگامی که شیطان آنها رابرای خوردن میوه ممنوعه وسوسه کرد وآن دواز آن میوه خوردند، خود را عریان یافتند واین برهنگی، موجب شـرمساری وپشـیمانی آنان شـد. درنتیجه، برگ های درختان را به خود پیچیدنـد وخویشـتن را پوشاندنـد. عـده ای گمان می کنند که دربرابر افراد نامحرم باید حجـاب را رعایت کننـد، درحالی که این مسـئله دامنه گسترده تری را دربرمی گیرد وافراد خانواده ومحارم را نیز شامل می شود.این موضوع دربرخی از خـانواده هـا اهمیت چنـدانی نـدارد وبه این امر ولوازم آن کمتر پرداخته می شود. هرانسـانی برای خود محـدوده وحریمی دارد.«حرم»یـا«حریم»به محـدوده ای گفته می شود که متعلق به انسـان است ودفـاع وحمـایت ازآن واجب واحترامش لازم باشـد.وارد شـدن به حریم شخصـی وخصوصـی افراد، به ترتیب نسـبت ، دردرجه های مختلفی قرار می گیرد ومقدار پوشـش رابرای افراد مشـخص می کنـد.برخی از پوشـش هـا نیز به منظور احـترام به شـخص مقابـل صورت می گیرد. حـال به مقـدار پوشـش، لزوم وچرایی بعضـی ازحجـاب وپوشـش هـا اشـاره می کنیم. پوشـش هنگام نماز وعبادت دربرابر خداونـد متعال همان گونه که همه می دانیم، خداونـد تنهـا کسـی است که همواره برکارهـای مـا شاهـد ونـاظر است وذره ای از حرکت هـا ورفتارهـای ما از او پنهان نمی مانـدوبر ظـاهر ونهانمـان از خـود مـا نیز آگـاه تر است. بنـابراین، چرا هنگـام عبـادت بایـد خودرا بپوشـانیم ونمـاز ودیگر عبـادت ها ومناجات های خود را با پوشـش به جای آوریم؟ درپاسخ می گوییم چون دراین هنگام، با نیت قبلی وقلبی، قصد حضور در پیشـگاه مالک آسـمان ها وزمین را داریم ولازمه تشرف به محضر بزرگان، پوشیدن بهترین لباس هاست. پس چه کسی بزرگ ترو محترم تر ازخداونـد قـادر قهـار؟ بـدین ترتیب، برای احترام وعرض ادب به آسـتان کبریـایی او، خود را در پیشـگاه مقدسـش می پوشـانیم وبا پذیرش حجاب به عبادت او دل می سپاریم. پوشش دربرابرنامحرم نخستین واصلی ترین نوع پوشش است که خداوند به مسلمان امر فرمـوده است.بیشـترین رعـایت درحجـاب، دربرابر افراد غیر هم جنس که محرم انسـان نیسـتند بایـد صورت پـذیرد. پوشـش دربرابر بزرگـان برخی پوشـش هـا درمقابـل بعضـی افراد، جنبه احـترام به آنهـا را دارد، ماننـد روسـری به سـرکردن عروس خـانواده دربرابر مادرشوهر، پدرشوهر ودیگر افراد محرم که درمیان بعضـی از قوم ها وقبیله ها مرسوم است. همچنین دربرخی نقل قول ها آمده است که دختران بزرگان جامعه وافراد بلند پایه ونام آور وقتی می خواسـتند خدمت پدرخود بروند، برای احترام، با روسـری وچادر نزد او می رفتند. پوشـش مرد دربرابر مرد وپوشـش زن دربرابر زن مرد نمی تواند با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند ونگاه کردن زن به بدن زن دیگر نیز با قصد لذت حرام است. امام صادق(ع) می فرماید: «سـزاوار نیست زن مسـلمان پیش زنان یهودی ونصـرانی بی حجـاب شود؛ زیرا آنـان نزد شوهران خود،انـدام اورا توصـیف می کننـد.» همچنین ازپیامبر گرامی اسـلام(ص) روایت کرده انـد که فرموده است: زن با ایمان با زنی که اوصاف او را برای شوهرش، بیان می کنـد، هم نشـین نمی شود. هرگاه صـفات وانـدام اورابرای

شوهرش تعریف کرد، مثل این است که آن مرد به آن زن نگاه کرده است.(۱) پوشش اعضای خانواده فرزندان بیشتر از چگونگی پوشش پدر ومادر الگو می گیرند.پدرومادر نباید با این شعار که چهار دیواری اختیاری است وبه بهانه اینکه همه خانواده، محرم یکدیگرند، هرگونه خواستند، بپوشند وهرچه خواستند، با هم بگویند. چگونگی معاشرت در بین تک تک افراد خانواده هم باید تابع مقررات ویژه ای باشد. مادر ودختران خانواده باید از پوشیدن لباس های کوتاه وتنگ وآرایش های زننده خودداری کنند. پدر ومادر باید درحضور فرزندانشان از بیان برخی حرف ها وحرکت های تحریک آمیز بپرهیزند که اگر جز این باشد،راه را برای بلوغ جنسی زودرس فرزندانشان ودرنهایت، فساد اخلاقی آنها فراهم می آورند، به ویژه اگر دراین خانواده اینترنت وماهواره هم به آسانی دردسترس باشد.بی شک، دختر وپسری که از این خانه، خارج و وارد اجتماع می شوند، هرگز فرزندان یک خانواده قانون مند نیستند که در آنجا وقار ونجابت حرف اول را می زدوکسانی که با هم محرمند، نگاه شیطانی به یکدیگر نمی کنند. با این حال، اگر این مطلب را بپذیریم که شیطان همواره درحال اغوا و وسوسه کردن انسان هاست، با این حال وقتی همین انسان هایی که با هم محرم هستند، هرزگی درپیش گیرند وحرمت هایی که باید محفوظ بمانند، شکسته شود، خواه ناخواه شیطان درجان آنها هم رسوخ می کند. این بی بند وباری آنها را تا مرز سقوط اخلاقی پیش می بردوکم نیستند نمونه هایی از این دست که در رسانه های غربی وصفحه حوادث روزنامه های کشور منتشر شده ومی شوند. اگر بی بند وباری واز طرف دو نفر که محرم یکدیگر بوده اند، صورت گیرد، بنا به دلایلی، این عمل به مراتب، شنیع تر وزشت تر ازفساد اخلاقی دونامحرم ومجازات آن بسیار سخت تر ورسوایی آن هم بیشتر است. بنابراین، نوع پوشش زن دربرابر محارم نزدیک او مانند پدر وبرادر براساس میانه روی باشد وبا رعایت حدود اسلامی، درموقعیت های مختلف، با رعایت احکام درست آنها عملی شود. پوشش دربرابرمیهمانان(دوستان وآشنایان) معمولاً مردان با ایمانی که به زندگی خود، علاقه مند وازهمسرخودراضی هستند، نوعی غیرت دروجودشان هست که به آنها این توانایی را می دهد که تا حد ممکن، از روبه رو شدن همسرشان با مردان غریب ونامحرم جلوگیری کنند. این افراد در نشست وبرخاست های خودبا میهمانان، جاهای جداگانه ای را برای زن ها ومردها درنظر می گیرند وسفره های مردان وزنان را جدا از یکدگیر پهن می کنند وخودشان نیز به افراد نامحرم، توجه ونگاه نمی کنند وهمین توقع را نیز از همسرشان دارند. منابع: ۱. توضیح المسائل. ۲. فروع کافی، ج۵، ص۵۱۹. ۳. تفسیر ابن کثیر، ج۳، ص۲۸۴. پی نوشت: ۵۲. حجاب در اسلام،حاج شیخ قوام و شنوی، ص۸۲.

آثار حجاب

نویسنده : محمود قربانی مقدمه : موضوع این تحقیق آثار حجاب می باشد . لذا از نظرات اندیشمندان کمک گرفتم و آثار حجاب را در ابعاد فردی ، فرهنگی ، اجتماعی ، خانوادگی ، روحی وروانی اقتصادی و امنیت زنان مورد مطالعه قرار دادم . بسیاری جوانان ما امروز از آثار حجاب سوال می کنند. شاید هم یکی از علل بد حجابی در جامعه ما این باشد که زنان و دختران جامعه کاملا با فلسفه حجاب آشنا نباشند . پس جا دارد که به عنوان یک مسلمان با فلسفه و آثار حجاب بیشتر آشنا شویم. آثار روحی و روانی : باعث ایمنی وسلامت نیمی از افراد جامعه از مبتلا ـ شدن به بیماریهای روانی خواهد شد .- آمار وحشتناک خودکشی درغرب نشانگر میزان اختلالات روانی موجود در غرب است. درفرانسه سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی می زنند وطبق آمار یونسکو درهردقیقه یک نفر در آمریکا درصدد خود کشی برمی آید.پس به نمایش گذاشتن اندام و زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت بیماری روانی است بلکه بیماری زا بوده است وامراض روانی ایجاد خواهد کرد.از طرفی بی حجاب باعث ایجاد هیجانهای شدید درمیان مردان مخصوصا جوانان می شود. چراکه غریزه ی جنسی نیرومندترین غریزه درفرداست که با عشوه گری وآرایش وبرهنگی زنان این غریزه شعله ورتر گریده وباعث بیماریهای های عصبی وامراض روانی می شود.(۱) با عشوه گری زنان این غریزه در مردان شعله ورترمی شود. جوانان باید یا دست به فساد وعیاشی یا با تخیل با حالت افسرده وپریشان زندگی بیمار گونه خود را

ادامه داده آرامشِ خود وخانواده رابرهم زنند. یکی از کارشناسان در این زمینه می گوید: دوستانه می گویم که در تمام کلینک هایی که با پسرَان جوان مبتلاـ به استمنا ، ارتباط غلط ، خودکشی کرده ، فراریهاو.. صحبت کرده ام متوجه شدم همه ریشه از تحریکهای جنسی توسط دختران بی بندوبار درجامعه گرفته است. روزی هزاران نامه دریافت می کنم که حکایت از روان پریشی مردان جوان دارد که با دیدن فلان شکل حضورزنان درجامعه به این روز افتاده اند.(۲) - آرامش روحی و روانی : زنی که دیده نشود مورد طمع قرار نمی گیرد ، امنیت و آرامش خاطر از آثار بارز حجاب اسلامی است . انسان در پناه محافظ احساس آرامش بیشتری دارد و در صورت پیش آمد های احتمالی از مصونیت آن برخور دار است . پوشش دینی نیز نگهبان زن از نگاههای آلوده و آسیب های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می بخشد و هر چه این پوشش کامل تر گردد درصد امنیت وحفاظت آن بالا تر می رود.(۳) آثار معنوی : حجاب بال های پر پرواز فرشته های زمین است . زن پوشیده از بین خود وخدا ، خدا را بر گزیده است واز بین احکام دینی و خواسته های نفس به احکام دینی روی کرده است . چنین انتخابی به روحیه تفکر و عمل او حال و هوایی دیگر می بخشد و به پوشش او معنا می دهد و آنرا عملی منطقی ، خداپسندانه و در راستای حرکت های تکاملی او قرار می دهد که به زیبایی های اوتجلی بخشیده است – . پو شیدگی زن نمود بارز تقوای اوست و او را از آثار تقوا بر خوردار می سازد.(۴) تمایلات جنسی انسان چون دریا طوفانی می شود و مهلک انسان است ودرمان آن حجاب ، داروی درمان کننده وموجب امنیت و صفای روحی است.زن تازه مسلمان شده آمریکایی می گوید : سلامت روح مرد و جامعه با نوع کیفیت پوشش زنان رابطه ی مستقیم وغیر قابل انکار دارد.(۵) آرامش جنسی پوشش مناسب زنان زمینه بسیاری از التهابات جنسی را از ابتدا از میان بر می دارد و از تحریک جنسی مکرر مردان و به وجود آمدن انحرافات و نا هنجاریهای بسیاری مانند چشم چرانی ،بلوغ زود رس ،خود ارضایی ، تجاوزو ... جلو گیری می کند؛ به عبارت دیگروجود پوشش اسلامی در جامعه به ایجاد فضایی کمک می کند که در آن به جای تحریکهاوالتهابات مکررجنسی آرامش حاکم است.(۶) آثار اجتماعی ازنظر اجتماعی زن هر قدر متین تر با وقارتر وعفیف تر وبا حجاب تر باشد بر احترام وابهتش می افزاید.-استواری واستحکام جامعه – بی حجابی باعث فلج شدن نیمی از نیروهای افراد جامعه وآلوده شدن جامعه می شود.(۷) حفظ واستیفای نیروی کار درسطح جامعه است. دربی حجابی باعث کشاندن لذت های جنسی ازمحیط و کادر خانواده به اجتماع ودر نتیجه تضعیف نیروی افراد جامعه مواجه باشد تمرکز نیروی او کاهش می یابد.(۸) آیا اگر پسر ودختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند وفرضاًدریک محیط درس می خوانند دختران بدن را بپوشانند وهیچ گونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می خوانند وفکر می کنند وبه سخن استاد گوش می دهند یا وقتی که آرایش کرده اند ؟(۹) وقتی کار وشهوت به هم آمیخت هم بازده کار کم می شود واحیاناً به صفرمی رسد وهم ثبات و اطمینان واعتماد،ازمحیط خانواده رخت بر می بندد . و این ، نه یک ضرر ، بلکه دو ضرر بزرگ است.(۱۰) آثار خانوادگی حجاب باعث بنیان خانواده بوده ونبودش باعث فحشا وتزلل خانواده است.- عدم کاهش تمایل جوانان به تشکیل خانواده چون در اثر ازدیاد زنان بی حجاب و بی بند وبار و آرایش کرده و عشوه گر، مردان تمایل کمتری به ازدواج خواهند داشت . چرا که زنان رنگارنگ وآرایش کرده در همه جا حاضر بوده و مردان با دیدن و ارضاء شدنشان با کمترین هزینه ها در مقایسه با هزینه هایی چنین تصور می کنند با ازدواج خود را محدود خواهند کرد.(۱۱) زنان با حجاب خود هم درتحکیم خانواده شخصی خود نقش دارند وهم در تحکیم خانواده دیگران .- اما نقش آن ها در تحکیم خانواده خود، به این لحاظ است که اعتماد شوهر را به پاکی خود جلب می کنند.-اما نقش آنها در تحکیم خانواده دیگران، مردان دیگر از تمتعات خارج از خانواده محروم می باشند لذا به همسران خود بیشتر توجه می کنند.(۱۲) از سوی دیگر رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان دربرابرمردان یکی از مولفه های سامان دهنده روابط سالم زن و مرد در اجتماع است و زنان را از صورت کسانی که خواسته یا نا خواسته رقیبانی در برابر همسر مردان قرار می گیرند و مردان را به خود و زیبایی های خود می خوانند ، خارج می کند و جاذبه های همسران را برای یکدیگر و درون خانواده نگه می دارد و باعث پدید آمدن جاذبه-

های بیشتر همسران برای یکدیگر می شود و از این راه به استواری بنیان خانواده کمک می کند.(۱۳) فلسفه ی پوشش ومنع کامیابی جنسی از غیرهمسرمشروع،ازنظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونیِ شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او بشمار برود ؛ درحالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفررقیب ومزاحم وزندانبان به شمار می رود ودرنتیجه کانون خانواد گی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود ، جواب می دهند که حالا زود است ، ما هنوز بچه ایم ، ویا به عناوین دیگر از زیر آن شانه خالی می کنند همین است.(۱۴) حجاب مانع مقایسه می گردد. اما درجامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است هر زن و مردی همواره در حال مقایسه است مقایسه آنچه دارد با آنچه ندارد. و آنچه ریشه خانواده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن وشوهرومخصوصادر وجود شوهر دامن می زند.(۱۵) آثار اقتصادی - تلاش وفعالیت بیشتر:درصورت با حجاب بودن زنان،وقت مردان صرف هوی وهوس وچشم چرانی ووقت زنان صرف آرایش کردن نخواهد شد.- صرفه جویی : زنان نیاز به هزینه های زیاد برای خرید لباس های مبتذل و وسایل آرایش آنچنانی نداشته .این باعث بهبود و وضع اقتصادی می شود. (۱۶) استفاده از حجاب و پوشش به ویژه در شکل چادر مشکلی به دلیل سادگی و ایجاد یک دستی درپوشش بانوان در بیرون منزل می تواند از بعد اقصادی نیز تاثیرمثبت درکاهش مدپرستی بانوان داشته باشد البته به شرط اینکه خود چادر مشکی دست خوش این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضا مظاهرمد پرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می گردد وبه گونه ای که برخی ازبانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین وبا وقار به چادرهای مشکی توری نازک و دارای طرح های جلف وسبک که با هدف و فلسفه حجاب وپوشش تناسبی ندارد روی می آورند.(۱۷) اما رعایت پوشش اسلامی از سوی زنان محیط را برای فعالیت های اجتماعی اقتصادی ،فرهنگی و سیاسی سالم سازی می کند و به عنوان یکی از عوامل موثر ، در کنار دیگر عوامل ، زمینه مناسبات ناسالم را از بین می برد و از این طریق به بازدهی وشکو فایی بیشتر منجر می شود .در این صورت حضور زنان به عنوان بخشی از جامعه در عرصه فعالیت های مختلف معنا می یابد و از آفت مناسبت های نا صحیح و درگیریهای مخل در محیط فعالیت می کاهد . علاوهبر این حضور خانم ها در حیطه های مختلف مو جب رضایت خاطر آن ها می شود ؛ چرا که حضور آنان به طور واقعی موثر خواهد بود و این رضایتمندی یکی دیگر از ابعاد و تبعات مثبت پوشش مناسب است که در زندگی کاری ودر وضعیت فکری، عاطفی و رفتاری آنان به جا خواهد ماند.(۱۸) بهره مندی از پاداش الهی حجاب و پوشش اسلامی اگر به عنوان انجام وظیفه وتکلیف الهی رعایت شود از مصادیق روشن اطاعت از دستورات خدا و پیروی از سنت پیامبر اکرم بحساب می آید واطاعت از خدا وپیروی از سنت پیامبر بر اساس آیات قرآن اجروپاداش جاویدان الهی را بدنبال خواهد داشت.(۱۹) حجاب و تزکیه اگر انسان بر خواسته های نفسانی خود حاکم و مسلط شود وآن گونه که خدای سبحان می فرماید: نگاه هارا از جذابیتهای حرام دور سازید آغازانحرافات بعدی را از خود دورساخته وزمینه ی تزکیه ،خودسازی ورسیدن به جوارقرب الهی رادر خود ایجاد نموده است . لذا خدای سبحان از جملات آثار ارزشمند رعایت حجاب و خودداری از چشم چرانی و نگاه به نامحرم را تزکیه و خود سازی می داند.(۲۰) امنیت و حجاب امروز یکی از معضلات اجتماعی جوامع متمدن که آزادی زن را به سینه زده و او را به نام آزادی با پیکری عریان در صحنه ی اجتماع وارد می سازد مسئله امنیت زنان است .سیل تجاوز به عنف و حتی تجاوزبه محارم وانواع خیانتها وجنایتها یکدیگر، دنیا را برای زن نا أمن نموده وامنیت را برای او به آرمانی دست نیافتنی تبدیل نموده است.گزارشهای ناگوار و تکان دهندهای که از رسانه های گروهی دنیا در این زمینه دراختیار افکار عمومی قرار داده می شود، این مطلب را تائید می کند و از بحران روحی وجنسی در جوامع امروزی خبر می دهدکه هر دو دست در دست هم داده و امنیت زن را خدشه دارساخته وآسایش خاطر او را سلب کرده اند . درحالی که حجاب اسلامی می تواند تا حدودی این مشکل را برحل نماید.(۲۱) اما پوشش اسلامی چه درجوامع اسلامی و چه در جوامع باز غربی ، راه را برهر گونه تعرض از سوی جنس مخالف می بندد و حتی راه تخیل در این باره را سد می کند . در گزارشی

از دختران دانشجویی که در آمریکا مسلمان شده و پوشش اسلامی را انتخاب کرده اند همین نکته به چشم می خورد . آن ها همه به اتفاق گفته اند که پسران هم کلاسی شان برای ایشان (نسبت به دختران دیگر) احترام بیشتری قائل اند و دست ندادن و عدم شرکت در بازی های مختلط باعث شده که پسر ها در مناسبات شان همواره بیش از سایر دختران رعایت آن ها را کنند.(۲۲) بُعد فردی حجاب در بعد فردی مانع از روی آوردن فرد به انحراف جنسی می شود . حجاب در بعد فردی عدم تهیج جنسی می باشد.عده ای که می گویند باید محدودیت روابط پسر و دختر را برداشت تا حرص ولع جنسی دربین آنان فروکش کند و در غرب چنین کرده اند.درپاسخ گفته شده : مگرآیا حرص و طمع جنسی درغرب پایان یافته یا هر روز شکل های جدیدتری تمتعات و بهره برداری های جنسی در آنها رواج و رسمیت می یابد. یکی اززنان منصف غربی چنین می گوید: کسانی که می گویند که مسئله ی غریزه جنسی ومشکل زن وحجاب درجوامع غربی حل شده است ! آری اگر از زن روی گردان و به بچه وسگ و یا همجنس روی آوردن حل مسئله است البته مدتی استاین راه حل صورت گرفته است.(۲۳) مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب یکی از جنبه های مهم تهاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب واز بین بردن امنیت اجتماعی بوده و هست . واین امر شخصاً از زمان رضاخان شروع شد . ایشان می نویسد : حفظ حجاب مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب است . باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواج موفق اسلامی می گردد. - جوانان را جهت تقویت روحیه و آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا واعمال مبتذل به شرکت در فعالیت های هنری ،ورزشی،فرهنگی و رزمی رهنمون شوند .حفظ حجاب نتنها باعث ایجاد امنیت اجتماعی فراگیر می شود بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی مسئولان را از واردات کالی تجملاتی ،لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید.(۲۴) مطالعات قربانیان جنایت در سال ۲۰۰۴ بزرگترین و مطمئن ترین تحقیقات جرم شناسی آمریکا که هر سال توسط وزارت دادگستری ایالت متحده وگزارش دراکتبر ۲۰۰۵ بطور متوسط ۲۰۹۸۸۰ نفر قربانی هتک حرمت وتلاش برای آزارهای جنسی وجود داشته که نسبت به سال ۲۰۰۳ رشد داشته است یعنی تقریباً هر۵ /۲ دقیقه یک بار - این تعدیلات موجب بیش از ۳۲۰۰ مورد بارداری نامشروع می شود .- در تحقیقاتی که وزارت دادگستری و مراکز پیشگری کنترل بیماری ها روی ۸۰۰۰ زن و ۸۰۰۰ مرد انجام داده اند به این نتیجه رسیده اند که بین یک سوم تا یک ششم زنان ایالات متحده در طول زندگی خود مورد نوعی آزار جنسی قرار گرفته اند .۷/۷ میلیون زن ، قربانی هتک حرمت یا تلاش برای حتک حرمت قرار گرفته اند که ۸۳٪ آنان زیر ۲۵ سال می باشند . - زنان حتی در محل کار هم مورد اذیت جنسی قرار می گیرند . در سال ۲۰۰۴ بیش از ۱۳۰۰۰ مورد حمله وآزار جنسی وجود داشته که (۹/۸۴ — ۹/۰ ٪) درباره زنان بوده . ۱۶-۲۴ ٪ از این آزارها شکایت می شود.(۲۵) حفظ شخصیت زن زنان خود نما مطلوبیت جنسی دارند اما محبوبیت ارزشی از آن زنان پوشیده است . بطور کلی نوع نگاه ، گفتار و برخورد مردان وزنان از دو ماهیت متفاوت بر خوردارند . برخورد با زنانی که از جلوگیری یا پوشش ناقصی برخوردارند — برخورد شهوی ، تفریحی و ظاهری . اما برخورد با زنان پوشیده ، بر-خوردی همراه با احترام و تکریم قلبی . اصولاً مردان ما قدرت ادامه ی نگاه به چهره زنان پوشیده راندارند چه اینکه حجاب اسلامی نگاه شکنی است و سر به زیری مرد در هنگام سخن گفتن با زنان خود نو عی تکریم واحترام است.(۲۶) حریم نگاه داشتن زن میان خود و مرد یکی از مسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقیت خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است.(۲۷) ما تنها راه بالا- بردن شخصیت زن را حجاب می دانیم .- اگراو به حجاب روی آورد پایگاه خانوادگی اش قوی می شود مردها ناچار می شوند به زندگی خانوادگی خود ارج دهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند.(۲۸) حجاب و آزادگی زن زنان با حجاب در فعالیتها و رفت و آمد های خود آزادترند زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که این ها طعمه ملعبه نمی شوند و بنابراین کمتر مزاحمت برای آن ها ایجاد می کنند.(۲۹) حجاب وپاکی زن قطعاً خانه برای اهل خانه حجاب است. پرده در منزل هم حجاب است . لباس زن ومردهم حجاب است . اگر این پرده ها دریده شود اثر ونشانه ای باقی نخواهد ماند.(۳۰) حجاب و سلامت و زیبایی زن حجاب مانع جریان هوای نفس ونگاه های آلوده و میکروبهای فساد به حریم پاک زن

است . زیبایی وظرافت ها جسمانی او را از گزند آفتاب وسرما و آلودگی های جوی حفظ می کند . - امام علی (ع) می فرماید : حجاب زن ها را پاینده تر، سالمتر و پاکیزه تر نگاه می دارد.(۳۱) زنان پوشش و حجاب زن اهمیّیت و حکمت و آثار حجاب می نویسد درمورد پاکی دل های مردان و زنان و آلوده نشدن آن ها در قرآن می فرماید :وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَالِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ (احزاب ، ۵۳) و اگراز زنان پیامبر چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید. این کار، هم برای دلهای شما وهم برای دلهای آنها پاک دارنده تر است در امان ماندن از اذیت افراد سبک سر يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَبِيبِهِنَّ ذَالِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًارَّحِيمًا(احزاب ، ۵۹) ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنده و مهربان است. نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا(احزاب، ۳۲) ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید. پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد و سخن پسندیده بگویید.(۳۲) آثار حجاب در قرآن حفظ امانت الهی: از نظر قرآن زن امین حق اللّه مطرح است یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت راخدای سبحان که حق خود اوست به زن داده واز او خواسته که از این حقش بعنوان امانت اللهی محافظت نمایید . یعنی زن کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست و حجاب زن حق اللهی اوست . در اسلام عصمت وعفت زن حق الله است یعنی حتی اگر خود زن یا شوهررضایت به بی عفتی و بی حجابی زن بدهد، کار تمام نیست زیرا زن ناموس خداست وبا رضایت مشروع نمی شود .فرق کشورهای غربی با اسلام این است که در غرب اگر زنی بی عفتی کرد خوداو یا پدر و مادر و شوهر او رضایت دارند مشکل حل است . اما دراسلام با رضایت کار تمام نمی شود . بلکه حکم خدا باید جاری شود . این نشانگر آن است که عفت زن از آن خداست وباید محفوظ بماند . همه ی این فرق ها حاکی از عظمت زن است که خداوند می خواهد حرمت او حفظ شود و مرد ها صرف جذاب بودن وبا دید جنسی نگاه نکنند .ار نظر قرآن زن امین حق الله مطرح است . یعنی این مقام و این حرمت وحیثیت را خدای سبحان که حق خود او است به زن داده ؛واز او خواسته که از این حقش به عنوان امانت الهی محافظت نماید . یعنی زن کاملا درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست ؛ وحجاب زن حق الهی او است.(۳۳) در اسلام عصمت وعفت زن حق الله است . یعنی حتی اگر خود زن یا شوهررضایت به بی عفتی و بی حجابی زن بدهد کار تمام نیست زیرا زن ناموس خداست .وبارضایت مشروع نمی شود . فرق کشورهای غربی با اسلام این است که در غرب اگر زنی بی عفتی کرد او یا پدر و مادر و شوهر او رضایت دادند مشکل حل است.اما در اسلام با رضایت کار تمام نمی شود بلکه حکم خدا باید جاری شود . این نشانگرآن است که عفت زن از آن خداست وباید محفوظ بماند .همه این حرف ها حاکی از عظمت زن است که خداوند می خواهد حرمت او حفظ شود .و مردها صرف جذاب بودن و با دید فساد نگاه نکنند.(۳۴) کار آمدی چادر و حجاب مشکی استفاده از چادر مشکی بر خلاف ادعا هایی به ظاهر علمی بعضی از افراد نه تنها عارضه ای منفی ندارد ، بلکه با فلسه حجاب و پوشش زنان در مقابل نامحرم یعنی عدم تهیج وتحریک و ایجاد آرامش روانی در جامعه نیز سازگار است.امروزدرروانشناسی رنگ ها ، اینکه رنگ مشکی صامت و غیر فعال است و باعث تحریک و جلب توجه نمی شود ،یک واقعیت مسلم است . درکتاب شناسی رنگ ها درباره رنگ سیاه گفته شده است که سیاه نماینگر مرز مطلق است. بنابراین فردی که درمقابل نامحرم دربیرون منزل ، از حجاب مشکی استفاده می کند با این کار ، مرز مطلق و کاملی بین خود و افراد نامحرم ایجاد می نماید . وقتی خانمی در بیرون منزل چادر مشکی بر سر می کند می خواهد نشان دهد که نامحرم حق ندارد به این حریم نزدیک شود زیرا این حریم ،حریم حیاءو عفت است نه جای بی حیایی و هرزگی و هوس بازی ، او با حجاب مشکی خود می خواهد نگاه هم چنین در روان شناسی رنگ ها آمده است که سیاه (نه) بوده و نقطه ی مقابل (بله) یعنی رنگ سفید است. بنابراین وقتی بانوان درمقابل نامحرم از حجاب مشکی استفاده می کنند در واقع می خواهند به او نه بگویند و در مقابل آن ها یی که لباس

سفید می پوشند در واقع راه نگاه ها را به سوی خود بازمی گذارند و آن هایی که لباس های رنگارنگ و جذاب می پوشند خواسته یاناخواسته خودرادرمعرض نگاه های هرزه و آلوده قرار می دهند . از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه ا ی در مقابل نگاه به رنگ های روشن چشم را بازمی کند. و برای دیدن و استمراررغبت ایجاد می کند و استفاده بانوان از لباسهای رنگارنگ نیز باعث جلب توجه مردان نامحرم می گردد.(۳۵) نتیجه گیری: فوائد حجاب اسلامی ۱- ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه . ۲- جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی . ۳- کاهش تقاضای مد پرستی بانوان . ۴- حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه . ۵- مصو نیت زنان در همه زمان ها و مکان ها . ۶- کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در سطح جامعه . ۷- حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در سطح جامعه . ۸- حفظ ارزش های انسانی مانند عفت ، حیا و متانت در جامعه . ۹- هدایت ، کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرائز انسانی. ۱۰- از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نا بهنجار . ۱۱-سلامت و زیبایی موقعیت اجتماعی و فرهنگی مردان وزنان جامعه اسلامی . ۱۲- مبارزه با تهاجم فرهنگی . پی نوشت ها : ۱- محسن عزیزی، حجاب آثار دنیوی واخروی مجله آفتاب یزد ۲- محمد آصف عطایی، تخیل وتصور گناه وروان پریشی ۳- محمد رضا اکبری ، کتاب حجاب در عصر ما ، ص ۹۰ ۴- همان ، ص ۸۹ ۵- مهدی واحدیان ، سایت یزد فردا ۶- سید حمید میر خندان ، حجاب در فرهنگ اسلامی ، ص ۱۰۰ ۷- محسن عزیزی ، مجله آفتاب یزد ۸- پاسخ به شبهات ۹- مرتضی مطهری ، مسئله حجاب ، ص ۹۲ ۱۰- کتاب حجاب و آزادی، مقالات کنگره اسلام و زن ، ص ۴۸ ۱۱- محسن عزیزی ، مجله آفتاب یزد ۱۲- کتاب حجاب و آزادی، مقالات کنگره اسلام و زن، ص ۵۶ ۱۳- سید حمید میر خندان ، حجاب در فرهنگ اسلامی ،ص ۱۰۷ ۱۴- مرتضی مطهری ، مسئله حجاب ، ص ۸۹ ۱۵- سید حمید میر خندان ، حجاب در فرهنگ اسلامی ۱۶- محسن عزیزی ، مجله آفتاب یزد ۱۷- پاسخ به شبهات ۱۸- - سید حمید میر خندان ، حجاب در فرهنگ اسلامی، ص ۱۰۳ ۱۹- محمد آصف عطایی ، در سایت ۲۰ – همان ۲۱- همان ۲۲- سید حمید میر خندان ، حجاب در فرهنگ اسلامی ، ص ۱۰۳ ۲۳- پاسخ به شبهات ۲۴- مهدی واحدیان ، سایت یزد فردا ، ص ۴۴ ۲۵- سهیل تقوی ،حجاب از منظر قرآن ، ۲۶- محمد رضا اکبری ، کتاب حجاب در عصر ما ، ص ۸۹ ۲۷- مرتضی مطهری ، مسئله حجاب ، ص ۹۵ ۲۸- کتاب حجاب و آزادی، مقالات کنگره اسلام و زن ، ص ۵۵ ۲۹- همان، ص ۵۵ ۳۰- همان، ص ۵۹ ۳۱- محمد رضا اکبری ، کتاب حجاب در عصر ما ، ص ۱۲ ۳۲- آ ثار قر آنی، بانک معارف قرآنی ، سایر علوم ۳۳- همان ۳۴- عبدالله جوادی آملی ، آیینه جلال و جمال ، ص ۴۲۶ ۳۵- حمید رزاقی، در سایت فهرست منابع : ۱- حجاب از منظر قرآن در نمایه . ۲- اکبری ، محمدرضا ، حجاب در عصر ما ، چاپ ۱۳۸۰ ، انتشارات پیام . ۳- بانک معارف قرآن (سایر علوم).سایت . ۴- جوادی آملی ، عبدالله ، آئینه جمال و جلال ، نشر اسراء ،نوبت چاپ ۱۹ . ۵- حجاب و آزادی ، مجموعه مقالات کنگره اسلام و زن ، نشر سازمان تبلیغات اسلامی ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۷. ۶- رزاقی ، حمید ، در سایت آفتاب ، ص ، ۴۰ ، آثار رنگ ها . ۷-سایت پاسخ به شبهات دینی. ۸- عزیزی ، محسن ، (مقاله) در سایت . ۹- عطایی ، محمد عاصف ،(مقاله) درسایت ایشان . ۱۰- مطهری(ره) ، مرتضی ، مسئله حجاب ، چاپ ۴۱ ، فروردین ۱۳۷۴ . ۱۱- میر خندان ،سید حمید ، حجاب در فرهنگ اسلامی ، چاپ اول ، ۱۳۸۷ . ۱۲- واحدیان ، مهدی ، سایت یزد فردا .

حجاب زنان ، طرحی برای پایداری عفاف آنان

این نوشتار در پی طرح و اثبات این مسئله است که حجاب و حیا نقش اصلی در حفظ و صیانت از فضای عفت عمومی دارد و باید به موازات سرمایه گذاری در ترویج حجاب به زمینه سازی برای تقویت حیا و آزرم پرداخت . نخست از فطری بودن پدیده حیا یاد می کند . آنگاه از نخستین اقداماتی که باعث در خطر قرار گرفتن این پدیده می شود سخن می گوید و بر این باور است که این اقدام نخست از سوی زن صورت می گیرد و سپس توسط مردم تقویت می شود . در ادامه به عوامل انگیزش پرداخته و در پایان

راهکـار هـای جلوگیری از لغزش ها و خنثی سازی تأثیر عوامل یاد شـده سـخن گفته است . زنان در بسیاری از جوامع و فرهنگ ها مورد طعن و کنایه بوده انـد و تعابیر ، ضـرب المثل ها و نکته های انتقادی مختلفی درباره آنان گفته شـده است . این پدیده به گونه های مختلفی قابل تحلیل است . از نگاه زنان ، این تعابیر آزار دهنده ، نمودی از مواضع سـلطه جویانه و خود خواهانه مردان در طول تاریـخ است . و از نگـاه مردان ، تعبیر هـای انتقـادی از زنان ریشه در عملکرد خود آنان و مکر ها و ترفنـد هایی دارد که به کار می گیرنـد تـا آرا ، دیـدگاه ها و تمایلات خود را تحقق بخشـند ! اما اگر نگاه و تحلیل را فراتر از نگاه هر یک از دو جنس به دیگری ، قرار دهیم و در جسـتجوی دلیلی ریشه دار تر برای رفتـار طبیعی انسـان هـا باشـیم ، می توانیم به این واقعیت برسـیم که در لایـه های زیریـن این انتقـاد هـا و عیب جـویی هـا چنـد نکته مهم نهفته است) ? . زن در همه جوامـع و همه فرهنـگ هـا از توانمنـدی ویژه ای برخوردار بوده است که مردان فاقـد آن بوده انـد) ? . مردان بـا همه برتری قوای جسـمی و صـلابت روحی در همـاوردی با زنان در زمینه برتری های ویژه آنان ، احساس ضـعف و ناتوانی می کرده انـد) ? . وابسـتگی مردان به زنان چنان جدی بوده است که معمولاً قادر به چشم پوشـی از زنـدگی مشترک و یا کنار نهادن زن از صـحنه زندگی نبوده اند . اگر این سه عامل را کنار هم گذاشـته و با هم ملاحظه کنیم- ? ؛ نیـاز- ? نـاگزیری- ? نـابرابری سـلیقه هـا و تمایلات و نگاه ها متوجه می شویم که نیاز و ناگزیری مردان از زنـدگی بـا زنان و دلبسـتگی به آنان از یک سو و تنوع نگاهی و سـلیقه ها و انتخاب های آنان از سوی دیگر دو حالت متضاد را در مردان شـکل می داده است ، حـالتی که میـان دو قطب دلبـاختگی و بـدبینی در نوسان بوده و هست ، از یک سو شاعران همواره در لطیف ترین اسـتعارات شعری ، ابرو و گیسو و قامت و نگاه زن را ستوده اند و به عاریت گرفته اند ، و از سوی دیگر در مکر و سلطه جویی و ناسازگاری و فزون خواهی او زبان به طعن و تمثیل گشوده اند . گاه او را مظهر محبت و فداکاری و شـکیبایی دانسـته اند و زمانی وی را به بی وفایی و حسادت و خودخواهی و سـبک سری متهم کرده اند . گاه او را فرشته خوانده اند و زمانی وی را شیطان نامیده اند ! چنان که گفته آمد ، سـرّ این تناقض گویی و تناقض پنداری مردان درباره زنان ، این است که مرد از یک سو به زن نیاز دارد و مجـذوب و مفتون او است پس او را می سـتاید ، از سوی دیگر احسـاس می کنـد که این جـذب شـدن و شـیفته شـدن هزینه فراوانی را بر دوش او نهـاده است و در واقع آزادی او را سـلب کرده و گاه تا سـر حـد اسارت و جنون وی را پیش برده است ، اینجا است که احسـاس نگرانی و خطر می کنـد و لب به انتقـاد و عیب جـویی می گشایـد . اگر سؤال شود که به هر حـال ، این مشـکل ، مشـکل مردان است یا زنان ؟ باید گفت ، مشکل یاد شده متوجه خود مردان است ، اما مردان به رغم توانایی های مختلفی که دارند و به طور طبیعی بارهای سنگین زندگی چون جنگ با دشمن ، دفاع از خانواده ، تأمین معاش و... بر عهده آنان است اما معمولاً خود قادر به حل این مشـکل نیسـتند بلکه کلید حل این مشکل در دست زنان است . آنچه مسأله را پیچیده تر کرده ، همین است که اسیر نگاه و جمال و محبت زن ، کلیـد زنـدان خویش را در اختیار نـدارد و در چنین شـرایطی است که وقتی عرصه بر او تنگ می شود ، زبان به تنـدی و اتهام و گلایه می گشایـد ، ولی آیا همین نیاز و ناگزیری که مردان به زنان دارند ، به صورت متقابل وجود ندارد ، آیـا زنـان به همـان انـدازه نیـاز به وجود و حضور مردان و همزیستی بـا آنان ندارنـد ؟ از نگاه قرآن ، طرح وجود زن و مرد ، طرحی متقابل است و همچنان که زنان لباس و پوشش دهنده نیاز های روحی و جسمی مردان هستند ، مردان نیز همین نقش متقابل را برای زنـان ایفـا می کننـد امـا وجود این طرح متقابـل به معنای همسانی کارکرد آن دو ، در نظام طبیعت نیست بلکه بر عکس این تفاوت جـاذبه هـا ، روش هـا و کـارکرد است که به مسـأله زوجیت معنا بخشـیده و مکمل بودن را رقم زده است . قرآن که در بیان تساوی نهایی زن و مرد در طرح آفرینش می گویـد : « هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ » (بقره) ??? / در بیان کارکرد هر یک از آن دو و نقشـی طبیعی که ایفا می کنند ، بیان متفاوت دارد . قرآن ، نقش زنان در زندگی روزمرّه انسانها را ، آرامش بخشـی و فارغ شدن از فشار های جسـمی و روحی زندگی می داند : « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا » (روم) « ?? / و از نشانه های الهی این است که برای شما همسرانی قرار داد تا در کنار آنان آرامش یابید . » ولی وقتی می خواهد نقش و کارکرد مرد را در

زنـدگی برای زنان ترسیم کند می گوید : « الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ » (نساء) « ?? / مردان مایه قوام و پایداری – مادی و معنوی – زنانند . » دو تعبیر « لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا » و « قَوَّامُونَ عَلَى » که در یکی « الی » و در دیگری « علی » به کار رفته است و همچنین دقت در متن معنـای « لِتَسْكُنُوا » و « قَوَّامُونَ » می نمایانـد که در کـارکرد عینی ، نقش پناهگـاه ، آرامش ، تکیه گـاه بودن ، قوام بخشـیدن و حمایت مقتدرانه از زندگی ، به مردان واگذار شده است . زن سایبان است و مرد تکیه گاه ، اگر این سایبان به اسـتوانه ای مستحکم و معتمـد تکیه داشـته باشـد ، آرامش ، آسایش و امنیت پایـدار به زنـدگی انسان می بخشـد ولی هریک بـدون دیگری ، زنـدگی را دشوار ، غیر قابـل آسـایش و امنیت می کنـد . جـذّابیت و دلبری از لوازم کـارکرد طبیعی زنـان بر اساس آنچه یاد شـد ، اگر زن می بایست در صحنه زندگی ، نقش سایبان بودن ، آرامش بخشی و التیام دهندگی را ایفا کند ، ناگزیر باید لوازم و امکانات و ابزار آن نیز مجهز باشـد وخداونـد این تجهیز را در دو ساحت انجام داده است– ? : در بعـد فیزیکی و انـدام ظاهری زن– ? . در بعد روحی ، عاطفی و لطافت شخصـیت او . زن با جمال و تجمّل خویش ، عنصری فعّال ، تأثیرگذار ، فراخواننده و قاهر است و شگفت این که با انعطاف و انفعال ذاتی خویش ، این تأثیر گذاری را افزایش می دهد ، پایدار می سازد و ژرفا می بخشد . زن در نظام طبیعی انسان ، صیّادی است که صـید می کند تا محبت بورزد و بپروراند و ابزار این صـید و امکانات آن که محبت ورزی و نوازشگری است به او داده شـده است . چنـان که مرد در نظام طبیعت ، سـلطانی است که اقتـدار می ورزد تا حمایت کنـد و امنیت دهـد و ابزار این اقتـدار جـویی در دو سـاحت جسـمی و روحی به او داده شـده است . امـا تاریـخ از صـیّادان و سـلاطین خـاطره هـای سـختی را به یـاد دارد صیّادانی که برای تفریح و لذت خود صـید کرده اند و صید زخمی را به خود وا می نهاده یا می کشته اند . سلاطینی که اقتدار خود را با جباریت و خود خواهی و بی رحمی قرین کرده اند و خود بزرگترین نا امنی را برای دیگران فراهم آورده اند . نقش « صیّادی » و « سـلطنت » اگر در هم آمیزد ، فاجعه ای سـخت رخ می دهد . صـیّادی که صـید کند تا بر صـید خویش سلطه یابد و آن را اسیر و برده خود کنـد و زنی که دلـبری و جلوه گری کنـد ، بـا زیبـایی و جمـال خویش فرمـانروایی کنـد ، از ابزار خـدا دادی خویش علیه اهداف هستی سود برده است . و سلطانی که عاشق صید و صیّادی شود و از قدرت و امکانات خویش برای صید دیگران بهره جوید ، کشـتار گاهی به بزرگی حرمسرای پادشاهان خواهد داشت ! و از « مردی » حیوان نر را به نمایش خواهد گذاشت که به چیزی جز نیاز جنسی پاسخ نخواهد داد و قبل از آن و پس از آن هیچ تعهدی را نخواهد پذیرفت . حجب ، جمالِ جذّابیت تدبیری که خداوند به کار برده است تا زنان از جمال و جـذّابیت خود در جهت ساختن و آرامش بخشـی و اعتـدال جامعه انسانی سود ببرند و ابزار کار آمـد دلبری را در جهت سـلطه و فریب به کار نگیرند ، قرار دادن عنصـر حجب و حیا در روح زن است . حیا و عفاف هم برای زنان لازم است و هم بر مردان تا گام از حریم اخلاق و اصول پـذیرفته شـده انسانی و الهی بیرون ننهند ، اما به دلیل توانمندی ها و جاذبه های خاصـی که خداوند در زن قرار داده ، عنصـر حیا و عفاف ، ضـرورت بیشتری یافته است . اگر در برخی روایات آمده است که تمایلات طبیعی زنان افزون از مردان است ، می توانـد اشاره به جنبه های روحی و بدنی جاذبه آفرین زن باشد و نیز اگر آمده اسـت که حیای زنان بیش از مردان است و بایـد باشـد ، بدان جهت است که همپای آن جاذبه و جلوه ، اگر عفاف و حجبی هم وزن و هم سطح و نیرومند وجود نداشـته باشد ، از زن ، عنصـری فریبکار ، سلطه جو ، خود خواه و هوس پیشه پدید خواهد آمد ، همان که در طـول تاریـخ مورد انتقـاد قرار گرفته است و قرآن نیز به عنوان یـک نمونه منفی ، از آن در سوره یوسف یـاد کرده است تـا یکبـار و برای همیشه هشـدار دهـد که اگر جمال و جلال ، فارغ از حجب و عفاف باشد ، نه مردان فاسد و هوس ران که مردان نیک اندیش و پاک را اسـیر می کنـد و اگر نتوانـد روح آنان را بیالایـد ، جسـمش را بی هیـچ گناه زندانی می کند . نخستین گام ، علیه فطرت « وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ » (یوسف) « ?? /و آن زن که یوسف در خـانه اش بود بارهـا خواست از او کـام بگیرد و (روزی) درهـا را محکم بست و (در حالی که خود را آماده کرده بود به یوسف) گفت : بیا ، بشـتاب ! یوسف گفت : پناه بر خـدا . » بر طبق گزارش قرآن تنها زن عزیز مصـر

اسیر عشق یوسف نبوده است که بگوییم شاید استثنا است بلکه تمام زنان مرفه که یوسف را دیده بودند و معمولاً از نظر فرهنگ زندگی و معیار های اخلاق و میزان عفاف اجتماعی شبیه هم بودند ، همین حالت را داشتند از این رو قرآن تعبیر « جمع » به کار می برد : « فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » (یوسف) « ?? / یوسف گفت : پروردگارا زندان نزد من محبوب تر است از آنچه اینان مرا به آن دعوت می کنند و اگر نیرنگ شان را از من نگردانی به آنان میل پیدا میکنم و از جاهلان می گردم » « قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَه الْعَزِيزِ الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ » (یوسف) « ?? / فرمانروا گفت : داستان شما بانوان آنگاه که برای کام گرفتن از یوسف با او مراوده کردید چیست ؟ گفتند : حاشا که ما هیچ گونه بدی در او سراغ نداریم » از این بخش آیه استفاده می شود زن که دارای جاذبه ها و انعطاف طبیعی است اگر به دلیل رفاهمندی فراوان یا شرایط خاص زندگی و روابط اجتماعی از نظر روحی گرفتار کمبود عفاف شود ، تعادل زندگی و امنیت فردی و اجتماعی را بر هم می زند و تبدیل به عنصری بد خواه می شود اما این به معنای بد ذاتی و بد سرشتی او نیست ، چرا که همو آنگاه که به نوعی تعادل روحی باز گردد ، به حقیقت پاکی اقرار می کند هر چند بر ضرر او باشد . اگر در قرآن از عشق و شیفتگی مرد به زن – به رغم جاذبه زیبایی زن برای مرد – به صورت مشخص که او را وادار به اقداماتی کند سخن نگفته است به آن خاطر است که در مسأله عشق جذابیت زن پیش زمینه ، مجذوب شدن مرد است و از این جهت زن پیشگام تر از مرد است گر چه در ادامه این مرد است که تداوم بخش و تقویت کننده به شمار می آید . « زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَه مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّه وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَه وَالأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاه الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ » (آل عمران) « ?? / دوست داشتن خواستنی ها از قبیل : زنان ، پسران (فرزندان پسر) ، کیسه های پر از طلا و نقره ، اسب های نشان دار ، دامها و کشتزارها برای مردم زینت داده شده است . این ها متاع زندگی دنیاست و خداست که نیک فرجامی فقط نزد اوست . » بر اساس این آیه مردان نسبت به زنان محبت و علاقه دارند اما این محبت و علاقه در چارچوب محبت به جاذبه های دنیا است و نه عشق جنسی ابتدایی و بنیادین ، از این رو در ردیف علاقه به فرزند و مال و سرمایه قرار گرفته است . به تعبیر دیگر، محبت مرد به زن ، در آغاز یک نیاز و گرایش طبیعی و آرام و رام است ، آنچه آتش این محبت را می گدازد ، نیرویی است که در اختیار زن است . گرایش زن به مرد هم در آغاز یک گرایش طبیعی و معتدل است و آنچه این گرایش را تند و بی کنترل می کند ، تضعیف نیروی حجب و حجاب خود زن است و گرنه تمنا و نیاز مرد به تنهایی ، شعله عشق را در وجود زن مشتعل نمی سازد . بلکه در نهایت به تقویت تکبّر یا ترّحم زن می انجامد . بنابراین از مجموعه داستان می توان نتیجه گرفت که جاذبه ها زن را بیشتر از مرد گرفتار آشوب و هیجان روحی می کند و به رفتارهای مخاطره آمیز وا می دارد . حجاب زنان ، طرحی برای پایداری عفاف آنان چنان که گفته آمد ، نیروی حیا و حجب که عنصری درونی و روحی است ، تدبیری از سوی خداوند برای کنترل آنان بر استفاده درست از جمال و جذابیّت خود در عرصه زندگی و جامعه است . علاوه بر این خداوند تدبیری دیگر نیز به کار گرفته است تا زنان در تحکیم عفاف و حیای درونی خود موفق تر باشند و رعایت عفاف ، آسانتر صورت گیرد و آن عبارت است از طرح « حجاب » . از این رو خداوند احکام مربوط حجاب را چنین یاد کرده است : « وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلا مَا ظَهَرَ مِنْهَا... وَلا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... وَلا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ » (نور) « ?? / و زینت های شان را – جز آنچه که خود نمایان است – آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گریبان خویش فرو افکنند و زینت خود را... آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه ای بر زمین نکوبند که زینت های مخفی آنان معلوم شود » « وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللاتِي لا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَه وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (نور) « ?? / و بر زنان وا نشسته ای که امید ازدواجی ندارند گناهی نیست که لباس های خود را کنار بگذارند بی آنکه زینتی را آشکار سازند » « وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّه الأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلاه وآتِينَ الزَّكَاه وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرً » (احزاب /

) « ??و در خانه های تان قرار گیرید و جلوه گری جاهلیت پیشین را در پیش مگیرید » « يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفًا » (احزاب) « ?? / ای زنان پیامبر اگر شما تقوا پیشه کنید مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستند پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگویید » این نهی و باز داشتن بدون تردید از آن جهت صورت گرفته است که تمایل به جلوه نمایی به صورت طبیعی در زنان وجود دارد و اگر مدیریت و کنترل نشود منجر به لغزش های جدّی می شود اما در مورد مردان نسبت به زنان چنین خطابها و نواهی وجود ندارد این نشان می دهد که از نظر قرآن در مردان این زمینه و مقوله های مشابه به صورت طبیعی و بنیادی وجود ندارد که آنان را به آرایش و جلوه گیری اندامی وا دارد و به جلب توجه زنان بکشاند ، هر چند پدیده خود آرایی در حد ضعیف تر و عارضی تری در مردان نیز مشهود می باشد ، اما گویی خود آرایی مرد ، در میدان روابط آنان با زنان ، حرف اول را نمی زند و اهرمی بنیادی به حساب نمی آید . از جمله آیاتی که نشان می دهد ، سهم زنان در پاکی جامعه بیشتر و مهمتر است و اگر خطا و ناپاکی مشترکی صورت گیرد ، این زن است که بگونه ای از توانمندی جنسی خود پاس نداشته و از عنصر حیا چشم پوشیده و درب حریم بر روی بیگانه گشوده است ! این آیه می باشد که در خطای واحد ، نام زن بدکار را بر مرد بدکار مقدم آورده است : « الزَّانِيَه وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا » « زن زنا کار و مرد زنا کار را هر کدام صد ضربه شلاق بزنید » این در حالی است که وقتی به خطای سرقت و مجازات آن می پردازد از آنجا که ارتکاب این خطا در مردان رواج بیشتری دارد و یا به صورت کلان تری از سوی مردان صورت می گیرد نام « سارق » بر « سارقه » مقدّم آمده است . « وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَه فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ » (مائده) « ?? / و مرد و زن دزد را به کیفر آنچه مرتکب شده اند دست شان را به عنوان عقوبتی از جانب خدا قطع کنید و خدا عزتمند و حکیم است » با توجه به حکیمانه بودن گزینش و به کار گیری واژه ها در قرآن این تفاوت تعبیر در دو آیه با این که هر دو بیانگر کیفر هستند و هر دو از کیفر مرد و زن سخن می گویند ، نشان از وجود خصوصیت و ویژگی روحی و باطنی دو جنس دارد که سبب تفاوت تعبیر شده است این ویژگی را مفسران به نقش آفرینی ویژه زنان در رابطه جنسی مربوط دانسته اند ، طبرسی می گوید : « قیل انّما قدّم ذکر الزانیه علی الزانی لأن الزنی منهن اشنع واعیر و هو لاجل الحبل اضرّ لان الشهوه فیهنّ اکثر و علیهن اغلب » (طبرسی) « ???/?-? ، گفته شده است که نام زن زنا کار بر مرد زنا کار مقدم بیان شده است چون بی عفتی زنان زشت تر و باعث عار و ننگ بیشتر و برای بارداری نیز زیان بار تر است و نیز برای این که شهوت در زنان بیشتر و بر آنان مسلط تر می باشد » علامه طباطبایی نیز همین نظریه را به عنوان « قیل » – مطلبی که گفته شده است – یاد کرده است (طباطبایی) – ??/?? ، تعبیر « قیل » نشان می دهد که تحلیل یاد شده از نظر علامه قطعی نبوده است . بیضاوی نیز گفته است : « و انما قدّم الزانیه لأنّ الزنا فی الاغلب یکون بتعرّضها للرجل و عرض نفسها علیه و لانّ مفسدته تتحقق بالاضافه الیها » (البیضاوی ،) « ???/?زن زنا کار بر مرد زنا کار مقدم شده است چون غالباً زنا با عرضه کردن زن خودش را بر مرد تحقق می یابد و همچنین مفاسد و پیامدهای بد زنا برای زن بیشتر است . » طبرسی در مورد آیه حد السرقه می گوید : « و بدأ بالسارق هنا لانّ الغالب وجود السرقه فی الرجال و بدأ فی آیه الزنا بالنساء فقال «الزانیه و الزانی» لأنّ الغالب وجود ذلک فی النساء » (طبرسی) « ???/?-? ، در این آیه سخن با مرد سارق شروع شده است چون سرقت از سوی مردان بیشتر است و در آیه زنا سخن با زنان شروع شده است و فرموده است : « الزَّانِيَه وَالزَّانِي » چون زنا در زنان بیشتر است » یکی دیگر از آیاتی که در این زمینه شایان توجه می باشد این است که در مورد زنان مشرکی که متمایل به ایمان شده و می خواهند اظهار ایمان کنند و بیعت نمایند ، از شرایطی که قرآن می آورد ترک زنا است : « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلا يَسْرِقْنَ وَلا يَزْنِينَ وَلا يَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَلا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » (ممتحنه) «?? / ای پیامبر هر گاه زنان مؤمن – متمایل به ایمان و مصمم برای پذیرش آن – نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند بر این اساس که به هیچ

وجه به خدا شرک نورزند و دزدی نکنند و مرتکب زنا نشوند و فرزندان خود را نکشند و بهتانی را که میان دست و پای خود ساخته باشند به میان نیاورند (فرزندی را که از شوهرشان نیست به او نسبت ندهند) و در هیچ کار پسندیده ای مخالفت تو نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه قطعاً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است » اما مشابه این شرط در مورد مردان مطرح نشده است با اینکه زنا یک عمل دو نفره است و از نظر حرمت و کیفر برای هر دو یکسان است ولی در مرحله یاد آوری و تذکر و هشدار و پیشگیری ، زنان بیشتر مورد هشدار قرار گرفته اند ، زیرا بخش زیادی از مدیریت و کنترل عفاف یا بی عفتی تحت اراده آنان است . در برخی روایات تمایل و نیز قدرت جذب کنندگی و فریبندگی زن نسبت به مرد مطرح شده است : « النساء همهن الرجال » (کلینی) « ???/? ، زنان توجه و اهتمام شان به مردان است » « قال رسول الله (ص) : ما رأیت من ضعیفات الدین و ناقصات العقول اسلب لذی لب منکنّ » (کلینی) « ???/? ، هرگز ندیدم یک عنصری سست ایمان و کم خرد بتواند یک انسان با شعور را بفریبد آن گونه که برخی از زنان سست ایمان و کم خرد آنان را تحت تأثیر قرار داده و به رفتاری بی خردانه وا می دارند . » از این روایت استفاده می شود که اگر نیروی ایمان و اندیشه در زنان ضعیف باشد ، می توانند نقشی منفی بزرگی در جامعه ایفا کنند ، نه تنها مردانی شبیه خود را جذب کنند ، بلکه مردانی که به صورت معمول و به طور طبیعی گام از حریم ارزشها و اخلاق بیرون نمی نهند گرفتار وسوسه شوند و تصمیم را از دست بدهند ! این که یوسف صدیق در مناجات خود با خدا از کید زنان مرفه درباری به خدا پناه برده و از او استمداد کرده و می گوید اگر مرا یاری نکنی و نجات نبخشی ، نگران آن هستم که من نیز به زنان تمایل پیدا کنم و خواسته واراده آنان در من تأثیر گذار شود با این که می دانم درخواست و روش آنان جاهلانه است (اصب الیهن و اکن ، من الجاهلین) اشاره به همین معنا دارد . آفات حجب و عفاف ، در زنان الف) مراودات و رفت و آمدهای نا صحیح : « امْرَأَه الْعَزِیزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا » (یوسف) « ?? / زن عزیز با رفت و آمدهای پیوسته خود ، تلاش می کند تا خدمتکارش را به خود فرا خواند ، محبت او لبریز شده و وجودش را پر کرده است . » (مصطفوی) ???/? ، از این آیه استفاده می شود که رفت و آمد های نادرست از یک محبت و علقه طبیعی می تواند یک انحراف و بیماری بیافریند . ب) به نمایش گذاشتن زینتها، آرایه ها و زیبایی های طبیعی : « وَلا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ » (نور) « ?? / و زینت های شان را آشکار نکنند » « غَیْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَه » (نور) « ?? / بی آنکه زینتی را آشکار سازند » « وَقَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّه الأولَی » (احزاب) « ?? / و در خانه هایتان قرار گیرید و جلوه گری جاهلیت پیشین را در پیش مگیرید . » ج) نرمش در سخن گفتن : « فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلا مَعْرُوفًا » (احزاب) « ?? / پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگویید .» د) انتخاب دوست از جنس مردان : « وَلاَ مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ » « و نه آنکه محرمانه دوست بگیرید » ه) خلوت با مرد بیگانه در محیط بسته : « وَغَلَّقَتِ الأبْوَابَ وَقَالَتْ هَیْتَ » (یوسف) « ?? / درها را محکم بست و (در حالی که خود را آماده کرده بود به یوسف) گفت ، بیا ، بشتاب » و) ارتباط با محافل و جمع های ناسالم « قَالَتْ فَذَلِکُنَّ الَّذِی لُمْتُنَّنِی فِیهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ یَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَیُسْجَنَنَّ وَلَیَکُونًا مِنَ الصَّاغِرِینَ » (یوسف) « ?? / بانو گفت : این است آن کسی که مرا در عشق او سرزنش کردید آری من از او کام خواستم ولی او خویشتن داری کرد و اگر آنچه را به وی فرمان می دهم انجام ندهد قطعاً زندانی خواهد شد و خوار و بی مقدار خواهد گشت » زمینه اتهام زنان به شیطنت و فریبکاری زن در نگاه نخست ، عنصری فرشته خو و فرشته گون شناخته شده است و از این رو همواره در تخیل هنرمندان و تندیس آفرینان و نقاشان ، فرشتگان ، در هیبت و شکل و قامت زنان تجلی یافته اند . انسانها با اولین زنی که در زندگی خود مواجه می شوند ، فرشته ای است که ، مادر نام دارد ، مظهر فداکاری و صمیمیت . شاعران و عارفان هرگاه خواسته اند ذهن خود و مخاطبش را به فضایی فراتر از عالم مادی ببرند و در ترسیم حقایق و ظرایف مبالغه کنند از خال و لب و ابروی زنان وام گرفته اند . با این همه چه شده است که زن در بسیاری از فرهنگ های اجتماعی با تعابیر تندی مورد انتقاد و نکوهش قرار گرفته و به شیطنت و مکاری متهم شده است . قرآن به این پرسش پاسخ داده

است و می گوید ، زن زمانی که از توانمندی ها و امکانات ارزشمند خود ، بهره صحیح نگیرد و زیبایی و جمال و ظرافت و لطافت طبع و اندام را با پوشش حجب و عفاف نیاراید چونان میوه با طراوتی است که چون پوسته آن جدا شود ، به سرعت می پوسد و گندیده می شود . آن گونه که زن عزیز مصر با همه شکوه و بی نیازی و رفاهمندی و برخورداری وقتی پرده عفاف را کنار نهاد ، از یک سو خود به زانو در آمد و در برابر جوانی خدمتکار به تمنا نشست ، از سوی دیگر برای رسیدن به هوس خویش ، معشوق خود را متهم و زندانی می کند و در نهایت ، مهر فریبکاری را بر پیشانی خود و دیگر زنان می زند . « فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ » (یوسف) « ?? / پس آنگاه که عزیز مصر ، مشاهده کرد پیراهن یوسف از پشت سر او پاره شده است – و فهمید که یوسف در حال گریز از دام گناه بوده و این زلیخا است که او را از پشت سر تعقیب کرده و پیراهن او را کشیده است – گفت : این رخداد از نیرنگ شما زنان است ، چه این که حیله و نیرنگ شما بس بزرگ می باشد . » تعبیر « إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ » سخن خدا نیست ، بلکه سخن عزیز مصر است که فارغ از یک فرهنگ دینی است ولی به طور طبیعی متوجه می شود که آنچه رخداده است نتیجه یک توطئه زنانه می باشد . عزیز مصر ، توطئه زنان دربار را به حساب همه زنان تاریخ می آورد و چنین می نماید که اساساً جنس زن با کید و حیله همراه است . خداوند بی آن که کلام او را با اطلاق و شمولش تأیید کرده باشد ، آن را صرفاً نقل کرده است تا نشان دهد که چه زمینه ها و کارکردهایی در تاریخ ، زمینه های طعنه ها و بدگویی ها را علیه زنان فراهم آورده است . البته در آیات بعد ، قرآن نیز بر این گونه رفتار عنوان حیله و نیرنگ و بر زنانی که چونان زنان مرفه درباری ، قید عفاف دریده و گام از پرده روابط سالم بدرون نهاده اند ، عنوان حیله گر داده است . « قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلاَّ تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ) ?? (فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ » (یوسف) « ??-?? یوسف گفت ": پروردگارا ! زندان نزد من محبوب تر است از آنچه اینها مرا به سوی آن می خوانند ! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی ، به سوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود ! پروردگارش دعای او را اجابت کرد ؛ و مکر آنان را از او بگردانید ؛ چرا که او شنوا و داناست ! » قرآن با بیان سرگذشت یوسف نمی خواهد بگوید که توده زنان مانند زلیخا هستند و توده مردان مانند یوسف ، بلکه به عکس می خواهد ، زشت ترین نماد سوء استفاده یک زن را از امکانات و تمایلات خود به نقد کشد تا زنان به هوش باشند و متاع ارزشمند و موهبت های الهی خویش را با مقدماتی نادرست در بازار رسوایی و محرومیت به حراج ننهند . و از سوی دیگر به مردان که معمولاً مقاومت کمی در برابر وسوسه های جنسی دارند و معمولاً جذب جاذبه ها و زیبایی ها ظاهری و رفتاری زنان می شوند ، یوسف را به عنوان برترین و شکوهمند ترین نماد مقاومت و پاکی و صداقت و نیک اندیشی معرفی کند و این سرگذشت عینی را عبرتی و الگویی برای زنان و مردان قرار دهد و در لابه لای آن ، دهها و صدها نکته معرفتی و اخلاقی را مطرح سازد .

حیا و عفاف عامل زندگی زیبا

خداوند می فرماید: هر مرد و زنی که کردار شایسته انجام دهد و با ایمان باشد، آنان را زندگی نیکو و پاکیزه می دهیم و به بهتر از آنچه عمل کرده اند، می بخشیم. بهره حقیقی هر مرد و زن با ایمان از زندگی، زیبا زیستن است. پروردگار می فرماید: مَنْ عَمِلَ صالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ. (نحل: ۹۷) هر مرد و زنی که کردار شایسته انجام دهد و با ایمان باشد، آنان را زندگی نیکو و پاکیزه می دهیم و به بهتر از آنچه عمل کرده اند، می بخشیم. این شایستگی، برگرفته از درون پاک و خویشتن داری انسان است. حق تعالی دراین باره می فرماید: يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشاً وَ لِباسُ التَّقْوى ذلِكَ خَيْرٌ ذلِكَ مِنْ آياتِ اللّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ. (اعراف: ۲۶) ای فرزند آدم، بر شما پوششی فرستادیم تا زشتی هایتان را بپوشانید و تن را بیارایید و پوشش تقوا، نیکوترین جامه است و این (لباس) از نشانه های خداست تا

نعمت هـای پروردگار را یاد آورنـد. خداونـد کریم در ادامه می فرمایـد: یا بَنی آدَمَ لا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطانُ کَما أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ مِنَ الْجَنَّةِ یَنْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما لِیُرِیَهُما سَوْآتِهِما... . (اعراف: ۲۷) ای فرزند آدم، مبادا شیطان شما را بفریبد چنان که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون ساخت و جامه عفت از تن آنان به در آورد تا زشتی هایشان را نمایان سازد. در این آیات، از لباس ظاهری و باطنی سخن می رود که هر دو پوشـش انسانند. تکرار واژه «سوآت» در آیات یادشده، نشانه آن است که لباس در پوشاندن اعضای بدن و عیب های آن و پوشانـدن عضوهایی که آشـکار بودن آن موجب شـرمندگی انسان می شود، نقش بسـیار مهمی دارد. حکایت حضـرت آدم و حوا، فطری بودن نیـاز به پوشـش را اثبات می کنـد. زنـدگی آدم و حوا و غارنشـینان نخستین که با برگ درخت و پوست حیوانات، خود را می پوشاندند، ثابت می کند که نیاز به پوشـش، به مرور زمان و بر اثر پیدایش تمدن ها شـکل نگرفته، بلکه از همان آغاز با بشـر همراه بوده است. اسـتاد مطهری دربـاره انتخاب پوشـش زن می نویسـد: دقیق ترین آنها (نظریه ها) این است که حیا و عفاف و ستر و پوشـش، تـدبیری است که خود زن بـا یک نوع الهام برای گران بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است

حجاب و استحکام خانواده

بسم الله الرحمن الرحیم حجـاب از زوایای متعـدد و مختلفی قابل طرح و بررسـی است. حجاب از احکام فرعی دین است؛ یعنی جزء دسـتورالعمل‌ها و قوانینی است که در دین اسـلام طراحی شـده است. اهداف و کارکردها و فوایدی برای حجاب یا به عبارت دیگر، مصـالحی برای آن وجود دارد. در خصوص بحث ارتباط حجاب و اسـتحکام خانواده، ضـرورت دارد مقـدماتی را در ابتـدا توضـیح دهم. نخست، بایـد خـانواده را تعریـف کنم. تعریـف خـانواده از این جهت دارای اهمیت است که علی‌رغم وجـودی که خـانواده به عنوان مجموعه از نظر مفهومی و مصداقی برای ما یعنی کشورهای شـرقی یا کشورهایی با بافت سـنتی یا کشورهایی با بافت اسلامی دارد، امروزه در سطح مطالعات دانشگاهی و آکادمیک و در سطح آن اتفاقی که در روزمرهٔ زندگی انسان‌ها، به خصوص در دنیای غرب، اتفـاق افتاده مفهوم خانواده وضوح و روشـنی خود را از دست داده و مصـداق خانواده دچار یک خطا شـده است. مشـکلاتی اتفـاق افتـاده که در خانواده تأثیر اساسـی گذاشـته است. منظور ما از اتفاق چیست؟ تعبیرهای متعـددی دربارهٔ این اتفاق وجود دارد. دانشـمندان و جامعه‌شـناسان غربی تعابیر مختلفی از این اتفاق دارنـد. اوین تافلر می‌گوید: اتفاقی افتاده به نام «جبر تکنولوژی» دنیا به مرحله‌ای از صـنعتی شدن رسـیده که این صـنعتی شدن خانواده را در موقعیتی قرار داده که ما ناچاریم آن را بپذیریم. خانوادهٔ دارای تعریف از نظر مفهومی و دارای مصـداقی که در سال‌هـای پیش از دوران صـنعتی شـدن داشت، دیگر نخواهـد بود. منظورش از جبر تکنولوژیک این است که صـنعتی شـدن پدیـده‌ای است که در سـطح فرهنگ جامعه، روابط اجتماعی و برنامه‌های متعدد تأثیرگذار بوده است. فقط زندگی ماشـینی نشده، یعنی فقط سـخت‌افزار به زندگی‌های ما انسان‌ها وارد نشده؛ بلکه این سخت‌افزار و ماشینیزم، فرهنگی را وارد کرده است. این صـنعتی شـدن در روابـط انسان‌هـا بـا یکـدیگر تـأثیر گذاشـته است. مـا ناچـاریم به خاطر وجود این پدیـده، سـطحی از تغییر را در مفاهیم اساسـی زنـدگی خودمان بپـذیریم. تافلر می‌گویـد ما الآن وارد دنیای الکترونیک شدیم، وارد دنیـای مجـازی اینترنت و کـامپیوتر شـدیم. کلبـهٔ الکترونیـک بـاعث می‌شود سـطح روابـط انسان‌هـا از آن روابط ساده و بسـیط وارد برنامه‌هـای پیچیـده‌تری شود. از آثـار مهم صـنعتی شـدن، کنـد کردن یا بی‌رنگ کردن یا بی‌محتوا کردن روابط عاطفی در خانواده، علاقه‌مندی و آزمندی شدید زنان و مردان در کسب ثروت و ورود به بازار اشـتغال است. یکی از لوازم بزرگ صـنعتی شدن که در زنـدگی زنان نقش دارد پدیـدهٔ ارضای غرایز بـدون داشـتن فرزنـد است. اکنون زنان می‌خواهنـد در پدیـدهٔ کنترل موالید، خودشان کنترل کامل داشـته باشند و بدون این‌که مادر بشوند بتوانند زندگی متأهلی داشته باشند؛ می‌خواهند روابط جنسی آزاد داشته باشند. این اتفاق افتاد. این صـنعتی شدن آثارش در بلوک غرب و شـرق فرق می‌کند؛ یعنی در کشورهایی که حکومتش لیبرالیستی است با

کشورهایی که حکومتش سوسیالیستی است دقیقاً دوگونه اثر متفاوت در زندگی زنان داشته است. در حال حاضر، این شرایط را اگر روی هم انباشته و انبار کنیم به وضعیتی می‌رسیم که خواه ناخواه در خانواده اثر جدی و مؤثری خواهد گذاشت. یکی از آن اثرها این است که انسان‌ها به گونه‌های مختلف برقراری ارتباط روی آوردند. این رابطه‌ها ممکن است رابطه‌های غریزی باشد؛ یعنی محور این رابطه، غریزه باشد. ممکن است محور این رابطه، عاطفه باشد. از این رو، خانواده‌های متعددی شکل می‌گیرند؛ خانواده‌هایی تک والد که فقط شخص می‌خواهد رابطهٔ عاطفی خودش را حفظ بکند و به دنبال ارضای غرایز نیست. پس صبر می‌کند به گونه‌ای که در زحمت و دردسر نیفتد صاحب فرزند بشود. ممکن است این رابطه خیلی منحصر به فرد باشد؛ مثل رابطهٔ دو همجنس. امروز در کشورهای اروپایی و آمریکایی به طور روشن از روابطی صحبت می‌کنند که بین دو همجنس برقرار می‌شود. در نتیجه، تصمیم گرفته شد براساس تغییراتی که در فرایند زندگی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بشر رخ داد، گونه‌های مختلف خانواده را تعریف کنند؛ یعنی روابط را تعریف کنند. آن وقت طبیعی است که ما باید یک سری حواشی و مسائل جانبی را تغییر بدهیم تا کل سیستم با گونه‌های مختلف خانواده جور در بیاید. بعضی از جامعه‌شناسان غربی اعتقادشان این است که تغییراتی که در سطح خانواده رخ داد به مراتب سریع‌تر بود نسبت به تغییراتی که در هنجارها و اصول اخلاقی پذیرفته شده جوامع رخ داد؛ یعنی به آن سرعتی که خانواده‌ها تغییر مسیر دادند به همان سرعت اصول اخلاقی خانواده‌ها تغییر نکرد، اصول اخلاقی جوامع تغییر نکرد. در قدیم، رابطهٔ بین دو همجنس یا رابطهٔ خارج از روابط مشروع در بسیاری از فرهنگ‌ها به عنوان ناهنجار اخلاقی شمرده می‌شد. از این رو، سی – چهل سال پیش، جامعه‌شناسان غربی پیشنهاد دادند برای این‌که این گونه‌های مختلف خانواده احساس سرشکستگی و گناه نکنند و رابطهٔ خودشان را رابطهٔ غلط ندانند یا مثلاً اگر یک مادر برای پیشرفت شغلی سقط جنین می‌کند، خودش را مجرم نداند، هنجارها و اصول اخلاقی خودمان را تغییر بدهیم تا این افراد در این جوامع احساس ناراحتی نکنند. یعنی به این فکر نمی‌کنند که خانواده‌ای با یک تعریف روشن و ثابت و یک سری خواست‌ها و اهداف معین به نام خانوادهٔ طبیعی وجود دارد که در آن رابطهٔ بین یک مرد و یک زن به پشتوانهٔ قانون یا شریعت‌ها برقرار بشود و به عنوان تنها هستهٔ پذیرفته شدهٔ قانونی حق حیات داشته باشد. اصلاً به این مسائل فکر نمی‌کنند. آنان معتقدند گونه‌های مختلف روابط در خانواده را باید بپذیریم. این بدین معنا حتماً خوب بوده که اتفاق افتاده. ممکن است بعضی‌ها هم مثل اوین تافلر معتقد باشند که اصلاً خوب نیست. برخی در کتاب‌های خودشان تصریح کرده‌اند که خانوادهٔ سنتی خوب بود اما اکنون جواب نمی‌دهد؛ چون افراد ناچارند به ازدواج‌های پیاپی و طلاق‌های پیاپی بیاندیشند، ناچارند به انواع رابطه‌های متعدد بیاندیشند. در نتیجه، اتفاقی که خواهد افتاد این است که باید اخلاق و قوانین متناسب با این گونه‌های مختلف خانواده تغییر بکند. بنابراین، در حال حاضر، خانواده در دنیا از نظر تعریف و مصداق، در یک حالت سیّالیت و عدم ثبات به سر می‌برد که تقریباً مرزهای شناخت آن در دنیا مشکل می‌شود. از این رو، در اسناد بین‌المللی به جای تعبیر خانواده سعی می‌کنند از تعبیر چهار دیواری که در آن زندگی می‌کنند استفاده بکنند که می‌تواند شامل گونه‌های مختلف برقراری ارتباط باشد. در المیزان مرحوم علامه طباطبایی آمده که هدف اصلی و منحصر به فرد ازدواج، ابقای نسل است. این مسئله در دنیا دچار چالش است. می‌گویند نه، ما به شما نمونه می‌دهیم از میلیون‌ها افرادی که خانواده تشکیل می‌دهند که از اول به هم تعهد می‌دهند که هیچ‌وقت بچه‌دار نشوند؛ یعنی ابقای نسل اصلاً هدف آنان نیست. مسائل به آن صراحت و سادگی که ما در این شرایط در موضوعات مختلف الآن داریم فکر می‌کنیم در دنیا نیست. بنابراین، وقتی داریم راجع به خانواده بحث می‌کنیم، ابتدا باید به یک تعریف اجمالی و متفق العمل راجع به خانواده برسیم. سپس رابطهٔ بحث خانواده را با مفاهیم مختلف، از جمله بحث حجاب، تعیین بکنیم. ما تصمیم می‌گیریم که خانواده را دارای بافت طبیعی بدانیم نه یک بافت تاریخی که به مرور زمان بر حسب شرایط ممکن است مدل‌های مختلف را بپذیرد. در حال حاضر، این اتفاق افتاده؛ یعنی انسان‌ها به گونه‌های مختلف و به اغراض مختلف تشکیل یک چهار دیواری می‌دهند و اسمش را می‌گذارند خانواده و کل سیستم‌های موجود اطلاع‌رسانی و خبر

سازی مثلاً فرهنگی هم در راستای ترویج همین تفکر است؛ اما ما اعتقادمان این است چیزی که اهداف اساسی و تکوینی را – که در نهاد خلقت وجود دارد – تأمین می‌کند، همان خانوادهٔ طبیعی با بافت معیّن خودش است. شاید به همین دلیل است که ما می‌بینیم با وجود همهٔ تغییراتی که در سطح فرهنگ جوامع رخ داد، با وجود تمام تحولاتی که در سطح زندگی زنان رخ داد، با وجود پیدایش گونه‌های مختلف خانواده در دنیا، هنوز خانوادهٔ سنتی؛ یعنی خانواده متشکل از پدر، مادر و فرزند، خانواده‌ای است که مادر خانواده، خانه‌دار است و هنوز خانوادهٔ سنتی به عنوان یکی از اقسام موجود و پذیرفته شده در تمام جوامع غربی و شرقی، حیات دارد؛ یعنی با وجود این‌که تمام شرایط مساعد تحول در گونه‌های مختلف خانواده هست باز هم خانوادهٔ سنتی وجود دارد. ویلیام گردر در گزارش خود از وضعیت خانواده می‌گوید: بسیاری از مردم تصور می‌کنند در نظام‌های لیبرالیستی خانواده با تهدید بیش‌تری موجه است، ولی قضیه برعکس است؛ یعنی در کشورهایی با نظام سوسیالیستی، خانواده‌ها مورد تهدید بیش‌تری هستند؛ چون نظام سوسیالیستی گرچه جمع‌گراست، ولی منظورش از جمع‌گرایی، جامعه‌گرایی است، نه هر تجمعی مثل تجمع خانواده. یعنی هر کدام از افراد خانواده به عنوان یک مهرهٔ تولید در عرصه و چرخهٔ کار برای دولت شناخته می‌شوند. از ابتدا که بچه‌ای در خانواده به دنیا می‌آید به خانواده و آن بچه تفهیم می‌شود که قبل از این‌که این بچه، بچهٔ شما باشد فردی از اجتماع کلی است که برای آن اجتماع کلی کار می‌کند. طبیعتاً چیزی به نام خانواده که بخواهد از اقتدار خودش، از قدرت دوراندیشی خودش استفاده کند، اعضای خودش را تحت پوشش بگیرد و از آنان در مقابل اجتماع محافظت بکند، جانبداری بکند، آنان را احیاناً تهدید یا تشویق کند، این چنین اقتداری برای خانواده در نظام سوسیالیستی وجود ندارد. ایشان می‌گوید در سوئد، بالاترین تهدیدها به سمت خانواده‌هاست. در خانوادهٔ سنتی، یعنی خانواده هایی که دو نفر به عنوان پدر و مادر حاضرند ولی نان آور خانواده فقط یک نفر است، یعنی فقط پدر، علی رغم تصوری که در مورد نظام‌های لیبرالیستی این‌گونه است که هرکسی که شاغل باشد باید مالیات بر درآمد بدهد، یعنی دو نفر شاغل را کنار هم بگذاریم که وقتی ازدواج کردند به جای این‌که ثروتشان بیش‌تر بشود کم‌تر می‌شود، به خاطر این‌که باید در این شرایط جدید مالیات‌های بیش‌تری بپردازند، اما در کشورهای سوسیالیستی برای خانواده‌ای که یک نان‌آور دارد مشکلات بیش‌تری ایجاد می‌شود یعنی خانه‌ای که در آن خانه فقط پدر نان‌اور و شاغل است و در آن خانواده حضور دارد و مادر خانه‌دار است به جرم این‌که این خانواده بافت سنتی دارد باید بیش‌تر به دولت بها بپردازد؛ مثل این‌که یک عنصر انگل در آن خانواده است یا عنصر مضرّ برای اجتماع در آن خانواده است. علی‌رغم این‌که آمار نشان می‌دهد که در سوئد در بیش‌تر فاکتورهای مربوط به خانواده و ارزش‌ها و اصول، از همهٔ کشورها وضعیت وخیم‌تری دارد و تمام شمشیرها برای خانواده به رو بسته شده، اما در همان بافت هم درصد قابل توجهی خانوادهٔ سنتی وجود دارد. این نیست مگر به خاطر این‌که ریشهٔ خانوادهٔ قدیمی در طبیعت بشر است و اگر بشر به سمتی برود که از این نهاد فاصله بگیرد به دلیل شرایط مختلف محیطی باز به این سمت برمی‌گردد. وقتی می‌خواهیم رابطهٔ حجاب را با بحث خانواده مشخص کنیم باید تعیین کنیم که راجع به چه خانواده‌ای صحبت می‌کنیم و برای ما خانواده چه مفهوم یا مصداقی دارد. مطلب بعد این است که ما به چیزی به نام پایداری خانواده می‌اندیشیم یا نه؟ بحث حجاب طبیعتاً کم کم داخل این فضا معنا پیدا می‌کند. اصول لیبرالیسم، خواه ناخواه وارد زندگی ما می‌شود. در یکی از سفرهایم به آمریکا، یکی از ایرانیان از من پرسید: ما چه کار کنیم که در این فضا فرزندانمان آن زمینه‌های اساسی و آن عرق شرقی و دینی خودشان را از دست ندهند. در آن محیط، حفظ هویت خیلی مشکل است، چون سیستم لیبرالیستی است. در این سیستم، همه چیز طراحی شده؛ اخلاق، فرهنگ، سیاست، حتی دینداری، همه چیز سکولار است. یعنی اگر کسی بخواهد دیندار باشد باید فضای دیانت را از زندگی خودش جدا کند. خیلی مشکل است که انسان بخواهد براساس یک اندیشهٔ ثابت و پایداری زندگی بکند. به آن شخص عرض کردم شما وقتی وارد خانه خود می‌شوید توقع دارید براساس اصول لیبرالیسم، کسی مزاحمت ایجاد نکند، کسی آزادی دیگری را مورد مخاطره قرار ندهد، چیزی به نام سلسله مراتب وجود ندارد، هرکس که داخل خانه شد، داخل اتاق

خصوصی خودش می‌رود در آن‌جا همه چیز هست؛ یعنی کم‌تر بهانه‌ای برای بیرون آمدن و سؤال کردن از پدر و مادر و خواهر و برادر پیدا می‌کند. این فضا در واقع خانه نیست؛ یک چهار دیواری متشکل از سوئیت‌های مختلف است. هرکس وارد سوئیت خودش می‌شود. غذاها آماده است. آن سفرهٔ متمرکز که براساس سلیقه‌های مادرانه شکل می‌گیرد و افراد خانواده بنا به بهانه‌ای دور هم جمع می‌شوند در آن سیستم وجود ندارد. طبیعی است اگر در آن سیستم هضم بشویم خود به خود در آن فرهنگ غرق می‌شویم. اصول تفکر لیبرالیسم، عدم مزاحمت افراد برای همدیگر است، اصالت عدم درد است، اصالت عدم رنج است، اصالت لذت است. ما در خانواده‌ها و زندگی‌های شرقی و اسلامی خودمان هم اگر مبتلا به چنین وضعیتی هستیم، زندگی لیبرالیستی داریم. یکی از بحث‌هایی که در اصول لیبرالیسم است این است که انسان براساس مفهوم اصالت لذت، دلیلی برای رنج کشیدن ندارد. این مفهوم در همه جا در زندگی‌های انسان غربی حاضر است. انسان‌ها دلیلی ندارند که چیزی به نام کمال و حلم و بردباری را تجربه کنند. برای چه چیزی بردبار باشند؟ انسان وقتی بردبار می‌شود که به اصول اخلاقی جمعی پایبند باشد که او را وا دارد که به خاطر دیگری سکوت کند. یا گذشت کند، یا به خاطر پایداری نهاد خانواده از حقوق فردی خودش بگذرد. این‌ها اساساً در فرهنگ لیبرالیستی پذیرفته نیست. تحمل و صبر و گذشت و اصول اخلاقی جمعی به این معنا که افراد به اوج فداکاری برسند، چون مادرند به اوج محبت برسند، چون پدرند به اوج گذشت و خدمت برسند، بی‌معناست. پس دلیلی برای پایداری وجود ندارد. ما باید مشخص کنیم موضعمان در مورد خانواده چیست؟ ما به پایداری می‌اندیشیم یا نه؟ در آن فضا بچه‌ها اجازه دارند یا اصلاً باید به خاطر انجام تجارب شخصی بعد از هیجده سالگی از خانواده‌هایشان جدا بشوند. در اسلام، قانون حضانت هم این را می‌گوید. در اسلام، طبق قانون حضانت، دختر بعد از نُه سال و پسر بعد از هیجده سال مسئولیتی را متوجه والدین از نظر قانونی نمی‌کند که حتماً به بچه رسیدگی کنند. طبق قانون حضانت اسلامی، بچه‌ها بعد از تمام شدن سن بلوغ، تکلیفی را از نظر قانونی متوجه والدینشان نمی‌دانند که از آنان مراقبت کنند ولی اخلاق اسلامی به ما نشان می‌دهد، قانون رحم بر صغار، بحث عشیره، بحث صلهٔ رحم، همه نشان می‌دهد که گرچه قانون برای ما یک خط‌کشی می‌گذارد که ما می‌توانیم به استناد قانون بگوییم به ما چه، به شما چه، به دیگری چه، ولی اخلاق و تدیّن و دینداری به ما می‌گوید که ما باید برای همدیگر و به خاطر همدیگر و برای حفظ نهاد اجتماعی عمل کنیم. پس ما راجع به خانواده‌ای با تعریف روشن که بر مبنای اصل پایداری شکل گرفته می‌خواهیم صحبت کنیم، اما رابطه بحث حجاب با این مسئله چیست؟ انسان در مراحل مختلف رشد، ظرفیت‌های درونی‌اش شکوفا می‌شود. مثلاً ـ در یک سنی عواطفش بروز می‌کند و در یک سنی غرایزش بیدار می‌شود. در یک سنی دستگاه خلقت و عقلانیتش شکوفا می‌شود. طبیعی است که به مناسبت این مراحل، زمینه‌های مختلفی برای این‌که خوب باشد یا بد باشد، پیدا می‌کند. در هر مقطعی از این مراحل، انسان می‌تواند تحت هر شرایطی و به هر دلیلی، موجودی به شدت قانون‌گریز یا موجودی به شدت قانون‌پذیر و مطیع باشد. انسان این طوری است. هیچ وقتی نشنیده‌ایم و نخواهیم شنید که روزی مثلاً در یک جهش ژنتیکی فرض کنید زنبورهای عسل تصمیم بگیرند چیزی که تعریف زنبور عسل به او بسته است که تولید عسل است از آن دست بکشند؛ ولی انسان موجودی است قانون‌گریز یا قانون‌پذیر، یعنی گاهی وقت‌ها می‌تواند آن قدر قانون‌پذیر باشد که در زندگی‌اش حتی مرتکب یک مکروه هم نشود یا این‌که آن قدر قانون‌گریز باشد که در تمام زندگی‌اش یک واجب را انجام ندهد و یک حرام را ترک نکند یا تمام قوانین اجتماعی را زیر پا بگذارد. استحکام خانواده به عناصر مختلفی مرتبط است. یکی از این عناصر بحث پوشش و حجاب است. در بحث پوشش و حجاب، موضوعات متعددی مطرح است. از مهم‌ترین موضوعات، فلسفهٔ پوشش و حجاب. برخی می‌گویند: «الانسانُ حریص علی ما مُنِع»، انسان‌ها نسبت به آن‌چه که ممنوع می‌شوند حریصانه‌تر و آزمندانه‌تر دنبالش می‌روند و علاقه‌مندتر هستند. بسیاری از مدافعان حجاب این مسئله را رد می‌کنند و می‌گویند جوامع غربی که خیلی فضا آزاد است هنوز این آزمندی وجود دارد. من می‌خواهم بگویم این قاعده درست است، یعنی الانسان حریص ما منع. این جزء برنامه‌های فطری یا غریزی خداوند است که انسان این حالت

را داشته باشد که برای آن چیزی که منع می‌شود حرص و آزمندی داشته باشد. اگر انسان از آن چیزی که او را به یک حرکت و یک واکنش سوق می‌دهد خالی باشد این انسان با یک تکه سنگ هیچ تفاوتی ندارد. شما تصور کنید انسانی را که از نظر ذهنی دچار مشکل است، یعنی عقب مانده است یا از نظر مغزی دچار مشکل است، مراکز مهم مغز که او را نسبت به کنش‌هاو عوامل بیرونی محرک‌ها حسّاس می‌کند و عکس‌العمل نشان می‌دهد، از تمام آن کنش‌ها خالی است؛ مثلاً کسی به او توهین می‌کند، درک نمی‌کند که به او توهین شده و واکنش نشان نمی‌دهد. به او می‌گویند تو دیشب وارث یک میلیارد تومان پول شدی، اصلاً عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. طمع و حرص و مال خواهی در وجود او نیست. نسبت به این کنش، هیچ واکنشی ندارد. شما این انسان را تأیید نمی‌کنید. انسان‌ها باید در درونشان عواملی باشد، زمینه‌هایی باشد، فعالیت‌ها یا انفعال‌هایی باشد که آنان را نسبت به محرک‌های بیرونی فعال کند. انسان‌ها به یکدیگر جذب می‌شوند، چون میل غریزی و جنسی دارند. انسان‌ها نسبت به آن چیزی که منع می‌شوند حریص هستند. آیا اینها بد است؟ خوب است. لذات دو بخش‌اند: لذات معنوی و لذات مادی. به ما نگفتند اگر در نماز، حالت معنوی به شما دست داد، اشک شما سرازیر شد، دیگر بس است، ضرر دارد، دیگر نمی‌خواهد در نماز این حالت به شما دست بدهد. اگر مثلاً ـ در ماه مبارک رمضان یک شب احیا گرفتید، احساس بهجت معنوی کردید، دیگر بس است و نمی‌خواهد ماه رمضان سال بعد چنین حالتی به شما دست بدهد؛ اما در لذات مادی، ایستگاه داریم، آستانه داریم. دستورالعمل‌های دینی آمدند این آستانه را نگه دارند؛ یعنی برای ما یک سوپاپ گذاشتند. این سوپاپ، سوپاپ اطمینان است. به ما گفته‌اند اگر کسی می‌خواهد غرایز خود را تأمین کند، باید غرایز خود را در یک برنامهٔ انحصاری تأمین کند؛ یعنی در خانواده. در روابط، یک جور هنجار و اخلاق جنسی داریم که متأسفانه بسیاری از افراد از آن با خبر نیستند. دستورالعمل‌ها، مستحبات و واجباتی‌اند که دربارهٔ مسائل جنسی وارد شده‌اند. زن و شوهرها باید به این مسائل آگاه باشند و آن‌ها را رعایت کنند. به ما دستور داده شده چگونه عمل کنیم تا همواره احساس لذت و رضایت کنیم. اگر انسان‌ها این آستانه را نگه ندارند، چیزی به عنوان لذت دیگر وجود نخواهد داشت؛ چون ذائقهٔ آن‌ها دچار مشکل می‌شود و ذائقهٔ آن‌ها چیزی به نام لذت را نمی‌فهمد. انسان‌ها بدون پای بندی به چهارچوب ازدواج، چیزی به نام عشق را تجربه نمی‌کنند، غریزه را تجربه می‌کنند، عنصر معنوی خانواده که عشق است را تجربه نمی‌کنند، فقط با هم هستند تا غرایز خود را تأمین کنند. هرگونه رابطهٔ عشقی و غریزی هم که به وجود می‌آید، به قول روانشناسان یک دورهٔ به شدت رمانتیک دارد. بسیاری از ارتباطات یک سال عمر دارد. یک سال اول که آتش علاقه فروکش کرد و آن جبنهٔ رمانتیک که تمام شدند، نیازی به خانواده نخواهند داشت. بنابراین، حدی برای آستانهٔ این رضامندی وجود دارد. دو بچه را با هم مقایسه می‌کنیم. بچهٔ اول که از خانوادهٔ معمولی است، گاهی برای او یک عروسک به قیمت ۵۰۰ تومان می‌خرند. این بچه ساعت‌ها و روزها با این اسباب‌بازی مشغول است. او را مقایسه کنیم با بچه‌ای که همه چیز در اختیار اوست و همه نوع عروسک در اطرافش هست ولی احساس لذت نمی‌کند. بعضی پدرها و مادرها سعی می‌کنند همه چیز را برای فرزندان تأمین کنند. با این کار ذائقهٔ آنان را از بین می‌برند و فرزندان احساس لذت نمی‌کنند، چون آستانهٔ رضامندی آنان را بالا ـ می‌برند. این مثال را برای این زدم که حجاب باعث می‌شود سطح آزمندی انسان‌ها تا سرحد بی‌نهایت تأمین نشود؛ یعنی حد می‌گذارند. همهٔ مردها و زن‌ها حرص دارند که از یکدیگر بهره‌مند شوند، برایش حد می‌گذاریم. زن‌ها دوست دارند از نظر عاطفی بهره‌مند شوند، برایش حد می‌گذاریم. مردها دوست دارند با دیدن کسی لذت ببرند، برایش حد می‌گذاریم. باید نگاهش را کنترل کند. باید این حجاب و چادر زنان را در سطح اجتماعی بپذیرد. رابطهٔ زن و شوهر در محدودهٔ رابطهٔ خانواده، جنسی است، برای یکدیگر موضوع جنسی هستند، اما در فضای اجتماعی، این چنین نیست. حجاب به استحکام خانواده کمک می‌کند. شهید مطهری بحثی دارد که هر چه زمان می‌گذرد بحث ایشان کهنه نمی‌شود. ایشان در کتاب مسئله حجاب می‌فرماید شما دو جامعه را در نظر بگیرید که در یکی از این دو جامعه رابطه به شدت آزاد است و افراد تا می‌آیند به سنی برسند که تصمیم بگیرند در آن سن ازدواج کنند گونه های مختلف از مردان و

زنـان را تجربه می‌کننـد و بـا آنـان رابطه دارنـد. این جـامعه را مقـایسه بکنیـد بـا جـامعه‌ای که افراد آن جامعه همواره در تب و تاب ازدواج هسـتند، چون در آن روابـط محـدود است و اسـتفاده‌های غریزی ممنوع است. بایـد توجه داشت که حجـاب، یکی از عوامل پایبندی خانواده است. ما خانواده‌هایی را سراغ داریم که در آن‌ها زن حجاب دارد اما پایبندی در آن خانواده نیست. حجاب یکی از مسائلی است که می‌تواند استحکام خانواده را تأمین کند. عوامل متعدد دیگری هم وجود دارد؛ مثل پایبندی و حیای مردان. پس: ۱. اگر گونه های مختلف خانواده در جامعه‌مان رواج پیدا کند فقط به خانواده مشـروع می‌اندیشـیم؛ فقط به خانواده طبیعی می‌اندیشیم؛ ۲. به پایداری خانواده ها می اندیشـیم؛ یعنی برایمان مهم است که خانواده به هر وسیلهٔ ممکن و مشروع حفظ بشود و ثابت بماند؛ ۳. معتقد هستیم که دسـتورالعمل‌های مشـروع دینی در حفظ پایبندی خانواده مؤثر است، از جمله پوشـش. باید بدانیم که نقش حجاب در جامعه باعث می شود آسـتانهٔ رضامندی افراد پایین نگه داشـته بشود؛ یعنی در یک جامعه‌ای که حجاب در آن جامعه یک عرف است، یک هنجار است، روشن است که کنار رفتن کمی روسـری و کنار رفتن آن پوشـش و حجاب لـذت می‌آورد، بهجت و علاقه منـدی می‌آورد؛ ولی در جامعه‌ایی که پوشـش وجود ندارد هیچ چیز در آن جامعه لذت آفرین نیست؛ لذت و ارضای غرایز یکی از زمینه های مهمی است که انسانها به خاطرش ازدواج می کننـد و تشـکیل خانواده می دهنـد و همواره این علاقه‌مندی در آنها است. اگر انسان‌ها به خاطر ارضای غرایز و تامین عواطف ازدواج می کنند و اگر این مسـئله با مسـئله پوشش و حجاب ارتباط مستقیم دارد قطعاً حجاب در اسـتحکام خانواده مؤثر است . خانم تونی گِرِد در کتاب «زن بودن» می‌نویسد: مخاطبان شبکهٔ رادیوییام اکثراً جوان هسـتند. آنـان همیشه از من سؤال می‌کننـد مـا نمی‌دانیم چرا بعـد از این‌که رابطه‌ای بـا کسـی برقرار کردیم هرچه منتظر می‌مانیم آن شخص از ما درخواست ازدواج نمی‌کند و ما اگر این ریسک را بکنیم و درخواست ازدواج بکنیم با پذیرش او مواجه نمی‌شویم. من در پاسـخ می‌گویم روشن است که پیشـنهاد شـما را برای ازدواج نمی‌پـذیرد. در هیـچ زمـانی همجنسـان مـا یعنی زنان به قـدر امروز بدبخت‌تر و از حقوق بیگانه‌تر نبودند؛ چون نهایی‌ترین رابطه را برقرار می‌کنند که طرف مقابل آن‌ها یعنی مردانشان کم‌ترین تعهدی را به آن‌ها نپرداختنـد و روشن است که اگر یک شـخص بتوانـد از نهایی‌ترین رابطه بین زن و مرد، بـدون پرداختن تعهـدی به طرف مقابل اسـتفاده کند دلیلی برای ازدواج کردن و پرداختن مالیات به دولت و پرداخت نفقه به خانواده و تحمل مشقات برای نگهداری فرزنـد نـدارد. پرسـش و پاسـخ پرسـش: آیـا روابـط نامشـروع در خـانوادهٔ سـنتی پیـدا نمی‌شود؟ پاسـخ: منظور مـا از خانوادهٔ سـنتی، خـانواده‌ای متعـادل و سـالم اسـت. مـا از ایـن خـانواده دفـاع می‌کنیـم. مشـکل اصـلی هـم ایـن اسـت کـه مـا فکر می‌کنیم ضوابـط و خط‌کشـی‌های قانونی می‌توانند مشـکلات ما را حل بکنند. به هیچ‌وجه این طور نیست. قانون در برخی از سیسـتم‌های خیلی پیشـرفتهٔ دنیا که به شدت قانون‌گرا هسـتند نقض ذاتی دارد، یعنی قانون نمی‌تواند سـعادت را سامان بدهد. مشکل این‌جاست که ما نهاد دین را به عنوان یک ضرورت در زندگی خودمان و فرزندانمان درونی نمی‌کنیم. دین‌داری اگر درونی نشود یعنی از حد شعائر و ظواهر احکـام به بـاطن اعتقـاد و باورهـای افراد نفـوذ نکنـد روشن است که این نـتیجه و این ثمر را برای افراد نخواهـد داشت. پرسـش: آیا آرایش خفیف و کم‌رنـگِ تقریبـاً نـامعلوم مشـکلی در حجاب ما ایجاد می‌کنـد؟ پاسـخ: آرایشـی که نامعلوم است برای چه صورت می‌گیرد؟ زنان آرایش می‌کنند که دیده بشود. پس اگر این فایده را نداشـته باشد آرایش کردن معقول نیست. آرایش بر طبق فتوای مراجع، ممنوع است. پرسـش: آیـا پوشـیدن لباس‌هـا و مانتوهای رنگی و تنگ در زیر چادر اشـکال دارد؟ پاسـخ: چنـد مسـئله این‌جا وجود دارد. یکی از مسائـل مهم این است که بین لبـاس و حجـاب بایـد تفکیـک قائـل شویم. انسان لباس را برای اغراض گوناگون می‌پوشـد؛ لباس را برای محافظت از سـرما و گرما می‌پوشـد، برای این می‌پوشـد که زیباتر شود. خیلی از افراد لباس می‌پوشـند برای این‌که لباس برای آنان یک آرایه است. لباس گاهی اوقات با شخصیت فرد مرتبط است؛ مثلاً دیپلمات‌ها لباس مخصوص می‌پوشند. حجاب، فقط یک فلسفه بیش‌تر ندارد؛ پوشاندن زیبایی‌ها و کم کردن عناصر و کنش‌های تحریک جنسی. از این رو، هرگونه تلاش در راسـتای جذاب‌سازی حجاب، مخالفِ فلسـفهٔ آن غلط است. هرگونه تلاش در جهت رهاسازی پوشش مغایر فلسفه پوشش است.

مطلب دیگر این‌که باید بین بحث حجاب، مد و لباس تفکیک کرد. اگر هم افراد اجتماع تابع مد باشند روشن است که کسی به برنامه‌ریزی اجتماعی، طراحی و هدف‌گیری اجتماعی نمی‌اندیشد؛ چون به شدت گرفتار است. به قول نویسنده‌ای سه گروه از زنان خیلی بهره می‌برند: ۱. کسانی که این بدن‌ها را به تیغ جراحی می سپارند (جراحان زیبایی)؛ ۲. کسانی که این بدن‌ها را می آرایند (صاحبان صنعت وسایل آرایشی)؛ ۳. کسانی که به این بدن‌ها لباس می پوشانند (صاحبان مد). اینها بهرهٔ خودشان را از این زنان می برند. می‌گویند از اول خلقت، مد گرایی وجود داشته است. من نفهمیدم که این طنز است یا واقعی است. انسان‌ها معمولاً با برگ درخت بلوط برای خود تن‌پوش درست می کردند و کسی پیدا شد و مثلاً با برگ درخت چنار برای خود تن پوش درست کرد. حالا ـ این اگر طنز است یا راست، به هر حال یک چیزی را نشان می دهد که همیشه مد گرایی بوده است. انسان اگر تابع مد باشد، به مسائل متعالی کمتر می اندیشد. محیط تحصیلی باید از سایر فضاهای دیگر تفکیک بشود. شما اگر در محیط تحصیلی پروندهٔ سادگی را مختومه اعلام کنید، به همان مقدار افت پیشرفت تحصیلی خواهید داشت. در اسلام راجع به لباس زیاد حرف زده شده است. همهٔ این حرف‌ها راجع به حجاب نیست. مثلاً ما چیزی داریم به نام « لباس شهرت » که ممنوع است. چیزی که انسان را متمایز و خاص می‌کند و او را به نوعی در واقع، نورم شکن نمایش می دهد، ممنوع است. لباس‌های زنانه برای مردان و لباس‌های مردانه برای زنان جایز نیست؛ چون لباس با آن شاکلهٔ درونی انسان ارتباط دارد. شما در نظر بگیرید در خانواده‌ای که مقید است حتماً تن دختر بچه‌اش از کودکی لباس اسپورت و پسرانه باشد، شما می‌بینید به طور خیلی واضحی اختلاف جنسی در آن دختر شکل می گیرد و وقتی که بزرگ می‌شود نمی‌تواند آن طنازی‌هایی که لازم است به عنوان جنس مونث نشان بدهد انجام بدهد. لباس با شأن ما هم ارتباط دارد. انسان باید بپذیرد که بین شأنش یا شغل و صنفش با لباسش رابطه‌ای داشته باشد. مجموع اینها را که روی همدیگر می‌گذاریم نشان می‌دهد که به هر حال یک مرکز آموزشی یک سری دستورالعمل‌ها باید داشته باشد؛ البته بعضی از محدودیت‌ها معقول نیست. بعضی اوقات ممکن است محدودیت هایی اعمال بشود که روا نباشد . پرسش: چه کنیم که زندگی ما شرقی‌ها مثل غربی‌ها نباشد و فرزندانمان از خانواده جدا نشوند ویا ما آنها را دور نکنیم و یا جوانان ما که هیجده سال می شوند از خانواده جدا نشوند ؟ پاسخ: خلاصه عرض می‌کنم؛ ما از ابتدا از نیمه راه شروع نمی کنیم؛ یعنی ما زمانی که شخص دلایل مختلف درونی و بیرونی برای عدم مطابقت را از ما پذیرفته ، چیزی به نام مقولهٔ تربیت دینی را شروع می‌کنیم؛ در حالی که این اشتباه است. زمانی تربیت دینی را شروع می‌کنیم که چیزی را به نام سنت‌ها و آداب به آنها تلقین کرده‌ایم و آنها در موقعیتی سنی و رشدی قرار گرفته‌اند و می‌گویند نه، این اشتباه است. متأسفانه، نمی‌خواهم بگویم که راهش بسته است، ولی خیلی مشکل است. بهترین سن برای این‌که ما این اصول رفتاری معین و دلخواه را در فرزندانمان نهادینه کنیم سنی است که اصلاً فکرش را نمی‌کنیم، و آن سن، سن شعور است. یعنی زیر هفت سال. یک حدیثی را بعضی‌ها اشتباه متوجه شده‌اند که پیامبر مراحل سن را تقسیم کردند، بعد فرمودند: بچه‌ها هفت سال اول سرور هستند، کارشان نداشته باشید. این طور نیست. ما مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سن را که در آن سن، بچه قابلیت پذیرش را دارد، از دست می‌دهیم. بچه، بازی می‌کند و مشغول بازی است و ما هم مشغول کارهای خودمان هستیم. بعد در سنینی که بچه – به تعبیر امیرالمومنین (ع) – در درونش آرام آرام قسی می شود، یعنی زمینه پذیرش در آن از بین رفته و محیط او را بیشتر می‌رباید در آن سن شروع می‌کنیم، در حالی که در سن زیر هفت سال دورهٔ بلاغت و زود باوری بچّه است؛ شما هر چه بگویید باور می‌کند؛ به همان سرعت که غول و دیو و تاریکی را باور می‌کند و می‌ترسد، به همان سرعت خدا، انبیا و پیامبران را هم باور می‌کند و سنینی است که گروه مرتبط با بچه، جز پدر و مادر شخص دیگری نیست. ما رها می‌کنیم، بعد دچار مشکل می‌شویم . پرسش: اگر زن و شوهر فرزند نخواهند و برای مقاصد دیگری ازدواج کند مثل عشق به یکدیگر و بهتر درس خواندن و به خدا رسیدن، این خانواده تا چه قدر استحکام دارد؟ پاسخ: خانواده کارکردهای مختلف می‌تواند داشته باشد. افراد برای این‌که در کنار هم احساس ایمنی کنند یا برای این‌که غرایزشان تأمین بشود ازدواج می‌کنند. تأمین غریزه، هدف نهایی

ازدواج نیست. دلیلش هم خیلی روشن است. غرایز به دلایل و عوامل مختلف بستگی دارد. زندگی هرچه جلو می‌رود غریزه فوران بیش‌تر نمی‌کند، بلکه افول می‌کند. انسان‌ها وقتی در یک رابطهٔ صحیح نسبت به همدیگر وظیفه‌شان را انجام می‌دهند و راضی می‌شوند به طور طبیعی این جریان رو به قوت نیست، بلکه رو به ضعف است ولی وجود دارد. زن و شوهرهایی که بچه نمی‌خواهند خیلی زود احساس می‌کنند که خلائی در زندگی دارند؛ مخصوصاً زنان که به طور طبیعی با فرزند دار شدن رابطه‌شان با حیات و زندگی و پویایی و سرّ زندگی تشدید می‌شود. این مسئله از نظر بحث روانکاوی هم کاملاً ثابت شده است. بنابراین استحکام خانواده بدون فرزند کمتر است. پرسش: حجاب کامل کدام است؟ پاسخ: در حجاب، یک سقف داریم و یک کف. کف حجاب در قرآن مشخص شده است. در سورهٔ مؤمنون آمده است: «ای پیامبر، به این زن‌ها بگویید که این مقنعه‌ها را در جلو ببندند». حجاب در تمام ادیان وجود داشته است. زنان می‌خواستند در نماز عشای پیامبر (ص) شرکت کنند، عده‌ای از جوانان مزاحم آنان می‌شدند. زنان خدمت پیامبر (ص) آمدند و عرض کردند: یا رسول الله ما علاقه داریم در نماز عشای شما شرکت کنیم اما عده‌ای مزاحم ما می‌شوند. پیامبر منتظر وحی شد. آیه نازل شد که ای رسول ما، بگو به زنان با ایمان، به همسران خودت، که اگر می‌خواهند به حیا و عفت معروف‌تر و شناخته شده‌تر باشند، جلباب بپوشند؛ تن پوش کاملی که کل بدن را می‌پوشاند. یعنی اگر دنبال ایمنی بیش‌تری هستند این حجاب کامل را انتخاب کنند. بنابراین، مدل حجاب در قرآن آمده است. پس هر لباسی که تمام بدن را بپوشاند، محرک نباشد و مفسده‌آور نباشد، حجاب کامل است. البته یک حد اکثری هم برایش گذاشتند که همان بحث جلباب است؛ ضوابط دیگری هم گفته شده؛ مثلاً خداوند فرموده است طوری صحبت نکنید که به شما طمع بکنند، درست است آن کسی که به شما طمع می کند، مریض است اما برای اینکه شما در معرض آسیب قرار نگیرید یا وقتی که طمع می کند ممکن است که شما را در معرض انواع خشونت های جنسی قرار بدهد شما حجابتان را حفظ کنید. یک حجاب کامل وجود دارد که این حجاب کامل، حجاب شخصیت مطهر حضرت صدیقه طاهره (س) است. حضرت زینب(س) می‌فرمایند که وقتی مادرم وارد مسجد شد و می‌خواست خطبه فدک را بیان کند، مقنعه سر کرد، جلباب بست و در میان دختران بنی هاشم رخت بست .اگر کسی علاقه مند است که در بحث حجاب ارتقاء پیدا کند – البته به سقف حجاب هم می شود رسید – آن وقت در کشورهای مختلف می تواند متفاوت باشد. در اصل این قضیه، شرایط می تواند تاثیر گذار باشد؛ یعنی ممکن است کسی که در آن شرایط زندگی می کند مثلاً با یک محدودیت شدید نسبت به چادر مواجه باشد. البته بعضی از اینها تعارف است؛ من خودم به کشورهای زیادی رفتم، درنیویورک آمریکا با چادر مشکی رفتم خیلی از دوستان در آنجا اصرار داشتند چادرتان را در بیاورید؛ مثلاً در کالیفرنیا و در مرکز شهر لوس‌آنجلس که مرکز تجمع منافقین است می گفتند شما آنجا چادر سر نکنید ممکن است اذیتتان کنند ولی هیچ اتفاقی نیافتاد. یعنی اگر از جهت سیاسی نخواهند ممانعت کنند، به این‌که این حجاب از نظر سیاسی مسجد متحرک است، اقتضای پلورالیسم این است که به حجاب ما بی اعتنا باشند. شخصی در اتریش به من گفت وقتی شما با این چادر مشکی می آیید افراد می ترسند، من هم گفتم که شما که این قدر برهنه هستید، ما هم می‌بینیم، می ترسیم از این‌که این قدر برهنه هستید؛ یعنی انسان نباید این قدر منفعل باشد.

امنیت در سایه حجاب

از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع بحث برانگیز و جنجالی، مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان ها و جوامع بشری را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و تعیین حدود و ثغور آن، بوده است. عده ای رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم ها، دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت های آنها در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می شود و از این ناحیه، آسیب های اقتصادی به جامعه و پیامدهای روحی و روانی

برای خانم ها به ارمغان می آورد! برخی دیگر، قانون حجاب را مغایر اصل آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش شان را به عنوان یک وظیفه و تکلیف رعایت کرده و در اجتماع ظاهر می شوند با شدت برخورد کرده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی و گرفتن گذرنامه و... محروم می کنند، آن هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی های فردی و اجتماعی دم می زنند! عده ای قابل توجه نیز حجاب را به عنوان یک اصل و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته و از آن دفاع و حمایت می کنند. هر یک از این گروه ها از راه و روش خاصی پیروی کرده و ضرورت رعایت حجاب را از منظرهای مختلفی بیان داشته اند. برخی ضرورت رعایت حجاب را از منظر روان شناسی مطرح کرده و به بحث و ارزیابی آن پرداخته اند و با توجه به نیازهای روحی و روانی انسان، ضرورت رعایت حجاب را برای رشد و ترقی و تمرین تعالی او، معرفی کرده اند.(۱) برخی دیگر حجاب را به عنوان یک امر فطری، تلقی کرده و برای اثبات ادعای خود به شواهدی از اوستا، تلمود، تورات و انجیل تمسک نموده اند این دسته مدعی هستند که حجاب به عنوان یک اصل مشترک در تمام ادیان، جایگاه خاصی داشته و دارد.(۲) دسته ای دیگر با توجه به فرهنگ مبتذل غرب و رواج برهنگی و آسیب های فراوان و پیامدهای منفی آن «که از این رهگذر متوجه قشر حساس خانم ها شده، آمار و ارقام به خوبی آن را نشان داده و حکایت می کند» به ضرورت رعایت حجاب استدلال کرده و آن را حریم امن برای خانم ها و رشد و سلامت خانواده و اجتماع دیده اند و معرفی کرده اند.»(۳) عده ای دیگر حجاب را به عنوان تکلیفی الهی تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می دانند و در انجام تکلیف و پوشش اسلامی از سرزنش و ملامت ملامتگران و توهین و تحقیر این و آن، افسرده و عصبانی نمی شوند بلکه آن را به عنوان تکلیف الهی که باعث عفاف و پاکدامنی افراد و بهداشت و سلامت خانواده و اجتماع شده و رشد، ترقی و کمال آنان را به همراه دارد با عشق و علاقه رعایت می کنند و رعایت آن را به دیگران نیز توصیه نموده و به انجام آن تشویق و ترغیب می نمایند. البته طرح و دسته بندی نظریات به معنای مخالفت آنها با یکدیگر نیست به گونه ای که قابل جمع نباشد. بلکه می توان گفت: رعایت حجاب را همه قبول دارند منتهی هر دسته از زاویه ای خاص بر ضرورت آن استدلال کرده اند. در این میان اگر آیات شریفه قرآن کریم در ارتباط با مقوله حجاب را ارزیابی کنیم متوجه خواهیم شد که مسأله حجاب و پوشش که به عنوان یک پدیده بحث برانگیز و جنجالی در دنیای امروزی مطرح است امر جدید و نوظهوری نیست که با آمدن دین مبین اسلام، تشریع شده باشد، بلکه اگر نگوییم این مسأله ریشه در فطرت انسان دارد، لااقل می توان ادعا کرد که همراه با خلقت انسان، حتی قبل از هبوطش در عالم خاکی، مطرح بوده است، هنگامی که آدم ابوالبشر و همسرش حوا، توسط دشمن قسم خورده ای به نام ابلیس، وسوسه شده و به منطقه ممنوعه نزدیک، و از حد و مرز تعیین شده تجاوز می نمایند، یک باره خود را عریان و برهنه احساس می کنند، سراسیمه این طرف و آن طرف، دنبال پناهگاهی می روند و بالاخره قسمت هایی از بدن خود را با برگ درختان می پوشانند «هنگامی که از آن درخت، چشیدند، عورت شان نمایان شد و آن دو برای پوشاندن عورت خود، به برگ درخت روی آوردند.»(۴) بنابراین مسأله حجاب، ریشه در تاریخ انسان داشته، همراه و همزاد او از ابتدا تا حال و تا امتداد تاریخ، بوده و خواهد بود. در این نوشته بر آنیم تا اهمیت مسأله حجاب و رعایت پوشش اسلامی را از زاویه دیگری ارزیابی نموده و نکاتی را یادآور شویم. چنانچه در ابتدا ذکر شد برخی مدعی هستند: رعایت حجاب و پوشش اسلامی، مانع حضور زنان در اجتماع بوده و فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان را محدود می سازد. در جواب باید گفت: اولاً: ادعای ذکر شده، فریب و نیرنگی بیش نیست و این نیرنگ هم از سوی کسانی مطرح می شود که از یک طرف حضور زنان را در مجامع عمومی و خصوصی برای تلذذ، عیاشی و خوشگذرانی می خواهند و از سوی دیگر، به خاطر خصومت و دشمنی که با اسلام و پیروان آن دارند، برای مخدوش ساختن چهره و حیثیت آن، از هر وسیله و ابزاری استفاده می کنند. از جمله ابزار و وسایلی که برای رسیدن به اهداف شوم و استعماری

خود، بهره برداری می کننـد این است که ارزش هـای اسـلامی را به عنوان قوانین دست و پـاگیر، غیر کـار آمـد و ارتجـاعی، معرفی کرده و به خورد جامعه و مردم می دهند. متن ذیل را که گوینده آن یکی از مزدوران انگلیسـی است به عنوان نمونه مرور می کنیم: «در مسأله بی حجابی زنان بایـد کوشـش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسـلمان به بی حجابی و رها کردن چادر، مشـتاق شوند، بایـد به اسـتناد شواهـد و دلایل تاریخی ثبت کنیم که پوشـیدگی زن از دوران بنی عباس، متـداول شده و مطلقاً سـنت اسـلام نیست. مردم همسـران پیامبر را بدون حجاب می دیدند و زنان صدر اسـلام در تمام شـئون زندگی، دوش به دوش مردان فعالیت داشـته اند پس از آن که حجـاب زن، بـا تبلیغـات وسـیعی از میـان رفت، وظیفه مـأموران ما آن است که جوانان را به عشق باز و روابط جنسـی نامشروع با زنان غیر مسلمان کشانده و زنان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن تقلید کنند.»(۵) ثانیاً: اگر به تاریخ اسـلام نگاه منصفانه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که فراوان بوده اند زنان مؤمن متدین و پاکدامنی که با رعایت حجاب و پوشش اسلامی در کنار مردان مؤمن و مسلمان در صحنه های سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی، حضور داشته و فعالیت نموده در شرایط فعلی زنـان مسـلمان در جاهای مختلف از جمله زنان ایرانی با رعایت حجاب و پوشـش اسـلامی در کنار سایر اقشار جامعه، در پست ها و مناصب گوناگون، مشـغول تلاش و فعالیت هستند، رعایت حجاب را نه تنها مانع فعالیت های اجتماعی خود نمی بینند بلکه آن را به عنوان سدّ محکم و دژ نفوذناپذیری می دانند که گوهر گران سـنگ عفاف و حریم حرمت شان در برابر تیرهای زهرآلود هوسبازان شرور و خداشـناس حفـاظت می نمایـد. ثالثـاً: رعایت حجاب و پوشـش اسـلامی، نه تنها مانع حضور زنان در صـحنه های سیاسـی و اجتمـاعی نمی باشـد بلکه بر عکس، تشـریع حکم حجـاب از سـوی شـارع مقـدس، در حقیقت مجـوز حضور زنـان در صـحنه هـای اجتماعی به حساب می آیـد، و اِلّا نشسـتن در منزل و ماندن در کنار اعضای خانواده، رعایت نوع حجاب مورد نظر را نمی خواهد تا درباره آن حکمی صادر شود لـذا صـدور حکم پوشـش اسـلامی از سوی شـرع مقدس بهترین دلیل بر این مطلب است که دین مبین اسـلام نه تنهـا با فعالیت های اجتماعی و فرهنگی زنان مخالف نیست بلکه خود زمینه حضور آنان را در فعالیت های اجتماعی فراهم کرده است. منتهی شـرط حضور در اجتماع و فعالیت های سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی به خصوص برای قشـر خانم ها، ایجاد امنیت لازم در جامعه خواهد بود و از جمله عوامل بسـیار مهم و اساسـی که در جهت آرامش و آسایش فرد و خانواده و امنیت در اجتماع، نقش ایفـاد می کنـد، داشـتن حجب و حیـا، رعـایت اصول و ارزش های دینی و مـذهبی از جمله رعایت حجاب و پوشـش اسـلامی توسط زنان و مردان مؤمن و متـدین خواهـد بود. اگر به آیات شـریفه قرآن کریم و احادیث معصومین در ارتباط با پوشـش اسـلامی دقت کرده و اشارت ظریف و لطیف آن، مورد ارزیابی قرار گیرد. این اصل و اسـتنباط به دست خواهـد آمد که حجاب، محدودیت نیست بلکه مصونیت است. مصونیـتی که فراینـد و محصول مبـارک آن، سـلامت، بهـداشت و آرامش افراد خـانواده هـا و امنیت در جامعه خواهـد بود. قرآن کریم، زنان و مردان مؤمن را مورد خطاب قرار داده و به آنان دسـتور می دهـد: «چشم چرانی نکنید، دامن های خود را آلوده نساخته و حفظش کنیـد»(۶) به زنان تأکید بیشتری نموده می گوید: «حجاب و پوشـش اسـلامی را رعایت کرده، زینت های خود را آشـکار نسازید... و در نشـست و برخواست هم به گونه ای عمل نمائید که متوجه زیور آلات شـما نشوند.»(۷) و در صـحبت ها و مکالمات روزمره نیز با ناز و کرشـمه، صـحبت نکرده، ادا و اطوار زنانه که آتش شـهوت را شـعلهور سازد، از خود نشان ندهند.»(۸) «و ماننـد زنـان نیمه عریـان دوران جـاهلیت، تبرج نکرده و بـا خودنمـایی و خودآرایی و لبـاس هـای نازک و بـدن نما(۹) از خانه خارج نشویـد.»(۱۰) همه این دسـتورات برای آن است که رعـایت آن، علاـوه بر اسـقاط تکلیف و امتثال اوامر الهی، سلامـت و بهـداشت روحی و روانی و آرامش و امنیت فردی و اجتمـاعی را به دنبـال دارد. و تخلـف و سـرپیچی از آن، یعنی چشـم چرانی، آلوده کردن دامن، آشـکار سـاختن زینت و زیور آلاـت، صـحبت کردن بـا ناز و کرشـمه و لهجه های مخصوص و مهیـج و پوشیدن لباس های نازک و بدن نما، هر کدام به نوبه خود، باعث فساد، عیاشی، تجاوزگری و اضطراب و ناامنی می شود و جامعه را به هرج و مرج می کشانـد. در احـادیث نورانی که از معصومین نقـل شـده است، نگـاه کردن به نامحرم و چشم چرانی، به عنوان تیر

زهرآلود شیطانی، معرفی شده است، لذا امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «نگاه (و چشم چرانی) تیری از تیرهای مسموم شیطان است.»(۱۱) در حدیث دیگری باز هم از امام صادق(علیه السلام) می خوانیم «نگاه کردن تیر زهرآلودی از ناحیه شیطان است چه بسیار نگاه هایی که بعدها، حسرت و تأسف طولانی را به دنبال خواهد داشت»(۱۲) امام علی(علیه السلام) نیز می فرماید: کسی که نگاهی را رها سازد، حسرت و تأسف او زیاد می شود»(۱۳) در جای دیگری می فرماید: چه بسیار نگاههایی که آه و حسرت به دنبال دارد.»(۱۴) و در جملات دیگری آن امام همام می فرماید: «نگاه و چشم چرانی، پیشاهنگ تمام فتنه هاست»(۱۵) «چشم ها دام های شیطان هستند.»(۱۶) و «چشم راهبر دل است»(۱۷) به قول شاعر: زدست دیده و دل هر دو فریاد *** هر آنچه دیده بیند دل کند یاد بسازم خنجری نوکش زفولاد *** زنم بردیده تا دل گردد آزاد در واقع، نگاه هایی آلوده، مسموم و شهوت انگیز، آتش درون را شعلهور می سازد که فرایند و محصولی جز فحشا، سیاهی دل ;مشکلات و نارسایی هایی اجتماعی، نخواهد داشت. چشم چرانی دام شیطانی، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است که دل را می لرزاند، آرامش و ثبات را سلب نموده و باعث هرج و مرج و فتنه و فساد در جامعه می شود. لذا چشم چرانی، این تیر مسموم و زهرآلود شیطانی اگر بدون قید و بند، رها شود یقیناً سلامت و امنیت طرفین را به خطر می اندازد، جوان و نوجوانی که به کوچه و خیابان راه می افتد اگر دستور اسلام را رعایت نکرده و نگاهش را کوتاه نکند و از طرف دیگر، کسانی که باید حجاب و پوشش اسلامی را رعایت کنند، رعایت نکنند، چشم جوان به صحنه های شهوت انگیز خواهد افتاد، و نیروی قدرتمند شهوت به جوشش و غلیان آمده و تحریک خواهد شد، در چنین شرایط حساس و خطرناکی، این جوان، یا باید به عیاشی، فساد و تجاوزگری روی آورد و به خواسته های قوه شهوانی جواب مثبت دهد، امنیت خود و دیگران را به خطر اندازد، و یا با تخیل و تصور، با حالت افسرده و پریشان، زندگی بیمار گونه خود را ادامه داده آسایش و آرامش خانواده را بر هم زند. یکی از کارشناسان در این زمینه می گوید: «دوستانه می گویم که در تمام کلینیک هایی که با پسران جوان مبتلا به استمناء، ارتباط غلط، خودکشی کرده، فراری ها و... صحبت کرده ام، همه ریشه از تحریک های جنسی توسط حضور دختران بی بند و بار در جامعه گرفته بوده است، روزی هزاران نامه دریافت می کنیم که حکایت از روان پریشی مردان جوانی دارد که با دیدن فلان شکل حضور زنان در جامعه به این روز افتاده اند.»(۱۸) آنچه از مجموع آیات، روایات و تجربیات کارشناسان به دست می آید این است که: چشم چرانی های هوس آلود بدحجابی و بی حجابی زنان و دختران بی بند و بار از جمله عوامل مؤثر در ایجاد اضطراب و نگرانی افراد و خانواده ها و هرج و مرج و ناامنی در جامعه به حساب می آید. در طرف مقابل اگر اصول و ارزش های اسلامی از جمله حجاب و پوشش اسلامی، رعایت شود از چشم چرانی و نگاه های آلوده جلوگیری به عمل آید و خانم ها در نشست و برخواست و صحبت ها و مکالمات روزمره، دستورات شرع مقدس را رعایت کنند یقیناً زمینه های فساد زدوده شده دام های شیاطین بر چیده خواهد شد، آرامش روحی و روانی برای افراد و خانواده ها، نظم، ثبات و امنیت در جامعه پدید خواهد آمد. امام علی(علیه السلام) می فرماید: کسی که نگاهش را کاهش دهد، قلبش آرامی می گیرد.»(۱۹) و نعمتی بالاتر از آرامش قلب، وجود ندارد. این موهبت بزرگ اگر در اعضا و افراد جامعه، محقق شده و تجلی پیدا کند، جامعه نیز به طبع اعضا و افراد خود، دارای امنیت و آرامش خواهد شد. در ارتباط با شأن نزول آیات ۳۰ به بعد از سوره نور، تفاسیر شیعه و سنی نقل کرده اند که: «روزی در هوای گرم مدینه، زن جوانی در حالی که روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بنا گوش او، پیدا بود، از کوچه ای عبور می کرد، مرد جوانی از انصار، آن حالت را مشاهده کرد و چنان غرق تماشا شد که از خود و اطرافش غافل گردید و به دنبال آن زن حرکت نموده تا اینکه صورتش به شی ای اصابت کرد و مجروح گردید، هنگامی که به خود آمد، خدمت پیامبر(صلی الله علیه وآله) رفت و جریان را برای او بیان داشت، این جا بود که آیات سوره مبارکه نور نازل گردید.(۲۰) در آیات شریفه سوره نور، از یک طرف مؤمنان اعم از زنان و مردان را مخاطب قرار داده دستور می دهد که نگاه های خود را کوتاه ساخته و به نامحرم خیره نشوند و از فساد و آلودگی دوری کنند و از سوی دیگر به خانم ها دستور می دهد

پوشش مناسب را رعایت کرده و زیور آلات خود را آشکار نسازند. تا حوادث نظیر حادثه ای که آیه در ارتباط با آن نازل شده است، اتفاق نیفتد و جوانان از خود بی خود نشده و دنبال زنان و دختران نامحرم راه نیفتاده امنیت و آرامش خود و دیگران را خدشه دار نسازند. در سوره احزاب نیز در یک جا به خانم ها دستور می دهد: «در محاورات روزمره حالت عادی داشته و با ناز و کرشمه و طنّازی صحبت نکنید و در کوچه و خیابان با بدن های نیمه عریان و لباس های بدن نما، ظاهر نشوید»(۲۱)چند آیه بعد می فرماید: «با چادر و مقنعه اندام خود را بپوشانید»(۲۲) تمام این برنامه و تأکیدها برای آن است که ;مردم، زن ها را به عنوان افراد عفیف و پاکدامن بشناسند و موجبات آزار و اذیت آنان را فراهم نسازند،(۲۳) و چشم طمع ندوزند.(۲۴) و در نتیجه امنیت و آرامش قشر خانم ها در سایه چادر و رعایت ضوابط شریعت و پوشش اسلامی، تأمین شود. در ادامه قرآن کریم می فرماید: با این راه و روش، اگر بیماردلان هوسباز اصلاح نشدند و به آزار و اذیت خانم ها ادامه داده و امنیت و آرامش آنان را تهدید کردند. بر خورد شدیدتری با آنان صورت خواهد گرفت: «اگر منافقان و بیماردلان «شهوت پرست» و کسانی که در شهر، اضطراب و نگرانی به وجود می آورند از اعمال زشت خود دست بر ندارند، ترا «ای رسول» علیه ایشان، بسیج خواهیم کرد، در آن صورت، مدت کمی در مجاورت با تو در این شهر زندگی خواهند کرد و نابود خواهند شد.»(۲۵) تا آرامش و امنیت در جامعه تأمین شود. از مجموع مطالب یاد شده این نتیجه به دست می آید که رعایت حجاب و پوشش اسلامی برای زنان و مردان مؤمن و مسلمان، تکلیف الهی است. رعایت آن، علاوه بر این که موجب عمل به دستورات الهی می شود، شخصیت فردی اجتماعی و معنوی انسان محجوب و پاکدامن، سیر صعودی پیدا کرده و نردبان تعالی و تکامل را یکی پس از دیگری طی خواهد کرد و از سوی دیگر در تأمین بهداشت روحی و روانی و آرامش خانواده ها و صفا، نورانیت و امنیت در جامعه نقش به سزایی ایفا می کند. به امید روزی که جوامع اسلامی و انسانی از تمام آلودگی ها تصفیه شود و زمینه حضور زنان و دختران بدون دغدغه و دلواپسی، در اجتماعات فراهم شود. پینوشتها: (۱). آیا حجاب ضرورت دارد؟، دکتر شهریار روحانی. (۲). حجاب در ادیان، علی محمدی، ماهنامه پیام زن شماره های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰. (۳). نگاه پاک زن و نگاه های آلوده به او، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، دکتر احمد صبور اردوباری. (۴). قرآن کریم، اعراف/ ۲۲:«فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَ تُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ». (۵). قرة العین «در آمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران»، ص ۴۰، سینا واحد، مؤسسه انتشاراتی نور. (۶). برداشت آزاد، از آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور: «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّواْ مِنْ أَبْصَـرِهِمْ وَ يَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَ لِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرُ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَـتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَـرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (۷). قرآن کریم، نور/ ۳۱: «وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ... وَلاَ يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ»، ترجمه آزاد. (۸). قران کریم، احزاب/ ۳۲: «فَلاَ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِى فِى قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَّعْرُوفًا» ترجمه آزاد. (۹). محاسن التأویل، ج ۱۳، ص ۳۴۹، محمد جمال الدین قاسمی، یکی از معانی تبرج را لباس نازک، ذکر کرده است. (۱۰). قرآن کریم، احزاب/ ۳۳: «وَ لاَ تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَـهِلِيَّةِ الْأُولَى» ترجمه آزاد. (۱۱). دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۰۲: «النظرة سهم من سهام ابلیس مسمومٌ...» (۱۲). وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸: النظر سهم من سهام ابلیس مسموم و کم نظرة اَوْرَثَت حَسْرَةً طویلةً» (۱۳). غرر الحکم و درر الکم، ج ۵، ص ۱۹۵: «من اطلَقَ طَرْفه کَثُرَ اَسَفُ» (۱۴). همان، ج ۴، ص ۵۴۹: «کَم مِن نظرة جلبت حسرة». (۱۵). همان، ج ۱، ص ۲۶۲: «اللحظ رایدُ الفِتَن.» (۱۶). همان، ج ۱، ص ۳۳۵: «العیون مصائدُ الشیطان». (۱۷). همان، ج ۱، ص ۱۰۰: «العین برید القلب.» (۱۸). مجله زن روز، ۱۱ بهمن ۱۳۸۲، شماره ۱۹۳۲، صفحه ۵۶. (۱۹). غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۴۴۹: «من غض طرفه اراحَ قلبه.» (۲۰). ر.ک: تفسیر صافی، ج ۳، ص ۴۳۰ ; الدر المنثور، ج ۵، ص ۴۰ ; کافی، ج ۵، ص ۵۲۱. (۲۱). برداشت از آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب. (۲۲). قرآن کریم، احزاب/ ۵۹: «...يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَـبِيبِهِنَّ...» ترجمه آزاد. (۲۳). برداشت از آیه ۵۹ سوره احزاب «...ذَ لِكَ أَدْنَى أَن يُعْرَفْنَ فَلاَ يُؤْذَيْنَ...» (۲۴). قرآن کریم، احزاب/ ۳۲: «فَيَطْمَعَ الَّذِى فِى قَلْبِهِ مَرَضٌ» (۲۵). قرآن کریم، احزاب/ ۶۰: «لَّئِن لَّمْ يَنتَهِ الْمُنَـفِقُونَ وَ الَّذِينَ فِى قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِى الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لاَ يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلاَّ قَلِيلاً»

حجاب پیام عاشورا

قیـام خونین کربلاـء که ماهیّتش امر به معروف ونهی از هر منکر بود بنیان فساد را لرزانـد. آری سالار شـهیدان برای حفظ ارزشـهای متعالی دین بپا خاست و به شهادت رسید. ولی رسالت عاشورا همچنان در قافله اسیران کربلا پی گیری شد، با قافله اسیران غم همراه می شویم تااز لابلای کلمات آن عزیزان پیام عاشورا را با گوش جان بشنویم . یزید فاجعه کربلاء را با تبلیغات فراوان پیروزی خواند و مردم را برای تماشای پیروزیهایش دعوت کرد، اینک قافله اسراءنزدیک شهر دمشق رسیده است ، ام کلثوم نزد شمر آمد و فرمود: ما را از راهی ببر که تماشاچیانِ کمتری جمع شده اند و سرهای مطهّر شهیدانمان را از بین محمل و کجاوه های ما جدا کن و آنها را در جلو قافله حرکت بـده تا توجّه مردم به دیـدن آنها جلب گردد و صورت دختران پیامبر از نگاه نامحرمان محفوظ بمانـد. ام کلثوم اینگونه مسؤ لیت خویش را ادا نمود ولی به این در خواست توجهی نگردیـد. قـافله اسـیران به شـهر شـام داخـل شـد سـهل بن سـعد ساعـدی می گویـد: ناگاه دیـدم زنانی بر شتران بی روپوش سوارنـد نزدیک شدم واز نخستین زن پرسـیدم کیستی ؟! گفت : سـکینه دختر امـام حسـین (ع) هسـتم . گفتم : آیا حاجتی داری تا برآرم که من سـهل بن سـعد ساعـدی هسـتم جّـد ترا دیـدم حـدیث او را شنیدم. گفت : ای سهل به حامل این سر بگو که آنرا پیشتر بَرد تامردم مشغول نگریستن آن شوند و به حرم پیغمبر(ص) نگاه نکنند. سهل می گویـد: چهار صـد دینار دادم تا سـر را جلوتر بُردنـد. قافله اسـیران را نزد یزید آوردند زینب (علیهاالسـلام) لب به اعتراض گشوده فرمود: ای پسـر آزاد شـده !! آیـا عـدالت اینسـتکه زنـان و کنیزانت را در پشت پرده و مارا در بین نامحرمان جا داده ای ؟ امّا سکینه (علیهاالسـلام) انـدوه جانکاهش را با گریه اظهار می کنـد. وقتی یزید از او پرسـید: چرا گریه می کنی ؟ فرمود: چگونه گریه نکند کسـی که روپوشی ندارد تا با آن صورتش را از تو و نامحرمانی که در مجلس تو حاضرند بپوشاند؟ آری او می گرید که چرا روپوشی برصورت ندارد. وبدینسان پیام مکتب عاشواء نیز حفظ حجاب است .

آثار و فواید حجاب و پوشش

حجاب و پوشـش، آثار و فواید فراوانی دارد که به بعضی از مهم ترین آنها اشاره می کنیم : الف) ایجاد آرامش روانی در فرد یکی از فوایـد و آثـار مهم حجـاب در بُعـد فردی، ایجـاد آرامش روانی در افراد جـامعه است که یکی از عوامـل ایجاد آن عـدم تهییـج و تحریک جنسی است ;در مقابل، فقدان حجاب و آزادی معاشرت های بی بندوبار میان زن و مرد، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشـد و تقاضـای سـکس را به صورت عطش روحی و یک خواست اشـباع نشـدنی درمی آورد که مخلّ آرامش روانی افراد است. غریزه ی جنسـی، غریزه ای نیرومنـد، عمیـق و دریاصـفت است و هر چه بیش تر از آن اطـاعت شود بیش تر سـرکش می گردد ;هم چون آتشـی که هرچه هیزم آن زیادتر شود شـعلهورتر می گردد. بهترین شاهد بر این مطلب این است که در جهان غرب که بـا رواج بی حیایی و برهنگی، اطاعت از غریزه ی جنسـی بیش تر شـده است، هجوم مردم به مسـئله ی سـکس نیز زیادتر شـده و تیراژ مجلات و کتب سکسـی بالاتر رفته است. این مطلب پاسـخ روشن و قاطعی است به کسانی که قایل انـد همه ی گرفتاری هایی که در کشورهای اسـلامی و شرقی بر سر غریزه ی جنسی وجود دارد، ناشی از محدودیت هاست ;و اگر به کلی هرگونه محدودیتی برداشـته شود و روابـط جنسـی آزاد گردد، این حرص و ولع از بین می رود. البته از این افراد بایـد پرسـید: آیـا غرب که محـدودیت روابـط زن و مرد و دختر و پسـر را برداشـته، توانسـته است حرص و ولع جنسـی را بکاهـد یا آن را افزایش داده است؟!(۱) پاسخ هر انسان واقع بین و منصـفی به این سؤال این است که نه تنها حرص و ولع جنسـی در غرب افزایش یافته است، بلکه هر روز شکل های جدیدتری از تمتّعات و بهره برداری های جنسـی در آن جا رواج و رسـمیت می یابد. یکی از زنان غربی منصف، وضعیت جامعه ی غرب را در مواجهه با غریزه ی جنسـی این گونه توصـیف کرده است: کسانی می گوینـد مسـئله ی غریزه ی جنسـی و مشـکل زن و

حجاب در جوامع غربی حل شده است ;آری، اگر از زن روی گرداندن و به بچه و سگ و یا هم جنس روی آوردن حل مسئله است، البته مدتی است این راه حل صورت گرفته است!!(۲) ب) استحکام بیشتر کانون خانواده یکی از فواید مهم حجاب در بُعد خانوادگی، اختصاص یافتن التذاذهای جنسی به محیط خانواده و در کادر ازدواج مشروع است. اختصاص مذکور، باعث پیوند و اتصال قوی تر زن و شوهر و در نتیجه، استحکام بیش تر کانون خانواده و، برعکس، فقدان حجاب باعث انهدام نهاد خانواده می گردد. یکی از نویسندگان، تأثیر برهنگی را در اضمحلال و خشکیدن درخت تنومند خانواده، این گونه بیان کرده است: در جامعه ای که برهنگی بر آن حاکم است، هر زن و مردی، همواره در حال مقایسه است ;مقایسه ی آنچه دارد با آنچه ندارد ;و آنچه ریشه ی خانوده را می سوزاند این است که این مقایسه آتش هوس را در زن و شوهر و مخصوصاً در وجود شوهر دامن می زند. زنی که بیست یا سی سال در کنار شوهر خود زندگی کرده و با مشکلات زندگی جنگیده و در غم و شادی او شریک بوده است، پیداست که اندک اندک بهار چهره اش شکفتگی خود را از دست می دهد و روی در خزان می گذارد. در چنین حالی که سخت محتاج عشق و مهربانی و وفاداری همسر خویش است، ناگهان زن جوان تری از راه می رسد و در کوچه و بازار، اداره و مدرسه، با پوشش نامناسب خود، به همسر او فرصت مقایسه ای می دهد ;و این مقدمه ای می شود برای ویرانی اساس خانواده و بر باد رفتن امیدِ زنی که جوانی خود را نیز بر باد داده است ;و همه ی خواهران جوان لابد می دانند که هیچ جوانی نیست که به میان سالی و پیری نرسد و لابد می دانند که اگر امروز آنان جوان و با طراوت اند در فردای بی طراوتی آنان، باز هم جوانانی هستند که بتوانند برای خانواده ی فردای آنها، همان خطری را ایجاد کنند که خود آنان امروز برای خانواده ها ایجاد می کنند.(۳) بنابراین باید گفت زنی که چادر بر سر می گذارد، نه تنها اولین قدم را در حفظ کانون گرم خانواده برداشته، بلکه آبرو و شرافت مادری را بدین وسیله فراهم ساخته است و خود را از آزار و اذیت ها و نگاه هایی که همچون تیر به قلب خانواده اصابت می کند و آن را از هم می پاشد محفوظ داشته است. ج) حفظ و استیفای نیروی کار در جامعه یکی از فواید مهم حجاب در بُعد اجتماعی، حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه است. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث کشاندن لذت های جنسی از محیط و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می گردد. بدون تردید، مردی که در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و ... همواره با قیافه های محرّک و مهیّج زنان بدحجاب و آرایش کرده مواجه باشد، تمرکز نیروی کارش کاهش می یابد. برخلاف نظام ها و کشورهای غربی، که میدان کار و فعالیت های اجتماعی را با لذت جویی های جنسی درهم می آمیزند،(۴)اسلام می خواهد با رعایت حجاب و پوشش، محیط اجتماع از این گونه لذت ها پاک گردد و لذت های جنسی، فقط در کادر خانواده و با ازدواج مشروع انجام شود.(۵) پژوهش ها نشان می دهد که زنان ایران زمین از زمان مادها دارای حجاب کاملی شامل: پیراهن بلند چین دار، شلوار تا مچ پا و چادر بر روی لباس ها بودند. برابر متون تاریخی، در همه ی آن زمان ها پوشاندن موی سر و داشتن لباس بلند و شلوار و چادر رایج بوده است و زنان با آن که آزادانه در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می کردند و همپای مردان به کار می پرداختند، دارای حجاب کامل بودند و از اختلاط های فسادانگیز شدیداً پرهیز می کردند. د) فایده ی اقتصادی حجاب استفاده از حجاب و پوشش، به ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یکدستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیری مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد ;البته به شرط این که خود چادر مشکی دست خوشِ این تقاضاها نگردد. متأسفانه بعضاً مظاهر مدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می گردد ;به گونه ای که برخی از بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی توری، نازک و دارای طرح های جِلف و سبک که با هدف و فلسفه ی حجاب و پوشش تناسبی ندارند روی می آورند. یکی از دانشجویان محجبه درباره ی رواج فرهنگ مدگرایی در خاطرات قبل از انقلاب خود گفته است: یادم می آید آن وقت ها که حجاب نداشتم، اگر دو روز پشت سر هم قرار بود که به خانه ی کسی بروم، لباسی را که امروز پوشیده بودم، حاضر نمی شدم فردا بپوشم! احساس می کردم مسخره است و سعی داشتم حتی اگر شده، لباس دیگران را

به عاریه بگیرم و بپوشم، تا من هم با لباس جدیدی رفته باشم. این کارها واقعاً رفاه حال و راحتی را از خانم ها سلب کرده بود.(۶) پس می توان گفت که چادر امنیت و آرامش زن را تأمین می کند. زنانی که با خودآرایی وارد جامعه می شوند، همواره نگران قضاوت دیگران در مورد خود هستند و ناآرام و مضطرب اند. در صورتی که زن می تواند با رعایت حجاب کامل و پوشیدن چادر از دغدغه ی شرکت در یک رقابت و مدپرستی نجات یابد. هـ) حجاب، مبارزه ی زنان با دشمنان اسلام حجاب کامل بانوان در جامعه ی اسلامی مبارزه ای است با سلطه گران و جنایتکاران دنیا که همیشه سعی داشته اند با ترویج بی بندوباری و بدحجابی، ارزش های اسلامی را پایمال و بر ملت های ستمدیده سلطه پیدا کنند. مستر همفر، جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی، در بخشی از خاطرات خود، آن جا که نقاط قوت مسلمانان را برمی شمارد، به مورد حجاب اشاره می کند و می گوید: زنان مسلمان دارای حجابی محکم هستند که نفوذ فساد در میان آنها ممکن نیست ;بنابراین باید آنان را فریب داد و از زیر چادر و عبا بیرون کشید. پس از آن که زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد ;و برای پیش برد این نقشه، لازم است اول زنان غیر مسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند.(۷) اگر چادر سر راه نفوذ دشمنان استعمارگر نبود، هیچ گاه یک جاسوس این اندازه برای زوال آن به فریبکاری نمی پرداخت. اگر حجاب اسلامی، به ویژه چادر، اهمیت خاصی نداشت، چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غربی، آن را به عنوان یک مدل لباس زنانه، در کنار صدها مدل دیگر می پذیرفتند. اگر چادر از جایگاه حساس و ارزش بلند برخوردار نبود، هرگز استعمار غرب، رضاخان را بر آن نمی داشت که تمام حکومت خود را برای از بین بردن چادر بسیج کند. آری چادر خیمه ی عفاف پیروان فاطمه(علیها السلام) است که با گذشت ۱۴ قرن، ندای آزادی بخش آن حضرت هم چنان در گوش تاریخ طنین انداز است. علاوه بر فواید یاد شده، فواید و آثار دیگری نیز می توان برای حجاب و پوشش نام برد ;از جمله: حفظ ارزش های انسانی در جامعه، مانند عفت، حیا و متانت و نیز کاهش مفاسد اجتماعی ;هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح و مطلوب از امیال و غرایز انسانی ;تأمین و تضمین سلامت و پاکیِ افراد جامعه.(۸) پی‌نوشت‌ها: (۱). برای آگاهی از ابعاد گسترش این حرص و ولع ر.ک: جلال رفیع، یادداشت ها و ره آوردهای سفر نیویورک، در بهشت شدّاد آمریکای متمدن، آمریکای متوحش. (۲). احمد صبوری اردوباری، آیین بهزیستی اسلام، ج ۳، ص ۳۰۲. (۳). غلامعلی حداد عادل، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۷۰۶۹. (۴). برای آگاهی از گستره ی کشانده شدن لذت های جنسی به محیط های کاری و اجتماع، و اعترافات صریح بعضی از زنان کشورهای غربی درباره ی مزاحمت های جنسی نسبت به زنان و کودکان، ر.ک: احمد صبوری اردوباری، بهایِ یک نگاه ;محمدتقی فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، ج ۲، و روح الله حسینیان، حریم عفاف. (۵). سه بُعد قبل، از کتاب مسئله ی حجاب، استاد مطهری، ص ۸۴ – ۹۴ (با دخل و تصرف) اقتباس شده است. (۶). ر.ک: احمد اردوباری، همان، ج ۳، ص ۲۲۲. (۷). مؤسسه ی فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، ص ۱۴. (۸). برای آگاهی بیشتر درباره ی آثار و فواید حجاب و پوشش ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخص و منزلت زن در نظام اسلامی ;هم چنین درباره ی ضررهای بدحجابی ر.ک: اسدالله محمدی نیا، آنچه باید یک زن بداند، بخش های ۳، ۴ و ۵.

حجاب، هویت مذهبی من است

در آن زمان که تازه به اسلام گرویده بودم، بحث‌های جدی درباره دختران محجبه در مدارس فرانسه وجود داشت که هنوز هم وجود دارد. اکثریت بر این نظر بودند که مسئله حجاب، خلاف این اصل را ثابت می‌کرد که مدارس دولتی فرانسه باید نسبت به مذهب دانش‌آموزان بی‌تفاوت باشند و حتی من، به عنوان یک غیرمسلمان، می‌اندیشیدم که چرا باید چنین وسواسی درباره موضوعی کوچک – روسری دانش‌آموزان – وجود داشته باشد.این احساس، همچنان در میان غیرمسلمانان به قوت خود باقی است

که زنان مسلمان، پوشش اسلامی بر تن می‌کنند؛ تنها به این دلیل که مجبور به اطاعت از سنت‌ها هستند و بنابراین، حجاب، نماد ظلم و ستم است. از این رو، استقلال و آزادی زنان، میسر نخواهد شد؛ مگر با برداشتن حجاب. چنین درک ناپخته‌ای در میان مسلمانان کم‌اطلاع یا بی‌اطلاع از اسلام هم وجود دارد. این افراد، چنان به التقاط دینی و سکولاریسم خو گرفته‌اند که از درک این مطلب که اسلام دینی جهانی و جاودانی است، ناتوانند. این در حالی است که زنان غیرعرب، در سراسر دنیا، به دین اسلام می‌گروند و حجاب را به عنوان یک شرط مذهبی می‌پذیرند و نه به خاطر برداشتی نادرست از سنت. من هم نمونه‌ای از این زنان هستم. حجاب من، نه بخشی از هویت سنتی یا نژادی من است و نه معنایی سیاسی یا اجتماعی دارد؛ بلکه حجاب من، تنها و تنها، هویت مذهبی من است. من پیش از آن‌که در پاریس دین اسلام را برگزینم، حجاب را در حد خودم رعایت می‌کردم. شکل حجاب، بسته به کشوری که فرد در آن زندگی می‌کند و یا میزان آگاهی او از اسلام، متغیر است. در فرانسه، من تنها شالی بر سر می‌گذاشتم که از نظر رنگ، با دیگر لباس‌هایم متناسب بود. این ترکیب، تقریباً مُد به حساب می‌آمد. اکنون که در عربستان سعودی هستم، چادر سیاه سرتاسری بر تن می‌کنم که حتی چشمانم را هم می‌پوشاند. به این ترتیب، من حجاب را از ساده‌ترین شکل تا کامل‌ترین آن، تجربه کرده‌ام. واقعاً معنای حجاب چیست؟ با وجود این‌که کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره حجاب نگاشته شده، اما تمام آنها، نگرش افرادی است که از بیرون به این قضیه نگاه می‌کنند. من امیدوارم با در نظر گرفتن این نکته که از داخل به این مسئله می‌نگرم، بتوانم آن را شرح دهم. هنگامی که تصمیم گرفتم اسلام خود را ابراز کنم، هرگز فکر نکرده بودم که آیا خواهم توانست روزی پنج نوبت نماز بخوانم یا این‌که آیا قادر خواهم بود حجاب خود را حفظ کنم؟ شاید از این می‌ترسیدم که اگر جدی به این موضوع فکر کنم، به نتیجه منفی برسم و این کار، می‌توانست تصمیمم را مبنی بر مسلمان شدن، تحت تأثیر قرار دهد. تا زمانی که مسجد جامع پاریس را ندیده بودم، هیچ کاری با اسلام نداشتم و با نمازگزاران و حجاب، هیچ آشنایی نداشتم. در واقع، هر دوی آنها برایم غیرقابل تصور بودند؛ اما شوق مسلمان شدن، چنان در من قوی بود که نگران چیزهایی که در آن سوی این تغییر در انتظارم بودند، نبودم. پس از گوش دادن به یک سخنرانی در مسجد پاریس، محاسن رعایت حجاب بر من روشن شد؛ تا حدی که حتی پس از خروج از مسجد هم روسری را از روی سرم برنداشتم. آن سخنرانی، مرا غرق در نوعی رضایت روحی کرد که هرگز قبلاً ـ نمی‌شناختم؛ آن چنان که اصلاً نمی‌خواستم روسری را از سرم بردارم. در آن وقت، به دلیل سرمای هوا، پوشش حجابم، توجه زیادی را به خود جلب نکرد؛ ولی خودم به شدت احساس می‌کردم که با دیگران تفاوت دارم؛ احساس طهارت و امنیت می‌کردم. احساس می‌کردم که در محضر خداوند هستم. به عنوان یک خارجی در پاریس، از این‌که مردان به من خیره شدند، احساس خوبی نداشتم؛ ولی با پوشش حجاب، از نگاه مردان در امان بودم. رعایت حجاب، باعث شادمانی‌ام شد و نیز نشانه فرمان‌برداری من از خداوند و تجلی ایمانم بود. دیگر لازم نبود که اعتقاداتم را با صدای بلند فریاد بزنم؛ حجاب من، آنها را به روشنی برای همگان بیان می‌کرد؛ به ویژه برای دیگر مسلمانان. به این ترتیب، حجاب به تقویت پیوند من با دیگر خواهران مسلمانان کمک می‌کرد. حجاب برای من، خیلی زود، به یک امر طبیعی و کاملاً اختیاری تبدیل شد. هیچ کس نمی‌توانست مرا مجبور به رعایت حجاب کند و اگر هم می‌کرد، من از آن سرپیچی می‌کردم. در اولین کتابی که درباره حجاب خواندم، نویسنده با زبان بسیار ملایمی بیان کرده بود که: «خداوند، حجاب را جداً توصیه می‌کند» و در اسلام، ما باید از خواسته‌های خداوند اطاعت کنیم. از این‌که من هم موفق به انجام وظایف دینی خود، به صورت اختیاری و بدون هیچ مشکلی شدم، خوشحال بودم. الحمدالله. حجاب به مردم یادآوری می‌کند که خداوند وجود دارد و همیشه به من یادآور می‌شود که من باید مثل یک مسلمان رفتار کنم؛ درست مانند افسران پلیس، که در لباس خدمت، آگاه‌تر و مراقب‌تر هستند؛ من هم با حجاب، بیشتر احساس مسلمان بودن می‌کنم.دو هفته پس از آن‌که به اسلام گرویدم، برای شرکت در یک جشن عروسی خانوادگی، به ژاپن بازگشتم و تصمیم گرفتم که تحصیل در فرانسه را رها کنم. اشتیاق تحصیل در رشته ادبیات فرانسه، جای خود را به شوق تحصیل در ادبیات عرب داده بود. برای تازه

مسلمانی چون من، با آگاهی اندک از دین اسلام، زندگی در شهری کوچک در ژاپن که مرا از سایر مسلمانان جدا می‌ساخت، آزمایش بزرگی بود؛ هرچند، این دوری از اجتماع مسلمانان، آگاهی‌های اسلامی‌ام را افزایش داد و دانستم که تنها نیستم؛ زیرا که خداوند با من است. من می‌باید بسیاری از لباس‌هایم را که قبل از مسلمان شدن می‌پوشیدم، کنار می‌گذاشتم. یکی از دوستانم به من کمک کرد تا خیاطی پیدا کنم که برایم تعدادی شلوار گشاد، نظیر آن‌چه پاکستانی‌ها می‌پوشند، بدوزد. در این باره، نگاه متعجب مردم، مرا آزار نمی‌داد. پس از شش ماه تحصیل در ژاپن، اشتیاقم به تحصیل زبان عربی به حدی افزایش یافت که تصمیم گرفتم به قاهره بروم. من در آن‌جا دوستی را می‌شناختم؛ اما هیچ کدام از اعضای خانواده میزبان، انگلیسی یا ژاپنی نمی‌دانستند و بانویی که در بدو ورود، مرا به داخل خانه هدایت کرد، از فرق سر تا نوک پا، سیاه‌پوش بود و حتی چهره‌اش را هم پوشانده بود. اگرچه اکنون این نوع پوشش در این‌جا (ریاض) برایم عادی و آشناست، ولی به یاد می‌آورم که در آن زمان، از دیدن چنین ظاهری، سخت شگفت‌زده شده بودم؛ زیرا به یاد حادثه‌ای مشابه در فرانسه افتادم که با دیدن چنین لباسی با خود فکر کرده بودم که «این زنی است که اسیر سنت شده، بدون کوچک‌ترین آگاهی از اسلام واقعی»؛ زیرا به نظر من، پوشاندن صورت، نه یک ضرورت، بلکه سنتی بومی بود. در قاهره، می‌خواستم به آن خانم بگویم که در پوشش، زیاده‌روی کرده است و این نوع پوشش، غیرعادی و غیرطبیعی بود؛ اما در عوض به من گفته شد که من به عنوان یک مسلمان، پوشش مناسبی برای ظاهر شدن بین مردم ندارم. من با این نظر مخالفت کردم؛ زیرا بر اساس آن‌چه من درک کرده بودم، این نوع پوشش، برای یک زن مسلمان کافی بود؛ اما یک ضرب‌المثل انگلیسی می‌گوید: «هنگامی که در رم هستی، مانند رمی‌ها رفتار کن». از این رو، مقداری پارچه خریدم و لباسی نظیر آن‌چه زنان مصری می‌پوشیدند (Khimar)، برای خودم دوختم؛ لباسی که بازوها و پایین‌تنه را کاملاً می‌پوشاند و حتی آمادگی داشتم که صورتم را هم مانند اقلیت کوچک خواهران مصری که با آنها آشنا شده بودم، بپوشانم.پیش از مسلمان شدن، لباس‌های سبک مردانه، نظیر شلوار را بر پوشیدن لباس‌های زنانه، نظیر دامن، ترجیح می‌دادم؛ اما نوع پوشش به سبک زنان مصری، برایم خوشایند بود و در این لباس، بیشتر احساس آرامش و وقار می‌کردم. از نظر غربی‌ها، سیاه، رنگی مناسب برای لباس‌های شب است؛ چون زیبایی شخص را برجسته‌تر می‌سازد. خواهران جدید من نیز در پوشش سیاهشان، واقعاً زیبا بودند و در چهره‌هایشان، نور قداست می‌درخشید. پس از اقامتی کوتاه در عربستان سعودی، مجبور شدم به پاریس برگردم. در آن‌جا متوجه شدم که ظاهر خواهران مصری، بی‌شباهت به راهبه‌های کاتولیک نیست. در راه، با یک راهبه، همسفر بودم؛ در حالی که از شباهت بین لباس‌هایمان لبخند بر لب داشتم. لباس او مانند لباس یک زن مسلمان، نشان‌گر این بود که خود را وقف خداوند کرده است. متعجب شده بودم که مردم درباره روبند راهبه‌های کاتولیک، هیچ سخنی نمی‌گویند؛ ولی از روبند یک زن مسلمان، به شدت انتقاد می‌کنند و آن را نماد تروریسم و ظلم می‌انگارند. برای من مهم نبود که لباس‌های رنگی‌ام، جای خود را به لباس‌های مشکی داده بودند؛ درواقع، پیش از مسلمان شدن، به گونه‌ای آرزوی داشتن زندگی‌ای چون زندگی یک راهبه را داشتم. پس از شش ماه اقامت در قاهره، چنان به آن لباس مشکی بلند عادت کرده بودم که فکر می‌کردم پس از بازگشت به ژاپن هم آن را خواهم پوشید؛ اما به چند دست لباس روشن و سفید نیاز داشتم تا زندگی کمتری نسبت به رنگ سیاه داشته باشند.حق با من بود؛ زیرا ژاپنی‌ها به پوشش سفیدم واکنش نسبتاً خوبی نشان می‌دادند و به نظر می‌رسید که می‌توانستند حدس بزنند که، من پیرو مذهبی خاص هستم. یک بار شنیدم که دختری – با اشاره به من – به دوستش گفت: او یک راهبه بودایی است. چقدر راهبه‌های مسلمان، مسیحی و بودایی، به هم شباهت دارند! یک بار در قطار، مردی که کنارم نشسته بود، از من پرسید: چرا چنین لباس غیرعادی‌ای را پوشیده‌ای؟ وقتی برایش توضیح دادم که من یک زن مسلمان هستم و اسلام به زنان امر کرده است تا اندام خود را بپوشانند؛ تا مردان ضعیف‌النفس به گناه نیفتند، به نظر می‌رسید که او تحت تأثیر قرار گرفته است. هنگامی که می‌خواست قطار را ترک کند، از من تشکر کرد و گفت: دوست داشتم وقت بیشتری باشد تا درباره اسلام با تو صحبت کنم. هنگامی که پدرم مرا می‌دید که حتی در

روزهای گرم هم با لباس آستین‌بلند و سرپوشیده بیرون می‌رفتم، ابراز نگرانی می‌کرد؛ اما من دریافته بودم که حجاب، مرا از اشعه‌های خورشید هم در امان می‌دارد و در واقع، این من بودم که از دیدن پاهای برهنه خواهرم در شلوار کوتاهش، احساس ناراحتی می‌کردم. من همیشه از دیدن چنین صحنه‌هایی درباره زنان، احساس شرم می‌کردم. بنابراین، مشکل نخواهد بود که فکر کنیم این صحنه‌ها چه تأثیری بر مردان می‌گذارد. در اسلام به زنان و مردان سفارش شده تا موقر (نجیب) لباس بپوشند و برهنه در میان مردم ظاهر نشوند؛ حتی در مکان‌هایی که همگی زن یا مرد هستند. این واضح است که حد قابل قبول پوشیدگی اندام، با توجه به تفکر فردی و اجتماعی تعیین می‌شود؛ به عنوان مثال، در ژاپن، ۵۰ سال قبل، اگر زنی با مایو به شنا می‌رفت، زشت محسوب می‌شد؛ اما امروزه مایوی دوتکه، نوعی هنجار است؛ هر چند شنا کردن بدون پوشش بالاتنه، بی‌حیایی محسوب می‌شود؛ در حالی که شنا در سواحل جنوبی فرانسه، بدون پوشش بالاتنه، نوعی هنجار است. در برخی سواحل آمریکا، برهنه‌گرایان، لخت مادرزاد، در ساحل دراز می‌کشند. اگر یک خانم «آزاد» که حجاب را نفی کرده است، مورد سوءال یکی از همین برهنه‌گرایان قرار بگیرد که چرا برجستگی‌های بدنش را می‌پوشاند؛ در حالی‌که این اندام‌ها به اندازه دست‌ها و صورت، طبیعی هستند، چه جواب صادقانه‌ای خواهد داد؟ در این جا، هوا و هوس مردان، تعیین‌کننده حد پوشیدگی زنان محسوب می‌شود؛ اما در اسلام، چنین مشکلی وجود ندارد؛ زیرا خداوند مشخص کرده است که چه بخش‌هایی باید و یا نباید پوشیده بمانند و ما از او اطاعت می‌کنیم. پرده‌های شرم در میان مردمی که برهنه یا نیمه برهنه در جامعه ظاهر می‌شوند و در مقابل چشمان دیگران، اجابت مزاج یا معاشقه می‌کنند، دریده می‌شود و این رفتار، مقام انسان را تا حد یک حیوان تنزل می‌دهد. زنان ژاپنی، تنها هنگامی که می‌خواهند از منزل خارج شوند، آرایش می‌کنند و برای ظاهر خود در خانه، اهمیت زیادی قائل نمی‌شوند. در اسلام، سعی زن بر این است که برای شوهرش زیبا جلوه کند و شوهر هم می‌کوشد تا برای همسرش زیبا باشد. در اسلام، حتی بین یک زن و شوهر هم حیا وجود دارد و این امر، روابط آنها را زینت می‌دهد. مسلمانان به حساسیت بیش از حد درباره بدن متهم می‌شوند؛ ولی آزارهای جنسی رایج در جامعه، پوشش موقر و نجیبانه را توصیه می‌کند. پوشیدن دامن کوتاه، می‌تواند پیامی برای مردان باشد؛ مبنی بر این‌که «من در دسترس هستم»؛ اما حجاب، با صدای بلند اعلام می‌کند که «من برای شما ممنوع شده‌ام». پیامبر گرامی اسلام صلی‌اللّه علیه و آله از دخترش حضرت فاطمه سلام‌اللّه علیها پرسید: «بهترین چیز برای یک زن چیست»؟ وی فرمود: «این‌که نه مرد نامحرمی را ببیند و نه در معرض دید نامحرمان باشد». پیامبر صلی‌اللّه علیه و آله خشنود شد و فرمود: «به درستی که تو دختر منی». این سخنان، نشان می‌دهد که برای زنان بهتر است که در خانه بمانند و تا حد امکان، از نگاه نامحرمان به دور باشند. در خارج خانه، نیز رعایت حجاب، همان اثر را دارد. پس از ازدواج، ژاپن را به قصد عربستان سعودی ترک کردم؛ جایی که زنان بنا به رسم، در بیرون از منزل چهره‌هایشان را با نقاب می‌پوشانند. من بی‌صبرانه منتظر بودم تا نقاب را امتحان کنم و بدانم که پوشیدن آن، چه احساسی به من می‌دهد؛ البته زنان غیرمسلمان هم لباس‌هایی به نام شنل می‌پوشند که آزادانه از شانه‌هایشان آویزان است؛ ولی چهرهایشان را نمی‌پوشانند و زنان مسلمان غیرعرب هم کمتر صورت‌هایشان را می‌پوشانند. همین که به پوشیدن نقاب عادت کردید، متوجه خواهید شد که اصلاً ناراحت نیستند. در واقع، من با نقاب، احساس کردم که شاهکار و گنجی را پنهان می‌کنم که نه می‌توانی آن را ببینی و نه بشناسی. وقتی یک زن غیرمسلمان، یک زوج مسلمان را در خیابان می‌بیند، به این می‌اندیشد که آنها کاریکاتورهایی هستند که ادای زندگی را در می‌آورند؛ ظالم در کنار مظلوم؛ در حالی که با این نوع پوشش، زن مسلمان، احساس می‌کند ملکه‌ای است که خدمتکارش او را همراهی می‌کند. اولین نقابی که پوشیدم، چشمانم را نمی‌پوشاند؛ اما در زمستان از نقابی استفاده می‌کردم که چشم‌هایم را هم دربرمی‌گرفت و به این ترتیب، احساس سنگین چشم در چشم شدن با مردان نامحرم از بین می‌رفت و درست مانند یک عینک آفتابی، از دید بیگانگان جلوگیری می‌کرد. این اشتباه است که فکر کنیم زنان مسلمان خود را می‌پوشانند؛ چون جزء اموال خصوصی شوهرانشان محسوب می‌شوند؛ بلکه در واقع، آنها با این کار، شرافت، متانت و وقار خود را حفظ

می‌کنند و از این‌که توسط بیگانگان تصاحب شوند، جلوگیری می‌کنند. باید به حال زنان غیرمسلمان و زنان مسلمان لیبرال تأسف خورد که آن‌چه را باید بپوشانند، در معرض دید عموم قرار می‌دهند. نگاه به حجاب از بیرون، دیدن حقایق پنهانِ درون آن را غیرممکن می‌سازد. تفاوت موجود در دو زاویه دید، تا حدی می‌تواند خلأ موجود در فهم اسلام را توضیح دهد. کسی که از بیرون به اسلام می‌نگرد، ممکن است آن را عامل محدودکننده مسلمانان بداند؛ اما از درون اسلام، چیزی جز صلح، آزادی و لذت (لذتی که هیچ کس قبلاً آن را تجربه نکرده است)، نیست. پیروان اسلام، چه آنها که مسلمان زاده شده‌اند و چه آنها که بعدها به اسلام گرویده‌اند، اسلام را به جای آزادی واهی در یک جامعه سکولار برگزیده‌اند. اگر اسلام به زنان ظلم می‌کند، چرا شمار زیادی از زنان جوان و تحصیل‌کرده در اروپا، آمریکا، ژاپن، استرالیا و...، «آزادی» و «استقلال» خود را رها می‌کنند و به اسلام روی می‌آورند؟ زن آراسته به حجاب، به زیبایی فرشته است؛ پر از وقار، آرامش و اعتماد به نفس؛ اما تعصب که چشم دیگران را کور کرده است، مانع از دیدن این زیبایی می‌شود. «به راستی که این چشم‌ها نیستند که کور می‌شوند؛ بلکه این دل‌های درون سینه‌ها هستند که کور می‌شوند».۱ دیگر چگونه می‌توان بهتر از این، تفاوت میان ما و چنین انسان‌هایی را بر سر فهم و درک حجاب، توضیح داد؟ پی نوشت . ۱. حج، آیه ۴۶

چه لذتی دارد این حجاب

•نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی سیاهی چادرم، دل مردهایی که چشمشان به دنبال خوش‌رنگ‌ترین زن‌هاست را می‌زند•. نمی‌دانید چقدر لذت‌بخش است وقتی وارد مغازه‌ای می‌شوم و می‌پرسم: آقا! اینا قیمتش چنده؟ و فروشنده جوابم را نمی‌دهد؛ دوباره می‌پرسم: آقا! اینا چنده؟ فروشنده که محو موهای مش‌کرده زن دیگری است و حالش دگرگون است، من را اصلاً نمی‌بیند. باز هم سوءالم بی‌جواب می‌ماند و من، خوشحال، از مغازه بیرون می‌آیم•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی مردهایی که به خیابان می‌آیند تا لذت ببرند، ذره‌ای به تو محل نمی‌گذارند•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی شاد و سرخوش، در خیابان قدم می‌زنید؛ در حالی که دغدغه این را ندارید که شاید گوشه‌ای از زیبایی‌هاتان، پاک شده باشد و مجبور نیستید خود را با دلهره، به نزدیک‌ترین محل امن برسانید تا هر چه زودتر، زیبایی خود را کنترل کنید؛ زیبایی از دست رفته‌تان را به صورتتان باز گردانید و خود را جبران کنید•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی در خیابان و دانشگاه و... راه می‌روید و صد قافله دل کثیف، همره شما نیست•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی جولانگاه نظرهای ناپاک و افکار پلید مردان شهرتان نیستید•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی کرم قلاب ماهی‌گیری شیطان برای به دام انداختن مردان شهر نیستید•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی می‌بینی که می‌توانی اطاعت خدایت را بکنی؛ نه هوایت را•. نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی در خیابان راه می‌روید؛ در حالی که یک عروسک متحرک نیستید؛ یک انسان رهگذرید. •نمی‌دانید؛ واقعاً نمی‌دانید چه لذتی دارد این حجاب! خدایا! لذتم مدام باد .

حجاب و حفظ نشاط جنسی

۱. غریزه جنسی، قوی‌ترین غریزه انسانی است که زندگی انسانی را از نظر کمی و کیفی مورد تاثیر و تاثر قرار می‌دهد. این غریزه در کنار غریزه گرسنگی، بسترساز فرهنگ‌های انسانی در طول تاریخ شده و دین با ورود در این بستر، معنا بخش فرهنگ انسانی می‌شود ؛به همین دلیل در تاریخ ادیان کمتر دینی است که درباره مسئله جنسی سخن نگفته باشد. ۲. غریزه جنسی در یک چارچوب، مورد توجه ادیان قرار می‌گیرد و در چارچوب جهان‌بینی آن دین، جایگاه مسئله جنسی را با توجه به انسان‌شناسی خود، و جهان‌شناسی و اخلاقیات مبتنی بر آن، تشریح و تفسیر می‌کند که اغلب دائر مدار آن، انسان واسطه‌ای و متعالی دینی، مثل پیامبران

و یـا بنیـان‌گزاران دیـن مثـل بـودا قرار می‌گیرد. ۳. در غرب مسیحی قرون وسطی که انسـان کامـل مسیحی محور معرفت‌شناسـی، جهان‌شناسـی، انسان‌شناسی و سپس جامعه‌شناسی واقع شده بود، درباره مسئله جنسی، چه از بعد انسان‌شناسی و چه جامعه‌شناسی، به همان میزان قضاوت می‌شد و چون انسان‌های کامل مسیحی، حضـرت مسیح و حضـرت مریم و حضـرت یحیی (ع)، هر سه ازدواج نکرده، در مسیحیت دوری از عمل جنسـی، یک شرط برای انسان کامل شمرده شد و کم کم ترک عمل جنسی به ترک کلی عمل جسـمی کشانده می‌شود و در دوران قرون وسـطی، انسان‌هایی اعم از زن و مرد، دور از شهرها در نقاط دور افتاده جنگل‌ها و کوه‌ها و بیابان زنـدگی می‌کردنـد که به دور از لذت‌های جسـمی یک زندگی کاملا مجردانه داشـتند. پس حجاب در همین جهت قلمداد می‌شـد ;یعنی دوری از لذت‌های جسـمانی بطور کامل. ۴. با شـروع رنسانس، تفسـیری دیگر از انسان کامل ارائه شـد که بر فرهنگ جنسـی غرب به شـدت اثر گـذاشت ;این تفسـیر آن بود که چون خـدا در جسم انسـان (عیسـی) تجلی یـافته است، پس جسم انسـان تقـدس می‌یابـد، به همین دلیل سـعی در زیباشناسـی جسم انسان است و با یک نوع آناتومی جسم انسان و بدست آوردن رگ، پی، ماهیچه، استخوان و... به ترسیم جسم‌های زیبا پرداخته شود که این مهم به وسیله «لئوناردو داوینچی و «میکل آنژ» و «رافائل ، بر روی دیواره‌های کلیساهای روم و فلورانس انجام می‌شود. به طوری که جسم‌های برهنه و بسیار موزون و هماهنگ بر روی دیوارها ترسیم و یا در مجسـمه‌ها تجسم می‌یابنـد. شـرمگاه اناث حـذف و ذکور بسـیار کوچک ترسـیم می‌شود تا گفته شود خود جسم مطمح نظر است، نه مسائـل جنسـی آن، ولی بـا همین ترسـیم انسـان برهنه، اولین قـدم برهنگی در غرب، توسط نوعی تفسـیر از انسان کامل رخ می‌دهد. ۵. دو تفسیر حجابی و برهنگی از انسان کامل در غرب، با همان حالت تضادگونه در غرب ادامه یافت تا تفسیر یهودی دین مسیحیت در قـالب پروتسـتانیزیم اتفـاق افتـاد و بر تفسـیر برهنگی انسـان کامـل بصورت شدیـدتر تاکیـد شـده است و کفه به طرف برهنگی در جامعه غربی سـنگینی کرد تا آنکه بر برهنگی انسان به شـدت تاکیـد شـد و این زمانی بود که انقلاب صـنعتی رخ داد و ماشـین به صـحنه زندگی انسان‌ها آمد. ۶. این تاکیـد از سوی فرویـد صورت گرفت که بر فرهنـگ یهودی در بـاب جنسـیت تـاکید می‌کرد و نمونه‌های آن در نامه‌های خصوصی او مشاهده می‌شود. فرهنگ یهودی یکی از جنسی‌ترین فرهنگ‌های دینی است که بر رابطه‌های جنسـی محارم مثل دختر و پدر، و پسـر، و مادر، و برادر و خواهر با دیده اغماض نگریسته است و آنها را بی‌اشکال دانسته است. فرویـد با فرهنگ یهودی بر فرهنگ جنسـی مسیحیت هجوم برد و سـعی کرد که بر برهنگی جنسـی، چه از نظر بدنی و چه از نظر روحی تاکیـد کنـد و ریشه تمامی عقده‌های انسانی را در حجاب (به معنای عام) خلاصه کند که مانع عمل جنسـی، بطور برهنه، در طول زنـدگی انسـانی می‌شود. ۷. انقلاب صـنعتی در غرب و مهـاجرت جغرافیـایی انسان‌هـا از مکان‌هـای کوچک به مکان‌های بزرگ و تماس‌های دو جنس در سطوح مختلف‌کاری، هنجارشکنی جنسی را افزایش داد. حال اگر این را به برهنگی اجباری زنان، به علت کـار با دسـتگاه‌های خطرناک و کشانـده شـدن زنان به درون دسـتگاه، توسط لباس‌های زنانه اضافه کنیم، به خوبی برهنگی زنان در محیط کار ترسـیم می‌کند. تاثیر صـنعت تا جایی رسید که همسران، چه زن و چه مرد، به روابط جنسی فراتر از ازدواج روی آوردنـد و این روابـط جنسـی خـارج از عرف و قـانون موجب شـد که برهنگی زنـان در قالب فحشا و فاحشه‌های برهنه افزایش یابد (رابطه صـنعت و برهنگی در دائره‌المعـارف غرب مثـل بریتانیکا آمـده است). ۸. ورود ماشـین به زنـدگی عمومی انسان‌ها در غرب، برهنگی را افزایش داد، چرا که ماشـین‌ها انسان‌ها را از خانه و خانواده جدا می‌کرد و حتی ماشین به عنوان جایگزین خانه مطرح شد و خانه‌های متحرک در ماشـین ترسـیم شدند. پس ماشین رقیب خانه و انسان‌های ماشین دار رقیب خانواده شدند. پس روابط جنسی غیر معمول و غیر عـادی رواج یافت و روابط جنسـی غیر معمول، برهنگی را بیشتر رواج داد ;مثل نقاشـی‌های برهنه جنسـی و تشویق برای برهنگی (فیلم تایتانیک و شـکسپیر عاشق به خوبی این مسئله را نشان می‌دهد). ۹. ماشـین و محیط کار صنعتی و نظریه مبتنی بر فرهنگ یهودی جنسـی فرویـد، سه عاملی بودند که انقلاب جنسـی در غرب را به وجود آوردند. و غرب را از دوران ملکه ویکتوریا به دوران برهنگی وارد کرد و بر همین اساس، گروه‌هایی به وجود آمدنـد که سـخت‌بر برهنگی جمعی تاکیـد کرده و برهنگی را نیز

معیار گروهی قرار دادند، این گروه‌ها هیپی‌ها، پانک‌ها، رپ‌ها و... بودند و سبب رواج برهنگی شدیدتر شدند که امروزه به برهنه‌های مادرزاد مشهور شده‌اند. ۱۰. بنابراین، در غرب اگر حجاب مطرح شده است، یعنی دوری شدید از عمل جنسی و غریزه جنسی (چه زن و مرد) و اگر برهنگی مطرح شده است، یعنی آزادی عمل جنسی و رفتن در آن. پس حجاب در غرب، نقطه مقابل انسان و غریزه قرار گرفته است، بطوری که اگر کسی حجاب داشته باشد، علیه انسانیت‌خود قدم برداشته است و بی‌حجابی، یعنی برگشت و بازگشت‌به خویشتن خویش. ۱۱. ولی این برهنگی به‌جای بازگشت‌به خویشتن انسانی، موجب شد که انسان‌ها از خودشان بیشتر دورتر شوند، اول آنکه برهنگی وسیله‌ای شد که بدن انسانی طعمه مطامع اقتصادی شود. بدن فروشی، به صورت فحشا و به صورت مانکن تبلیغاتی کالا و به صورت بازیگران فوتبال و ورزش‌های دیگر و به صورت هنرمندان سینمایی و تلویزیونی و... معمول شد ;یعنی به جای کرامت انسانی، ذلت و رذالت انسانی نصیب او گردید. ۱۲. انسان‌های معمولی‌ای که برهنه شدند نیز به عنوان محل مصرف مد و «ابزارهای اقتصادگردان سرمایه داری در مصرف تعیین شدند و از لباس زیر تا لباس رو، همه تابع مد روز واقع شدند (لباس گشاد یا لباس تنگ و یا ترکیبی از آن دو و ;..). در نتیجه مد به عنوان تنوع‌طلبی مطرح شد، ولی در واقع سبب غفلت‌زایی مداوم از خود و هم‌نوع خود و جهان اطراف گردید ;بنابراین برهنگی عمومی، از خودبیگانگی عمومی را برای انسان غربی به ارمغان آورد. ۱۳. برهنگی در غرب، بی‌رغبتی جنسی را برای غربی به ارمغان آورد، چرا که برهنگی سبب تحریک اولیه انسان به طرف عمل جنسی در سنین اولیه بلوغ می‌شود، ولی در نهایت‌به سرد مزاجی جنسی تبدیل می‌شود، چرا که اسراف جنسی در دوران بلوغ، به بی‌رغبتی جنسی در سنین بالاتر منتهی می‌شود، مگر آنکه کالاهای رغبت افزای جنسی به میدان بیاید، مثل الکل و یا قرص‌های نشاط آور جنسی که باز در دراز مدت سبب بی‌رغبتی جنسی بیشتر خواهد بود و چون غریزه جنسی که نشاط آور زندگی است، به رکود کشانده شود، بنیاد خانواده رو به سستی می‌رود و فحشا جای آن را پر می‌کند و افسردگی فردی بر افراد حاکم می‌شود که به عنوان طاعون عصر غرب مطرح شده است ;پس برهنگی بر افسردگی جنسی غرب، و رکود روحی و روانی افراد افزوده است. ۱۴. حجاب در اسلام برای حفظ نشاط جنسی است، چون حجاب تخیل جنسی را تحریک می‌کند و سبب می‌شود که مسئله جنسی معنادار شود و دچار بی‌معنایی نگردد (مثل برهنگی) و چون اسلام بر طبیعت جنسی سخت تاکید دارد و انسان کامل خود را نه فقط در معنویت انسان کامل، بلکه در مسائل دنیوی و جنسی او می‌داند (چون نکاح و عمل جنسی از سنت انسان کامل در اسلام می‌باشد و هر کس از این سنت روی بر می‌گرداند، از او نیست). پس انسان کامل در اسلام الگوی جامع و کامل انسان در دنیا و آخرت و از جمله مسئله جنسی است که باید مورد تقلید قرار گیرد. پس حجاب یک فرهنگ جنسی است که سبب گرم واقع شدن غریزه جنسی در سطح یک جامعه و هدایت ارضای آن در قالب خانواده می‌شود به همین دلیل امروزه شرق به علت محور قرار دادن ارضای جنسی و حجاب، جنسی‌تر از غرب قرار داده شده است و تاریخ شرق و غرب نیز مؤید مسئله است و شاید به همین دلیل است که عرفان شرقی در هند و عالم اسلام به زبان جنسی بیان می‌شود ;مثل شعر حافظ و ابن عربی که فص محمدیه را فص نکاحیه و جنسی نامیده است ;به همین دلیل است که معنویت از جنسیت جدا نیست و حجاب علاوه بر حفظ کرامت انسانی، سبب رشد انگیزه جنسی در جامعه و نیز رشد نشاط جامعه اسلامی می‌شود، بدون آنکه به سستی و لهو و لعب دچار شود. نویسنده: ابراهیم – فیاض

حجاب دژ عفت وکرامت

دراسلام حجاب به این معنا که زن درمعاشرت بامردان نامحرم واجتماعاتی که نامحرمان درآنها حضور دارند ، بدن خود را بپوشاند وازجلوه گری وخودنمایی ، خودداری کند لازم شمرده شده است . البته این لزوم نه به منظور ایجاد محدودیت برای زن ، بلکه درراستای پاسداری ازحقوق انسانی وعفت وکرامت وشخصیت زن می باشد .حجاب همچون دژی استوار ، ازشخصیت وارزش زن

پاسدرای می کند وازاین که کرامت انسانی او به وسیله رهزنان حیا و عفاف به تاراج رود ، جلوگیری می نماید . قرآن کریم درآیه ۵۹ سوره احزاب می فرماید :« ای پیامبر ،به همسران ودخترانت وزنان مومنان بگو ، جلباب ها (روسری های بلند) خود را برخویش افکنند که این کار برای این که آنها (به عفت وحریت) شناخته شوند و موردآزار قرار نگیرند ، بهتر است وخداوند همواره غفور ورحیم است.» آنچه که ازظاهر آیه برمی آید این است که افراد لاابالی واراذل واوباش که درپی ارضای امیال شهوانی خویش هستند به دنبال زنانی می روند که با پوشش خویش ، این گونه افراد را جلب وبرای آزار وایجاد مزاحمت تشویق می کنند ولذا خداوند با مقرر داشتن حجاب برای زنان ، خواسته است شرایطی فراهم گردد که زنان ودختران مومنان ازشر آزار اوباش رهایی یابند .به بیان دیگر ، رعایت پوشش برای زن سبب وقار ومتانت و شخصیت است وحجاب،همین پیام را نیز به مزاحمین نوامیس منتقل می نماید ودریافت این پیام ازسوی آنان موجب می شود رفتارشان تحت ثاثیر قرارگرفته واز آزار واذیت زنان ودختران با ایمان ودارای حجاب خودداری کنند. استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری درارتباط با آیه مذکور می فرماید : « مطلبی که ازاین آیه استفاده می شود ویک حقیقت جاودانی است ، این است که زن مسلمان باید چنان درمیان مردم رفت وآمد کند که علایم عفاف ووقار وسنگینی و پاکی ازآن هویدا باشد وبا این صفت شناخته شود دراین وقت است که بیماردلان که دنبال شکارمی گردند ازآنها مایوس می شوند اگر نقش حجاب درآرمش روانی اعضای خانواده ، استحکام روابط زن و شوهر وافزایش مودت ومحبت دربین آنان ونیز تاثیر مثبت آن درتربیت فرزندان را مد نظر قراردهیم ، بی تردید رعایت حجاب رابه عنوان یکی از شاخصه های مهم خانواده سعادتمند ، محسوب خواهیم شد. وفکر بهره کشی ازآنها درمخیله شان خطور نمی کند .(۱) قرآن ، دربخشی ازآیه ۳۱ سوره نورنیز می فرماید : « وبه زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند وزینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است ، آشکار ننمایند وروسری های خود را بر سینه خودافکنند وزینت خود را آشکار نسازند....» که براساس این بخش ازآیه مذکور، زن مسلمان باید : ۱- ازچشم چرانی ونظربازی ، اجتناب کند ؛ ۲- پاکدامن باشد ، ۳- پوشش داشته باشد وآرایش وزیور خود را بردیگران آشکار نسازد ودرصدد تحریک وجلب توجه مردان برنیاید رعایت حجاب ازسوی زنان درروایات نیز مورد توجه قرارگرفته است. امیرمومنان علی (علیه السلام) می فرماید : « به همراه فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خدمت رسول اکرم (صلی الله علیه واله) مشرف شدم ، دیدم آن حضرت به شدت گریه می کند . عرض کردم :« پدرم ومادرم فدایت باد ای رسول خدا ، چه چیز موجب گریه شماشده است ؟ » فرمود : « یا علی آن شب که مرا به آسمان ها عروج دادند (معراج) برخی اززنان امتم را درعذاب شدید دیدم وازمشاهده حال آنها ناراحت شده وگریه کردم » و سپس حضرت رسول اکرم شروع کرد به توصیف عذاب های آنان تااین که فاطمه زهرا (سلام الله علیها) عرض کرد : « عمل این زنان چه بوده است ؟» رسول خدا فرمودند :« اما آن زن که ازمویش آویخته شده بود ، زنی بود که موی خویش را ازمردان (نامحرم) نمی پوشانید .... و آن زن که گوشت بدن خویش را می خورد، زنی بود که بدن خویش را برای مردم آرایش می نمود .» (۲) بنابراین ، هیچ تردیدی باقی نیست دراین که زن مسلمان باید درجهت مراعات حجاب همت گمارد و خود را ازمردان نامحرم بپوشاند . چنان که فقهای بزرگوار شیعه نیزبراین امر تصریح کرده وآن رامورد تاکید قرار داده اند .برای نمونه صاحب کتاب عروه الوثقی می فرماید : « برزن واجب است که تمامی بدن خود را (به جز دست ها تا مچ وگردی صورت) ازمرد نامحرم بپوشاند واین درصورتی است که به قصد تلذذ وریبه نگاه نکنند والا درصورت نگاه کردن به قصد تلذذ وریبه پوشیدن حتی ازمحارم نیزلازم است .(۳) وبه این ترتیب ، هیچ یک اززنان مسلمان مجاز نیستند بدون رعایت پوشش اسلامی درمقابل چشمان مردان نامحرم حتی درمحیط های خانوادگی .ظاهرشوند .علاوه براین هیچ زن مسلمانی نباید درمعاشرت بانامحرمان کاری بکند که موجب تحریک وجلب توجه آنان گردد ، وبرهمین اساس است که استعمال عطرهای تند وآرایش هایی درچهره که نظر نامحرمان را جلب نماید برای زنان ممنوع است.همچنین برهمه زنان لازم است همواره حریم خود با مردان نامحرم مورد توجه قرارداده وآن را رعایت کنند .زیرا عدم رعایت حریم میان زنان

ومردان نامحرم ، مفاسد جبران ناپذیری درپی دارد که اگروضعیت اسف بارفعلی جوامع غربی را که به علت بی بندو باری زنان و مردان شهوت پرست به وجود آمده مورد توجه قرار دهیم به این مفاسد آگاه خواهیم شد. واما درمورد اینکه حدود پوشش زنان چیست ، استاد شهید مرتضی مطهری می فرماید : « دراین که پوشانیدن غیروجه وکفین برزن واجب است ازلحاظ فقه اسلام هیچگونه تردیدی وجود ندارد .این قسمت جزء ضروریات ومسلمات است وازنظر قرآن وحدیث وفتاوی ، در این باره اختلاف وتشکیکی وجود ندارد.»(۴) نکته دیگری که دراین جا باید به آن توجه شود ، وضعیت پوشش افراد اناث دردرون خانه ودرمقابل دیدگان افراد ذکوری است که جزء محارم محسوب می شوند .(مانند فرزندان ذکورویا برادران) سئوال این است که اگر دردرون خانه ، افراد مذکری که محرم محسوب می شوند ، ازروی تلذذ وریبه نگاه کنند آیا زنانی که محارم آنها محسوب می شوند، می توانند بدون پوشش درمقابل دیدگان ایشان ظاهرشوند ؟ در پاسخ باید گفت چنان که مردان محرم به قصد لذت بردن ازروی ریبه به زنانی که محارم آنها محسوب می شوند ، نظرکنند برزنان لازم خواهد بود که بدن خود راازآنان هم بپوشانند . این مطلب را درفتوای صاحب عروه الوثقی ملاحظه نمودیم . « تلذذ ؛ یعنی لذت بردن، ونگاه ازروی تلذذ، یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد. واما ریبه یعنی نظر به خاطر تلذذ وچشم چرانی نیست ولی خصوصیت ناظر ومنظور الیه مجموعاً طوری است که خطرناک است و این خوف وجود دارد که لغزشی به دنبال نگاه کردن ایجاد شود .(۵) به هرحال دراسلام، حجاب برای جلوگیری ازمفاسدی تشریع شده که بی حجابی درپی دارد . به این لحاظ چنانچه عدم رعایت پوشش درنزد محارم نیزمفسده به دنبال داشته باشد ، رعایت آن درنزد آنان نیز لازم خواهد بود. آیت الله ابراهیم امینی می نویسد: « مادری که فرزندان پسرودختر درخانه دارد ، نمی تواند بابدن نیمه عریان وصورت کاملاًـ آرایش کرده درمنزل زندگی کند ، پدران ومادران وظیفه دارند به منظور تربیت صحیح فرزندان وجلوگیری ازانحراف آنها ، حیا وعفت را در منزل رعایت کرده وازانجام کارهایی که امکان دارد موجب تحریک وبیدارشدن غریزه جنسی کودکان گردد، جداً خودداری نمایند .» (۶) پی نوشت: ۱- مطهری ، مرتضی ،مسئله حجاب ، انتشارات صدرا ، بی تا ، قم ، ص ۱۶۰ ۲- مدنی بجستانی، سیدمحمود. فساد ، سلاح تهاجم فرهنگی ، قم، دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۷۴ ، ص ۲۵۰ ۳- همان ، ص ۲۷۰ ۴- مطهری ، مرتضی ، مسئله حجاب ، قم انتشارات صدراء بی تا ، ص ۱۶۴ ۵- همان ، ص ۱۶۵ ۶- امینی ، ابراهیم . اسلام وتعلیم وتربیت، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴ ، ص ۲۵۷

حجاب و امنیت اجتماعی

مقوله «پوشش و استتار بدن» به عنوان جزء جدایی ناپذیر حیات انسانی و مصداق اصلی حجاب، امری کاملاً مشهود و بی نیاز از تعدیل است. برای حجاب کارکردهایی در دو حوزه فردی و اجتماعی، قابل تصوّر است: الف. کارکردهای فردی: همچون پاسخگویی به نیاز فطری «خوداستتاری» و تأمین امنیّت در برابر گرما و سرما. ب. کارکردهای اجتماعی: هویّت بخشی و ایجاد امنیّت اجتماعی از جمله این کارکردهاست، چراکه نوع پوشش و حجاب، نشان دهنده سنّت ها، ارزش ها و باورهای یک جامعه است. اسلام، حجاب را از مصادیق مهمّ تحقق امنیّت اجتماعی در جامعه معرّفی کرده است و چالش ها، زمینه ها و راهبردهای بسیار مهمّی را برای شکوفایی ذهن نواندیش افراد جامعه در این مورد تبیین نموده است. بر این اساس و به منظور آگاهی بیشتر از رابطه حجاب و امنیّت اجتماعی، ما برآنیم که در این نوشتار جنبه های مختلف این موضوع و اهمّیّت آن راتوضیح داده و تأثیر آن را در حفظ ارزش های دینی بیان کنیم. به طور کلّی در این مقاله موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: ۱. امنیّت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب. ۲. امنیّت اجتماعی، فلسفه حقیقی وجوب حجاب. ۳. پایه های تحقق امنیّت اجتماعی در سایه حجاب بانوان. ۴. آثار و فوائد حجاب اسلامی و تحقق امنیّت اجتماعی. ۵. آثار سوء بد حجابی و انهدام امنیّت اجتماعی. ۶. بیان نتیجه و ارائه راهکارها و پیشنهاداتی جهت تثبیت امنیّت اجتماعی در سیطره حجاب اسلامی. گوهر اسلام، سعادت و نجات آدمی است و

باورهای دینی، احکام اخلاقی و فقهی در راستای این غایت مهم نازل شده اند. این آموزه های هستمندانه و بایستی از خالق حکیمی تجلّی می یابد که به نیازهای روحی و جسمی، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی بشریّت، کاملاً آگاه است. احکام الهی مربوط به پوشش زنان نیز با این فلسفه و حکمت مدبّرانه صادر گردیده است. زن با عنصر حجاب اسلامی، نه تنها به تهذیب، تزکیه نفس و ملکات نفسانی پرداخته و قرب الهی را فراهم می سازد، بلکه باعث گسترش روزافزون امنیّت اجتماعی و ایجاد زمینه ای جهت رشد معنوی مردان می گردد؛ همچنان که خداوند سبحان، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «به مردان مؤمن بگو تا چشمان خود را از نگاه ناروا بپوشانند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان، بهتر است (۱)». همچنین می فرماید: «به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو که خویشتن را با چادرهای خود بپوشانند که این کار برای آن است که آنها به عفّت شناخته شوند تا از تعرّض و جسارت، آزار نکشند (در امنیّت کامل باشند) ؛ خداوند در حقّ خلق، آمرزنده و مهربان است(۲)». همان گونه که ذکر گردید، حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان دهی خلقیّات و ملکات نفسانی آدمیان، مؤثر نمی باشد، بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است؛ غرایز، التهاب های جسمی و معاشرت های بی بند و بار را کنترل نموده، بر تحکیم نظام خانواده می افزاید. همچنین از انحلال کانون مستحکم و پایدار زناشویی جلوگیری نموده و امنیّت اجتماعی را فراهم می سازد. حال اگر کسانی با نگرش دینی، اسلامی یا با رویکرد جامعه شناختی و روان شناسی به چنین کارکردها و تأثیرات مطلوب، به ویژه تأمین امنیّت اجتماعی پی ببرند، نه تنها هدفمندانه، زندگی می کنند، بلکه برای رفتارها و اندیشه هایشان دست به گزینش می زنند تا به اهداف متعالی الهی و انسانی دست یازند. از این رو به مسأله حجاب نیز به عنوان راهبردی کارساز جهت تأیید و ترویج ارزش های اجتماعی، تأمین کننده سعادت آدمی و منشأ قرب الهی می نگرند. بنابراین، پوشش اسلامی به منزله یک حفاظ ظاهری و باطنی در برابر افراد نامحرم، قلمداد می شود که مصونیت اخلاقی، خانوادگی و پیوند عمیق میان حجاب ظاهری و بازداری باطنی و از همه مهمّ تر امنیّت اجتماعی را فراهم می سازد و پیشینه آن به اندازه تاریخ آفرینش انسان است؛ چراکه پوشش و لباس هر بشری، پرچم کشور وجود اوست. پرچمی که وی بر خانه وجودش نصب کرده است و با آن اعلام می دارد که از کدام فرهنگ تبعیّت می کند(۳). در سال های اخیر، روند شبهات درباره حجاب و پوشش اسلامی، شدت یافته است و مطرح شدن شبهات فراوان در زمینه حجاب برتر به همراه عوامل دیگری مانند ضعف اعتقاد و عدم شناخت کافی از این مسأله و ضرورت آن موجب تهدید امنیّت اجتماعی و اُفت روند استفاده از مصادیق چنین حجابی در جامعه شده است، که نتیجه اتّخاذ روش تخریبی بعضی مطبوعات و رواج پوشش های نامناسب در مقابل نامحرمان است؛ لذا ما به منظور اینکه اسلام، مشوّق حجاب و پوشش کامل برای زنان و دختران در برابر افراد نامحرم است، به بیان هدف و فلسفه این مصداق مهمّ اسلامی و رابطه فراگیر و تنگاتنگ آن با امنیّت اجتماعی از جنبه های مختلف می پردازیم. امید است که راهکارهای بیان شده در این زمینه ها برای همه اقشار جامعه اسلامی به ویژه نسل جوان و اندیشمند، مفید باشد و عزمشان را برای عمل و گسترش آن، به نحو مطلوب و احسن، جزم نمایند تا امنیّت اجتماعی، تأمین شود. ثانیا نماد فرهنگی و ملّی بشریّت، درخشش روزافزون خود را حفظ نماید. امنیّت اجتماعی، هدف اساسی وجوب حجاب با توجه به آیات قرآن مجید، به خوبی مشخص و معیّن می گردد که هدف از تشریع وجوب حکم حجاب اسلامی دست یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفّت و پاکدامنی جهت استحکام و گسترش امنیّت اجتماعی است. «و اذا سَأَلْتُموهُنَّ مَتاعا فَسْئلوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِکُم أطْهَرُ لِقلوبِکُم و قُلُوبِهِنَّ(۴)». چون نگاه نامحرم توسط مردان، باعث تحریک و تهییج جنسی آنان و در نتیجه منجر به فساد و ریشه کن نمودن امنیّت اجتماعی می شود، خداوند در کنار دستور حجاب و پوشش بدن به بانوان، مردان را نیز امر به حجاب و پوشش چشم داده و نگاه به نامحرم را بر ایشان، حرام کرده است. چنانکه در این باره از امام رضا علیه السلام نقل شده است: «حرّم النَّظَر الی شُعورِ النّساء المَحْجوبات بالاَزْواج و غَیْرِهِنَّ مِنَ النّساء لما فیه مِنْ تَهْییجِ الرّجال و ما یَدْعوا التَّهْییج الی الفَساد و الدُّخول فیما لا یحلّ و لا یجمل(۵)». «نگاه به

موهـای زنـان باحجـاب ازدواج کرده و بـانوان دیگر، از آن جهت حرام شـده است که نگاه، مردان را برمی انگیزد و آنان را به فساد فرامی خوانـد در آنچه که ورود در آن نه حلاـل است و نه شایسـته». از مجمـوع گفتـار فـوق روشن می گردد که هـدف از وجـوب حجـاب اسـلامی علاـوه بر موارد مـذکور، ایجـاد صـلاح و پیشـگیری از فسـاد، جهت تـأمین و گسترش امنیّت اجتماعی است. امنیّت اجتمـاعی، فلسـفه حقیقی وجوب حجـاب یکی از فلسـفه هـای حقیقی وجوب حجـاب، حفظ آرامش زن، مصونیّت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشـیدن به امنیّت اجتماعی با توسـعه آن می باشد. زیرا نفس آدمی، دریایی موّاج از تمایلات و خواسته های اوست که مهم ترین آنها به خوراکی ها، امور جنسـی و مال و جاه و مقام، مربوط می شود و بدون شک بالاترین خواسته های مردان، تمایل به جنس زن است. در سـخنان عرفا آمده است: «أعْظَمُ الشَّهْوَة، شَهْوَةُ النّساء(۶)»: «بزرگ ترین خواسـته های مرد، رغبت به زنان است». ارائه زیبایی ها و مواضع بـدن زن، به شـهوت و طمع مردان، دامن می زند و آنها را به یک کانون جدّی خطر، مبدّل می سازد که به سلب آرامش زن و امنیّت اجتمـاعی منتهی می گردد. آنچه می توانـد از این نـاامنی پیشـگیری کنـد، پوشـش زن از چشـمان گرسـنه نامحرمان است که با حجاب کامل اسـلامی، عملی خواهد شد. پوشـش دینی، پیام عفت، شخصـیّت و خداترسی زن مسلمان است و مردان جـامعه نه تنهـا به چنین بـانویی چشم طمع نخواهنـد داشت که او را نیرویی بالفعل در هرچه وسـعت بخشـیدن امنیّت اجتماعی دانسـته و نجـابتش را می سـتایند. در این صـورت است که زن نه تنهـا در سـنگر حجـاب خـود، از تیر نگـاه هـای زهرآلـود، سـخنان آزاردهنـده و برخوردهـای اراذل جـامعه در امـان خواهـد بود، بلکه امنیّت و آرامش درونی خود و اجتمـاع خویش را برقرار خواهد کرد. نکته معنوی و عرفـانی قابل ذکر در این باب، پیام الهی آفریـدگار هستی، خطاب به زنان است: «ای زن! آگاه باش، دنیا خراب آبـادی است که هر نقطه آن به مین هـای شـیطان و نگـاه های آلوده، ناامن گشـته است. اما فرشـته های حجاب در محفل انس و یاد خـدا در امنیّتی بی نظیر به سـر می برنـد که دیگران از طعم آن بی خبرنـد(۷)». شب تاریـک و بیم موج و گردابی چنین حایـل کجا دانند حال ما سـبکباران ساحل ها پایه های تحقق امنیّت اجتماعی در سایه های حجاب بانوان پوششـی که اسلام آن را به عنوان یک حکم شـرعی اعلاـم کرده است، یـک عمـل ظاهری و گسسـته از عوامل و پایه ها نیست، بلکه حجاب، خیمه عفاف بانوانی است که آن را بر پایه های خود اسـتوار نموده و باعث ترویج ارزش امنیّت اجتماعی می گردند و به تحقق آن در جامعه اسـلامی، کمک می نمایند. اکنون شایان ذکر است که این پایه های اساسـی بیان گردد : ۱. ایمان به خـدا و جهان آخرت از مهم ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امنیّت اجتماعی جامعه را فراهم می نماینـد، این است که وقتی زن به خدای تعالی و علم و حکمت او ایمـان آورد و معتقـد گردد احکـامی که برای بشـریّت تشـریع کرده، بودن نقص و دارای آثـار مطلوبی است، از حکم الهی حجاب استقبال نموده، امنیّت اجتماعی جامعه را تضمین می کند. ۲. تقوا پرهیزکاری بانوان، ضامن تأمین امنیّت اجتماعی است و تا این پایه محکم معنوی در قلب بانوان شـکل نگیرد، حجاب را نوعی محـدودیّت برای خود قلمداد نموده و امنیّت اجتماعی انسان ها را تهدید می نماید. خانمی که بداند تقوای الهی پادزهر بیماری دل هاست که حجاب های تاریک جان را غرق می کند و لاـنه هـای هوس را برمی انـدازد، آن را به کـام جـان خود می ریزد تا عالم جانش، گلسـتان گل های سـلم، طاعت و تسـلیم گردد و خیمه حجابش را برمی افروزد تا حافظ بوسـتان ارزش های خویشـتن و آرامش درونی اجتماع خود شود. ۳. آگاهی شناخت سیمای زن، حقیقت حجاب، فلسـفه و آثار آن از جمله پایه های مسـتحکم پوشش دینی و تبلور امنیّت اجتماعی است. وقتی خانمی به پاسخ درونی خود که چرا بایـد پوشـیده بـاشم نایـل شود، پـایه هـای حجاب دینی در او شـکل گرفته و با آگاهی کامل به امنیّت اجتماعی ارزش می بخشـد و دوام آن را تضـمین خواهـد کرد. به طور کلّی، آگاهی زن نسـبت به آثار مطلوب حجاب و مهم تر از آنها مسأله امنیّت اجتماعی باعث می شود که نه تنها احساس سنگینی از پدیده حجاب ننماید، بلکه از آن به خوبی استقبال نموده، وسوسه های شیطـانی را هیـچ انگاشـته و آرامش برونی و درونی اجتماع را وسـعت می بخشـد. همچنین این پیام اصـیل و عرفانی را همیشه آویزه گوش های خود می گردانـد: «خواهرم! سـرزمین جانت را با خورشـید آگاهی روشن کن تا بر زوایای وجودت بتابـد و آن چنان که

هستی خود را بشناسی، آنگاه دریابی که حجاب باله های شنا به سوی سرچشمه هستی امنیّت فردی و اجتماعی کامل است و پوشش های مهیّج وزنه های سنگینی است که زن را غریق ژرفای مهیب دنیا نموده، امنیّت خود و جامعه خویش را برهم می زند». آثار و فواید حجاب اسلامی بر تحقق امنیّت اجتماعی آثار و فواید حجاب اسلامی بر گسترش امنیّت اجتماعی، بسیار است که برخی از آنها عبارتند از: ۱. ایجاد آرامش روانی بین افراد جامعه. ۲. جلوگیری از تهییج و تحریک جنسی و خنثی نمودن لذایذ نفسانی. ۳. کاهش چشمگیر مفاسد فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی. ۴. حفظ و استیفای نیروی کار در سطح جامعه اسلامی. ۵. حضور معنوی گرایانه زنان و مردان در محیط اجتماعی. ۶. کاهش تقاضای مدپرستی بانوان. ۷. حفظ ارزش های انسانی، مانند عفت، حیا و متانت در جامعه. ۸. مصونیّت زنان در همه زمانها و مکانها. ۹. سلامت و زیبایی موقعیّت اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان جامعه اسلامی. ۱۰. هدایت، کنترل و بهره مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی. ۱۱. مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب. ۱۲. از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار(۸). اکنون به توضیح برخی از فواید مذکور می پردازیم تا اثبات گردد حجاب از لوازم جدایی ناپذیر و ابزارهای اولیه و پایه ای جهت برقراری مداوم امنیّت اجتماعی است. ایجاد آرامش روانی در افراد جامعه نفس آدمی دریایی از خواستنی ها و تمایلات است. زمانی که به چیزی رغبت پیدا کند همانند دریا، توفانی می شود و تنها راه آرام شدن جزر و مد این دریا، رسیدن او به خواسته خویش است. لذا برای جلوگیری از چنین موقعیت مهلک و درد طاقت فرسایی، حجاب؛ داروی درمان کننده و موجد امنیّت و صفای روحی است. همانطور که یک بانوی تازه مسلمان آمریکایی می گوید: «سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان، رابطه مستقیم و غیرقابل انکار دارد(۹)». حفظ و استیفای نیروی کار اسلام با التفات ویژه به مسأله حجاب و پوشش زنان در محیط کار می خواهد که محیط اجتماع از لذت های ناهنجار جنسی، پاک شده و راه را جهت حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار، بگشاید. در مقابل، بی حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت های جنسی از محیط کار و کادر خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه و برهم زدن امنیّت اجتماعی آنان می گردد(۱۰). مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه با تهاجم فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است. به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی علیه السلام به جنگ فرهنگی متوسل شده گفت: «می ترسم آیین شما را دگرگون سازد، و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!»(۱۱). یکی از جنبه های مهم تهاجم فرهنگی غربی ها مبارزه با حجاب و از بین بردن امنیّت اجتماعی بوده و هست و این امر، مشخصا از زمان رضاخان شروع شد. به این صورت که تحت عنوان متحدالشکل شدن، با حجاب به مبارزه برخاستند و پوشیدن لباس روحانیّت را قدغن، و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام را نیز ممنوع کردند(۱۲). آنها همچنین به عنوان آزادی و هنر، انواع فساد و فحشا و ابتذال را ترویج دادند و حجاب را مانع اصلی این آزادی حقیقی معرفی کردند و امنیّت اجتماعی افراد جامعه را به خطر انداختند. حفظ حجاب و امنیّت اجتماعی و درک رابطه مستقیم و عمیق این دو مقوله، راهکارها و فواید بسیار ارزشمندی را جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب ارائه می دهند: ۱. باعث تبلیغ فرهنگ ناب اسلامی و تشویق جوانان به ازدواجِ موفقِ اسلامی می گردند. ۲. جوانان را جهت تقویت روحیه و حفظ آرامش درونی به جای سوق دادن به محیط فحشا و اعمال مبتذل، به شرکت در فعالیت های هنری، ورزشی، فرهنگی و مذهبی رهنمون می شوند. ۳. حفظ حجاب، نه تنها باعث ایجاد امنیّت اجتماعی فراگیر می شود، بلکه جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی، مسؤولان را از واردات کالای تجملاتی، لوازم بهداشتی و آرایشی مبتذل نهی می نماید(۱۳). آثار سوء بی حجابی و زوال امنیّت اجتماعی بی حجابی یا حضور تحریک کننده زنان در جامعه، از آثار زیانبار اخلاقی، سیاسی، آخرتی و اجتماعی مختلفی برخوردار است که یکی از مهم ترین آن ها زوال امنیّت اجتماعی است. بی حجابی با اثرات مهلک خود که در ذیل آمده و شرح داده می شود، باعث از بین رفتن بنیه اعتقادی و امنیّت اجتماعی بشریّت می گردد. ۱. سقوط شخصیّت حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از قوانین فطری، زن را از هویت او خارج می سازد و خروج از هویت انسانی همان و سقوط از جایگاه بلند ارزشی شخصیتی همان.

با افول شخصیّت زن، بی بندوباری در جامعه رایج و نظام خانوادگی مختل می گردد و در نتیجه امنیّت اجتماعی از افراد جامعه، سلب می شود(۱۴). سقوط شخصیت زن به دلایل زیر باعث اضمحلال امنیّت اجتماعی می شود: الف. زن با از دست دادن شخصیت خویش، ارزشهایش منهدم شده و هوسرانی را در جامعه رواج می دهد، در نتیجه سلامت اخلاقی و به دنبال آن امنیت اجتماعی نیز کاهش می یابد. ب. زنان، با غفلت از اصول اخلاقی اسلام، مسایل جنسی را به محیط جامعه کشانده و زمینه گسترش گناه و از هم پاشیدگی نظم اجتماع را به وجود می آورند. ج. زنان، با بی حجابی به معصیت کبیره خودنمایی گرفتار آمده و بی حیایی را در جامعه ترویج می دهند، در نتیجه امنیّت اجتماعی، نابسامان گشته، از بین می رود. ۲. تزلزل خانواده ها یکی از آثار زیانبار بی حجابی بانوان، تزلزل خانواده هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسایل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می گردند و روابط زناشویی در خانواده ها را متزلزل می کنند، در نتیجه امنیّت خانوادگی با خطرات جدی از قبیل از هم پاشیدگی بنیان خانواده و عقده مند شدن مردان، روبرو می شود و این مشکلات زیانبار به محیط جامعه کشیده شده، امنیّت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشفتگی جدی مواجه می سازد. از دیگر آثار سوء بی حجابی و تأثیر آن در زوال امنیّت اجتماعی می توان به فقدان تعادل فکری، روانی و اجتماعی افراد جامعه، ایجاد احساس بی مسؤولیتی در نسل جوان جامعه، از بین بردن انگیزه های ازدواج مشروع در جوانان و تقویت احساس بی ارزشی و پوچی انسان ها اشاره نمود، که به دلیل گستردگی بحث، از توضیح آنها خودداری می شود (ر.ک: مسأله حجاب، شهید مرتضی مطهری، ص ۸۰ - ۹۵. حجاب و جامعه، زهرا حسینی موسوی، ص ۹ - ۷۰ و حجاب شناسی، چالش ها و کاوش های جدید، حسین مهدی زاده، بخش شبهه های وارده در حجاب و پاسخ های نغز آن از سوی دانشمندان اسلامی). نتیجه از مباحث بیان شده در این مقاله، به خوبی رابطه حجاب و امنیّت اجتماعی، آشکار می گردد و نمایان می شود که اسلام، جهت حفظ امنیت اجتماعی، طرفدار حجاب بیشتر و حداکثر بانوان، به ویژه زنان و دختران جوان در بیرون از منزل و در مواجهه با نامحرم است. از دیرباز، بعضی از مصادیق حجاب برتر، مانند لباس های بلند، مقنعه و چادر مشکی، ضامن امنیت بوده و دارای اصل و ریشه قرآنی می باشند. از این مقاله به خوبی این نکته فهمیده می شود و به دست می آید که مسأله حجاب، یکی از مهم ترین چارچوب های احکام الهی جهت تضمین سعادت فردی و اجتماعی بشریّت است و اینکه عده ای با استفاده از شبهات و روش های القایی تبلیغ منفی، به جای ارائه دادن طرح مشخص و جالبی برای ترویج الگوهای مطلوب از حجاب اصیل و برتر، به جنگ روحی و روانی بر علیه زنان متدیّن و عفیف جامعه و اضمحلال امنیت اجتماعی اقدام می نمایند، به سختی در اشتباه و گمراهی آشکارند و باید بدانند که از اقدامات نابهنجار خویش سودی جز تخریب شخصیت درونی خود نخواهند برد. با توجه به واقعیّتهای موجود از حجاب در جامعه، باید تمام ابزارهای فرهنگ ساز از قبیل کتاب، مطبوعات و صدا و سیما به سوی ارزش های اسلامی که یکی از بارزترین آنها رعایت پوشش و حجاب برتر و مطلوب و امنیت اجتماعی فراگیر است، هدایت شوند و همه افراد را به مهم ترین وجهی رهنمون گردند. پی نوشت: ۱. نور، ۳۰. ۲. احزاب، ۵۹. ۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلامعلی حداد عادل، ص ۴۰. ۴. احزاب، ۵۳. ۵. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۴. ۶. محجة البیضاء، ج ۵، ص ۱۷۷. ۷. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۴ - ۱۶. ۸. برای آگاهی بیشتر درباره آثار و فواید پوشش و حجاب و امنیّت اجتماعی، ر.ک: مجموعه مقالات پوشش و عفاف، دومین نمایشگاه تشخیص منزلت زن در نظام اسلامی. ۹. ر.ک: آیین بهزیستی، ج ۳، ص ۲۱۹. ۱۰. مسأله حجاب: استاد شهید مرتضی مطهری، ص ۹۴ - ۸۴. ۱۱. «..انّی أَخافُ أنْ یُبَدِّلَ دِینَکُم أو أن یُظْهِر فی الارض الفساد»، سوره مؤمن، آیه ۲۶. ۱۲. ر.ک: انقلاب یا بعثت جدید، حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، ص ۱۷. ۱۳. ر.ک: پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، حمید دهقان، ص ۱۸۲ - ۱۸۰. ۱۴. تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، محمدرضا اکبری، ص ۱۹۰ - ۱۹۳.

آثار اجتماعی حجاب در جامعه

حجاب تنها یک دستورالعمل دینی و وظیفه شرعی برای زنان مسلمان نیست، بلکه از ضرورت های اجتماعی جوامع انسانی است که با وجود آن منافع و تاثیرات شگرفی در جامعه پدیدار شده و عدم رعایت آن، زیان ها و آثار مخربی در فرهنگ عمومی اجتماع و حتی اقتصاد و سیاست بر جای گذاشته است. زن درپرتو حفظ این ارزش می تواند عامل نیرومندی درجهت حفظ سنت ها و روابط اجتماعی سالم و ارزش های انسانی و معنوی باشد. به همین دلیل حجاب به عنوان بارزترین نشانه هویت زن مسلمان به شمار می رود و ما به وضوح در کشورهای اسلامی، آثار وجودی آن را می بینیم و در کشورهایی که با تجاوز استعمارگران، حجاب ازمیان رفته و یا کمرنگ شده، آثار زیانبار آن به خوبی مشهود و نمایان است. در این نوشتار به برخی از آثار حجاب اشاره شده است. مطلب را با هم ازنظر می گذرانیم: ۱- استحکام نهاد خانواده از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچکترین و مهمترین نهاد اجتماعی است. بارعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می شود و خانواده دارای ثبات خواهدشد. خداوند در سوره نور می فرماید: «و قل للمومنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن و لایبدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن...، به زنان مؤمن بگو چشم های خود را از نگاههای هوس آلود فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنید و زینت خود را جز از آن مقدار که نمایان است، آشکار نکنند و اطراف روسری های خود را بر سینه افکنند...» قرآن کریم به زنان امر می کند تا همه بدن خود را به جز صورت ها و دست ها از مچ تا انگشتان بپوشانند. این امر باعث ایجاد روابط صمیمانه زن و شوهر و منحصرشدن لذات جنسی به محیط خانواده و در محدوده ازدواج می شود. همچنین موجب می شود همسر قانونی در نزد فرد تنها عامل ارضای نیازهای جنسی تلقی شود و در نتیجه پیوند زن و شوهر محکمتر می شود و درنهایت به استحکام نهاد خانواده می انجامد. درحالی که زنان با خودآرایی و با پوشش مناسب در محیط اجتماع، زندگی خانوادگی خود و دیگر افراد جامعه را به خطر می اندازند و با کشاندن جاذبه های جنسی خود به کوچه وبازار، افراد جامعه را همیشه در حالت نوعی مقایسه قرارمی دهند که این امر اختلافات زیادی را درون خانواده ها باعث می شود. پس اولین منافع و مضرات در رعایت و عدم رعایت حجاب به خود فراد برمی گردد؛ «من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها؛ کسی که عمل نیکی انجام دهد، نفع آن برای خود اوست و اگر بد کند، ضررش نیز بر علیه خود اوست.» یعنی با افزایش آمار برهنگی و بی حجابی، آمار طلاق و بی بند وباری نیز بالا می رود و درمقابل از تعداد ازدواج ها و روابط سالم خانوادگی کاسته می شود؛ زیرا با وجود روابط و معاشرت های بی قید و بند و بودن زنان بی حجاب و بزک کرده درسطح جامعه، ازدواج تنها به صورت یک مسئولیت سنگین و تکلیف و محدودیت و عملی پرهزینه جلوه می کند و طبیعتا علاقه به ازدواج کمتر و کمتر می شود. و در نتیجه عدم گرایش جوانان به ازدواج، سلامت اخلاقی جامعه به خطر می افتد و دامنه فساد گسترش بیشتری پیدا می کند. این موج دامن بسیاری از خانواده های نوپا و دیرپا را خواهد گرفت. زنان ومردانی که در آغاز ازدواج های عشق گرم و خالصانه برای یکدیگر هستند، با وجود جامعه ای بی بندوبار و جذابیت به دنبال جدید و متنوع، در خانواده خود شور و جاذبه ای نمی بینند. چه بسا زنی که سال های متمادی در کنار همسر خود زندگی کرده و در غم و شادی درکنار همسرش بوده است و با مشکلات مختلف دست و پنجه نرم کرده، کودکانی پرورش داده وحال به طور طبیعی چهره جوانی اش را از دست داده و اکنون نیازمند آرامش و زندگی پرعشق و عاطفه درکنار همسر خویش است. دراین هنگام زنان جوان و باطراوتی که در اجتماع بدون حجاب، متاع هرکوچه و بازاری هستند، از راه می رسند و درمسیر زندگی او قرار می گیرند و اساس خانواده ای را که تا سال ها با رنج و سختی و امید و عاطفه رشد کرده را برهم می زنند. البته اگر مردان در چنین جامعه ای به تغییر قرآن حافظ نگاه خود باشند، بسیاری از این مشکلات قابل پیشگیری است. «قل اللمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم؛ بگو به مومنان که چشم فرو بندند و شرمگاه خود را حفظ کنند، این پاکیزه تر است برای آنها.» ۲- آرامش روانی دومین اثری که حجاب و عفت ورزی در جامعه به

وجود می آورد، ایجاد آرامش روانی و دوری از التهابات درونی است. عدم پوشیدگی زنان و معاشرت های بی بند و بار زنان و مردان همواره هیجان ها و التهابات جنسی را افزایش می دهد و در صورت پذیرش هر روز سرکش تر شده و به صورت یک بیماری و عطش روحی مطرح می شود؛ چرا که این میل تنها در جنبه های جسمانی آن مطرح نیست، بلکه دارای ظرفیت روحی وسیع و نامحدودی است که حتی جسم نمی تواند پا به پای آن به پیش رود. از سوی دیگر پاسخگویی به این نیاز هم همیشه به صورت دلخواه میسر نیست، در نتیجه احساس محرومیت و عقده های روانی، تعادل روحی فرد را بر هم می زند. در تحقیقات جدید ثابت شده زمانی که زمینه کامیابی و ارضای غرایز بعد از تحریک آن فراهم نباشد، اشخاص از نظر روانی، در فشار قرار می گیرند و رفته رفته ظرفیت عصبی آنان به انتها می رسد. در این هنگام به سرعت هورمون های آزاردهنده سمی در خون ترشح می شود و در زمانی کمتر از ۱.۱۰ثانیه مغز که با شبکه های ارتباطی به سراسر بدن وصل است، به کمک غده هیپوفیز و فرمان های مرکز هیپوتالاموس این سم را به همه اعضاء روانه می کند. این معنا در تعبیری دقیق از امام صادق(ع) چنین آمده است: «نگاه به نامحرمان تیری از تیرهای زهرآگین ابلیس است.» در مقابل این نظریه افرادی هستند که عقیده دارند پوشش و ایجاد محدودیت در روابط و معاشرت ها باعث افزایش التهابات می شود. این افراد در واقع پیرو مکتب فروید هستند و معتقدند ناکامی های جنسی است که باعث محرومیت ها و اختلالات روانی است و اگر مدتی موضوعات و مسائل منافی عفت در جامعه رواج یابد، جذابیت آنها کاسته می شود و مردم نیز علاقه چندانی به آنها نخواهند داشت. استاد شهید، مرتضی مطهری در پاسخ به این افراد می نویسد: «این سخن ممکن است در مورد یک موضوع خاص و یک نوع بی عفتی بالخصوص صادق باشد، ولی در مورد مطلق بی عفتی ها صادق نیست. یعنی از یک نوع خاص بی عفتی خستگی پیدا می شود، ولی نه بدین معنا که تمایل به عفاف جانشین آن شود، بلکه به این معنا که آتش و عطش روحی زبانه می کشد و نوعی دیگر را تقاضا می کند و این تقاضا هرگز تمام شدنی نیست. خود راسل در کتاب زناشویی و اخلاق اعتراف می کند که عطش روحی در مسائل جنسی غیر از حرارت جسمی است آنچه با ارضا تسکین می یابد، حرارت جسمی است، نه عطش روحی.» نمونه بارز این سخن را می توانیم در حرمسراهای پادشاهانی همچون خسرو پرویز ببینیم که هزاران زن در حرمسراهای خود داشت، ولی باز هم تقاضای زنان جدید می کرد و یا در دنیای غرب که با رواج مکتب فروید و آزادی های مطلق جنسی نه تنها به بی علاقگی نرسیدند، بلکه هر روز بر دامنه فساد افزوده می شود. این مساله به زنان و مردان محدود نیست بلکه هر روز آمارها و قوانین جدیدی در مورد تجاوز به کودکان و همجنس بازی را مشاهده می کنیم؛ چرا که روح بشر بسیار حساس و تحریک پذیر است و تنها با تعدیل و رام کردن غرایز سرکش است که سلامت روحی و روانی فرد تامین می شود. ۳-حفظ کرامت زن حفظ کرامت و شخصیت زن به وسیله حجاب و پوشش است. اگر نگوییم همه زنان، بیشتر زنان علاقه مندند جدای از زیبایی های جسمانی و خصوصیات ظاهری، مورد توجه قرار گیرند و قبل از اینکه نگاه جنسی به آنها شود، به عنوان یک انسان دارای فضیلت و دارای استعداد شناخته شوند و به اعتبار شخصیت انسانی شان در جامعه ارزشمند باشند، نه اینکه به خاطر زیبایی های جسمانی مورد ارزیابی قرار گیرند و بسیاری از کمالاتشان تحت الشعاع ظواهرشان ناشناخته و پنهان باقی بماند. اسلام نگاه دنیای امروز را به زن به عنوان یک کالای مصرفی و یک وسیله جنسی برای تبلیغ کالاهای مختلف و عاملی برای جذب مشتری و... نمی پذیرد. به همین دلیل است که حفظ هویت واقعی زن را در گرو پوشش و حجاب اسلامی می داند. به طور طبیعی زنانی هم که می توانند با ویژگی های اخلاقی خاص و علم و دانش و بصیرت و کرامت نفس شناخته شوند، هرگز خود را ملعبه دست دیگر افراد از بوالهوسان جامعه تا استعمارگران و سیاستمداران و فعالان اقتصادی قرار نمی دهند و نیازی به خودنمایی و تجمل گرایی ندارند. در مقابل کسانی که بهره ای از هویت انسانی و سرمایه های معنوی و اخلاقی ندارند کمبود خود را با عرضه ظاهر و اندامشان در جامعه جبران می کنند و تنها به عنوان یک زن مطرح می شوند و نه به عنوان یک انسان و اگر هم استعداد و خلاقیتی دارند هرگز شکوفا نخواهد شد. امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «کسی که کرامت و شخصیت انسانی، او را استوار نساخت، اهانت

و پوچی زنـدگی او را ادب خواهدکرد.» قرآن کریم هم حجاب را عاملی برای رعایت حرمت و احترام زن می شـمارد و می فرماید: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یـدنین من جلابیبهن ذلک أدنی أن یعرفن فلایوذین و کان الله غفوراً رحیماً؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلبات ها (روسری های بلند) خود را بر خویش افکنند. این کار برای اینکه شناخته شونـد و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.» آیت الله جوادی آملی در این زمینه می نویسد: «در هر بخشـی و هر بعدی از ابعاد، برای سیر به مدارج کمال بین زن و مرد تفاوتی نیست، منتها باید اندیشه ها قرآن گونه باشد؛ یعنی همانگونه که قرآن بین کمال و حجاب و انـدیشه و عفـاف جمع نمود، مـا نیز در نظـام اسـلامی بین کتاب و حجاب جمع می کنیم؛ یعنی عظمت زن در این است که مردان بیگانه را نبینـد و مردان بیگانه هم او را نبیننـد قرآن کریم وقتی از حجاب سـخن می گویـد، می فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گـذاردن و حرمت قائل شدن برای زنی که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند؛ لذا نظر کردن به زنان غیر مسـلمان را بدون قصد تباهی جایز می دانند و علت آن این است که زنان غیر مسـلمان از این حرمت بی بهره اند.» البته حجاب از منظر اسلام به معنـای صـرف پوشانـدن نیست، قرآن کریم بـا بیـانی لطیف در این بـاره می فرمایـد: «و یحفظن فروجهن» یعنی به زنـان با ایمان بگو شرمگاهشـان را حفـظ کننـد. تعبیر یحفظن به جـای یسترن- که به معنای پوشانـدن است- بـدین منظور است که هـدف حفظ کردن است، نه فقـط پوشانـدن. تنها پوششـی که عامل تحریک و جلب نظر باشـد، خواسـته خـدای متعال نیست؛ هـدف از پوشانـدن حفظ کردن است و البته که بـدون پوشانـدن حفظ کردن بی معناست؛ یعنی می توان خود را پوشاند، اما از نگاه و خطر حفظ نکرد. همان طور که افراد نمی تواننـد ادعا کننـد که بـدون پوشـش خود را حفظ می کنند، نمی توان ادعا کرد که همیشه هر پوشـیدن آمیخته با حفـظ کردن است. فلسـفه حجـاب قرآن کریم علت و فلسـفه حجـاب را چنین بیان می دارد: «ذلک أدنی آن یعرفن فلا یوذین» یعنی برای اینکه شـناخته نشونـد و مورد اذیت واقع نگردنـد؛ چراکه آنها تجسم کرامت و عفاف در جامعه هسـتند و حرمت دارنـد. علامه طباطبایی درمورد این آیه می نویسد: «پوشاندن همه بدن به اینکه اهل عفت و حجاب و صلاح و سدادند، نزدیک تر است. در نتیجه وقتی به این عنوان شـناخته شدند، دیگر اذیت نمی شوند؛ یعنی اهل فسق و فجور متعرض آنها نمی گردند.» این فلسفه قرآن کریم را درمورد حجـاب به راحتی می توانیم در جوامع امروز بشـری به چشم ببینیم که چگونه آمار تجاوزها و باج خواهی از زنان در محیط هـای مختلـف- چه امـاکن آموزشـی و چه در محیـط هـای کـاری ماننـد کارخـانه هـا، کارگـاه هـا و ادارجـات- به طور وسـیعی در کشورهای غربی افزایش یافته است. بسـیاری از زنان در محیط کار خود با باج خواهی جنسـی و ارعاب و تهدید همکاران و مدیران ارشد خود، روبه رو می شوند. طبق بررسـی ها مشخص شده است که آزار و اذیت جنسی در کشورهای صنعتی جهان باعث شده تا از هر ده زن یـک نفر کـار خود را رها کرده و بیکار شود. کسانی که از سوی کارفرمایان خود موردسوءاسـتفاده جنسـی قرار گرفته اند، عمدتاً با افسردگی روحی مواجه اند. گزارش سازمان ملل که با بررسی وضعیت ۲۳ کشور جهان تهیه شده است، می گوید این سوءاستفاده ها مدام درحال افزایش است و ۶۰درصد زنان شاغل که موردسوءاسـتفاده جنسی قرار می گیرند، به خاطر حفظ آبرو از شکـایت علیـه ایـن آزارهـا صـرف نظر می کننـد. گذشـته از ایـن بحـث، حجـاب و پوشـیدگی امری اسـت که خـود به خـود بـاعث ارزشـمندی زن و افزایش قـدر و منزلت او می شـود. این قاعـده کلی جوامـع انسـانی است که هر انـدازه چیزی به وفور و آسـانی در دسترس عموم قرار گیرد، از ارزش آن کاسته می شود و اگر رسیدن به آن به راحتی میسر نباشد و دور از دسترس قرار گیرد، ارزش و اعتبار بیشتری پیدا می کند. زن و نیازهای جنسـی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. ویل دورانت در این زمینه می نویسد: «خودداری از انبساط و امساک در بذل و بخشـش بهترین سـلاح برای شـکار مردان است... مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست و بی آنکه بدانـد، حس می کنـد که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می دهـد.» همچنین در جای دیگر می گوید: «آنچه بجوییم و نیابیم، عزیز و گرانبها می شود. زیبایی به قدرت میل بسـتگی دارد و میل با اقناع و ارضا، ضعیف و با منع و جلوگیری قوی می شود.» در روایـات اسـلامی تعـابیری چون ریحـانه در مورد زن به کـار رفته که مظهر ظرافت و طراوت شـمرده می شود. حجـاب

وسیله ای برای حفظ طراوت و ظرافت قرار گرفته تا در میان چشم های ناپاک جامعه به پژمردگی کشانده نشود. قرآن کریم هم زنان بهشتی را که یکی از نعمت های بزرگ بهشت می داند، با وصف پوشیدگی و محجوبیت ذکر نموده است که دست احدی به آنها نرسیده است: «کامثال لؤلؤ المکنون ؛ همانند مرواریدهای پوشیده و پنهان در صدف هستند.» «فیهن قاصرات الطرف لم یطمثن انس قبلهم و لاجان کانهن الیاقوت و المرجان» ؛ در آنجا زنان زیبایی هستند که پیش از آن دست هیچ انس و جنی به آنها نرسیده گویی یاقوت و مرجان هستند.» ۴- حفظ سلامتی زنان یکی دیگر از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری های مختلف است. نبود پوشش مناسب زنان و به دنبال آن بی بند و باری ولجام گسیختگی جنسی علاوه بر اثرات روحی و روانی، پیامدهای جسمی زیادی را به دنبال دارد؛ در حالی که بسیاری از این عوارض و بیماری ها آفریده خود انسان ها هستند؛ بلاهایی همچون ایدز که همه ساله میلیاردها دلار صرف درمان و ساختن واکسن برای پیشگیری از آن می شود، توسط انسان های بی بند و بار به وجود آمده است. در کشورهایی که اصولا اخلاقی رعایت نمی شود و از مذهب نیز فاصله گرفته اند، آمار مبتلایان بیشتر است. در مقابل کشورهایی که به اخلاقیات معتقدند و حجاب و پوشیدگی زنان نیز در آنجا بیشتر است، تعداد این بیماران کمتر است و هر جا که فرهنگ غرب و به دنبال آن فرهنگ برهنگی و بی بندو باری رواج می یابد، این بیماری ها نیز شیوع بیشتری پیدا می کند و همه اینها ساخته دست انسان های جاهلیت قرن بیستم است. امام رضا (ع) فرمودند: «هرگاه بندگان، گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی شدند، خداوند هم بلاهای تازه ای به وجود می آورد که تاکنون نمی شناختند.» ۵- استحکام جوامع اسلامی در برابر نفوذ بیگانگان با تمام آنچه گفتیم شاید مهم ترین اثر حجاب و دوری ازفرهنگ برهنگی که امروزه به صورت یک بیماری رواج می یابد، حفظ استحکام و استواری جوامع است تا جایی که بی حجابی و گسترش برهنگی در کشورهای اسلامی، یکی از ابزارهای مهم بیگانگان در سیطره و تسلط بر آن کشورها شده است. استعمارگران برای استثمار ذخایر عظیم انسانی و اقتصادی کشورهای اسلامی، نخست باید آنها را از درون تهی می کردند، برای همین باید هویت دینی از آنها گرفته می شد و حجاب از نشانه های ارزشمند وقدرتمند آن به شمار می رفت. برای این تسلط، زنان بهترین انتخاب بودند زیرا زنان بیشتر از مردان درگیر جنبه های ظاهری دنیا هستند و احساس و عاطفه نیز در آنها قوی تر است: «أو من ینشؤا فی الحلیه و هو فی الخصام غیر مبین ؛ آیا کسی (را شریک خدا می کنند) که در زر و زیور پرورش یافته و در مجادله، بیانش غیر روشن است؟» در اینجا قرآن کریم دو صفت از صفات زنان که در غالب آنها دیده می شود و از جنبه عاطفی آنان سرچشمه می گیرد، مورد بحث قرارداده: نخست علاقه شدید آنها به زینت آلات ودیگری عدم قدرت کافی بر اثبات مقصود به هنگام مخاصمه و جر و بحث (کمبود قدرت استدلالی).جاسوسان زبده استعمارگران در کشورهای اسلامی با شناخت فرهنگ حاکم بر کشورهای مسلمان نشین مهم ترین مجاری و ابزار نفوذ در فرهنگ ملی و مذهبی آنها را همین امر تشخیص دادند. در همین راستا مستر همفر جاسوس کهنه کار انگلیسی می گوید: «در مسأله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده ای به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید با استناد به شواهد تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی العباس متداول شده است و مطلقاً سنت اسلام نیست وچادر لباس قدیمی ایرانیان قبل از اسلام بوده و عبا لباسی است که خلفای عباسی برای زنان مسلمان رسم کردند. پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها راه بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد و برای پیشبرد این نقشه لازم است اول زنان غیرمسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آنان یاد بگیرند.» و اینگونه دنیای غرب با شناخت فرهنگ حاکم بر این کشورها همچنین وسیله قراردادن زنان و استفاده از سکس و برهنگی و با ارزش جلوه دادن آن و مقابله با حجاب و پوشش و روحیه عفاف، توانستند مردم را نسبت به مسائل و جریانات سیاسی و اجتماعی بی اعتنا سازند و به راحتی به غارت و چپاول ملل محروم و تسلط بر آنان مشغول شوند. آنها تمام کوشش خود را به رفع حجاب از زنان متمرکز کردند و با شعارهایی نظیر آزادی و رشد و ترقی زنان می خواستند آنها را از سنت های اسلامی و بومی

خود مانند تقید به ارزش هایی مثل عفت و پاکدامنی و پایبندی به خانواده دور کنند و این امر آغازی بود برای گسترش فحشا و بی بندو باری در میان اقشار مختلف مردم تا به تدریج روحیه بیگانه ستیزی و سلحشوری و غیرت دینی و ملی از آنها گرفته شود. البته این نکته نیز قابل ذکر است که اقدامات بیگانگان در زمینه کشف حجاب و کشاندن زنان به عرصه های بی عفتی با نام آزادی و پیشرفت و ترقی زنان تنها با انگیزه های سیاسی نبوده و نظام سرمایه داری غرب برای بازاریابی کالاهای تولید شده و داشتن مصرف کننده بیشتر همواره سعی در بهره کشی از زنان داشته است با از میان برداشتن حجاب و عفاف زنان و مسخ فرهنگی آنان، بازار مصرف آنها گرم و سود بیشتری به جیب کمپانی های بزرگ سرازیر می شود. پس مهم ترین مخاطب آنها جامعه زنان هستند؛ چون روح تجمل گرایی و زیبایی پرستی در آنان بیشتر از مردان است و بسیاری از آنها به راحتی تحت تأثیر تشعشعات خیره کننده زیبایی های ظاهری قرار می گیرند. با این حال بازهم حجاب سد راه آنهاست؛ چراکه در دنیای سرمایه داری اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده لایقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد. پس از کشف حجاب است که مصرف زدگی به شدت رواج می یابد. در جوامع سنتی و دارای حجاب، جلوه گری و حس غریزی زنان در آراستگی مجال زیادی برای حضور در بیرون از خانه نمی یابد. پس زنان احساس نیاز نمی کنند که برای عقب نماندن از قافله مد، با کفش و لباس جدید برای عرضه اندام به کوچه و خیابان بیایند و بسان افرادی که هیچ فعالیت و مسئولیتی در مقابل خود و خانواده و اجتماع ندارند، بر سر کیف و کفش و لباس و... جدید با هم رقابت داشته باشند و سود این رقابت و رنگارنگ شدن هر روزه آنها به جیب سرمایه داران و تولیدکنندگان غربی برود. باوجود اینکه بسیاری از این مصرف ها غیرعاقلانه و اسراف و تجمل پرستی است و مانند یک عطش روحی اشباع نشدنی هرروز گسترده تر می شود. ..... منبع:روزنامه کیهان (ص:۱) تاریخ:۱۳۸۷/۰۳/۰۷

آثار حجاب

در این نوشته برآنیم با توجه به آیات و روایات، آثار ارزشمند حجاب را همراه با خوانندگان خداجو و مؤمن، مرور نماییم–مطلب را با هم از نظر می گذرانیم: از جمله مباحثی که همواره به عنوان یک موضوع بحث برانگیز و جنجالی مطرح بوده، ذهن و ضمیر انسان ها را به خود معطوف و مشغول ساخته است، مقوله حجاب و تعیین حدود و ثغور آن است. بعضی از کشورها رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع تلقی کرده و مدعی هستند که رعایت حجاب برای خانم ها، دست و پاگیر بوده و مانع فعالیت های آنها در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می شود و از این ناحیه، آسیب های اقتصادی به جامعه می زند و پیامدهای روحی و روانی برای خانم ها دارد. برخی کشورهای دیگر، قانون حجاب را مغایر آزادی و دموکراسی معرفی نموده و با جدیت تمام با آن مخالفت می کنند و با کسانی که با میل و رغبت، حجاب و پوشش اسلامی را به عنوان یک وظیفه و تکلیف، رعایت نموده و در اجتماع ظاهر می شوند؛ با شدت برخورد نموده و از امتیازات اساسی و مهم اجتماعی مثل رفتن به مدرسه، دانشگاه، استخدام در ادارات دولتی، گرفتن گذرنامه و... محروم می کنند. آن هم در کشورهایی که خود را مهد فرهنگ و تمدن و پایه گذار دموکراسی معرفی کرده و از آزادی های فردی و اجتماعی صحبت می کنند. انسان های مؤمن و موحد، حجاب را به عنوان تکلیفی الهی، تلقی کرده و در انجام رعایت آن، مثل سایر واجبات الهی، خود و دیگران را ملزم می دانند و در انجام تکلیف و پوشش اسلامی از سرزنش و ملامت ملامت گران و توهین و تحقیر این و آن، افسرده و عصبانی نمی شوند؛ بلکه آن را به عنوان تکلیف الهی که باعث عفاف و پاکدامنی افراد و بهداشت و سلامت خانواده و اجتماع شده و رشد، ترقی و کمال آنان را به همراه دارد؛ با عشق و علاقه، رعایت می کنند و به دیگران نیز توصیه می نمایند. ۱) بهره مندی از پاداش الهی هر دین و آیینی برای خود

احکام و دستوراتی دارد، پیروان ادیان و مذاهب، برای اثبات ادعای پیروی، چاره ای ندارند جز این که در عمل، ضوابط و قوانین دین و آیینشان را رعایت نموده و در زندگی خود به آن، عمل نمایند. در مکتب اسلام رعایت حجاب اسلامی از جمله احکام مسلم و قطعی و لازم الاجرا است که باید از سوی افراد مؤمن و مسلمان، رعایت شود. رعایت حجاب اسلامی از سوی مسلمانان علاوه بر آثار ارزشمند دیگر، پای بندی نسبت به احکام شرع و اطاعت از دستورات الهی را نشان می دهد که پاداش الهی را به دنبال دارد؛ لذا خدای سبحان پس از بیان یک سلسله احکام و دستورات، می فرماید: «تلک حدود الله و من یطع الله و رسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و ذلک الفوز العظیم (۱): این ها مرزهای الهی است؛ و هرکسی، خدا و پیامبرش را اطاعت کند {و قوانین او را محترم بشمارد} خداوند او را در باغ هایی از بهشت وارد می کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است و جاودانه در آن می ماند؛ و این پیروزی بزرگی است." بنابراین، حجاب و پوشش اسلامی، اگر به عنوان انجام وظیفه و تکلیف الهی، رعایت شود، از مصادیق روشن اطاعت از دستورات خدا و پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص) به حساب می آید و اطاعت از خدا و پیروی از سنت پیامبر (ص) بر اساس آیات قرآن، اجر و پاداش جاویدان الهی را به دنبال خواهد داشت. ۲) آرامش روحی دسترسی به آرامش روحی و روانی، سهم قابل ملاحظه ای در پیروزی و موفقیت انسان داشته و دارد. کم نیستند انسان هایی که رسیدن به آرامش را به عنوان آرزوی نایاب، جست وجو می نمایند ولی به آن نمی رسند، به کارگیری دستورات سعادت بخش اسلام، موجبات آرامش روحی و روانی انسان ها را یقیناً فراهم خواهد نمود. و بالعکس عمل نکردن به آنها، آثار مخرب افسردگی روحی و روانی را به همراه خواهد داشت. رعایت حجاب اسلامی از جمله علل و عواملی است که تاثیر زیادی در ایجاد آرامش روحی و روانی دارد. برعکس، نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی در معاشرت و بی بند و باری، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای هر دو طرف را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی درمی آورد و این همان اضطراب روحی و روانی است. غریزه جنسی، قوه نیرومندی است که هر چه افسار گسیخته تر باشد، طغیان و سرکشی او بیشتر می شود، اگر دختران و زنان در اجتماع، پوشش لازم را نداشته باشند از آثار و پی آمدهای طغیان و سرکشی این غریزه خطرناک درامان نخواهند ماند و سرانجام آرامش خاطر خود را به دریای مواج و خروشانی مبدل خواهند نمود. شهید مطهری (ره) در کتاب مسئله حجاب می نویسد: «چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله جراید و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیررسمی و حتی در خیابان ها و کوچه ها انجام می شود." (۲) بی حجابی باعث ایجاد هیجان های شدید در میان مردها مخصوصاً جوانان می شود چرا که غریزه جنسی نیرومندترین غریزه در فرد است که با عشوه گری و آرایش و برهنگی زنان، این غریزه شعله ورتر خواهد شد، در چنین شرایطی جوانان یا باید به فساد و عیاشی و تجاوزگری روی آورند و به خواسته های قوه شهوانی جواب مثبت دهند و آرامش خود و دیگران را به خطر اندازند و یا با تخیل و تصور، با حالت افسرده و پریشان، زندگی بیمارگونه خود را ادامه داده آرامش خود و خانواده را برهم زنند. یکی از کارشناسان در این زمینه می گوید: «دوستانه می گویم که در تمام کلینیک هایی که با پسران جوان مبتلا به استمنا، ارتباط غلط، خودکشی کرده، فراری ها و... صحبت کرده ام، {متوجه شدم} همه ریشه از تحریک های جنسی توسط حضور دختران بی بند و بار در جامعه گرفته است، روزی هزاران نامه دریافت می کنم که حکایت از روان پریشی مردان جوانی دارد که با دیدن فلان شکل حضور زنان در جامعه به این روز افتاده اند." (۳) خدای سبحان خطاب به همسران پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «یا نساء النبی لستن کاحد من النسا ان اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا (۴)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید!» یعنی هنگام سخن گفتن، جدی و به طور معمولی سخن بگویید، نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توام با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت ران را به فکر گناه می افکند سخن

بگویید. (۵) اگر سخن گفتن با ناز و کرشمه، باعث تحریک شهوت مردان می شود، بی حجابی و بدحجابی به طریق اولی، آتش شهوت جنسی را در مردان شعله ور خواهد نمود. در مورد شأن نزول آیه ۳۰ به بعد از سوره نور، مفسران شیعه و سنی نقل کرده اند که: «روزی در هوای گرم مدینه، زن جوانی در حالی که رو سری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن و بناگوش او، پیدا بود؛ از کوچه ای عبور می کرد. مرد جوانی از انصار، آن حالت را مشاهده کرد و چنان غرق تماشا شد که از خود و اطرافش غافل گردید و به دنبال آن زن حرکت نموده تا اینکه صورتش به شی ای اصابت کرد و مجروح گردید. هنگامی که به خود آمد، خدمت پیامبر (ص) رفت و جریان را برای او بیان داشت. این جا بود که آیات سوره مبارکه نور نازل گردید.“ (۶) بنابراین، رعایت حجاب اسلامی، موجبات آرامش را هم برای خانم ها فراهم می نماید و هم برای آقایان. زیرا خانم ها با رعایت حجاب اسلامی در حقیقت احکام و دستورات الهی را عمل و رعایت کرده و از این طریق خود را به آرامش واقعی نزدیک می نمایند و از سوی دیگر مردان نیز با صحنه هایی که آتش شهوت را شعله ور می نماید کمتر مواجه شده در نتیجه دچار اضطراب و پریشانی نخواهند شد. امام علی (ع) می فرماید: «کسی که نگاهش را کاهش دهد، قلبش آرام می گیرد». ۷ و نعمتی بالاتر از آرامش قلب وجود ندارد، این موهبت بزرگ الهی اگر در اعضا و افراد جامعه ، محقق شود، جامعه نیز به تبع اعضا و افراد خود ، دارای آرامش خواهد شد. ۳) تزکیه هدف اصلی تشریع احکام اسلامی، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس وتقوا به دست می آید. از جمله اهداف بعثت انبیای الهی نیز تزکیه انسان ها ذکر شده است؛ خدای سبحان می فرماید: ”هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم ویعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین۸؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!» از جمله آثار ارزشمند رعایت حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه نفس است؛ چنان که خدای سبحان می فرماید: ”قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ، وقل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن ویحفظن فروجهن ولا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن۹؛ ای رسول ما! مردان مؤمن را بگو تا چشم ها را از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این برای پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است. و به زنان با ایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را برسینه افکنند (تاگردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند». خدای سبحان از زنان و مردان مؤمن می خواهد تا از نگاه کردن به نامحرم ، خودداری نمایند؛ چرا که نگاه، اولین گام تحریک و جلب زنان و مردان به همدیگر است؛ به دنبال نگاه، زمینه کشش ها و پیامدهای بعد تا بدترین مراحل ، فراهم می شود. در احادیث معصومین (ع)، نگاه به نامحرم و چشم چرانی به عنوان تیر زهر آلود شیطانی معرفی شده است. امام صادق (ع) می فرماید: «نگاه (و چشم چرانی) تیری از تیرهای مسموم شیطان است چه بسیار نگاه هایی که بعدها، حسرت و تأسف طولانی را به دنبال خواهد داشت ۱۰». امام علی (ع) نیز می فرماید: ”کسی که نگاه را رها سازد، حسرت و تأسف او ز یاد می شود۱۱». و در جای دیگر می فرماید: «نگاه و چشم چرانی، پیشاهنگ تمام فتنه ها است.“ ۱۲ در واقع، نگاه هایی آلوده، مسموم و شهوت انگیز، آتش درون را شعله ور می سازد که فرایند و محصولی جز فحشا، –سیاهی دل، مشکلات و نارسایی های اجتماعی، نخواهد داشت. چشم چرانی، دام شیطانی، بذر شهوت و رویشگاه فسق و فجور است که دل را می لرزاند، آرامش و ثبات را سلب نموده و باعث هرج و مرج و فتنه و فساد در جامعه می شود. اگر انسان بر خواسته های نفس خود، حاکم و مسلط شود و آن گونه که خدای سبحان می فرماید: نگاه ها را از جذابیت های حرام، دور سازد، نقطأ آغاز انحرافات بعدی را از خود دور ساخته و زمینأ تزکیه، خودسازی و رسیدن به جوار قرب الهی را درخود ایجاد نموده است؛ لذا خدای سبحان از جملأ آثار ارزشمند رعایت حجاب و خودداری از چشم چرانی و نگاه به نامحرم را تزکیه و خودسازی می داند. ۴) امنیت امنیت یکی از اصلی ترین نیاز انسان ها در

زنـدگی فردی و اجتمـاعی است؛ چرا که در سایـأ امنیت و آرامش، زمینه هـای تلاـش و فعالیت و در اداماً آن، رشـد و تکامل فراهم خواهـد شـد. در طرف مقابل، اضـطراب و ناامنی، فعالیت های تکاملی انسان را در عرصه های مختلف زنـدگی متوقف می سازد. از جملاًـ آثار ارزشـمندی که رعایت حجاب اسـلامی به همراه دارد، امنیت برای بانوان است؛ چنان که قرآن کریم می فرمایـد: «یا ایها النبی قـل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یـدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما۳۱؛ ای پیـامبر! به همسـران و دخترانت و زنـان مؤمنان بگو: «جلباب ها (روسـری های بلنـد) خود را بر خویش فرو افکننـد، این کار برای اینکه شـناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ {و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سـر زده، توبه کنند} خداوند همواره آمرزندأ رحیم است.“ خدای سبحان در آیأ شریفه، فلسفأ رعایت حجاب اسلامی را مصونیت خانم ها از آزار و اذیت اراذل و اوباش و انسان های آلوده و شـهوت طلب، معرفی می نماید. و این یک امر طبیعی است؛ اگر زنی بدون رعایت حجاب در کوچه و خیابان، ظاهر شود، چشـمان پرگناه و آلودأ انسان های شـهوت ران و فرصت طلب، او را دنبال خواهند کرد و موجبات آزار و اذیت و ناامنی او را فراهم خواهنـد نمود. ولی در صورتی که زنـان و دختران بـا رعایت کامل حجاب اسـلامی و با وقار خاصـی برای انجام فعالیت های روزانه در کوچه و خیابان رفت وآ مد داشـته باشـند، کسی جرأت آزار و اذیت آنان را در خود نخواهد دید. اگر در احادیث و روایات معصومین (ع)، زن به عنوان ریحانه و شاخأ گل، معرفی و تشبیه شده است، در ضـمن تعبیر ظریف و زیبا، این نکته را نیز می رسانـد که باغبان و نگهبان این شاخأ گل زیبا و ظریف، خیلی بایـد هوشـیار و مراقب باشد و در حفظ و نگهداری آن، کمال دقت و تأمـل را به خرج دهـد؛ چرا که در صورت عـدم دقت در حفظ و نگهـداری، دسـتان بی رحم گلچین، او را پژمرده خواهـد ساخت و سلامت و امنیتش را تهدید خواهد نمود. امروز یکی از معضلات اجتماعی جوامع متمدن که سنگ آزادی زن را به سینه زده و او را به نام آزادی، با پیکری عریان در صـحنأ اجتماع، وارد می سازند، مسـئله امنیت زنان است. سیل تجاوزهای به عنف و حتی تجاوز به محـارم و انواع خیـانت ها و جنایت های دیگر، دنیا را برای زن ناامن نموده و امنیت را برای او به آرمانی دست نیافتنی تبـدیل نموده است. گزارش های ناگوار و تکان دهنـده ای که از رسانه های گروهی دنیا در این زمینه در اختیار افکار عمومی قرار داده می شود، نیز این مطلب را تأییـد می کنـد و از بحران روحی و جنسـی در جوامـع امروزی خـبر می دهـد که هر دو، دست در دست هم داده و امنیت زن را خـدشه دار ساخته و آسایش خاطر او را سـلب کرده انـد؛ در حالی که رعایت حجاب اسـلامی می توانـد تاحدودی این مشـکل را حـل کنـد و امنیت خـانم هـا را تأمین نمایـد. نتیجه آنکه حجاب و پوشـش اسـلامی به عنوان یک وظیفه و تکلیف الهی و شرعی مطرح است که رعـایت آن علاـوه بر این که عمـل به تکلیف شـرعی و پیروی از سـنت پیامبر اکرم (ص) به حساب می آیـد، باعث تزکیه و خودسازی انسان و بهره منـدی او از اجر و پاداش جاویـدان و همیشـگی الهی در دنیای بعـد از مرگ خواهـد شد. در زندگی دنیوی نیز رعایت پوشـش اسلامی، مقام و منزلت زن محجبه را افزایش داده و باعث آرامش و امنیت او، خانواده ها و جامعه خواهد شد. پی نوشتها: ۱- سوره نساء آیه ۳۱. ۲- مسئله حجاب، شهید مرتضی مطهری ص ۷۸. ۳- مجله زن روز، ۱۱ بهمن ۲۸۳۱، شماره ۲۱۹۳، ص ۶۵. ۴- سـوره احزاب، ۲۳. ۵- تفسـیر نمونه، ج۷۱، ص ۸۸۲. ۶- تفسیرالمیزان، ج۵۱، ص۰۶۱. ۷- غررالحکم، عبدالواحد ص۰۶۲. ۸- سـوره جمعه، آیه ۲. ۹- سوره نور، آیه ۰۳ و ۱۳. ۰۱- وسایل الشیعه، ج ۰۲، ص ۰۹۱ ۱۱- غررالحکم ص ۰۶۲، کلام ۴۵۵۵ ۲۱- مستدرک الوسایل، ج۴۱، ص ۱۷۲. ۳۱- سوره احزاب، آیه ۹۵".

حجاب مختص زنان !!!

حجاب و پوشش در جامعه دینی ما از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است و خانواده ها اغلب سعی می کنند از کودکی ارزش این مسـئله را برای فرزنـدان خود تفهیم کننـد. در این میان شـیوه های آموزشـی و رفتاری مربی و خانواده می توانـد نقش بسـزایی را در موفقیت انتقـال مفـاهیم داشـته باشـد . چه اینکه اگر از روش های صـحیح اسـتفاده نشود شایـد حتی نتایـج عکس نیز داشـته باشـد و

جوانان را از پرداختن به وظایفشان در این زمینه دلزده نمایـد . در این مطلب دو دیـدگاه را مورد بررسـی قرار داده و شـرح می دهیم که از طریق این دو نظریه چطور می توان انتقـال دهنـده های خوبی برای تفهیم موفق پوشـش باشـیم. از منظر جامعه‌شناسـی فرهنگی ۳عنصـر اساسـی در فرهنگ وجود دارد؛ عنصـر اول عنصرشناختی و باورهاست. عنصر دوم، عنصر احساسی و تمایلی است؛ یعنی آن باور یک احساس مثبت و یک احساس مطلوب داشته باشد و عنصر سوم ما هم همان بعد رفتاری است. اصطلاحا ما می‌توانیم تمامی کالاها و فراورده‌های فرهنگی اعم از کتاب، مجله، فیلم، عکس، سـریال و هر چیز دیگری که تحت عنوان کالای فرهنگی یا فراورده فرهنگی قرار می گیرد یا حتی رفتارهای فرهنگی مثل با حجاب بودن یا بی‌حجاب بودن یا بدحجاب‌بودن و یا پوشش ناقص داشتن یا پوشش کامل داشتن را به لحاظ حجاب در این رده قراردهیم. پس ما ۳نظام مشخص را باتوجه به آن سه عنصر یا سه مولفه فرهنگی می‌توانیم ترتیب بدهیم یا بازشناسی کنیم؛ «نظام باورهای فرهنگی»، «نظام تمایلات و ترغیبات فرهنگی» و «نظام رفتارها، فراورده‌ها و کالاهای فرهنگی». اگر ما قرار است یک پیام فرهنگی به جامعه مخابره کنیم یا ارزشـی را در جامعه گسترده کنیم اولی بر این اسـت که به ترتیب از نظام اول به نظام سوم حرکت کنیم؛ یعنی بایـد در ابتـدا روی نظام باورها و شـناخت افراد کار کنیم.بحث این تئوری این است که اگر مـا قرار است یک پیام فرهنگی به جامعه مخابره کنیم یا ارزشـی را در جامعه گسترده کنیم اولی بر این است که به ترتیب از نظـام اول به نظـام سوم حرکت کنیم؛ یعنی بایـد در ابتـدا روی نظـام باورهـا و شـناخت افراد کار کنیم. انطباق آن با مسـئله حجاب این است که تمامی آیات و روایات و اسـتدلال‌هایی که به مسـئله حجاب برمی گردد؛ اسـتدلال‌هایی که حجاب را برای یک خانم و حتی یک آقا ضروری و موجه جلوه می‌دهد، از داخل و متن دین قابل استخراج هستند، حتی معطوف و ناظر به استدلال‌های ملی، دلایل ملی یا هویت ملی ما می‌تواننـد باشـند. تمامی این نقطه‌نظرات را در این بخش، نظام باورهای ما بایـد به افراد منتقل کند. در نظـام دوم ما به گونه‌ای بایـد نظام‌سازی کنیم که احساس زیبایی شـناختی افراد در قالب فراورده‌های فرهنگی، این حس را منتقل کنـد؛ مثل یک مجسـمه، عکس، کتاب، تصویر، یک قطعه شـعر زیبا و نقاشـی که بتوانـد آن باور و حس زیبا را به ایجاد یک حس مثبت در درون فرد معطوف کنـد؛ یعنی زیبـایی آن باور را برای آن فرد و در جان جامعه بتوانـد جایگزین و نهادینه کنـد. در نهایت هم ما باید انتظار داشـته باشیم که اگر عنصر اول نظام اول را تشبیه به زمین می‌کنیم عنصر دوم ما تشبیه می‌شود به درختی که در این زمین می‌رویـد و عنصـر سوم میوه‌ای است که این درخت می‌دهـد. بنابراین اینها توالی منطقی دارنـد و برای اینکه یک پیام فرهنگی نهـادینه شـود به طریـق اولی بایـد قطعـا اول زمین منـاسبی را فراهم کنیم، روی آن زمین بعـد از ریختن بـذر، بایـد کـاشت، داشت و برداشت مناسبی داشـته باشیم و بعد بذر یا درخت مناسبی را برای ثمر دادن در آن بنشانیم و در نهایت وقتی آن درخت در آن زمین کاشـته می‌شود از آن درخت انتظار دادن میوه‌های متناسب با آن درخت و آن زمین را خواهیم داشت. اگر این توالی منطقی رعایت شود می‌توانیم انتظار داشته باشیم که پیام‌های فرهنگی در جامعه نهادینه بشود. طبیعی است که «اختلال» وقتی به وجود می‌آید که ما این توالی را رعـایت نمی‌کنیم، یعنی یـا نظـام باورهـای ما مغفول واقع می‌شود یا در آن اهمال اتفاق می‌افتـد و یا در آن نقص اتفاق می‌افتـد، آن جـامعیت تزریق باورها در آن اتفاق نمی‌افتـد و مثلا ناگهان ما وارد مرحله دوم می‌شویم یا اصـلا نه، یک‌دفعه از مرحله سوم شـروع می‌کنیم؛ یعنی یک‌سـری کالاها و فرآورده‌های فرهنگی می‌دهیم که قبل از آن کارهای هنرمنـدانه انجام نداده‌ایم تا آن حس زیبایی‌شناختی درباره حجاب در افراد ترغیب شود. یا اینکه قبل از آن اصلا ما باورهای متناسب را به آنها نداده‌ایم که بخواهیم اجازه دهیم ظرفیت‌سازی در مورد حس زیبایی‌شـناختی در آنها اتفاق بیفتد. بنابراین شـما در هر مرحله‌ای اگر بخواهید میان بر بزنید و این ترتیب و توالی منطقی را رعایت نکنید در همه پیام‌های فرهنگی و از جمله حجاب و عفاف می‌توانیم این انتظار را داشته باشیم که آن فرد به طور ناقص از لحاظ فرهنگی جامعه‌پـذیر شود یا فرهنگ‌پـذیری در آن خیلی بـد و با اختلال اتفاق بیفتد؛ یعنی اختلال فرهنگی به وجود می‌آیـد. برای توضـیح بیشتر پدیـده حجـاب و عفاف در جامعه، خوب است از تئوری سیسـتم‌ها هم اسـتفاده کنیم، طبق تئوری سیسـتم‌ها اگر یک تعریف حداقلی از سیسـتم بخواهیم بدهیم می گوییم «سیستم» عبارت است از مجموعه عناصری که با

یکدیگر در ارتباطند و می‌خواهند هدف خاصی را محقق کنند. این یک تعریف ساده و حداقلی است. تربیت یک فرزند دختر یا پسر عفیف و مقید به پوشش مناسب تنها با گفتگوی عملی و عنوان کردن خوبی ها و بدی ها میسر نیست . بلکه خانواده و جامعه باید با حمایت از یکدیگر زیر ساخت های مناسبی را برای آن فراهم کنند اگر این سیستم بخواهد روی نظام فرهنگی اعمال شود و شما اگر بخواهید پیام فرهنگی خاصی را از درون این نظام فرهنگی بیرون بیاورید باید یک مجموعه عناصر داشته. مثل خانواده که یک عنصر در نظام فرهنگی است که کار جامعه‌پذیری فرهنگی و انتقال ارزش‌ها و باورها را انجام می‌دهد. مدرسه، دانشگاه و رسانه‌های ارتباط جمعی همه عناصر دیگری هستند و به همین ترتیب ما این عناصر را می‌توانیم داخل سیستم شناسایی کنیم. نظریه سیستم‌ها می‌گوید این عناصر نه تنها باید وجود داشته باشند بلکه باید با هم ارتباط سیستماتیک هم داشته باشند. و وقتی در پیام رسانی ضعف دیده می شود که اشکال اساسی در این قسمت ارتباطی دیده می شود. و در نهایت بعد از اینکه عناصر، ارتباط سیستماتیک با هم برقرار کردند قرار است هدفی تبیین شود. لذا برای نهادینه شدن حجاب باید اصولی و از بن و ریشه اقدام شود . تربیت یک فرزند دختر یا پسر عفیف و مقید به پوشش مناسب تنها با گفتگوی عملی و عنوان کردن خوبی ها و بدی ها میسر نیست . بلکه خانواده و جامعه باید با حمایت از یکدیگر زیر ساخت های مناسبی را برای آن فراهم کنند و تربیت را از پایه و اساس مستحکم و مستدل به صورت موجه شکل دهند . با توجه به نظریه سیستم ها اگر خانواده و اجتماع در یک سو با یکدیگر گام برندارند و در یک جهت آموزش ندهند نمی توانند مفاهیم با ارزشی مثل حجاب را به نحو احسن انتقال دهند . و یا بر طبق نظریه فرهنگی تا یک مفهوم به صورت باور در نیاید و یا زیبا قلمداد نشود نمی توان انتظار داشت تا مورد استقبال قرار گیرد . لذا باور ها باید از کودکی شکل بگیرد و با الگوهای دوست داشتنی زیبا و جذاب نیز تلقی شود تا تمایل افراد را به خود جلب کند . ما به عنوان پدر و مادر تا چه حد بر باورهای فرزندمان کار کرده ایم و در انتخاب محیطی که ارزش های همسو با خانواده داشته باشد دقت نموده ایم؟ دکتر شهلا باقری- ایران فراوری: کهتری

حجاب؛ خاموش کننده عطش غرایز

بعضی می گویند حجاب مایه عقب افتادگی است و مربوط به دوران های گذشته و انسان های بدوی می باشد، بعضی دیگر برای معلوم شدن میزان اعتبار پذیرش حجاب می گویند بهتر است آن را به رفراندوم بگذاریم. کلمه «حجاب» در زبان عربی، هم به معنای پوشیدن است و هم به معنی پرده و حجاب و بیش‌تر به معنای دوم به کار می رود. شاید بتوان گفت که بر حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست، آن هنگام پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد در اصطلاح فقها کلمه «ستر» که به معنی پوشش است، به کار می رود. ----------

---------- پوشش در ایران پدیده نوظهوری نیست. لباس ایرانیان باستان یکی از نشانه های عظمت و شکوه تمدن آن ها بوده است و به گفته مورخان زنان در ایران نیز جامه هایی بس باشکوه داشتند. درگذر سالیان دراز و پس از ظهور اسلام، ایرانیان دین اسلام را از جان و دل پذیرفتند و به دستورات آن گردن نهادند و پس از سایه گستر شدن دین اسلام بر زندگی ایرانیان، هر چیز معنای دیگری یافت و پوشش نیز همانند دیگر جنبه های زندگی آنان متاثر از دستورات اسلامی شد. احکام اسلامی که همانند شیره ای گوارا در کام ایرانیان ریخته شده بود، با ظهور و سقوط حکومت های خودکامه در کشور و استبداد حاکمان زورگو، نه تنها ذوب نشد بلکه در صدر فهرست زندگی ایرانیان جاخوش کرد. به این ترتیب زنان باتکیه بر ارزش های وام گرفته از شریعت و به پشتوانه ارزش های اسلامی بر حضور خود در اجتماع اصرار ورزیدند. تقاضای آنان و نیاز جامعه به وجود زنان در عرصه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی راه توسعه اسلامی و انسانی ایران را هموارتر کرد و روز به روز آثار مثبت حضور آنان در جامعه بیشتر هویدا شد.زنان ایرانی که نجابت، قداست، پاکدامنی و حجاب را از نیاکان خود به

نیکی وام گرفته اند، در سال های حضور خود در جامعه با پشت سر گذاشتن بسیاری از محدودیت ها و تنگناها توانستند به مرزهای دست نیافتنی برسند و دوشادوش مردان در توسعه و پیشرفت ایران آباد و آزاد بکوشند. با این پشتوانه اسلامی- ایرانی گمان می رفت که مسائل زنان در بسیاری از حوزه های اجتماعی و فرهنگی حل شده باشد. اما به اذعان بسیاری از کارشناسان هنوز مسئله پوشش، یکی از مسائل بزرگ جامعه ما محسوب می شود و بدحجابی معضلی است که نه فقط جامعه زنان بلکه کل جامعه و حتی جامعه مردان را نیز به خود مشغول کرده است و آسیب های ناشی از پوشش نامناسب، گریبانگیر این قشر از جامعه نیز شده است. در این باره با دکتر شکوفه گل خو رئیس پژوهشکده زنان به گفت وگو پرداختیم. وی درباره پوشش گفت: در دوران امپراتوری عظیم روم و ایران پوشش وجود داشته است و طبق آثاری که هم اکنون در موزه های مختلف از جمله موزه سوریه وجود دارد، مشاهده می شود که زنان خاندان سلطنتی حریری را به عنوان پوشش روی سر قرار می داده اند که تشخص و اعتباری خاص به آن ها می بخشیده است. آن ها به دلیل حرمتی که داشته اند پوشش متفاوتی از مردان به کار می بردند. هم چنین در ادیان مختلف پوشش مردان و زنان متفاوت بوده است. به این ترتیب مشخص می شود پوشش برای حرمت گذاردن به زن و قداست بخشیدن به او ریشه در تاریخ دارد و مختص دین اسلام نیست. البته حد و مرز پوشش برای زن نخستین بار در اسلام ارائه شد و در آیه های ۳۰ و ۳۱ سوره نور دقیقا این موضوع مشخص شده است. مردان به دلیل فیزیولوژی بدن از نگاه بیشتر تحریک می شوند و به همین دلیل زنان باید بیشتر خود را بپوشانند و از آن طرف به مردان توصیه می شود مراقب نگاه خود باشند نکته ظریف این جاست که اسلام با قراردادن حدومرز پوشش زن، در واقع اجازه ورود او را به جامعه صادر کرده است. قرآن همواره خطاب به جامعه مسلمانان از کلمه «مومنین» و «مومنات» استفاده می کند که این نشان می دهد که زن پابه پای مرد در جامعه حضور دارد اما با توجه به حدومرزی که برای او تعیین شده است. از سوی دیگر روح تمام دستورات دینی، یکی است و همگی براساس فطرت انسان ارائه شده است. طبق این تعریف پوشش فقط برای اعتلای شخصیت زن و مرد ارائه شده است. هم چنان که به مردان هم توصیه شده است که چطور لباس بپوشند یا نگاه خود را فرو ببندند. قوانین اسلامی جز برای سلامت روانی و اجتماعی مردم وضع نشده است.دکتر گل خو درباره علت تفاوت پوشش مردان و زنان گفت: این تفاوت منبعث از ساختار فیزیولوژیک زن و مرد است. از آن جا که فیزیولوژیک زن و مرد با هم متفاوت است پوشش آن ها هم متفاوت است. شما نمی توانید برای دوجنس متفاوت یک نسخه بدهید. مردان به دلیل فیزیولوژی بدن از نگاه بیشتر تحریک می شوند و به همین دلیل زنان باید بیشتر خود را بپوشانند و از آن طرف به مردان توصیه می شود مراقب نگاه خود باشند. این تفاوت نشان می دهد ساختار جسمی آن ها تا چه حد متفاوت است و رفتارها و پوشش آن ها هم در اجتماع باید از این امر تبعیت کند. در واقع این دستورات ضامن سلامت اجتماعی است. به گفته وی اصل فلسفه پوشش بر این مبنا قرار می گیرد و مسائلی نظیر مد اسلامی و رنگ پوشش و غیره فرع قضیه است. اگر اصل این نظریه و صورت منطقی به جوانان تفهیم شود، بسیاری از مسائل حل می شود. نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای جنسی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع ناشدنی در می آورد. غریزه جنسی مانند برخی صفات دیگر روحی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است که هر چه بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می شود اصول منطقی پوشش در صورت جاافتادن در جامعه نیاز به مداخله و مباحثه و غیره ندارد و درست مثل این است که بخواهیم درباره «بد بودن دزدی» سمینار بگذاریم! در تمام جوامع، حد و حدود حقوق اجتماعی دیگران قابل تعرض نیست و در جامعه اسلامی نیز یک خانم با پوشش نامناسب، آرامش روحی و روانی برادران دینی خود را بر هم می زند و این تعرض به حقوق اجتماعی آن هاست. در همین حال برخی خانم ها ادعا می کنند حقوق اجتماعی آن ها نادیده گرفته می شود، درحالی که این حقوق اجتماعی آقایان است که توسط خانم های بدپوشش مورد تعرض قرار می گیرد. به گفته وی خانمی که با هر پوششی در جامعه حاضر می شود فقط به خودش فکر می کند و جوان دیگری را دچار تضاد روحی، روانی می کند و آرامش

فکری و روحی او را برهم می زنـد.همـان طور که وقتی در یـک کتابخـانه آرامش حـاکم بر محیط را برهم می زنـد و دیگران برای خود حق اعتراض قائل می شوند، در صحنه اجتماع نیز باید نسبت به برهم زنندگان آرامش روانی و فکری جامعه که زنان بدپوشش هستند، اعتراض صورت بگیرد. نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بند و بار، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای جنسـی را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع ناشدنی در می آورد. غریزه جنسـی مانند برخی صـفات دیگر روحی غریزه ای نیرومند، عمیق و دریا صـفت است که هر چه بیشتر اطاعت شود، سـرکش تر می‌شود. اسلام به قـدرت شـگرف این غریزه سـرکش توجه کامـل دارد. روایـات زیـادی دربـاره خطرنـاک بودن «نگاه»، «خلوت با نا محرم» و «غریزه جنسـی» در روابـط زن و مرد، تـدابیری ماننـد احکـام نگاه کردن، پوشـش و حرمت نکاح اندیشـیده است. علاوه بر این بی‌حجابی و روابط آزاد جنسـی، موجب فرسایش و کاهش نیروی کل اجتماع است. حجاب اسـلامی نیروی مرد و زن را هدایت و بیمه می کند و هر کـدام در امـور مربوط به خود نهـایت بـازدهی را خواهنـد داشت، بـدون این که این همه هزینه و نیرو و وقت از دو طرف ضـایع شود. اسـلام بـا اصـل بیرون رفتن زن از خـانه و تحصـیل و فعالیت اجتماعی، سیاسـی و اقتصادی زن مخالف نیست، حتی بر مواردی همچون علم‌آموزی زنان سفارش می کند، اما همه این امور باید در چارچوب دستورات و معیارهای اسلامی باشد. این‌جاست که در صورت تعـارض بین برخی فعـالیت هـا در بیرون منزل بـا اغراض و تکـالیف دینی مثـل همسـرداری، تربیت کودکان و آلوده نکردن محیط و ترک گناه در هر شـکلی، باید بر رعایت احکام و اهداف الهی پافشاری کرد. متأسفانه در بسیاری از موارد حضور افراطی و حسـاب نشـده زنان در دانشـگاه، اداره، کارخانه و جامعه، تبعات سوئی را به دنبال داشـته و دارد. آنچه مانع تحرک جامعه و فعالیت هـای سازنـده در ابعـاد مختلف اجتمـاعی می‌شود، ستر زنـان نیست، بلکه مـانع حقیقی، پوشـش نامناسب، انـدام نیمه عریان، آرایش کردن، جلب جنس مخـالف، گفت‌وگو و خندیـدن و اختلاـط در محیـط کـار، درس و بـازار است. فراوری: کهتری بخش خـانواده ایرانی منابع: روزنامه خراسان امید انقلاب :: اردیبهشت ۱۳۸۶ - شماره ۳۷۸

حجاب ، عامل افزایش اعتماد به نفس

رعـایت مسـآله عفـاف و حجـاب در بهـداشت روان افراد بسـیار تـاثیر گـذاراست. به طـوری که اضـطراب و نگرانی را کم کرده ، و موجب بالاـ رفتن اعتمـاد به نفس اشـخاص می گردد.به گزارش سـتاد اطلاـع رسـانی نخستین جشـنواره و همـایش نور ، دکتر سـیما فردوسـی ، عضو هیات علمی دانشـکده روانشناسـی دانشـگاه شـهید بهشتی و کارشـناس برنامه های تلویزیونی ضمن بیان این مطلب گفت: جدیـدترین تحقیقـات نشـان داده زنـانی که مایـل به نشان دادن خود به مردان غریبه هسـتند، به توانایی های درونی خودشان اعتماد کافی ندارنـد و از همین رو به سـمت اسـتفاده از جاذبه های ظاهری روی می آورنـد. مـدیر سابق گروه روانشناسـی دانشـگاه شهیـد بهشتی، در ادامه به تفکرات تربیتی متفـاوت به عنوان آفتی برای پرورش دینی کودکان و نوجوانان اشاره کرد و گفت: جامعه مـا دارای تفکرات متفـاوت و سـبک هـای مختلف تربیتی است. بنـابراین لازم است در مرحله اول پـدران، مادران و معلمان مـدارس نسبت به جایگاه و اهمیت حجاب توجیه شوند تا در مرحله دوم با آموزش مفاهیم عفاف و حجاب از سنین خردسالی ، بتوانیم شاهد شکل گیری یک جامعه دینی یکپارچه باشـیم و نفاق ها و دوگانگی های شخصـیتی موجود که بر اثر تربیت های چندگانه است، بر طرف شود. وی درمورد تـاثیر رسانه ها به خصوص رسانه های تصویری و نقش آن در ترویـج فرهنگ عفاف و حجاب تاکیـد کرد: مخاطبـان در سـنین نوجوانی و جوانی به صورت ویژه ای از رسـانه هـا خصوصـا رسانه های تصویری الگو می پذیرنـد. بنابراین لازم است رسانه ها به شـکلی جـذاب مساله پوشـش را برای مخاطبان مطرح کنند و ویژه برنامه هایی را با تکیه بر تحقیقات محکم ترتیب دهند که باعث جذب نوجوانان، و جوانان گردد.

حجاب، چتر امنیت

فرهنگ، عفاف و پوشش منشا اصلی پیدایش لباس نیاز به محفوظ ماندن، عفیف ماندن و زیبابودن است، امااشتباه است اگر تصور کنیم که می توانیم این همه اختلاف و تنوع راکه در لباس افراد در جوامع و دورانهای مختلف دیده می شود، تنهابا درنظر گرفتن این سه اصل توجیه کنیم. تاثیر فرهنگ بر لباس مهم تر و کلی تر از آن است که از آن در ردیف سایرتاثیرها گفتگو کنیم . رابطه لباس و فرهنگ فرهنگ کلی ترین بخش و نگرشی است که یک جامعه نسبت به جهان دارد و اختلاف در لباس جوامع علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و... ناشی از فرهنگ ها وبینش های مختلف آنان است . نحوه لباس پوشیدن انسان بسته به این که برای جهان چه معنایی قائل باشد،خود را چگونه موجودی بشناسد، چه سرنوشتی برای خود تصور کند وسعادت خود را درچه بداند، تفاوت می کند. اگر در جوامع غربی مذهب و قانون تعیین کننده نوع پوشش نیست، نباید تصور کرد که مردم در انتخاب لباس آزادند. جامعه غربی با لباسی که برتن دارد، با ما سخن می گوید اگر به این سخن گوش دهیم فلسفه و فرهنگ غرب را خواهیم شنید. رابطه لباس غربی با فرهنگ غربی تمدن غرب، جلوه یک زندگی است که در آن دیگر معنویت و قدس اصالت ندارد و انسان موجودی نیست که حامل «روح الهی » باشد و بتواند خلیفه خدا در زمین شود. هیچ بهشتی او را به خود دعوت نمی کند، و ارزش زن به اندازه ارزش تن اوست. در چنین فرهنگی لباس وسیله ای برای پوشش تن نیست بلکه برای آرایش آن است و آنچه مدل لباس را تعیین می کند روانشناسی جنسی است و در حقیقت مبتکران مدهای تازه همواره در کار تنظیم نسبت میان برهنگی وپوشیدگی هستند تا بتوانند حداکثر جلوه و جاذبه را در این جنس وحد کثر اشتیاق را در آن حنس دیگر ایجاد نمایند. رابطه حجاب با فرهنگ اسلامی محدودیت هایی که برای غریزه جنسی در اسلام معین شده برای هدایت و رساندن انسان به مقصد است. تن، تنها بخشی از وجود انسان است، و انسان وظیفه خود را خطیرتر از آن می بیند که تنهابه «بدن نمایی » و آرایش جسم بپردازد... لباس به تن نمی کند که تن را عرضه کند، بلکه لباس می پوشد تا خود را بپوشد. لباس برای او یک حریم است به منزله دیواری و دژی است که تن را از دستبرد محفوظ می دارد و کرامت او را حفظ می کند. لباس برای آن است که تحریک جنسی را کم کند نه آن که بر قدرت تحریک بیفزاید، لباس پوست دوم انسان نیست، بلکه خانه اول اوست. لباس و سر ضمیر آرایش و نوع لباس از سرضمیرانسان خبر می دهد. همچنین لباس تحت تاثیر فرهنگ و معرف شخصیت افراد هست. میان شخصیت افراد وفرهنگ عمومی نیز ارتباطی قوی وجود دارد. نیاز به ابراز وجود خود به دیگران در جامعه فاقد ارزش های معنوی، به این دلیل است که تنها جامعه اصالت دارد و فرصت بودن و نشان دادن و لذت بردن تنها چند روزی است. در جامعه های غربی که نظام اداری محکم و تسلط دولتها بر آموزش و پرورش ووسایل ارتباط جمعی، افراد جامعه را روزبه روز به هم شبیه ترمی کند... فرد وقتی نتواند خود را از راههای منطقی ومعقول ممتاز و مشخص کند به هراقدام دیگری دست می زند و سعی می کند با ایجاد هرگونه تغییری در شکل لباس و نوع آرایش سرو صورت توجه دیگران را به خود جلب کند و خود را از گم شدن درجامعه نجات دهد. چرا که او که به حقیقتی برتر از جامعه مثلا خدا معتقد نیست و گم شدن در جامعه را فنای شخصیت و مرگ خودمی داند.» منطق عفاف –۱ زنی که تن و اندام خود را در معرض دید می گذارد می خواهد به جای انسانیت، با زنانگی خود جایی برای خود در دل ها یاشخصیت ها بیابد. در ان زمان کار به اینجا می کشد که دیگر از زن نه به عنوان یک موجود دارای شخصیت و هویت بلکه ازاجزای بدن او صحبت می آید . ۲– بی بندوباری در پوشش، بی بندوباری در تحریک است وبی بندوباری در تحریک بنیاد خانواده را متلاشی می کند. غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است. اماپس از ازدواج هرچه زمانی می گذرد، نقش غریزه جنسی در حفظ دوام خانواده کمتر می شود و به جای آن نقش عشق، تفاهم و وفاداری دربقای خانواده بیشتر می شود. هم در اینجا باید گفت که بی حجابی ریشه رخت خانواده را می خشکاند... سخن آخر و اینک تمدن غرب، چنین وانمود می کند که می خواهد برای انسان لباس بدوزد... اما در حقیقت به جای آن که لباس برتن او کند، او را برهنه ساخته است. آیا در این جهان که

همه اسیر و شیفته تبلیغات غرب شده اند مردمی پیدا می شوند که دلی به پاکی آن کودک داشته باشندو فریاد برآورند که آنچه به نام لباس در غرب به تن انسان می پوشانند، لباس نیست، بلکه برهنگی است. چرا آن مردم، ما نباشیم ؟ منبع: مرکز امور زنان و خانواده

www.noorfatemah.org